چاپ دوم

دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس

با گفتاری از
آیت الله هاشمی رفسنجانی



دکتر سیف الرضا شهابی

بسم الله الرحمن الرحيم

دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس

دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس

دکتر سیف‌الرضا شهابی

انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۸۷

سرشناسه: شهابی، سیف‌الرضا، ۱۳۳۱ـ
عنوان و نام پدیدآور: دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج‌فارس / سیف‌الرضا شهابی
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری: ۲۵۹ ص.: جدول
شابک: 978-964-423-666-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۷ (فیپا)
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۵] ـ ۲۵۹
موضوع: شورای همکاری خلیج‌فارس
موضوع: The Gulf Cooperation Council
موضوع: ایران ـ روابط خارجی ـ خلیج‌فارس، منطقه
موضوع: خلیج‌فارس، منطقه ـ روابط خارجی ـ ایران
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده‌بندی کنگره: DS۲۰۱/۲/ش۹د۹ ۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۳/۶
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۹۰۵۹۳

انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۶ـ ۲۹۹۹۳۴۵۵ تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲
فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج‌فارس

نوشتهٔ دکتر سیف‌الرضا شهابی

ویراستار: محمدحسین خسروانی حروف‌نگار: محمدحسین دزواره‌ئی صفحه‌پرداز: رحیم رمضانی گلدیانی
طراح روی جلد: رضا گنجی حروف‌نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۸۶ چاپ دوم: ۱۳۸۷ شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۸۰۰ تومان

شابک: ۲ـ۶۶۶ـ۴۲۳ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN: 978-964-423-666-2

تقدیم به:

همسرم دکتر نسرین غفاری به پاس همدلی‌ها و همراهی‌هایش

و با یاد ۲۹۰ مسافر بی‌گناه هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران که در ۱۲تیرماه ۱۳۶۷ (۱۹۸۸/۷/۳) پروانه‌وار، در آتش بیداد سوداگران جنگ و جنون سوختند و خاکستر شدند

فهرست مطالب

مقدمه

از هنگامی که شورای همکاری خلیج‌فارس[1] بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (هشت ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق) تشکیل شد، همواره این سؤال در اذهان وجود داشته است که چرا از ایران که بیشترین ساحل را در شمال خلیج‌فارس در اختیار دارد، برای عضویت در این شورا دعوت به عمل نیامد پاسخ خوش‌بینانه این بود که وجود جنگ ایران و عراق مانع دعوت این دو کشور برای عضویت در شورای همکاری خلیج‌فارس شده است و در شکلی غیرخوش‌بینانه اینکه عربستان سعودی به اتفاق ۵کشور کوچک‌تر ساحلی فرصت یافته‌اند تا در غیاب دو قدرت دیگر حوزه استراتژیک خلیج‌فارس (عراق و ایران) گردهم آیند و سازمانی در قالب و قواره سازمان‌های همکاری منطقه‌ای تشکیل دهند و به حل چالش‌های منطقه بپردازند.

پایان جنگ ایران و عراق، فرصتی مناسب برای همه کشورهای منطقه خلیج‌فارس پدید آورد تا گردهم آیند و مناقشات خود را در فضایی آکنده از برادری و برابری حل کنند و امنیت پایدار را مُستقر سازند تا منطقه شاهد صلح و ثبات و توسعه باشد.

1. Persian Gulf Cooperation Council (PGCC)

متأسفانه این موضوع به لحاظ پاره‌ای ملاحظات جانبی تحقق پیدا نکرد تا آنکه عراق به کویت حمله کرد و بهانه‌ای برای حضور بیشتر و طولانی‌تر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای عربی و اسلامی ساحلی خلیج فارس فراهم شد و به جای آنکه امنیت توسط کشورهای ساحلی تأمین شود، در گرو حضور بیگانگان قرار گرفت. چه بسا، اگر عراق و ایران به عضویت شورای همکاری در می‌آمدند حمله عراق به کویت و اشغال آن کشور رخ نمی‌داد و یا به سادگی حل می‌شد؛ زیرا از نکات مثبت و زیرساختی سازمان‌های همکاری، وجود همگرایی در میان اعضاء است و هر عضو بخواهد سازی جداگانه بنوازد، توسط دیگر اعضاء کنترل می‌شود و در فعالیت همگون جمعی، تحرکات انفعالی مفهومی حذفی دارد که به سود هیچ‌کدام از اعضاء نخواهد بود.

بعد از اخراج عراق از کویت، کینه و دشمنی کویت به عراق به حدّی رسید که ورود عراق را به شورای همکاری خلیج‌فارس ناممکن ساخت، هرچند فرصتی بود تا ایران به عضویت شورای همکاری درآید که متأسفانه تحقّق پیدا نکرد. زیرا ورود ایران به شورای همکاری موجب می‌شد تا بغداد از یک تهدید به یک فرصت تبدیل شود و درصدد همگونی با کشورهای منطقه برآید و در این صورت، بهانه برای حمله آمریکا به عراق و ایجاد ناامنی در منطقه از بین می‌رفت. اکنون هم به مصداق هرگاه جلوی ضرر گرفته شود به منفعت است، باید از فرصت سوزی بیشتر جلوگیری کرد.

براین اساس، از مدت‌ها قبل در این فکر بودم که در مجموعه‌ای به دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس پرداخته شود و به مناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس شورای همکاری خلیج فارس و گذشت ربع قرن، این فرصت فراهم شد.

امید است این مجموعه بتواند گامی مؤثر در راه نزدیکی بیشتر بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بردارد.

در اینجا، لازم می‌دانم از بذل عنایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای قبول درخواست نگارنده جهت مصاحبه صمیمانه تشکر کنم.

در پاییز سال ۲۰۰۵ کوشش شد گفت‌وگوهایی با سفرای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در تهران صورت گیرد تا خوانندگان کتاب از دیدگاه‌های آنها بهره‌مند شوند که متأسفانه با موفقیت همراه نبود. مصاحبه‌ای با دکتر عبدالقوی عبدالواسع الاریانی سفیر سابق یمن در تهران انجام گرفت که به شکل مکتوب، رویِ سربرگ سفارت پاسخ دادند که در فصل‌های مختلف کتاب از آن استفاده شده است.

جا دارد از مساعدت آقایان: جلال رفیع ـ دکتر ابوالقاسم قاسم‌زاده ـ مهندس جواد رفیع ـ غلامی ـ رمضانی ـ خسروانی و سایر بزرگوارانی که مرا در انتشار این کتاب یاری داده‌اند، سپاسگزاری کنم.

از برادر عزیز جناب مجید ادیب که در ترجمه متون عربی به‌اینجانب کمک کردند تشکر دارم.

دکتر سیف‌الرضا شهابی
۱۳۸۶/۳/۱۵

پیش‌گفتار

شورای همکاری خلیج فارس که در ماه مه ۱۹۸۱ در شهر ابوظبی امارات متحده عربی شکل گرفت و به طور رسمی اعلام موجودیت کرد، تا مه ۲۰۰۶ دقیقاً ۲۵ سال یعنی ربع قرن را پشت سر نهاده است، در این مدت ۲۶اجلاس سران که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و تعیین استراتژی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است، در پایتخت‌های کشورهای عضو تشکیل شده است.

شایان ذکر است که اجلاس بیست و ششم در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۵ (ذیقعده۱۴۲۶) همزمان با سالروز ملی امارات متحده عربی در هتل قصر الامارات (ابوظبی) برگزار و به نام ملک‌فهد پادشاه متوّفی عربستان نامگذاری شد.

طی این ۲۵ سال ۹۹ اجلاسِ وزرای خارجه برگزار شده و اجلاس‌های وزرای دفاع، امور داخلی و اقتصادی به مناسبت‌های گوناگون، برای مطالعه و بررسی و ارائه راهکار به اجلاسهای سران هراز گاهی برپا شده است، ولی عمده‌ترین آنها همان اجلاس‌های سران است که در هر کدام با صدور قطعنامه‌ای به تبیین و تشریح سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شورا می‌پردازند.

اهمیت سپری شدن ۲۵ سال از عمر شورای همکاری، از دید سران کشورهای عضو نیز دور نمانده است. به‌طوری که در پیش‌گفتار قطعنامه اجلاس ۲۶، سران شورای همکاری با عبارات زیر، به این موضوع توجه نشان داده‌اند:

«در ابتدا بیست و پنجمین سال تأسیس شورای همکاری را گرامی می‌داریم که نقطه شروع آن در شهر ابوظبی به ریاست مرحوم مغفور شیخ زاید بن سلطان آل نهیان بود و اکنون در عهد خلف صالحش عالی‌جناب شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان نیز مجدداً برگزار می‌شود. شورا از مؤسسان آن تشکر می‌کند به خاطر زحماتی که برای توسعه و پیشرفت کشورهایشان تقبل کرده‌اند. رحمت خداوند بر آنان باد. بنیانگذاران شورا بر امنیت و صلح برای کشورهای عضو شورای همکاری و رفاه شهروندانشان اهتمام داشتند و خدمتگزارانی صادق برای دو امت عرب و مسلمانان بودند و صلح را برای منطقه و جهان آرزو می‌کردند. خداوند به آنها جزای خیر عطا فرماید. رهبران شورای همکاری، بر افزایش دستاوردهای این شورا در زمینه‌های گوناگون به منظور تحقق و تأمین انتظارات شهروندان عضو شورای همکاری تأکید دارند».[1]

همچنین در اجلاس نودونهم وزرای امور خارجه که در شهر ریاض عربستان به ریاست شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر خارجه امارات عربی متحده تشکیل شد، از دستاوردهای شورای همکاری در طول ربع قرن گذشته در زمینه‌های گوناگون ابراز خشنودی کردند و خواستار موفقیت‌های هرچه بیشتر آن شدند.[2]

در ورای اجلاس سران و وزرای کشورهای عضو شورا که به ارزیابی کارنامه شورا در ربع قرن گذشته پرداختند و تقریباً همگی عملکرد آن را مورد تأیید و تمجید قرار دادند، در محافل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی منطقه و مجامع بین‌المللی نیز به ارزیابی عملکرد ۲۵ ساله شورای همکاری

پرداخته شد و هریک از کارشناسان، براساس دیدگاه خود به ابراز نظر پرداختند.

برخی از صاحب‌نظران با نگاه کارشناسانه برآنند که به علت فقدان راهکارهای اساسی در روند سیاست‌های شورا و وجود اختلاف میان کشورهای عضو پس از ۲۵ سال که از عمر شورای همکاری می‌گذرد، در مقایسه با بلوک‌های مشابه، عملکرد ضعیفی از خود نشان داده است.

از نظر این دسته از تحلیلگران:

۱ـ وجود اختلاف نظر در اتخاذ مواضع سیاسی مشترک درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی

۲ـ ناهمگونی در سیاست‌های دفاعی، سیاسی، اقتصادی

۳ـ روند کند اصلاحات در سطح شورا

۴ـ انعقاد قراردادهای یک‌طرفه با قدرت‌های بزرگ ناهماهنگ با سیاست شورا

از عمده‌ترین چالش‌هایی است که شورای همکاری با آنها روبروست و سبب شده تا رهبران شورای همکاری خلیج‌فارس نتوانند در ۲۵ سال اخیر به راه‌حل‌های بنیانی جهت حل مسائل و اهداف منشور آن دست یابند.

در عین حال از نظر منتقدان، موفقیت در زمینه اقتصادی را بیشتر از دیگر زمینه‌ها نظیر حوزه‌های سیاسی و نظامی می‌دانند؛ به طوری که بخش وسیعی از مصوبات اجلاس‌های سران اختصاص به بعد اقتصادی دارد. در نظر این دسته از صاحب‌نظران، در حوزه اقتصادی هم تاکنون نتوانسته‌اند در ایجاد یک بلوک اقتصادی برخوردار از پول واحد، بانک مرکزی مشترک، بازار مشترک، منطقه آزاد تجاری، تأسیس خط آهن سراسری و تأسیس شبکه برق مشترک که از مهم‌ترین اصول و پایه‌های اقتصادی برای یک مجموعه منطقه‌ای است، به طور فعال و یکپارچه عمل کنند.

آقای دکتر عبدالقوی عبدالواسع الاریانی[3] سفیر سابق یمن در تهران در

مصاحبه اختصاصی با نگارنده در مورد ارزیابی عملکرد ۲۵ ساله شورای همکاری خلیج فارس اظهار داشت:

«هرچند شورا به اهدافی که برای آن تأسیس شده بود دست نیافت، اما می‌توان گفت توانسته است در این مدت، گام‌های قابل توجهی بردارد و موجب تقویت و توسعه همکاری اقتصادی و بازرگانی میان کشورهای عضو شود و نهادهای مشترک متعددی را تأسیس کند و با حذف تعرفه گمرکی، دوگانگی مالیاتی میان کشورها را از بین ببرد. اما همکاری در زمینه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی در حد مطلوب نبود».

آنانی که عملکرد شورای همکاری را منفی می‌بینند اظهار می‌دارند: «بعد از گذشتِ بیش از ۲ دهه از تاریخ تشکیل شورای همکاری، این تشکیلات همچنان با بحران هویت روبروست. اعضای شورا به هیچ‌کدام از اهداف اولیه خود مانند امنیت، ایجاد اتحادیه فدرالی، نیروی واحد نظامی سپر جزیره و وحدت اقتصادی دست نیافته‌اند، این در حالی است که کشورهای شورا با مسائل کسر بودجه، بیکاری، جمعیت خارجی، مشارکت سیاسی و به‌ویژه افزایش سیطره خارجی مواجه هستند. به گفته یک استاد علوم سیاسی دانشگاه قطر موسوم به محمدصالح مسفر (در سال ۲۰۰۰ میلادی): ظرف ۱۰ سال آتی هیچ آینده‌ای برای شورای همکاری وجود نخواهد داشت، مگر آنکه یمن و عراق به آن ملحق شوند».[۴ و ۵]

آنچه در فوق به آن اشاره شد، بخشی از دیدگاه‌های موجود درخصوص ارزیابی عملکرد ۲۵ ساله اخیر شورای همکاری است. در این کتاب تلاش شده دیدگاه‌های این شورا براساس مستندات شورای همکاری خلیج فارس که مهم‌ترین و معتبرترین آنها قطعنامه‌های اجلاس‌های سران کشورهای عضو شوراست (که سالی یک بار و تقریباً در پایان هر سال میلادی منتشر می‌شود)، مورد ارزیابی قرار گیرد. اگرچه به علت جوان بودن شورای همکاری و با توجه به اینکه هنوز عمر چندانی از حیات و فعالیت آن

نمی‌گذرد، مورد ارزیابی دقیق صاحب‌نظران قرار نگرفت. بر این اساس در این مجموعه سعی شده بیشتر اخباری مورد استناد قرار گیرد که حکایت از رویدادهای شورا دارد و در سایت شورای همکاری و پایگاه اینترنتی مرکز تحقیقات خلیج [فارس] و یا مطبوعات کشورهای عضو منتشر می‌شود. به هرحال امیدوارم خوانندگان محترم در این کتاب با دیدگاه‌های این شورا و کشورهای عضو و موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های آنها آشنایی بیشتری پیدا کنند.

از آنجا که شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان یک سازمان همکاری در همسایگی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است، همان‌گونه که بسیاری از تصمیمات و دیدگاه‌های تهران می‌تواند بر فعل و انفعالات حوزه خلیج فارس تأثیرگذار باشد، به همان نسبت تحرکات شورا نیز قادر است بر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات مثبت و منفی بر جای گذارد.

۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) با جمعیت اندک و ثروت فراوان در پی حفظ امنیت در داخل و ثبات منطقه هستند و هر قدرتی که بتواند این دو هدف راهبردی را برای آنها تأمین کند، از دیدگاه آنها دوست تلقی می‌شود و طبعاً هر حکومتی که آرامش آنها را متلاطم سازد، دشمن شناخته می‌شود.

اگر تهران قادر باشد به این کشورها ثابت کند که امنیت آنها امنیت ایران و ثبات منطقه از اهداف استراتژیک ایران به شمار می‌رود، گامی بزرگ برداشته و همگرایی را توسعه می‌بخشد که حاصل آن استقرار امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس است و عکس آن، تبعات بسیار زیان‌باری برای هردوطرف در بر خواهد داشت.

«پیوندی عمیق بین امنیت ایران و امنیت خلیج فارس وجود دارد. ایران با ساحلی طولانی که کل سواحل شمال را در اختیار دارد، نمی‌تواند به لحاظ امنیتی از کشورهای منطقه جدا باشد و ما هرگونه تنش و بی‌ثباتی در

کشورهای منطقه را به ضرر امنیت ملی خودمان می‌دانیم، زیرا هرگونه ناآرامی و تنش به معنای حضور بیشتر بیگانگان در منطقه خواهد بود به همین دلیل، ما امنیت کشورهای جنوبی ساحل خلیج فارس را امنیت خودمان می‌دانیم و امنیت خلیج فارس را همبسته با امنیت ایران تلقی می‌کنیم».[۶]

با توجه به اینکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای منافع خویش را در بی‌ثباتی منطقه و بروز تنش میان کشورهای دوسوی آبهای گرم و نیلگون خلیج فارس می‌بینند، لذا برای جلوگیری از واگرایی، باید طرف مقابل را مورد شناسایی دقیق قرار داد و از اهدافش آگاهی داشت. دیوار بی‌اعتمادی را فرو ریخت و اعتماد متقابل به وجود آورد. باید توجه داشت که ایران در منطقه‌ای قرار دارد که منابع واگرایی آن نسبت به هم‌گرایی بیشتر است.[۷] بنابر این، برای ایجاد اعتماد باید به اصول زیر توجه داشت:

۱ـ گفت و گو جهت اعلان منطقه خلیج فارس به عنوان منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و عدم اجازه ورود به ناوگان‌های خارجی که حامل سلاح‌های اتمی یا کشتار جمعی هستند.

۲ـ نقش ایران به عنوان پل ارتباطی بین خلیج فارس با دریای خزر، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز و آمادگی ایران برای ایجاد یک همکاری در کل این منطقه حساس که یک سمت آن خلیج فارس و سمت دیگر آن دریای خزر است.

۳ـ شفافیت کامل در خریدهای تسلیحاتی در منطقه برای ایجاد اعتماد در منطقه

۴ـ انتقال اطلاعات از رزمایش‌ها، فعالیت‌های نظامی و ایجاد زمینه برای مشارکت در رزمایش‌های منطقه‌ای

۵ـ هماهنگی و همکاری برای مبارزه با مواد مخدر در منطقه

۶ـ همکاری کشورهای منطقه برای مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته

۷ـ ایجاد همکاری جهت مسائل زیست‌محیطی در منطقه
۸ـ ایجاد همکاری در سرویس‌های اطلاعاتی در منطقه
۹ـ ایجاد تسهیلات جهت افزایش همکاری‌های اقتصادی ازجمله مسأله قیمت نفت با توجه به تورم جهانی
۱۰ـ تضمین منطقه در جهت صدور آزاد نفت از منطقه به کل جهان
۱۱ـ مذاکره کشورها برای ایجاد سازمانی برای همکاری و امنیت خلیج فارس با حضور همه کشورهای منطقه
۱۲ـ گفت‌وگو برای رسیدن به امضای معاهده عدم تجاوز در بین کشورهای منطقه[8]

اعتمادسازی در نگاه صاحب‌نظران

«اعتمادسازی، تدبیری است که به منظور کمک کردن به کاهش و یا کاستن خطرات مناقشه مسلحانه و خطرات کژفهمی و محاسبه نادرست فعالیت‌های نظامی که ممکن است نگرانی‌هایی برانگیزد، اتخاذ می‌شود؛ به‌ویژه در شرایطی که کشورهای مشارکت‌کننده فاقد اطلاعات به موقع و روشن در باب ماهیت این فعالیت‌ها باشند».[9]

«به عبارت دیگر هیچ‌یک از طرف‌های درگیر، سر آن ندارد که علیه یکدیگر به یک اقدام نظامی خصمانه دست زند».[10]

برای اعتمادسازی براساس اظهارات نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ و دبیر شورای امنیت ملی وقت حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی:

«حتی ما آمادگی داریم با کشورهای منطقه خلیج فارس، یا مجموعه شورای همکاری رزمایش‌های مشترک داشته باشیم».[11]

از سوی دیگر از نظر صاحب‌نظران، الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس می‌تواند به حل مسائل ذیل کمک کند:

۱ـ حل و فصل اختلافات مرزی از طریق مذاکرات صلح‌آمیز
۲ـ دیپلماسی بازدارنده از طریق تبادل منظم افکار و عقاید بر سر موضوعات مشکل‌زا
۳ـ تبادل آموزش منطقه‌ای
۴ـ ایجاد مرکز آموزش و تحقیق منطقه‌ای برای امنیت و همکاری
۵ـ تبادل فرهنگی سازمانهای غیردولتی
۶ـ مطالعه برداشتهای امنیتی کشورهای منطقه
۷ـ تبادل هنرمندان در سطح منطقه
۸ـ جایگزینی نیروهای خارجی با نیروهای سازمان ملل در منطقه
۹ـ شفافیت در تولید و واردات تسلیحات
۱۰ـ مشاهده متقابل مانورهای نظامی
۱۱ـ نظارت متقابل تسهیلات نظامی[۱۲]

در سال‌های نخستین بعد انقلاب و یا در دهه اول انقلاب، عواملی بر روابط ایران با همسایگان تأثیر گذاشت که عمده‌ترین آن عوامل عبارتند از:
۱ـ ایدئولوژی اسلامی
۲ـ تلاش برای صدور انقلاب
۳ـ تهاجم عراق به خاک ایران
۴ـ سیاست ابرقدرت‌ها و حمایت آنها از عراق در مقابل ایران[۱۳]

توجه داشته باشیم که از دیرباز و به‌طور سنتی، زمینه‌های سوءظن متقابل بین اعراب و ایران نسبت به یکدیگر وجود داشته و دارد.

«به‌طور کلی، تفکر ملی‌گرایی عرب بر این اساس است که ایران تمایل دارد حلقه امنیتی اعراب را در منطقه از بین ببرد. درحالی که تفکر ایرانیان براین نکته متمرکز است که اعراب منطقه می‌کوشند منافع ایران را در خلیج فارس انکار کنند. درنتیجه، تعریف هر کشور از امنیت به منزله تهدید دیگر کشورها تلقی می‌شود».[۱۴]

متأسفانه «طی سال‌های دهه ۸۰ میلادی، سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس نسبت به ایران، دوگانه، متناقض و آمیخته با دشمنی و احتیاط بوده است».[۱۵]

بخشی از این سیاست‌های دوگانه، ناشی از عدم شناخت صحیح اعراب از انقلاب اسلامی ایران و بخش دیگر متأثر از اظهارنظرهایی است که برخی مقامهای روحانی ایران در ابتدای انقلاب ابراز می‌داشتند[۱۶]: «به دنبال سرنگونی شاه و قدرت‌یابی انقلاب اسلامی، پژواک پیام‌های گیج‌کننده از تهران در کرانه‌های خلیج فارس شنیده می‌شد».[۱۷]

همان‌گونه که اشاره شد، اراده حکمرانان و شیوخ و پادشاهان کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس مانند همه حکومت‌ها و دولت‌های جهان بر بقای حکومت‌شان استوار است و به توسعه و امنیت پایداری می‌اندیشند که در این زمینه به آنها کمک کند و به هر قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در راستای اهدافشان یعنی حفظ حکومت گام بردارد، دل می‌سپارند و به آن اعتماد می‌کنند و برعکس، به حکومت‌ها و گروه‌هایی که در پی تزلزل حکومتشان باشند، با سوءنظر نگاه می‌کنند و در هر فرصت به آن ضربه می‌زنند و آسیب می‌رسانند. برای نمونه، «در سال ۱۹۸۶، اجلاس سران کشورهای عضو، استراتژی مشترکی برای مقابله با توطئهٔ براندازی علیه رژیم‌هایشان تصویب کردند. ازجمله چارچوب‌های همکاری امنیتی در این زمینه عبارتند است از: تبادل اطلاعات، طرح مشترک تربیت پلیس امنیتی و نیروهای مسلح و هماهنگ کردن نظام ارتباطات در مورد مبادله مجرمان و پیگردهای قانونی برون‌مرزی».[۱۸]

کلام آخر اینکه، همه ما ایرانیان به این حقیقت باور داریم، هر حرکتی که بتواند بین تهران و کشورهای عضو PGCC صمیمیت و مودت برقرار کند و اعتماد دو جانبه را تحکیم ببخشد، قدمی است در جهت امنیت و توسعه پایدار در منطقه و حفظ ثبات در آبراه خلیج‌فارس و از حضور قدرت‌های

فرامنطقه‌ای جلوگیری می‌کند عکس آن را هم می‌توان اشتباه استراتژیک تلقّی کرد. در پایان، امیدوارم حاصل تلاش‌های من در این کتاب برای معرفی دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس و همگرایی بیشتر ایران و کشورهای عربی خلیج فارس مؤثر واقع شود و زمینه را برای عضویت ایران و ایفای نقش مهّم و کلیدی خود به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه در این سازمان همکاری فراهم سازد.

اشاره: با سپاس از همه پژوهشگران و تحلیلگرانی که در جای جایِ این کتاب، از آرا و نظریات آنها استفاده شده است، یادآور می‌شوم گهگاه به پیشنهاد ویراستار، برای رعایت پاره‌ای ملاحظاتِ دستوری و ضرورتِ یکدستی مطالب، با حفظ امانت، اندک تغییری در صورت کلمات و عبارات آنها صورت گرفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. قطعنامه اجلاس ۲۶
۲. مجله الدعوه، عربستان سعودی، شماره ۲۰۴۶، جمادی‌الاولی ۱۴۲۷
۳. دوره مأموریت ایشان اواخر سال ۲۰۰۵ به پایان رسید.
۴. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، محمدعلی امامی، ص ۲۲۹
۵. در باره الحاق یمن به شورای همکاری خلیج فارس در فصلی جداگانه به آن می‌پردازیم.
۶. سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی در دهمین اجلاس بین‌المللی خلیج فارس، بهمن ۱۳۷۸
۷. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای از دیدگاه تکوین‌گرایی، احمد بخشی، پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس سال ۱۳۸۳، ص۱۸۸
۸. همان مأخذ
۹. الگوهای اعتمادسازی و تنش‌زدایی، فتح‌الله رسولی، دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، بهمن ۱۳۷۸
۱۰. همان مأخذ، ص۲۳۸
۱۱. سخنرانی در دهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، بهمن ۱۳۷۸
۱۲. مؤلفه‌های جدید همکاری‌های امنیتی در خلیج فارس، طاهره ابراهیمی‌فر، پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۰۶
۱۳. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای از دیدگاه تکوین‌گرایی، پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۸۰
۱۴. همان مأخذ، ص ۱۸۸
۱۵. تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، دکتر جلیل روشندل، دکتر سیدحسین سیف‌زاده، ص ۱۲۶
۱۶. آیت‌الله صادق روحانی اعلام کرد: «بحرین استان چهاردهم ایران است» (مجلس

التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص ۵۰) اگرچه آیت‌الله صادق روحانی هیچ گونه مسئولیت حکومتی و دولتی نداشتند، ولی به‌علت موقعیت معنوی خود به ویژه در ماه‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز مرز بین مسئولان جمهوری اسلامی و شخصیت‌های مستقل مذهبی مشخص نبود سخنان او باعث بروز سوءتفاهماتی شد.

۱۷. برداشت‌های عدم اعتماد، دهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، ص ۷۰

۱۸. تعارضات ساختاری در منطقه خلیج‌فارس، دکتر جلیل روشندل، دکتر سیدحسین سیف‌زاده، ص ۱۴۹

مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی[1]

● برای شروع مصاحبه، همان‌طور که مستحضرید ۲۵ سال از عمر شورای همکاری خلیج فارس می‌گذرد. خواستم نظر حضرت عالی را به‌طور کلی نسبت به عملکرد ۲۵ ساله شورای مزبور جویا شوم.

○ ارزیابی عملکرد شورا از دیدگاه ایران متفاوت با ارزیابی خود شورا می‌باشد. ما انتقاداتی بر مواضع آنها در دوران دفاع مقدس و پس از آن و موضع آنها در مسأله جزایر و حضور نیروهای خارجی در منطقه و موارد دیگر داریم. در کنار آثار خوبی که در رفع اختلاف بین خودشان و دیگران دارند، ولی خود آنها محاسبات دیگری دارند و من نمی‌خواهم راجع به اهداف و عملکردشان در این منظر چیزی بگویم.

● یکی از موضوعات استراتژی در خلیج فارس، حفظ امنیت این آبراه است و از دهه ۷۰ میلادی اقداماتی توسط کشورهای ساحلی برای یک پیمان امنیتی صورت پذیرفت که با موفقیت همراه نبود. بعد از انقلاب اسلامی ایران و جنگ عراق علیه ایران و حمله عراق به کویت و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، مسأله امنیت از اهمیت بیشتری

---

۱. این گفت‌وگو در خردادماه ۱۳۸۶ همزمان با آماده شدن کتاب برای چاپ توسط نگارنده انجام پذیرفت.

برخوردار گردید. در حال حاضر برای ایجاد امنیت دو دیدگاه وجود دارد:
الف ـ دیدگاه تهران که معتقد است حفظ امنیت باید توسط کشورهای ساحلی و بدون دخالت بیگانگان صورت پذیرد.
ب ـ دیدگاه شورای همکاری که به قدرت‌های فرامنطقه‌ای چشم دوخته‌اند و به اهداف ایران اعتماد ندارد. به نظر شما برای اعتمادسازی چه باید کرد؟

○ معلوم است که من دیدگاه ایران را می‌پسندم. مطمئن هستم که کشورهای منطقه با همکاری صادقانه می‌توانند امنیت مستقر و مستمری داشته باشند و نیازی به نیروهای خارجی و حتی نیروهایی از مصر و سوریه و به‌خصوص نیروهای استکباری ندارند. زیرا آنها بدون شک با اهداف استعماری خودشان در منطقه حضور دارند و مانع استقرار امنیت هستند. چون عدم امنیت مستقر، زمینه را برای پذیرش حضور آنها فراهم می‌کند و سیاست آنها «فرق تَسدّ» تز پایدار آنهاست.

● آقای هاشمی، حضرت عالی بعد از ۸ سال جنگ در مقام ریاست جمهوری قرار گرفتید که بهترین موقع برای عضویت ایران در شورای همکاری بود. آیا اقدامی از طرف دستگاه دیپلماسی ایران صورت گرفت و علت یا علل عدم موفقیت در چه می‌باشد؟ با توجه به اینکه حتی حضور ایران در قالب ۱+۶ می‌تواند قدرت شورای همکاری را از جنبه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و جمعیتی افزایش دهد.

○ در دوران دفاع و پس از آن، تلاش زیادی برای هماهنگ کردن دو ساحل شمال و جنوب کردیم و گویا اعمال نفوذ خارجی‌ها مانع از رسیدن به اهدافمان شد، گرچه دستاوردهایی در جهت کم کردن تشنج داشتیم.
بعد از جنگ ایران و عراق به آنها گفتیم که علی‌رغم کمک‌های آنها در جنگ به عراق، ایران آماده است که پرونده جدیدی در روابط و همکاری‌ها بگشاید و عملاً مواضع اصولی ایران در قبال تجاوزات عراق به کویت، صداقت ایران را

روشن‌تر کرد و به‌جای انتقام‌گیری، کمک‌های زیادی برای نجات کویت و رفع مشکلات مردم در دوران اشغال و پس از اشغال کویت کردیم.

مایل بودیم با استفاده از تجربه ارزشمند جوانان، در اطفاء آتش‌سوزی چاه‌های نفت کویت به آنها کمک کنیم، ولی آمریکا مانع شد. مشکل حج و روابط تیره با عربستان را حل و اصلاح کردیم. با قطر، بحرین و عمان روابط نسبتاً خوبی برقرار شد. در رونق تجارت و اقتصاد با امارات نقش بی‌بدیلی اعمال کردیم. مشکل سقوط ارزش نفت را که برای آنها و خود ما بسیار مهم بود، حل کردیم و به طور کلی، روابط را از حالت خصمانه به حالت عادی درآوردیم، و توقع ما در همکاری‌ها بیشتر از اینها بود که به دیوار بلند نفوذ استکباریان برخورد کرده و می‌کند.

● **یکی از نویسندگان عرب می‌نویسد: آقای هاشمی در اواخر دوران ریاست جمهوری متوجه شدند که عربستان حرف اول را در شورای همکاری خلیج فارس و منطقه می‌زند، لذا رویکردی ویژه به سوی عربستان نشان دادند که مورد استقبال ولیعهد وقت عربستان آقای شاهزاده عبدالله قرار گرفت و نمود اقتصادی آن در افزایش قیمت نفت بعد از کاهش قیمت در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بود. امکان دارد در این خصوص و ملاقات با ملک عبدالله و مذاکرات به عمل آمده توضیح بفرمایید.**

○ اصل مطلب ایشان درست است، ولی اینکه می‌گوید، در اواخر دوران ریاست جمهوری به این مسأله توجه کردم، درست نیست.

از قبل نقش عربستان را می‌دانستم و اوایل دوران ریاست جمهوری‌ام در کنفرانس سران اسلامی در سنگال در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۴ ملاقاتی با آقای امیر عبدالله که آن زمان ولیعهد بودند، داشتم و بخشی از یخ‌های روابط آب شد که ثمره آن، تصویب تشکیل اجلاس سران در تهران بود. و همچنین مسأله حج هم به طور اصولی حل شد. روابط دوستانه من و ایشان ادامه پیدا کرد و

گام اساسی در اجلاس ویژه و فوق‌العاده سران در پاکستان در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۳ برداشته شد. ملاقات سرنوشت‌سازی با ایشان داشتم که منجر به رفع مانع اجلاس سران در تهران شد. روز قبل از آن در جده اعلان شده بود که اجلاس در تهران برگزار نمی‌شود. همچنین مشکل بحران‌خیزی که بعد از انفجار الخبر در جریان بود، در جهت درست هدایت شد و سپس در اجلاس سران در تهران در اسفندماه ۱۳۷۶ از فرصت حضور امیرعبدالله در ایران بهره گرفتم و بحث‌های مهم و کارشناسانه‌ای درباره قیمت نفت با ایشان داشتم. این بحث را در سفر مهم به عربستان با ایشان و نمایندگان مجلس و وزرای ذیربط ادامه دادم. آنها فکر می‌کردند که اگر نفت گران شود، دنیا، انرژی جایگزین پیدا می‌کند و عربستان که بیشترین ذخایر نفت را دارد، ضرر خواهد دید. من با ادله کارشناسانه اثبات کردم که نفت، جایگزینی که بتواند در قیمت با آن رقابت کند، پیدا نخواهد کرد و سپس با تصمیم منطقی اوپک، بخشی از قیمت واقعی نفت به‌دست آمد و امروز تولیدکنندگان نفت درباره صحت و استدلال من به اجماع رسیده‌اند.

- **در طول جنگ عراق و ایران، شورای همکاری خلیج فارس از عراق حمایت کرد. آیا در زمان جنگ برای پایان جنگ پیشنهادهای مالی و غیره از طرف شورای همکاری و یا کشورهایی نظیر عربستان یا کویت به ایران داده شده بود؟**

○ بعد از فتح خرمشهر، شایعاتی در محافل و رسانه‌ها بود که غرامت جنگ که برعهده عراق متجاوز بود، از طرف آنها پرداخت می‌شود. اما هیچ پیشنهاد رسمی مستقیم یا غیرمستقیم به ما نرسید و سندی هم که مقام مسئولی این حرف را زده باشد، به دست نیامد.

- **مستحضرید توسعه روابط اقتصادی می‌تواند بر سایر زمینه‌ها تأثیرات مثبت بر جای گذارد. برای افزایش توسعه اقتصادی میان تهران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، نظر شما در مورد شکل‌گیری یک سازمان**

همکاری اقتصادی نظیر (اکو) چه می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن از کجا باید شروع شود؟

○ کاملاً موافقم و قبلاً هم این مسأله مطرح شده و گویا قدرت‌های غربی مانع آن می‌شوند. به نفع همه است. اولاً باید همکاری اقتصادی دوجانبه توسعه یابد و در مرحله بعد ساختاری برای این کار به وجود آید. مزیت‌های نسبی در این زمینه خیلی زیاد است.

● غربی‌ها و آمریکایی‌ها به انحای مختلف به ایرانیان القاء می‌کنند که: اعراب به ایرانی‌ها بدبین می‌باشند، قول و فعلشان هماهنگ نیست و از این نوع مطالب و یا اصرار دارند ایرانی‌ها حتماً بگویند خلیج فارس؛ متقابلاً به اعراب نیز می‌گویند: ایرانی‌ها می‌خواهند بر اعراب نفوذ داشته باشند، ایرانی‌ها قابل اعتماد نمی‌باشند و نزد آنها بر خلیج عربی تأکید می‌ورزند. با این ترتیب، تخم شکاف و سوءنظر می‌کارند تا در جهت منافع خودشان درو کنند. به نظر شما برای زدودن این القائات مسموم چه باید کرد؟

○ اینکه استعماریان از این گونه اعمال تفرقه‌انگیز انجام می‌دهند، روشن است و در مورد نام خلیج فارس هم روشن است که اسم صحیح و تاریخی همین است و تحریک به استفاده از تعبیر خلیج عربی و یا خلیج بدون پسوند هم از القائات تفرقه‌انگیز است. راه درست در جلوگیری از تفرقه و دشمنی، هوشیاری مسئولان و نخبگان است که دام و دانه را بشناسند و به مردم بگویند و توطئه‌ها را افشا و خنثی کنند.

● آقای هاشمی، نمی‌خواهید پیش‌قدم شوید و یک گروه علمی و دانشگاهی از محققین و مورخین ۸ کشور ساحلی تشکیل بدهید و بر روی اسم واقعی خلیج کار آکادمیک و تاریخی انجام دهند و به هر جمع‌بندی مشترک دست یافتند، مورد توافق دولت‌های ۸ کشور قرار گیرد؟

○ این کار را وزرای ذیربط دولت باید انجام دهند و ما هم کمک کنیم.

● شورای همکاری در رابطه با تقویت همکاری با ایران دچار تزلزل است. به اصطلاح، دست پیش می‌گذارد و پا پس می‌کشد. چه باید کرد تا این تزلزل از بین برود؟

○ مشکل اساسی در اعمال نفوذ اجانب است و البته در درون خودشان هم عوامل ضدایرانی با انگیزه‌های مذهبی، سیاسی و... وجود دارد.

● در ملاقات قبلی که با حضرت عالی داشتم، اشاره فرمودید بعد از حمله عراق به کویت و مکاتباتی که بین شما و صدام حسین انجام گرفت، صدام مرزهای عراق در خلیج‌فارس را خیلی بیشتر از آنچه که است، اعلام داشت. البته منظورش تا مرزهای ساحلی برخی از کشورها بود و جناب‌عالی در پاسختان ادعای صدام را رد کردید و در سفر اخیرتان به کویت، مقامات کویتی از موضع شما تشکر کردند. در این زمینه می‌توانید توضیح بفرمایید. آیا این خود نمی‌تواند دلیلی برای اعتماد شورای همکاری خلیج‌فارس به ایران باشد؟

○ در نامه چهارم صدام که در تاریخ ۸ محرم ۱۴۱۱ هـ.ق، مطابق ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ هم نوشته بود، این جمله گنجانده شده بود: «مرز (ایران و عراق) در خشکی ۱۲۰۰ کیلومتر و در دریا ۸۰۰ کیلومتر امتداد دارد». من می‌دانستم که مرز آبی ما با عراق خیلی کمتر است و می‌شد فهمید که صدام ادعای اراضی بر کشورهای جنوب خلیج فارس تا حدود امارات را دارد و من در جواب نامه با صراحت گفتم که چنین مرز مشترکی نداریم و نوشتم: «لازم نیست برای مشخص کردن مرزها در زمین و رودخانه به دنبال چیزی جز معاهده ۱۹۷۵ باشیم». و خبرش هم پخش شد و در آن زمان هشدار به کشورهای جنوب بود. سپس در اشغال کویت توسط صدام، همه متوجه شدند که آن جمله، حساب شده و با عقبه سیاسی و فکری نوشته شده بود و موضع من و موضع صدام تأثیر متضاد خود را در افکار آنها گذاشت و متأسفانه کم بهره‌گیری شد.

چون عوامل بازدارنده، نیرومند عمل می‌کنند.

● مستحضرید انگلیسی‌ها جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب‌بزرگ و تنب‌کوچک) را در زمان شاه سابق ایران در ازاء بحرین به کشور ما تحویل دادند. بعد از جنگ و در دوران ریاست جمهوری حضرت‌عالی، مسأله جزایر و ادعای اشغال ایران مطرح می‌شود و حتی بعضی از کارشناسان سیاسی عرب معتقدند بین ایران و شورای همکاری غیر از مسأله حاکمیت بر سه جزیره، اختلاف اساسی وجود ندارد. به نظر شما راه حل این اختلاف چه می‌باشد؟

○ اینکه در زمان ریاست جمهوری من مسأله جزایر مطرح شد، درست نیست. می‌دانید که پس از ۱۰۰ سال گفت‌وگو و مجادله پیوسته مقامات دولتی ایران علیه بریتانیا، روز نهم آذر ۱۳۵۰ جزایر غصب شده ایرانی از سوی بریتانیا، به مام وطن بازگشت و با رضایت جامعه بین‌المللی و مسکوت ماندن موضوع درشورای امنیت و سپس با امضای قرارداد الجزیره، عراق و امارات نیز ادعاهای واهی خود را تقریباً رها کردند.

اما پس از انقلاب ایران و با برقراری جمهوری اسلامی، مجدداً دو کشور فوق، به‌ویژه صدام ادعاهای خود را از نو تکرار نمودند و حتی موضوع جزایر سه‌گانه یکی از بهانه‌های صدام برای حمله به ایران قرار گرفت. البته این تاریخچه مفصل است که علاقه‌مندان و محققان می‌توانند در اسناد و مدارک و کتب موجود آن را مطالعه کنند.

پس جزایر از ایران بود و در اشغال بریتانیا. بعد از آنکه بریتانیا از نگه‌داری نیروهایش در منطقه عاجز شد و تصمیم به تخلیه گرفت، به طور طبیعی جزایر در اختیار ایران قرار می‌گرفت. ولی انگلستان از آن موقعیت استفاده کرد و مشکل بحرین را حل کرد. اما راه‌حل این مشکل همین است که ایران و امارات مذاکرات مستقیم و منطقی و مستمر را آغاز کنند و دو طرف صبر و حوصله به خرج بدهند و اخبار مذاکرات هم به صورت مشروح و دائماً منتشر شود تا هم

حقیقت برای مردم دوطرف روشن شود و هم زمینه تصمیم عادلانه نهایی فراهم گردد و هم در جریان مذاکرات اعتماد بیشتری به دست آید و در امور دیگر هم که منافع بیشتری برای دوطرف دارد، پیشرفت حاصل شود. ضمناً در میان ساکنان جزیره ابوموسی هم محبت، مراودات و همکاری بیشتری به وجود آید.

• آقای هاشمی تصور نمی‌فرمایید به عنوان یک شخصیت قابل اعتماد و شناخته شده، لازم باشد سفر دوره‌ای به ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس داشته باشید و ملاقات‌هایی با بالاترین مقامات این کشورها انجام بدهید تا به نزدیکی بیشتر ایران با شوراکمک نماید؟

○ در شرایط فعلی و با وضعی که داریم، این اقدام شخص من خیلی مؤثر نیست؛ اگر این کار را در دوران مسئولیت ریاست جمهوری‌ام انجام داده بودم، اثربخش بود.

• یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های شورای همکاری در مورد هسته‌ای، موضوع زباله‌های هسته‌ای در خلیج فارس و آلودگی زیست محیطی و یا عدم رعایت مسائل ایمنی در نیروگاه بوشهر می‌باشد. ظاهراً در سفر اخیرتان به کویت، پیرامون این موضوع صحبت شد. می‌توانید بفرمایید آنها قانع شدند؟

○ این موضوع می‌تواند بهانه باشد. تأسیسات هسته‌ای ایران، از سطح خوب امنیتی و زیستی برخوردار است و به علاوه اگر منظور کارهای هسته‌ای ایران در اصفهان، نطنز و اراک است، که فاصله جغرافیایی زیادی با آنها دارد. همین‌ها هستند که مورد مناقشه در پرونده هسته‌ای ایران شده است. اگر منظور نیروگاه بوشهر است که این مسأله تازه‌ای نیست و در زمان رژیم قبل آغاز شده و تاکنون آنها در این مورد حرفی نداشته‌اند. ادعای آنها بعد از شروع مناقشات هسته‌ای ایران با غرب بروز کرده که نشان از دخالت عوامل خارج از اصل مسأله است. من علاوه بر این توضیحات گفتم مراکز هسته‌ای ما در مناطق پرجمعیتی مثل اصفهان، اراک، تهران، خوزستان و بوشهر است و ملاحظات

زیستی و امنیتی ما درباره مردم خودمان جدی است و جای نگرانی برای آنها که صدها کیلومتر از آن مراکز دورند، نخواهد بود، ولی بهانه، بهانه است.

● ظاهراً اولین ملاقات رسمی شما با آقای ملک عبدالله در پاکستان بود و موافقت ایشان را برای برگزاری اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران کسب کردید. امکان دارد به عنوان ثبت تاریخی بفرمایید چه موضوعاتی مورد مذاکره قرار گرفت؟

○ همان گونه که در جواب سؤال شماره چهار گفتم؛ اولین ملاقات در سنگال بود، اما ملاقات پاکستان مهم‌تر بود و موجب یک تحول تاریخی شد. به‌خصوص وقتی که مردم و خبرنگاران بعد از جلسه مشاهده کردند که امیرعبدالله برای رفتن به ضیافت ناهار نخست وزیر پاکستان، در اتومبیل من و در کنار من نشست و به من گفت آمریکایی‌ها به این برنامه با حساسیت توجه خواهند کرد.

● به نظر می‌رسد مقامات عربستان سعودی علاقه‌ای وافر داشتند که حضرت عالی در انتخابات نهم موفق بشوید. لذا ریاض روی خوشی به نتیجه انتخابات نشان نداد. آیا حضرت عالی علاقه‌مند هستید به مقامات ارشد عربستان بفرمایید جهت همگرایی منطقه‌ای و اسلامی میان کشورهای ساحلی خلیج فارس اختلاف استراتژیک بین مقامات ایران وجود ندارد؟

○ من در سفر اخیرم به عربستان به آقای ملک عبدالله توضیح دادم که ساختار ایران براساس نظام ولایی و دموکراتیک است و سیاست‌های کلی نظام بعد از بررسی در مجمع تشخیص مصلحت به تأیید رهبری می‌رسد و اعمال قوای کشور در آن چارچوب است و با عوض شدن مجلس‌ها و دولت‌ها تغییر عمده‌ای در خطوط اصلی سیاست کشور پدید نمی‌آید و مسأله همکاری‌های جهانی و منطقه‌ای در آن چارچوب ثابت است.

خلیج فارس

خلیج فارس آبراهی است کم عمق که عمیق‌ترین قسمت آن حدود ۱۰۰ متر است. مساحت آن ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع و طول آن از نقطه ورودی در تنگه هرمز تا اروندرود حدود هزار کیلومتر و حداکثر پهنای آن ۲۸۸ کیلومتر و تنگ‌ترین نقطه آن در تنگه هرمز کمی بیش از ۴۶ کیلومتر است. در برخی از کتب اقیانوس‌شناسی، پهنای آن ۲۵۰ کیلومتر و تنگ‌ترین آن در تنگه هرمز ۵۵ کیلومتر و عمق متوسط آن ۳۶ متر ذکر شده است.

در جهان کنونی، خلیج فارس را معمولاً با منابع غنی انرژی فسیلی آن می‌شناسند. به طوری که نفت و گاز با نام خلیج فارس مترادف و همخوان هستند و در هرکجای جهان سخن از نفت می‌رود، ابتدا خلیج فارس را تداعی می‌کند و هرگاه نامی از خلیج فارس برده شود، بوی نفت به مشام می‌آید. به عبارت دیگر، عمده‌ترین و مهم‌ترین ویژگی خلیج فارس چاه‌های نفتی آن است.[۱] بیش از ۶۵ تا ۷۰درصد کل ذخایر نفتی جهان در اعماق چاه‌های این منطقه ژئواکونومیک نهفته است.[۲] به‌طوری که از ۱۰۰۳ میلیارد بشکه نفت کل ذخایر اثبات شده در جهان ۶۶۳ میلیارد بشکه، طبق جدول شماره۱ در خلیج‌فارس قرار دارد:

جدول شماره ۱

ذخایر اثبات‌شده نفت در مناطق مختلف جهان در ۱۹۹۸[۳] واحد:میلیارد بشکه

عنوان	خلیج‌فارس	آمریکای‌شمالی و جنوبی	آفریقا	اروپا	آسیای دور و اقیانوسیه	کل جهان
ذخایرنفت	۶۶۳	۱۵۸	۶۲	۷۶	۴۳	۱۰۰۳
سهم(درصد)	۶۶	۱۵/۷	۶/۲	۷/۶	۴/۳	۱۰۰

OPEC, Annual Statistical Bulletin 1998.

نفت خلیج‌فارس از ویژگی‌هایی نظیر: بازدهی بالای چاه‌های نفت، پایین‌بودن هزینه تولید،ارزان‌بودن هزینه حمل‌ونقل،کیفیت‌بالای‌نفت‌خام، امکان کشف ذخایر جدید و بالا بودن میزان ذخایر چاه‌های نفت برخوردار است.

در هر چاه نفت در منطقه خلیج فارس بین ۲۵۰ هزار تا ۱ میلیون تن نفت ذخیره وجود دارد، درحالی‌که این رقم در ونزوئلا حدود ۲۰ هزار تن و در آمریکا ۶۰۰ تن است.[۴]

با همه تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر به عمل آمده تا جایگزینی برای نفت و گاز در چرخه سوخت جهانی کشف یا اختراع شود، تاکنون موفقیت چندانی به دست نیامده و در نتیجه، بر اهمیت نفت و گاز در توسعه اقتصاد جهانی افزوده شده است و چرخ‌های صنعت برای تولید بیشتر، نیازی فزاینده به کاربرد نفت و گاز پیدا کرده‌اند و به این ترتیب، جایگاه خلیج فارس در معادلات اقتصاد جهانی افزایش یافته است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA در سندی به نام «چشم‌اندازهای انرژی جهانی تا سال ۲۰۲۰» در مورد وابستگی فزاینده به نفت خلیج فارس در آینده، پیش‌بینی کرده است که تولید نفت از ۶۲/۷ میلیون بشکه در روز، درسال ۱۹۹۶ به ۷۸/۹ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۱۰ افزایش خواهد یافت و سپس با اندکی کاهش، به ۷۲/۲ میلیون بشکه در روز، درسال ۲۰۲۰ خواهد رسید و در فاصله ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰ تولید جهانی نفت در خارج از

حوزه خلیج فارس، از ۴۵/۵ میلیون بشکه به ۲۷ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و در مقابل، طی همین مدت، تولید نفت خـلیج‌فارس از ۱۷/۲ میلیون بشکه به ۴۵/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، یعنی ۱۶۲/۷درصد رشد خواهد داشت.[۵]

در جداول زیر به ترتیب:

۱ـ ذخیره‌های اثبات شده نفتی در خلیج فارس

۲ـ تولید نفت و مشتقات آن در حوزه خلیج فارس

۳ـ ذخیره‌های اثبات شده زیرزمینی گاز در خلیج فارس

۴ـ تولید گاز در حوزه خلیج فارس

از نظر شما می‌گذرد:

جدول شماره۲

ذخیره‌های اثبات شده نفتی درخلیج فارس[۶](به‌هزارمیلیون بشکه)

	پایان ۱۹۷۹	پایان ۱۹۸۹	پایان ۱۹۹۹	نرخ‌ذخیره‌زیرزمینی‌به‌تولید
ایران	۵۸/ـ	۹۲/۹	۸۹/۷	۶۹/۹
عراق	۳۱/ـ	۱۰۰/ـ	۱۱۲/۵	+۱۰۰
کویت	۶۸/۵	۹۷/۱	۹۶/۵	+۱۰۰
عمان	۲/۴	۴/۳	۵/۳	۱۵/۹
قطر	۳/۸	۴/۵	۳/۷	۱۴/۷
عربستان سعودی	۱۶۶/۵	۲۵۷/۶	۲۶۳/۵	۸۷/۵
سوریه	۲/ـ	۱/۷	۲/۵	۱۲/۳
امارات متحده عربی	۲۹/۴	۹۸/۱	۹۷/۸	+۱۰۰
جمع	۳۶۱/۶	۶۵۶/۲	۶۷۱/۵	+۵۴
کل نفت جهان	۶۵۰/۱	۱۰۱۱/۷	۱۰۳۳/۸	۴۱
درصدسهم‌خلیج‌فارس‌ازنفت‌جهان	٪۵۵/۴	٪۶۵/ـ	٪۶۵/۵	

برگرفته از: بررسی آماری جهان انرژی بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۰۰

(BP Statistical Review of World Energy, June 2000)

جدول شماره۳

تولید نفت و مشتقات آن در حوزه خلیج فارس[۷] (به هزار بشکه در روز)

	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	توان سال ۲۰۰۰	توان سال ۲۰۰۵
بحرین	۴۵	۴۲	۳۶	۳۵	۳۰
ایران	۳۲۵۵	۳۶۹۵	۳۸۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰
عراق	۲۱۵۵	۵۷۵	۲۹۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰۰
کویت	۹۶۵	۲۱۳۵	۲۱۵۰	۲۴۴۰	۳۵۰۰
عمان	۶۹۵	۸۷۰	۹۵۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
قطر	۵۰۰	۵۳۰	۸۱۰	۹۶۰	۱۲۰۰
عربستان سعودی	۷۵۶۰	۸۸۹۰	۹۵۰۰	۱۱،۲۵۰	۱۲،۰۰۰
سوریه	۴۰۵	۶۰۰	۵۴۰	۵۴۰	۵۰۰
امارات متحده عربی	۲۳۰۰	۲۵۵۰	۲۴۰۰	۲۹۰۰	۳۲۰۰
جمع	۱۷۸۸۰	۱۹۸۸۷	۲۳۰۸۶	۲۶۱۲۵	۳۱۴۳۰
کل تولید در جهان	۶۵،۴۱۵	۶۷،۹۹۵	۷۷،۲۰۰	۷۸،۵۰۰	۸۱،۵۰۰
سهم خلیج فارس در جهان	٪۲۶/۶	٪۲۸/۱۵	٪۲۹/۱۵	٪۳۲/۵	٪۳۸

برگرفته از آمار بریتیش پترولیوم و گروه انرژی ای پی اس

جدول شماره۴

ذخیره‌های اثبات شده زیرزمینی گاز در خلیج فارس[۸] (به تریلیون مترمکعب)

	پایان ۱۹۷۹	پایان ۱۹۸۹	پایان ۱۹۹۹	نرخ ذخیره به تولید
بحرین	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۱۱	۱۲/۹
ایران	۱۳/۸۸	۱۴/۱۶	۲۳/_	+ ۱۰۰
عراق	۰/۷۸	۲/۶۹	۳/۱۱	+ ۱۰۰
کویت	۰/۹۵	۱/۵۵	۱/۴۹	+ ۱۰۰
عمان	۰/۰۶	۰/۲۶	۰/۸۰	+ ۱۰۰
قطر	۱/۷۰	۴/۶۲	۸/۴۹	+ ۱۰۰
عربستان سعودی	۲/۷۱	۵/۳۰	۵/۷۹	+ ۱۰۰
امارات متحده عربی	۰/۵۸	۵/۶۹	۶/_	+ ۱۰۰
جمع	۲۰/۹۱	۳۴/۴۵	۴۸/۷۹	+ ۱۰۰
کل نفت جهان	۷۲/۸۷	۱۱۲/۹۱	۱۴۶/۴۳	۶۱/۹
سهم خلیج فارس از گاز جهان	٪۲۸/۶		٪۳۳/۳	

برگرفته از: BP Statistical Review of World Energy, June 2000

جدول شماره ۵

تولید گاز در حوزه خلیج فارس[۹] (به میلیارد متر مکعب)

	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	توان سال ۲۰۰۰	توان سال ۲۰۰۵
بحرین	۵/ـ	۷/۲	۸/۶	۸/۶	۱۰/ـ
ایران	۲۳/۲	۳۵/۳	۵۴/ـ	۵۴/ـ	۸۰/ـ
کویت	۴/۲	۹/۳	۹/ـ	۹/ـ	۱۲/ـ
عمان	۲/۶	۴/۱	۷/ـ	۷/ـ	۱۰/ـ
قطر	۶/۳	۱۳/۵	۲۷/ـ	۲۷/۵	۳۷/ـ
عربستان سعودی	۳۰/۵	۳۸/ـ	۴۷/ـ	۵۰/ـ	۶۵/ـ
امارات متحده عربی	۲۰/۱	۳۱/۳	۳۹/ـ	۳۹/ـ	۶۰/ـ
جمع	۹۱/۹	۱۳۸/۷	۱۹۱/۶	۱۹۵/۱	۲۷۴/ـ
کل تولید گازدر جهان	۱۹۹۱/۲	۲۱۳۰/۷	۲۲۴۰/۴	۲۴۵۰/ـ	۳۰۰۰/ـ
سهم خلیج فارس در تولید گاز در جهان	٪۴/۶		+٪۷/۸	٪۸	٪ + ۹

برگرفته از آمار بریتیش پترولیوم و گروه انرژی اِی‌پی‌اس

هنری کیسینجر سیاستمدار آمریکایی معتقد است:

«کشورهای پیشرفته صنعتی، به عرضه نفت از خلیج فارس وابسته‌اند و رادیکال شدن منطقه، پیامدهایی خواهد داشت»[۱۰].

ویلیام راجرز وزیر امور خارجه وقت آمریکا در گزارش خود در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۱ اعلام کرد:

«شبه جزیره عربستان، عراق و ایران حدود $\frac{۲}{۳}$ ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارند. استفاده از این ذخایر نفتی در اوضاع مناسب سیاسی و اقتصادی، برای کشورهای متحد ما در آتلانتیک و سایر کشورهای اروپای غربی و ژاپن، دارای کمال اهمیت است»[۱۱].

اگر غرب، نفت خلیج فارس را به مدت یک‌سال از دست بدهد، میزان تولید ناخالص ملی اروپا، آمریکا و ژاپن به ترتیب ۲۲، ۲۳ و ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت.[۱۲]

علاوه بر نفت، خلیج فارس $\frac{۱}{۳}$ ذخایر گاز جهان را داراست؛ یعنی دومین ذخایر گاز جهان را با ظرفیت ۴۹/۵ تریلیون متر مکعب در اختیار دارد.[۱۳]

عمده‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گاز در منطقه خلیج فارس قرار دارند و شامل: ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و عمان می‌باشند.[۱۴]

پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ ارزش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش گاز به ۱۲۰ میلیارد دلار برسد.[۱۵]

برآورد می‌شود که سهم تقاضای گاز از حدود ۲۲/۲٪ در سال ۱۹۹۸ به ۲۶/۶٪ درسال ۲۰۲۰ افزایش یابد و میانگین نرخ رشد سالانه گاز تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۳/۱٪ برسد.[۱۶]

از دید کارشناسان امور نفتی، بیشترین مصرف‌کننده نفت و گاز خلیج فارس در آینده، منطقه آسیای خاور (شرق آسیا) و اقیانوس آرام است و چین و هندوستان و ژاپن، سه کشور عمده در مصرف نفت و گاز خلیج فارس خواهند بود.

پیش از سال ۲۰۰۵ مصرف نفت چین بیش از نفت ژاپن بود و در نتیجه، تا سال ۲۰۱۰ واردات نفتی چین از ژاپن فزونی خواهد یافت.[۱۷]

در قرن بیستم بیش از ۶۰ جنگ در منطقه خلیج فارس رخ داد؛ یعنی به‌طور متوسط هر یک‌سال‌ونیم شاهد یک جنگ منطقه‌ای بود. از این منظر، منطقه خلیج فارس از دیدگاه کارشناسان، منطقه‌ای است سرشار از ثروت و عاری از امنیت. صاحب نظران امور ژئوپلیتیک بر آنند:

«هر قدرتی که بر تنگه هرمز مسلط شود، بر خلیج فارس چیره خواهد

شد و هر قدرتی که بر خلیج فارس مسلط شود، بر قطب انرژی جهان استیلا خواهد یافت و در نهایت، کنترل انرژی جهان به منزله کنترل اقتصاد جهانی خواهد بود».[۱۸]

جرج مارشال، وزیر خارجه آمریکا در دولت ترومن درسال ۱۹۴۸ درباره اهمیت نفت خلیج فارس گفته است:

«نفت خلیج فارس، عامل مهمی در روند بازسازی اقتصادی اروپا و تداوم برنامه رفاه اقتصادی آن است.»

آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در دهه ۵۰ میلادی در خاطرات خود خاطرنشان می‌سازد:

«نفت خلیج فارس برای اروپا پیوسته اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اقتصاد اروپا در صورت قطع نفت، متلاشی خواهد شد و در نتیجه آن، آمریکا نیز در وضع بسیار دشواری قرار خواهد گرفت».[۱۹]

یکی از نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک به‌نام ان.جی.اسپایکمن، نظریه‌ای ابراز داشت که به نظریه ریملند (سرزمین حاشیه‌ای) معروف است. برمبنای این نظریه، هر دولتی که بر ریملند کنترل داشته باشد بر جهان حکومت خواهد کرد و خلیج فارس جزء ریملند محسوب می‌شود.

یوردیس فون لوهازن در کتاب امپراتوری‌ها و قدرت ژئوپلیتیک امروزی می‌نویسد: «خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است؛ مرکزی که در دل آن خلیج‌فارس قراردارد و به این ترتیب خلیج فارس مرکز کانون است.»

کشورهای حاشیه خلیج فارس را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: عرب و غیرعرب

۱ـ تنها کشور غیرعرب حاشیه خلیج فارس که سواحل شمالی آن را به طول ۱۳۰۰ کیلومتر ـ از دریای عمان تا اروندرود ـ در اختیار دارد، جمهوری اسلامی ایران است.

۲ـ کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس مشتمل بر ۷ کشور عراق،

کویت، عربستان‌سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان است.[۲۰]

۸ کشور ساحلی از نظر سیستم حکومتی به دو دسته جمهوری، پادشاهی و سلطنتی تقسیم می‌شوند.

عراق تنها کشور عربی حوزه خلیج فارس است که از سال ۱۹۵۸ با کودتای سرهنگ عبدالکریم قاسم علیه خانواده هاشمی در عراق و عزل پادشاه جوان عراق ملک فیصل دوم تبدیل به جمهوری شد. عراق از کمترین ساحل در خلیج فارس برخوردار است. مرز آبی آن در خلیج فارس حدود ۳۰ کیلومتر است، ولی بیشتر از سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس جمعیت دارد.

سایر کشورهای عربی ساحلی خلیج فارس، دارای حکومت‌های سلطنتی یا پادشاهی و یا امیرنشین هستند و در میان این کشورها عربستان از نظر جغرافیایی از گستره و جمعیتی بیشتر برخوردار است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران درسال ۱۹۷۹، حکومت ایران نیز به طریق سلطنتی اداره می‌شد و به دلایل زیر، ایران قدرت مُسلّط بر خلیج فارس بود:

۱ـ در اختیار داشتن همه سواحل شمالی خلیج فارس

۲ـ وسعت جغرافیایی گسترده

۳ـ جمعیت فراوان که چند برابر برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است.

۴ـ قدمت دوران حکومت شاه که طولانی‌تر از دوران حکومت‌های دیگر کشورهای ساحلی بود.

۵ـ رابطه نزدیک شاه ایران با غرب به‌ویژه آمریکا که در حدّ سرسپردگی قرار داشت.

۶ـ اقتصاد توانمند حاصل از فروش نفت که خصوصاً بعد از ۱۹۷۲ به دنبال افزایش قیمت نفت، صاحب درآمدهای هنگفت نفتی شد.

۷ـ خریدهای هنگفت نظامی

جدول زیر هزینه‌های دفاعی کشورهای خلیج فارس و صادرات نفت آنها در دهه ۱۹۷۰ را به میلیارد دلار مشخص می‌کند.

جدول شماره ۶
هزینه‌های دفاعی کشورهای خلیج فارس و صادرات نفت آنها در دهه ۱۹۷۰[۲۱] (به‌میلیارددلار)

	۶۷	۷۰	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
هزینه‌های دفاعی										
ایران	۰/۴	۰/۸	۱/۲	۲/۱	۵/۶	۸/۸	۹/۵	۷/۹	۹/۹	۹/۹
عراق	۰/۲	۰/۳	۰/۵	۰/۸	۲/۷	۱/۲	۱/۴	۱/۷	۲/-	۲/۳
عربستان‌سعودی	۰/۳	۰/۴	۰/۹	۱/۵	۱/۸	۶/۸	۹/-	۷/۵	۱۳/۲	۱۴/۲
صادرات نفت										
ایران	۱/۷	۲/۴	۳/۶	۵/۶	۲۰/۹	۱۹/۶	۲۲/۹	۲۳/۶	۲۱/۷	۱۹/۲
عراق	۰/۶	۰/۸	۱/-	۱/۸	۶/۵	۸/۲	۹/۲	۹/۶	۱۰/۱	۲۱/۴
عربستان‌سعودی	۱/۴	۲/۴	۵/۵	۸/۹	۳۵/۵	۲۹/۵	۳۸/۲	۴۳/۳	۴۰/۳	۶۲/۹

آمار برگرفته از: IISS و OPEC.

شاه در سال ۱۹۶۱ از کویت در برابر ادعاهای ارضی عراق حمایت کرد و یا از عربستان سعودی و امام یمن که طرفدار عربستان بود، در جنگ‌های داخلی یمن در برابر مصر و نیروهای طرفدار مصر به حمایت برخاست.[۲۲]

در استراتژی ویتنامی کردن جنگ‌ها[۲۳] که دکترین ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود، رژیم شاه از جایگاه ویژه‌ای در حوزه خلیج فارس برخوردار شد. در این استراتژی، حوزه خلیج فارس دارای دو ستون اصلی بود:[۲۴]

۱ـ ستون نظامی که مسئولیت آن بر عهده شاه ایران گذاشته شده بود و

هر کشور وابسته به بلوک غرب که با اغتشاشات داخلی و یا قیام‌های مردمی روبرو می‌شد، نیروهای نظامی ایران برای برقراری امنیت و سرکوب مبارزات به آن کشورها اعزام می‌شدند؛ مانند سرکوب چریک‌های ظفار در سلطان‌نشین عمان.

یکی از وظایف شاه ایجاد مزاحمت برای دولت‌هایی بود که به بلوک شرق وابسته بودند؛ نظیر رژیم بعثی عراق که شاه با تحریک و کمک به ملامصطفی بارزانی، موجب بروز درگیری‌هایی در شمال عراق و منطقه کردنشین گردید. و بدین‌گونه، شاه به ژاندارم منطقه تبدیل شده بود.

۲ـ ستون اقتصادی که حکومت عربستان متولی آن بود.

علت اینکه ستون نظامی به ایران سپرده شد این بود که اولاً ایران از ارتشی نیرومندتر و آرایش نظامی مُنسجم‌تری نسبت به عربستان برخوردار بود. ثانیاً شاه ایران مورد اعتماد اسرائیل بود و آنها از ناحیه او احساس خطر نمی‌کردند و علت اینکه ستون نظامی را به عربستان محول نکردند ـ گذشته از دلایل فوق ـ این بود که افزایش توان نظامی عربستان، توازن نیرو را به سود اعراب در مناقشه اعراب و اسرائیل برهم می‌زد و تل‌آویو این موضوع را تحمل نمی‌کرد و طرح، با مخالفت تل‌آویو و لابی صهیونیست‌ها در آمریکا روبه‌رو می‌شد و این خطر نیز وجود داشت که ارسال تسلیحات پیشرفته و جنگ‌افزارهای نظامی مدرن به عربستان، در اختیار کشورهای رادیکال و کشورهای خط مقدم جبهه نبرد با اسرائیل و یا گروه‌های مبارز فلسطینی قرار گیرد.

در ژوئن ۱۹۷۳ مجلس سنای آمریکا با ارسال هواپیمای فانتوم به عربستان مخالفت ورزید و کمک‌های نظامی به کویت را هم متوقف کرد.[۲۵]

و این درحالی بود که عربستان سعودی با جمعیتی کمتر از ایران و با فروش نفت بیشتر از ایران از درآمد هنگفتی برخوردار بود و بهترین گزینه برای ستون اقتصادی محسوب می‌شد.

البته در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان و همزمان با جنگ ایران و عراق، دولت عربستان سعودی که از منتقدان نیروی واکنش سریع دکترین جیمی کارتر بود، به ریگان فشار آورد که آواکس در اختیار ریاض قرار دهد و ریگان هم برای فروش آواکس و تسلیحات پیشرفته، وارد معامله با ریاض شد که ارزش آن ۸/۵ میلیارد دلار بود و برای پاسخگویی به اعتراضات اسرائیلی‌ها، به الکساندر هیگ وزیر خارجه‌اش (فرمانده سابق نیروهای ناتو) مأموریت داد تا برای توجیه با مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل مذاکره کند.[۲۶]

بدین‌گونه، رقابتی آرام و بدون سر و صدا میان تهران و ریاض برای افزایش اقتدار در خلیج فارس وجود داشت، ولی همواره ایران مقام اول را در احراز ژاندارمی منطقه کسب کرده بود و عربستان سعودی در رده دوم قرار داشت.

شاه از سوی غرب و به ویژه آمریکا مأموریت داشت تا به بهانه ایجاد امنیت جمعی، هژمونی آمریکا را بر این منطقه استراتژیک تثبیت کند. زیرا اکثر کشورهای عرب ساحلی خلیج فارس، به دلایل زیر در موضعی ضعیف‌تر از ایران قرار داشتند.

۱ـ از نظر وسعت بسیار کوچک بودند

۲ـ جمعیت بسیار اندک داشتند

۳ـ عمر تشکیل برخی از این حکومت‌ها به چند سال و حداکثر یک دهه نمی‌رسید

۴ـ اکثر آنها بعد از جنگ دوم جهانی و نیمه پایانی قرن بیستم به استقلال رسیده بودند (عمان درسال ۱۹۵۱، امارات متحده عربی ۱۹۷۱، کویت ۱۹۶۱، قطر و بحرین ۱۹۷۲)

۵ـ اقتصاد ضعیف و تک محصولی و وابسته به تولید و فروش نفت داشتند

۶ـ کشورهایی نظیر کویت، پیوسته در معرض تهدیدات عراق بودند و سایر کشورهای کوچک نیز از ناحیه بغداد احساس امنیت نمی‌کردند.

بنابراین، از ایجاد یک سیستم امنیت جمعی استقبال کردند، که در عمل با موفقیت همراه نبود. البته کویت در دهه ۱۹۶۰ تلاش‌هایی انجام داد که مفید واقع نشد.[۲۷] در این راستا درسال ۱۹۷۶ کنفرانس وزرای خارجه کشورهای منطقه در مسقط برگزار شد. عمان، طرح ایجاد یک سیاست هماهنگ دفاعی و امنیتی برای منطقه را جهت بررسی ارائه داد و ایران، طرح اتحاد متقابل دفاعی جامع را پیشنهاد کرد. ولی وزیران خارجه ۸ کشور نتوانستند به موضع مشترکی درخصوص این پیشنهاد دست یابند.

درسال ۱۹۷۹ عراق، پیشنهادی را به کشورهای عرب منطقه برای تشکیل یک نیروی امنیت عربی جهت کمک به حفظ امنیت خلیج فارس ارائه داد که این طرح نیز از سوی کشورهای عرب خلیج فارس (احتمالاً به دلیل سوءظن به نیّات واقعی عراق در منطقه) رد شد.[۲۸]

البته این منطقه شاهد پیمان‌های نظامی چندجانبه‌ای نظیر پیمان‌های بغداد و سنتو (CENTO) بود. پیمان بغداد درسال ۱۹۵۵ به دنبال قرارداد دوجانبه دفاعی بغداد ـ آنکارا شکل گرفت و سپس انگلستان، پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند و آمریکا در حاشیه آن قرار داشت و به عضویت پیمان مزبور درنیامد. در نهایت، این کشورها برای همکاری‌های امنیتی، قراردادی را به امضاء رساندند که به پیمان بغداد معروف شد. بعد از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ و فروپاشی خاندان سلطنتی در عراق، بغداد از این پیمان خارج شد و مرکز آن به آنکارا انتقال یافت و به پیمان سنتو تغییر نام داد.

کشورهای ساحلی خلیج فارس با وجود برخی مشترکات، نظیر مسلمان بودن و داشتن ساحل در این آبراهه استراتژیک، پیوسته دستخوش یک سلسله اختلافات صوری و ساختاری بودند.

در بُعد اختلافات و مناقشات صوری، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ عرب و غیرعرب بودن

۲ـ حکومت‌های پادشاهی یا جمهوری

۳ـ اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی کشورها نسبت به یکدیگر

و در بُعد اختلافات ساختاری و بنیادی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱ـ ترکیب[۲۹] و تعداد جمعیت[۳۰]

۲ـ نحوه توزیع قدرت

۳ـ تولید ملی

۴ـ شکل‌گیری جامعه مدنی

۵ـ نوع مشارکت

۶ـ نقش روشنفکران

۷ـ جمعیت بومی و مهاجر[۳۱]

۸ـ قدرت پارلمان

۹ـ قدرت حکومت

۱۰ـ احزاب، رسانه‌ها و غیره

بدین ترتیب، دستیابی به یک پیمان گروهی که ترتیبات امنیت جمعی را میان ۸ کشور تضمین و تأمین کند، همواره با مشکل روبرو بود.

جدول شماره ۷

توزیع جمعیت براساس سن[۳۲]

کشور	سن	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
امارات عربی متحده	۰_۹	۵۳۴۹۶۲	۵۶۹۹۶۹	۶۰۹۳۸۰
	۱۰_۱۹	۴۴۴۲۴۲	۴۷۲۵۵۸	۵۰۴۵۵۱
	۲۰_۲۹	۶۸۹۷۹۲	۷۴۰۰۰۹	۷۹۶۴۷۵
	۳۰_۳۹	۷۶۲۳۰۰۰	۸۱۹۱۴۲	۸۸۳۰۸۱
	۴۰_۴۹	۴۲۶۸۵۵	۴۵۸۵۸۹	۴۹۴۳۲۲
	۵۰_۵۹	۱۲۴۳۸۷	۱۳۳۲۳۹	۱۴۳۲۴۲
	۶۰ +	۵۰۴۶۰	۵۳۴۹۴	۵۶۹۴۹
	جمع	۳۰۳۲۹۹۸	۳۲۴۷۰۰۰	۳۴۸۷۹۹۷
بحرین	۰_۹	۱۲۰۳۱۴	۱۲۱۰۸۸	۱۲۲۵۳۵
	۱۰_۱۹	۱۰۴۴۷۵	۱۰۷۵۶۵	۱۰۹۸۲۹
	۲۰_۲۹	۱۲۳۵۷۸	۱۲۵۸۶۱	۱۲۸۰۵۰
	۳۰_۳۹	۱۳۲۴۹۶	۱۳۵۲۱۴	۱۳۷۷۰۴
	۴۰_۴۹	۸۴۱۲۸	۸۹۷۹۹	۹۳۰۳۵
	۵۰_۵۹	۳۱۴۸۹	۳۲۷۴۸	۳۳۵۸۷
	۶۰ +	۲۴۵۰۹	۲۵۳۰۷	۲۵۸۶۴
	جمع	۶۲۰۹۸۹	۶۳۷۵۸۲	۶۵۰۶۰۴
عربستان سعودی	۰_۹	۵۱۳۹۴۷۲	۵۲۷۹۴۱۴	۵۴۱۷۹۵۸
	۱۰_۱۹	۳۷۸۵۱۰۴	۳۹۰۸۱۲۴	۴۰۳۴۵۳۴
	۲۰_۲۹	۲۶۰۸۳۱۴	۲۷۲۴۹۰۸	۲۸۴۲۵۸۶
	۳۰_۳۹	۱۷۰۵۰۹۶	۱۷۷۰۴۲۲	۱۸۳۸۸۶۶
	۴۰_۴۹	۱۰۸۴۰۷۷	۱۱۴۱۴۶۷	۱۲۰۱۷۵۵
	۵۰_۵۹	۶۵۰۱۹۲	۶۷۵۷۸۲	۷۰۲۹۹۲
	۶۰ +	۶۸۶۲۰۲	۷۰۸۳۰۱	۷۳۱۸۶۵
	جمع	۱۵۶۵۸۴۵۷	۱۶۲۰۸۴۱۸	۱۶۷۷۰۵۵۶

عمان	۰_۹	۵۶۱۹۰۰	۵۳۳۱۸۰	۵۶۸۰۹۴
	۱۰_۱۹	۵۰۹۱۵۹	۵۱۹۷۶۵	۵۲۸۷۲۹
	۲۰_۲۹	۴۷۳۷۳۱	۵۰۶۲۰۵	۵۳۸۳۹۱
	۳۰_۳۹	۳۸۵۶۹۱	۴۰۱۱۳۷	۴۱۹۳۶۵
	۴۰_۴۹	۲۱۰۱۲۳	۲۱۷۶۷۶	۲۳۵۶۳۹
	۵۰_۵۹	۹۷۵۹۶	۱۰۰۳۹۸	۱۰۳۵۵۷
	۶۰ +	۴۷۱۸۸	۸۹۸۹۵	۹۲۹۱۲
	جمع	۲۳۲۵۴۳۸	۲۴۰۱۲۵۶	۲۴۷۷۶۸۷
قطر	۰_۹	—	۱۰۸۱۰۰	۱۱۱۴۴۳
	۱۰_۱۹	—	۸۱۱۳۸	۸۳۶۴۷
	۲۰_۲۹	—	۱۰۴۳۱۳	۱۰۷۵۰۰
	۳۰_۳۹	—	۱۴۶۴۷۰	۱۵۰۹۰۷
	۴۰_۴۹	—	۹۲۶۹۶	۹۵۵۰۲
	۵۰_۵۹	—	۳۱۶۸۳	۳۲۶۴۷
	۶۰ +	-	۱۴۱۱۰	۱۵۳۷۹
	جمع	۵۶۱۲۷۰	۵۷۸۵۱۰	۵۹۷۰۲۵
کویت	۰_۹	۴۰۳۱۴۷	۳۹۹۱۰۱	۳۹۸۲۳۲
	۱۰_۱۹	۳۲۷۴۹۳	۳۲۹۵۸۰	۳۳۱۳۲۹
	۲۰_۲۹	۴۵۵۸۱۶	۴۴۰۱۸۴	۴۳۶۶۷۳
	۳۰_۳۹	۵۷۷۵۵۶	۵۵۵۴۹۰	۵۵۷۲۸۵
	۴۰_۴۹	۳۲۷۰۰۵	۳۲۰۵۷۲	۳۲۸۳۴۱
	۵۰_۵۹	۱۲۲۲۸۵	۱۲۱۵۹۵	۱۲۶۴۹۶
	۶۰ +	۶۰۴۱۷	۶۱۸۴۱	۶۴۷۲۴
	جمع	۲۲۷۳۷۱۹	۲۲۲۸۳۶۳	۲۲۴۳۰۸۰

جدول شماره ۸
جمعیت[۳۳]

کشور			۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
امارات عربی متحده	شهروندان	مرد	۲۰۳۹۰۰	۲۱۹۰۰۰۰۰	۲۳۵۹۰۰۰
	غیرشهروندان	زن	۹۹۴۰۰۰	۱۰۵۷۰۰۰	۱۱۲۹۰۰۰
	جمع		۳۰۳۳۰۰۰	۳۲۴۷۰۰۰	۳۴۸۸۰۰۰
بحرین	شهروندان	مرد	۱۹۶۱۹۰	۲۰۰۹۰۳	۲۰۴۶۲۳
		زن	۱۹۲۵۲۴	۱۹۷۳۱۸	۲۰۱۰۴۴
	غیرشهروندان	مرد	۱۶۰۸۶۶	۱۶۵۳۴۴	۱۶۹۰۲۶
		زن	۷۱۴۰۹	۷۴۰۱۷	۷۵۹۱۱
	جمع		۶۲۰۹۸۹	۶۳۷۵۸۲	۶۵۰۶۰۴
عربستان سعودی	شهروندان	مرد	۷۸۷۸۳۴۴	۸۱۵۲۱۵۹	۸۴۳۲۱۷۷
		زن	۷۷۸۰۱۱۳	۸۰۵۶۲۵۹	۸۳۳۸۳۷۹
	غیرشهروندان		۵۶۷۵۷۱۳	۵۸۰۱۱۱۷	۵۹۱۹۳۴۶
	جمع		۲۱۳۳۴۱۷۰	۲۲۰۰۹۵۳۵	۲۲۶۸۹۹۰۳
عمان	شهروندان	مرد	۸۷۸۷۶۰	۹۰۳۳۲۸	۹۲۸۷۴۷
		زن	۸۵۰۵۵۱	۸۷۴۳۵۷	۸۹۷۳۷۷
	غیرشهروندان	مرد	۴۸۷۰۱۵	۴۹۸۲۶۱	۵۲۲۲۹۴
		زن	۱۰۹۱۱۲	۱۲۵۳۱۰	۱۲۹۲۶۹
	جمع		۲۳۲۵۴۳۸	۲۴۰۱۲۵۶	۲۴۷۷۶۸۷
قطر	جمع		۵۶۱۲۷۰	۵۷۸۵۱۰	۵۹۷۰۲۵
کویت	شهروندان	مرد	۳۹۴۴۹۹	۴۰۷۸۷۱	۴۲۱۹۷۳
		زن	۴۰۳۶۵۷	۴۱۸۲۱۲	۴۳۳۳۶۰
	غیرشهروندان	مرد	۹۹۴۷۳۳	۹۴۶۹۸۶	۹۳۲۶۳۶
		زن	۴۸۰۸۳۰	۴۵۵۲۹۴	۴۵۵۱۱۱
	جمع		۲۲۷۳۷۱۹	۲۲۲۸۳۶۳	۲۲۴۳۰۸۰

جدول شماره۹
رده‌بندی کشورهای خلیج‌فارس براساس جمعیت، وسعت سرزمین وطول سواحل در خلیج‌فارس[۳۴]

براساس جمعیت (نفر)	براساس وسعت سرزمین (کیلومتر مربع)	براساس طول سواحل در خلیج فارس (کیلومتر)
ایران ۶۸۴۶۷۴۱۳ (۲۰۰۵)	عربستان‌سعودی ۲۱۴۹۶۹۰	ایران ۱۷۰۰
عراق ۲۶۰۷۴۹۰۰ (۲۰۰۵)	ایران ۱/۶۴۸/۱۹۵	امارات‌متحده‌عربی ۱۱۳۸
عربستان‌سعودی ۲۵۱۹۲۷۲۰ (۲۰۰۵)	عراق ۴۷۳۰۷۲	عربستان سعودی ۷۷۵
امارات‌متحده‌عربی ۴۴۹۶۰۰۰ (۲۰۰۵)	عمان ۲۱۲۴۶۰	قطر ۵۶۳
عمان ۳۱۰۲۲۲۹ (۲۰۰۶)	امارات‌متحده‌عربی ۸۳۶۰۰	کویت ۴۹۹
کویت ۲۶۸۷۰۰۰ (۲۰۰۵)	کویت ۱۷۸۱۸	بحرین ۱۶۱
قطر ۸۱۳۰۰۰ (۲۰۰۵)	قطر ۱۱۴۳۷	عراق ۵۸
بحرین ۷۲۷۰۰۰ (۲۰۰۵)	بحرین ۶۶۵	عمان (درخلیج‌فارس‌ساحل ندارد)

پی‌نوشت‌ها

۱. کشورهای خلیج فارس، دارای ویژگی‌های مشترک متعددی هستند که می‌تواند آنها را به هم نزدیک کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱ـ نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد

۲ـ اسلام به عنوان دین رسمی مردم منطقه

۳ـ وابستگی اقتصادی آنها به نظام سرمایه‌داری غرب

۴ـ جمعیت رو به افزایش کشورهای منطقه

۵ـ سهیم بودن کشورهای منطقه در مخاطرات زیست‌محیطی

۶ـ اشتراک آنها به عنوان کشورهای درحال توسعه

۷ـ وجود دشمن مشترکی به نام اسرائیل

۸ـ وجود زمینه‌های مختلفِ همکاری

(الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، تألیف طاهره ابراهیمی‌فر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۵۰)

۲. سال‌های کشف نفت در کشورهای حاشیه خلیج فارس: پس از ایران، عراق نخستین کشور خاورمیانه است که اکتشافات نفتی در آن صورت گرفت و اولین چاه نفت عراق ۲۰ سال پس از فوران چاه نفت مسجدسلیمان به نفت رسید. عملیات اکتشاف نفت در عراق، هنگامی که جزئی از امپراتوری عثمانی بود آغاز شد. در جریان جنگ اول جهانی، کار اکتشاف نفت عراق عملاً متوقف گردید. بعد از خاتمه جنگ، انگلیسی‌ها که قیمومیت عراق را از طرف جامعه ملل عهده‌دار شده بودند، درصدد برآمدند تا شرکت سابق نفت ترکیه را به‌طور کامل در اختیار خود بگیرند، ولی در این کار موفق نشدند. در سال ۱۹۵۲ به دنبال اعلام ملی شدن صنعت نفت در ایران، در قرارداد نفت عراق نیز تجدیدنظر شد. از سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) شرکت‌های آمریکایی بویل اویل و استاندارد اویل نیوجرسی، هرکدام ۱۲/۵٪ از سهام نفت عراق را در اختیار گرفتند. عراقی‌ها در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۲) نفت خود را ملی اعلام کردند.

بعد از ایران و عراق، سومین کشور منطقه خلیج فارس که منابع نفتی آن مورد

بهره‌برداری قرار گرفت، بحرین است. بحرین از سال ۱۸۷۱ تحت‌الحمایه انگلیسی‌ها بود و در سال ۱۸۸۰ رسماً یک قرارداد تحت‌الحمایگی با انگلیس امضاء کـرد. یک شرکت کوچک آمریکایی به نام شرکت نفت خلیج شرقی در سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶ ش) امتیاز استخراج نفت را در بحرین به دست آورد. این شرکت یک سال بعد، امتیاز خود را در مقابل ۵۰ هزار دلار به شرکت استاندارد اویل کالیفرنیا انتقال داد. هنوز عملیات اکتشاف و استخراج نفت آغاز نشده بود که انگلیسی‌ها شروع به کـارشکنی کـردند، سرانجام قرار شد شرکت استاندارد اویل کالیفرنیا، شرکت مستقلی به نام نفت بحرین تشکیل دهد و این شرکت در انگلستان ثبت شود و مالیات خود را به دولت انگلیس بپردازد! بدین‌گونه استعمار در ابعاد گسترده، کار خود را در بحرین آغاز کرد.

عربستان، چهارمین کشور خاورمیانه است که شرکت‌های خارجی، به تولید و صدور نفت از آن اقدام کردند. در سال ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ شرکت استاندارد اویل کالیفرنیا بعد از اکتشاف نفت در بحرین، به وجود منابع نفتی در ایالت الحساء واقع در بخش ساحلی عربستان پی برد و با پرداخت ۳۵ هزار پوند به ابن‌سعود، امتیاز نفت عربستان را ار آن خود ساخت. در جریان عملیات اکتشاف، یک شرکت نفتی دیگر آمریکایی به نـام شرکت نفت تگزاس، نیمی از سهام شرکت جدیدالتأسیس نفت عربستان و استاندارد اویل را به مبلغ ۲۱ میلیون دلار خریداری کرد. در سال‌های اولیه پس از پایان جنگ دوم جهانی استاندارد اویل کالیفرنیا و شرکت نفت تگزاس قسمتی از سهام خود را به دو شرکت دیگر نفتی آمریکایی فروختند. شرکت جدید نفت عربستان و آمریکا (آرامکو) از چهار شرکت آمریکایی تشکیل شده است.

در سال ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) اولین چاه در قطر به نفت رسید. شیخ قطر که تحت‌الحمایه انگلستان بود، در سال ۱۹۵۳ امتیاز استخراج نفت این شیخ‌نشین را به شرکت نـفت انگلیس و ایران داد. صدور نفت قطر پس از پایان جنگ جهانی دوم از دسامبر سال ۱۹۴۹ رسماً آغاز شد.

با اینکه بزرگترین ذخایر نفتی جهان در کشور کوچک کویت قرار دارد، اما اکتشاف نفت در این سرزمین خیلی دیر آغاز شد. اولین محموله نفتی کویت در سال ۱۹۴۶ به خارج صادر گردید.

کویت از سال ۱۸۹۹ رسماً تحت‌الحمایه انگلیس بود، ولی بر سر کسب امتیاز استخراج نفت کویت، بین شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت آمریکایی خلیج، رقابت سختی درگرفت و دولت بریتانیا سرانجام به علت پاره‌ای ملاحظه‌های سیاسی، مصلحت خود را در آن دید که در بهره‌برداری از نفت کویت با آمریکایی‌ها مشـارکت کـند. بـدین

ترتیب، درپیِ توافق حاصل، سهام شرکت نفت کویت به‌طور مساوی بین شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت نفت آمریکایی خلیج تقسیم شد. در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴) در منطقه‌ای بی‌طرف بین کویت و عربستان نیز نفت استخراج شد و منافع حاصل از آن، بین عربستان و کویت به‌طور مساوی تقسیم گردید. آمریکایی‌ها استخراج نفت در منطقه بی‌طرف را نیز به شرکت‌های آمریکایی سپردند.

از بین ۷ امارت یا شیخ‌نشین که امارات متحده عربی را تشکیل می‌دهند، فقط ابوظبی و دوبی دارای منابع نفتی چشمگیری هستند. امتیاز نفت ابوظبی به دو شرکت داده شده است که یکی از آنها مجموعه‌ای از دو شرکت انگلیسی و فرانسوی و دیگری شامل ۵ شرکت انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و هلندی است. (آمریکا و خاورمیانه، دکتر جواد منصوری)

از ژوئیه ۱۹۶۵ به موجب قراردادی که در شهر طائف (عربستان) میان نمایندگان کویت و عربستان به امضاء رسید، منطقه بی‌طرف بین دو کشور تقسیم شد و کویت و عربستان هریک ۲۵۰۰ کیلومترمربع خاک جدید به دست آوردند و بدین‌گونه، نسبت به معادن نفتی و سایر معادن آن منطقه حقوق مساوی دریافت می‌دارند.

۳. مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، دی ۱۳۷۹

۴. همان مأخذ

۵. همان مأخذ

۶. همان مأخذ

۷. همان مأخذ

۸. همان مأخذ

۹. همان مأخذ

۱۰. دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، کیسینجر، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران، ص ۳۰۶

۱۱. ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دکتر اصغر جعفری ولدانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۳۶

الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، طاهره ابراهیمی‌فر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۶۱

۱۲. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، بهمن نعیمی ارفع، ص ۳۵

۱۳. مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، دی ۱۳۷۹، دفتر

مطالعات سیاسی بین‌المللی
۱۴. همان مأخذ، ص ۱۶۱
۱۵. همان مأخذ
۱۶. همان مأخذ
۱۷. همان مأخذ
۱۸. همان مأخذ
در این‌جا باید خاطرنشان کرد آلبوکرک دریادار مهاجم پرتغالی، به اقیانوس هند و خلیج‌فارس معتقد بود: «هر دولتی بر ۳ تنگه باب المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود» (ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دکتر اصغر جعفری ولدانی، ص۱۳)
۱۹. همان مأخذ
۲۰. از ۸ کشور حاشیه خلیج فارس ۴ کشور به دریاهای دیگر جزء دریای پارس دسترسی دارند. ایران به دریای خزر، دریای عمان و اقیانوس هند متصل است. عربستان سعودی به دریای سرخ، کشور عمان به دریای عرب و دریای عمان و امارات متحده عربی به دریای عمان و دریای عرب دسترسی دارند.
از ۸ کشور یادشده، سرزمین‌های ۷ کشور کرانه‌ای است و تنها کشور بحرین است که به شکل مجمع‌الجزایر، در آبهای خلیج فارس قرار دارد. ایران با نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر خط کرانه‌ای، سراسر شمال باختری، شمال و شمال خاوری خلیج فارس، شمال تنگه هرمز، و گوشه شمال باختری اقیانوس هند را در بر می‌گیرد و روی هم دارای طولانی‌ترین کرانه‌ها در خلیج فارس است.
امارات متحده با خط کرانه‌ای ۶۴۰ کیلومتری خود، از طولانی‌ترین کرانه‌ها در میان کشورهای عربی خلیج فارس برخوردار است.
در میان ۸ کشور خلیج فارس، یکی از پهناورترین کشورهای جهان، عربستان سعودی و یکی از کوچک‌ترین آنها بحرین دیده می‌شوند. همچنین یکی از کهن‌ترین کشورهای جهان، ایران، به همراه یکی از جدیدترین آنها، امارات متحده عربی، بر گرد این دریا حضور دارند.
از دیدگاه مذهبی، اگرچه همه کشورهای منطقه خلیج فارس مسلمان‌اند، ولی نمونه منحصر به فرد برخی تفاوت‌های مذهبی دنیای اسلام در این منطقه دیده می‌شود. ایران که تا پیش از استقلال جمهوری آذربایجان از شوروی سابق، تنها کشور شیعی مذهب جهان بود، عربستان سعودی و قطر که تنها کشورهای وهابی جهان هستند و عمان، که

تنها کشور اباضی مذهب جهان است، همگی در اطراف این دریا واقع‌اند. (کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، پیروز مجتهدزاده، ترجمه و تنظیم: حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران ۱۳۸۰، ص ۱۴)

از نظر جغرافیایی، کشور عمان در خلیج فارس دارای ساحل نیست. سواحل عمان در تنگه هرمز و دریای عرب (قسمت شمالی اقیانوس هند) واقع است. طول این سواحل ۲۰۹۲ کیلومتر است. با وجود آنکه عمان در منطقه خلیج فارس واقع نیست، به دلیل قرار گرفتن آن در قسمت جنوبی تنگه هرمز (آبراه ورودی به خلیج فارس) این کشور در مجموعه کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس تعریف شده است. (ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار منطقه خلیج فارس و... دکتر فرهاد طلایی، شانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، ۱۳۸۵)

۲۱. مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، دی ۱۳۷۹

۲۲. جنگ داخلی یمن در سال ۱۹۶۷ با عقب‌نشینی نیروهای مصر از یمن و شکست نیروهای کودتاچی به پایان رسید

۲۳. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) رژیم شاه به تدریج از انگلیس فاصله گرفت و به ایالات متحده نزدیکتر شد و با روی کار آمدن جان.اف.کندی در آمریکا و ورود او به کاخ سفید، توازن و تعادلی که میان لندن و واشنگتن از نظر نفوذ و قدرت در تهران بین سال‌های ۴۰ـ۳۲ برقرار شده بود. به نفع ایالات متحده چرخش کرد. درسال ۱۹۶۴ مانور مشترک نظامی ایران و آمریکا در آب‌های گرم خلیج فارس انجام پذیرفت. تاسال ۱۹۷۱ که قوه مجریه انگلستان بر خلیج فارس تسلط داشت، آمریکا از حضور نظامی مستقیم پرهیز داشت، ولی بعد از خروج نیروهای نظامی انگلستان، آمریکا ضرورت حضور فعال خود را احساس کرد و تصمیم گرفت خلأ قدرت نظامی انگلیس را به طور مستقیم و غیرمستقیم پر کند. در این زمان، ریچارد نیکسون (جمهوریخواه) در رأس دولت آمریکا قرار گرفت و بر اثر وقایع تلخی که برای ارتش آمریکا در ویتنام اتفاق افتاد، تصمیم گرفت از حضور مستقیم نظامی احتراز کند و امنیت جمعی خلیج فارس را به کشورهای قدرتمند ساحلی بسپارد. نیکسون برای نخستین بار درسال ۱۹۶۹ در جزیره «گوام» دکترینی را اعلام کرد که به دکترین نیکسون یا دکترین گوام یا ویتنامی کردن جنگ‌ها معروف شد. بر این مبنا که در مناطق مختلف جهان نیروهای محلی وابسته به آمریکا در غیاب ارتش ایالات متحده، مسئولیت حفظ امنیت و دفاع از منافع آمریکا را بر عهده گیرند.

ناگفته نماند تاسال ۱۹۷۱ رقابتی پنهان میان شاه وابسته بـه واشـنگتن و نـیروهای انگلیسی مستقر در خلیج فارس وجود داشت و با خروج نیروهای انگلیسی و همزمان با اوج‌گیری دکترین نیکسون، فرصت برای ترکتازی و یکه‌تازی شاه در خلیج فارس فراهم شد. سفر نیکسون در ۱۰ خرداد سال ۱۳۵۱ به تهران و امضای قـراردادهـای دوجانبه نظامی فصل جدیدی از حضور نظامی شاه در خلیج فارس گشود. در سـال ۱۹۷۲ نیکسون با فروش هرگونه تسلیحات متعارف به ایران موافقت کرد.

۲۴. زبیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا در سالهای ۸۱ - ۱۹۷۷ در کتاب قدرت و اصول می‌نویسد؛ «منافع آمریکا و نیز امنیت خلیج فـارس بـه دو سـتون ایـران و عربستان سعودی بستگی دارد»

۲۵. **عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس**، محمدعلی امامی، ص ۵۳

۲۶. همان مأخذ، ص ۶۶

۲۷. تاریخ روابط میان کشورهای خلیج‌فارس از سال ۱۹۶۸ یعنی زمانی که بریتانیا عزم خود را مبنی بر عقب‌نشینی از شرق سوئز اعلام کرد تا پایان سال ۱۹۷۱ باز می‌گردد (علل تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، پایان نامه، ص ۲۲)

۲۸. **مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس**، بهمن نعیمی ارفع، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ ۱۳۷۰، ص ۳۰

۲۹. شـیعیان در بـحرین ۶۰٪ در کـویت ۱۵٪ در امـارات ۶/۵٪ و تـعداد شـیعیان عربستان‌سعودی در حدود ۴۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. (**الگوهای اعتمادسازی در خلیج فارس**، ص ۳۸)

۳۰. ۶۰٪ جمعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمتر از ۳۰ سال سن دارند در این زمینه می‌توان به جدول شماره ۷ توجه کرد.

۳۱. ۸۰٪ جمعیت امارات متحده عربی را اتباع بـیگانه تشکـیل مـی‌دهند کـه در مـیان ۶ کشور بیش از سایر کشورهاست و تعداد خارجی‌های مقیم عـمان درسال ۲۰۰۱ حدود ۳۰٪ جمعیت بومی است که کمترین اتباع بیگانه را در خـود جـای داده و از جمعیت ۲۲ میلیونی عربستان سعودی درسال ۲۰۰۱ حدود ۶ میلیون خارجی زندگی می‌کردند.

جمعیت خارجیان حدود ۱۰/۲ میلیون از کل ۲۷/۷ میلیون جمعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس تخمین زده شده است (**گزیده تحولات جهان**، شماره ۱۲، ص ۱۸۵)

۳۲. مرکز اطلاعات و آمار دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس

۳۳. همان.
۳۴. ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار در منطقه خلیج فارس، دکتر فرهاد طلایی

شورای همکاری خلیج فارس

سنگ بنای ضرورت همبستگی و همگرایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سال‌های دهه ۷۰ میلادی گذاشته شد که ضرورت آن، در اظهارات مقامات کشورهای مزبور، صریحاً یا تلویحاً ابراز و اعلام شده است. این همبستگی ناشی از نگرانی‌هایی بود که منطقه را تهدید می‌کرد. به طوری که در دهه ۱۹۷۰ کویت تلاش‌هایی جهت تقویت همکاری‌های فرهنگی - اقتصادی و سیاسی بین ۶ کشور عربی حاشیه خلیج فارس به عمل آورد. در ۱۶ مه ۱۹۷۵ شیخ جابر احمد جابر الصباح امیر مُتوفّیٰ دولت کویت (ولیعهد وقت کویت) در دیداری از ابوظبی، تشکیل هیأت مشترک وزیران امارات عربی متحده و کویت را با هدف بررسی مسائل مورد علاقه و تحکیم مناسبات فی‌مابین اعلام داشت و تأکید کرد این هیأت، دست کم سالی دو بار جلسه خواهد داشت.[1]

در ۴ ژانویه ۱۹۷۶ وزیران اطلاعات کشورهای بحرین، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عربستان سعودی، عمان و عراق در ابوظبی تشکیل جلسه دادند.

نقشه‌های ایجاد دانشگاه، پیشرفت بهداشت، همکاری‌های تلویزیونی، تولید دارو، ایجاد آژانس خبری خلیج فارس و بسیاری از امور دیگر از جمله

کارهایی بود که باید پیاده می‌شد و صورت اجرایی می‌گرفت.[۲]

در نوامبر ۱۹۷۶ به اشاره شاه ایران، سلطان قابوس، اجلاسی از وزرای خارجه ۸ کشور برای ایجاد سیستم امنیت جمعی در مسقط تشکیل داد که نتیجه‌ای در پی نداشت[۳] و علت آن، رقابت بین ایران و عراق و عربستان بود[۴] به طوری که طرح ایران با مخالفت عراق روبه‌رو شد.

در این اجلاس، ایران پیشنهاد کرد یک نیروی چندجانبه، تحت یک فرماندهی منحصر، متعهّد شود امنیت خارجی و داخلی امضاءکنندگان پیمان را تأمین کند. این پیشنهاد با دیدگاه اعراب برخورد داشت، زیرا بنا به دلایلی مسلم از سوی دشمن قدیمی خود یعنی ایران و با زعامت و پیشوایی آن دشمن دیرین، تهدید می‌شدند. عراق صریحاً دشمن این پیمان بود و می‌ترسید این میثاق، پیمان نیمه جان سنتو را زنده کند. عربستان سعودی خاموشی گزید و کویت بیهوده می‌کوشید در این مسأله بیشتر بیندیشد. نماینده بغداد، کنفرانس را پیش از پایان ترک کرد و مخالفت خود را شتاب بخشید.[۵]

در دسامبر ۱۹۷۸ در پایان دیدار شیخ عبدالله سالم الصباح، ولیعهد وقتِ کویت از پادشاهی سعودی، بحرین، قطر، امارات و عمان، بیانیه مشترکی صادر گردید و در آنها به تحرک وسیع کشورهای منطقه برای رسیدن به یک اتحاد اشاره شد.[۶]

جدول شماره ۱۰ همکاری‌های دولت‌های خلیج فارس را پیش از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد.

حمله عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) و شروع جنگ و شدت یافتن نبرد و نامشخص بودن زمان پایان جنگ (اعلام آتش‌بس) و تأکیدات مکرر ایران بر خروج هر چه سریع‌تر عراق از سرزمین ایران و ادامه جنگ تا خروج آخرین سرباز عراقی از نقطه صفر مرزی و تنبیه متجاوز و معرفی آن سبب شد تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ضرورتی را که از دهه ۱۹۷۰ احساس می‌کردند و تا آن زمان موفق به اجرای آن نشده

جدول شماره ۱۰
همکاری‌های دول خلیج‌فارس در پیش از تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس[۷]

سال	اعضاء	شرکت
۱۹۵۰	امارات ـ بحرین ـ عمان ـ قطر	شرکت هوائی خلیج [فارس]
۱۹۶۸	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر ـ یمن	الحوض الجاف
۱۹۷۱	امارات ـ بحرین ـ کویت ـ قطر	کمیته دائمی مخابرات منطقه خلیج [فارس]
۱۹۷۵	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	بانک بین‌المللی خلیج [فارس]
۱۹۷۵	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عمان ـ قطر ـ ایران	مرکز آموزش منطقه‌ای صیادی
۱۹۷۵	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر ـ ایران	پروژه منطقه‌ای رشد ماهیگیری
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	مؤسسه تولید برنامه‌های مشترک
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	آموزش‌وپرورش عربی درکشورهای‌خلیج [فارس]
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	دبیرخانه بهداشتی کشورهای خلیج [فارس]
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ عمان ـ قطر ـ سعودی ـ یمن	دبیرخانه‌کمیته‌تابع‌کنفرانس‌وزرای‌کشاورزی
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ قطر	شرکت کشتیرانی عربی
۱۹۷۶	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	سازمان سرمایه‌گذاری صنعتی خلیج [فارس]
۱۹۷۷	امارات ـ بحرین ـ عمان ـ قطر ـ سعودی ـ کویت	هیأت پستی خلیج [فارس]
۱۹۷۷	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	تلویزیون خلیج [فارس]
۱۹۷۸	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	آژانس خبری خلیج [فارس]
۱۹۷۸	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	دفترتابع‌شورای‌وزرای‌کاروامور‌اجتماعی‌خلیج [فارس]
۱۹۷۹	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	کمیته‌هماهنگی‌وبرنامه‌ریزی‌نفتی‌کشورهای‌خلیج [فارس]
۱۹۷۹	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	مرکزهماهنگی‌آموزش‌رادیووتلویزیون‌خلیج [فارس]
۱۹۷۹	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	اتحادیه‌اتاق‌های‌صنعتی‌وکشاورزی‌خلیج [فارس]
۱۹۷۹	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج [فارس]
۱۹۸۰	امارات ـ بحرین ـ سعودی ـ کویت ـ عراق ـ عمان ـ قطر ـ ایران	مرکز منطقه‌ای ایستگاه‌های دریایی
۱۹۸۱	امارات ـ بحرین ـ عمان ـ قطر ـ سعودی ـ کویت	شرکت صنایع آلومینیوم خلیج [فارس]

بودند، مجدانه پی‌گیری کنند[۸] و به هر قیمت شده به اجرا در آورند و بر این اساس، جلسات و دیدارهایی توسط مقام‌های ۶ کشور عربی صورت پذیرفت و در کلیه مذاکرات، تشکیل شورایی از ۶ کشور محور تصمیمات قرار داشت؛ به طوری که در نوامبر ۱۹۸۰ دو ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی[۹] و در یازدهمین اجلاس سران عرب در امان پایتخت اردن، امیر کویت از رهبران کشورهای عربی خلیج فارس خواست در مورد ایجاد یک استراتژی مشترک و نیز همکاری در زمینه‌های مختلف بیندیشند.[۱۰] در ژانویه ۱۹۸۱ در حاشیه کنفرانس سران اسلامی در شهر طائف (عربستان سعودی) اجلاسی از سران ۶ کشور عربی خلیج‌فارس تشکیل شد. کویت طرحی ارائه داد که متضمّن دور نگه‌داشتن منطقه خلیج فارس از کشمکش‌های بین‌المللی بود.[۱۱و۱۲]

در این اجلاس ۳ طرح مختلف توسط عربستان سعودی، کویت و عمان مطرح شد. عربستان، طرح قراردادهای امنیتی را پیشنهاد کرد.[۱۳]

کویت پیشنهاد کرد محور فعالیت‌ها در زمینه‌های اقتصادی، نفتی، صنعتی و فرهنگی باشد.

عمان طرح پیشنهاد تشکیل قوای دریایی مشترک برای حفاظت از تنگه هرمز را عنوان کرد.

در فوریه ۱۹۸۱، اجلاس وزرای خارجه ۶ کشور عربستان سعودی، بحرین، کویت، امارات عربی متحده، سلطان‌نشین عمان و قطر در ریاض برگزار شد.

و در همین اجلاس، وزرای خارجه ۶ کشور همگی با ایجاد شورای همکاری موافقت کردند[۱۴] و در ماه مارس ۱۹۸۱ وزرای خارجه این کشورها در مسقط تشکیل جلسه دادند که بیانیه این اجلاس توسط وزیرخارجه عربستان سعودی قرائت شد.[۱۵] و اساسنامه شورا و نحوه رأی‌گیری و تشکیل جلسات ادواری به تصویب رسید. همچنین موضوع تشکیل هیأت حل اختلاف بین اعضای شورا و صلاحیت دبیرکل شورا مورد بررسی قرار گرفت.[۱۶]

در ابتدای مارس ۱۹۸۱ یک کمیسیون فنی، مأمور پی‌ریزی اساسنامه شورای همکاری شد و در ۱۹۸۱/۳/۸ وزیران خارجه، آخرین اصلاحات را انجام دادند و در ۱۹۸۱/۳/۱۲ سران ۶ کشور در ریاض تشکیل جلسه دادند[۱۷] و در ۱۹۸۱/۳/۱۶ با انتشار بیانیه‌ای رسمی تأسیس شورای همکاری را رسماً اعلام کردند.[۱۸]

در این ایام، با شکست جیمی کارتر از حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از رقیب تندرو انتخاباتیش رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه، توجه ایالات متحده به خلیج فارس بیشتر شد؛ به طوری که در سال ۱۹۸۱ م (نخستین سال حضور ریگان در کاخ سفید) رئیس جمهور آمریکا اهداف کشورش را در خلیج فارس در مقابل کمیته مشترک اقتصادی کنگره چنین تشریح کرد:[۱۹]

۱ـ دسترسی به نفت خلیج فارس و حفاظت از خطوط کشتیرانی

۲ـ متوقف ساختن توسعه‌طلبی شوروی

۳ـ تقویت مناسبات تجاری، اقتصادی و سیاسی آمریکا با کشورهای دوست در منطقه

۴ـ دستیابی به نقاط کلیدی در کشورهای منطقه که در پروژه‌های نظامی آمریکا قرار دارند.

همچنین هارولد براون وزیر اسبق دفاع آمریکا در سال ۱۹۸۰ اهداف ایالات متحده در خلیج فارس را بر مبنای محورهای زیر اعلام داشت:

۱ـ تضمین دسترسی به عرضه نفت کافی

۲ـ ایستادگی در مقابل گسترش و نفوذ شوروی

۳ـ ایجاد ثبات در منطقه (تضمین امنیت اسرائیل)

۴ـ توسعه فرایند صلح خاورمیانه (حفظ منافع اسرائیل)

شماری از تحلیلگران سیاسی امور خلیج فارس بر این باورند که شورای همکاری خلیج فارس به علت جنگ ایران و عراق و هراسی که میان

حکّام ۶ کشور کوچک و عرب حوزه خلیج فارس پدیدار شد،[۲۰] به دستور آمریکا به وجود آمد.[۲۱] در اینکه جنگ عراق و ایران در راه‌اندازی سریع شورای همکاری مؤثّر بود و نقش کاتالیزور را ایفا کرد، جای شک و شبهه‌ای نیست. آنها از ترس اینکه آتش جنگ دامن آنها را بگیرد و برای فرار از این آتش، پیمان منطقه‌ای را بهترین راهکار تشخیص دادند؛ به‌طوری که برژینسکی مشاور امنیت ملی در دوران جیمی کارتر در کتاب قدرت و اصول اشاره می‌کند:

«عربستان سعودی که امنیت حوزه‌های نفتی خود را در مخاطره قطعی می‌دید، اواخر سپتامبر ۱۹۸۱ از آمریکا درخواست کمک کرد. دولت سعودی خواهان ارسال فوری هواپیماهای آواکس برای عملیات اکتشافی در خلیج فارس شد. ظاهراً سعودی‌ها بیم داشتند که جمهوری اسلامی در واکنش به عملیات عراق؛ تأسیسات نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان را مورد حمله قرار دهد. سرانجام با تقاضای سعودی‌ها موافقت شد و آمریکا با وجود اعلام بی‌طرفی، برای حفاظت از مصالح و منافع دوستان خود عملاً به نفع آنان جبهه‌گیری کرد».

البته درباره اینکه شورای همکاری خلیج‌فارس با دستور آمریکایی‌ها[۲۲] به وجود آمده باشد، دلایل کافی وجود ندارد.[۲۳] به قول نویسنده کتاب آمریکا و خاورمیانه «عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در عین حال که خود را نیازمند کمک و پشتیبانی آمریکا می‌دانند ترجیح می‌دهند در نهایت، بیشتر به نیروهای عربی و توانایی آنها متّکی باشند».

واقعیت این است که هر ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به دلیل وسعت اندک (غیر از عربستان) و جمعیت محدود (عربستان هم به نسبت وسعتش جمعیت کمی دارد) و ثروت سرشار، طبیعی است که خود را در معرض تهدید قدرت‌های برتر منطقه و فرامنطقه‌ای ببینند و برای حفظ امنیت

خودشان راهکاری بیندیشند و این راهکار را در همگرایی و پیمان منطقه‌ای محدود عربی جستجو کنند.

این کشورها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نسبت به اهداف عراق و ایران سوءنظر داشتند. عراق علناً به موجودیت کویت معترض بود و ایران اگر چه در ظفار برای سرکوب شورشیان به سلطان قابوس کمک کرد، ولی اعراب ساحلی، به اهداف شاه با سوءنظر نگاه می‌کردند؛ با اینکه در دکترین نیکسون، ستون اقتصادی برعهده عربستان و ستون نظامی برعهده شاه ایران گذاشته شده بود.[۲۴] با این حال، رقابتی پنهان میان تهران و ریاض برسر حاکمیت و تسلط بر خلیج فارس وجود داشت[۲۵] و به علت اختلاف میان تهران و بغداد در زمان شاه، تحریکاتی توسط عوامل رژیم بعث عراق در کشورهای ساحلی علیه ایران انجام می‌گرفت و سوءنظر ۶ کشور را نسبت به ایران افزایش می‌داد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیم و هراس در این کشورها رو به افزایش نهاد. از یک سو عراق و آمریکا هر یک با اهداف جداگانه و از سوی دیگر اظهارات ناسنجیده برخی مقامات غیرمسئول جمهوری اسلامی ایران، در افزایش بیم و هراس در ۶ کشور ساحلی خلیج‌فارس مؤثر بودند.

کشورهای کوچک ساحلی از یک سو نمی‌خواستند سرنوشتشان را به ایران و عراق گره بزنند و از سوی دیگر به دلائلی علاقه‌مند نبودند روابطشان با بلوک غرب به‌ویژه آمریکا چندان علنی و آشکار شود و به عنوان عوامل آمریکا در منطقه معرفی شوند بنابر این، بر آن شدند تا در قالب یک پیمان جمعی از ۶ کشور عرب ساحلی خلیج فارس به نام شورای همکاری خلیج فارس گردهم آیند. شروع جنگ ایران و عراق، فرصت مناسبی را برای ۶کشور عضو شورا فراهم آورد تا به بهانه جنگ میان تهران و بغداد، در ورای حضور این دو کشور مهم و بزرگ ساحلی خلیج‌فارس، شورای مورد نظر را تشکیل دهند.[۲۶]

از آنجا که هر یک از ۶ کشور عضو شورای همکاری روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با آمریکا و انگلیس داشتند، تشکیل شورا مورد استقبال بلوک غرب قرار گرفت و این انگاره برای کشورهای رادیکال منطقه و بلوک شرق ـ در آن زمان ـ ایجاد شد که شورای همکاری به وسیله آمریکا به وجود آمده و در راستای حفظ منافع آنها گام برمی‌دارد. انگیزه حمایت شیوخ ۶ کشور عضو از تشکیل شورای همکاری، با انگیزه حمایت آمریکا از شورا متفاوت بود. حکومت‌های ۶ کشور ساحلی برای حفظ حکومتشان شورا را تشکیل دادند،[۲۷] ولی واشنگتن برای بهره‌گیری از نفت منطقه خلیج فارس، از تشکیل شورا استقبال کرد؛ به طوری که دیک چنی وزیر دفاع ریگان (معاون جرج دبلیو بوش) ابراز داشت:

«برای ما حکومت آل صباح مطرح نیست، ما فقط خواهان نفت هستیم».

همسویی خواسته یا ناخواسته شورای همکاری با غرب، به‌ویژه آمریکا سبب شد که شوروی (دوران برژنف) تشکیل شورا را یک طرح آمریکایی بداند که طی آن واشنگتن برای تحت نفوذ درآوردن کشورهای حوزه استراتژیک خلیج فارس می‌کوشد و اظهارنظرهای برخی مقام‌های آمریکایی نظیر نیکلاس ویولت، معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در مه ۱۹۸۲ در سالگرد تأسیس شورا بر ظن روس‌ها افزود. نیکلاس گفته بود:

«شورا گام مهمی در تقویت همکاری است، این هدفی است که مردم منطقه به آن احترام می‌گذارند و ما از آن استقبال و حمایت می‌کنیم. این همکاری، پایه ایجاد چشم‌اندازهای صلح و توسعه منظم درمنطقه است».[۲۸]

دکتر نایف علی عبید در باره واکنش‌های مربوط به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس می‌نویسد: «تشکیل شورای همکاری خلیج [فارس] از طرف آمریکا و انگلستان، مورد استقبال قرار گرفت و آنها اظهار امیدواری کردند که این شورا در تعامل با غرب، موجب ایجاد امنیت در خلیج [فارس]

شود. ولی شوروی در این باره نظر موافق نداشت، به طوری که روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی نوشت: گرومیکو در ملاقات با شیخ صباح احمد جابر معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه کویت در آوریل ۱۹۸۱ با طرح پیشنهادی عمان مبنی بر تشکیل ناوگان دریایی مشترک برای حمایت از تنگه هرمز و نیز طرح عربستان سعودی جهت همکاری نظامی دول خلیج [فارس] مخالفت کرد و گفت این نوع پیمان‌ها نمی‌تواند به استقرار ثبات در منطقه کمک کند.

ایران به سرعت با تشکیل شورا مخالفت کرد و سخنگوی انقلاب اسلامی علی خامنه‌ای[۲۹] اعلام داشت که این پیمان، علیه ایران است. ولی غیر از این، جمهوری اسلامی ایران مخالفت دیگری ابراز نداشت».[۳۰]

برژنف دبیرکل وقت حزب کمونیست شوروی در بیست وششمین کنگره حزب در فوریه ۱۹۸۱ اعلام کرد: «تأسیس شورای همکاری خلیج با دلارهای آمریکا صورت گرفته است».[۳۱]

البته بعدها نظر شوروی تعدیل پیدا کرد به طوری که در ماه نوامبر ۱۹۸۵ روزنامه «کراسیانا رویزدا» نوشت: «رهبران شورای همکاری خلیج [فارس] به موازات برنامه‌های ویژه جمعی برای تضمین امنیت و دفاع به ضرورت گسترش منابع نظامی در منافع ملی کشورهای PGCC نظر دارد».[۳۲] بلافاصله بعد از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، در ۲۰ اوت ۱۹۸۱ قراردادی بین لیبی، اتیوپی و یمن جنوبی در عدن به امضاء رسید و نظر برخی از صاحب‌نظران امضای قرارداد فوق واکنش روسها نسبت به تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس بود.[۳۳]

با توجّه به نکات یاد شده، این شورا در عمر ۲۵ ساله‌اش سه مرحله را پشت سرگذاشته است:

۱ـ از زمان تشکیل در ۱۹۸۱ تا اشغال کویت توسط عراق و فروپاشی شوروی

۲ـ از پایان جنگ سرد تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۳ـ از حمله به برج‌های دوقلو تاکنون

و در هر مرحله، مواضع خاصی مطابق با شرایط اتخاذ کرده است که در قطعنامه‌های اجلاس‌های سران منعکس است و با بررسی آنها می‌توان به مواضع شورای همکاری پی برد. در تمامی قطعنامه‌ها یک اصل جوهری و راهبردی حاکم است و آن ایجاد ثبات پایدار در آبراه استراتژیک خلیج فارس و امنیت در داخل کشورهای عضو شوراست.

در اینجا یادآوری یک نکته تاریخی و سیاسی اهمیت دارد و آن شدت اصرار کویت بر تشکیل شورا نسبت به سایر کشورهاست. به طوری که از دهه ۷۰ میلادی، مقامات ارشد حکومتی و دیپلماسی کویت در دیدارها و سفرهای دوره‌ای به سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، بر ضرورت تشکیل آن تأکید می‌کردند و آن را یک ضرورت ژئوپلیتیکی می‌خواندند و این ناشی از هراسی بود که کویت از زمان استقلال خود از عراق داشت. زیرا از بدو تأسیس عراق در بعد از جنگ جهانی اول و خصوصاً بعد از اعلام استقلال کویت، همواره مقامات سیاسی ـ نظامی عراق به این کشور (کویت) به عنوان بخشی از خاک عراق نگاه می‌کردند و آن را بخش پیوسته و جدایی‌ناپذیر عراق می‌دانستند و برآن بودند که عراق از چهار قسمت شمالی (کردنشین)، مرکزی (سنی‌نشین)، جنوبی (بصره ـ شیعیان) و کویت تشکیل شده است و هرگز موجودیت مستقل کویت را به عنوان یک کشور رسمیت نمی‌شناختند. کویتی‌ها تصور می‌کردند با ورود به یک پیمان استراتژیک جمعی با سایر کشورهای عربی خلیج فارس، می‌توانند از تجاوز عراق در امان بمانند. و در صورت وقوع تجاوز، مشترکاً به دفاع برخیزند. به نظر می‌رسد یکی از علل تشویق عراق از سوی کویت، جهت حمله به ایران این بود که عراق درگیرودار جنگ با ایران، از حمله به کویت منصرف شود.

پیش از پرداختن به متن کامل منشور یا اساسنامه شورای همکاری

خلیج فارس (مشتمل بر ۲۲ ماده) که در ۲۱ رجب ۱۴۰۱ هـ.ق مصادف با ۲۵ مه ۱۹۸۱ در شهر دوبی (امارات متحده عربی) به امضاء رؤسای ۶ کشور عضو رسید، تذکر نکاتی درباره اساسنامه ضرورت دارد:

۱ـ توافق بر سر استقرار دبیرخانه در شهر ریاض پایتخت عربستان‌سعودی، نشانگر آن است که ۵ کشور دیگر عضو شورای همکاری، رهبری و زعامت عربستان را به عنوان برادر بزرگتر (با وجود اختلافات ارضی و مرزی که برخی کشورهای عضو با این کشور دارند) پذیرا شدند و این واقعیت را قبول کردند که عربستان بر آنها برتری دارد.[۳۴]

۲ـ در ماده ۴ که اهداف را بیان می‌دارد و مهم‌ترین ماده اساسنامه قلمداد می‌شود، بر تعمیق روابط میان دولت‌ها و مردم براساس پایه‌های اقتصادی و مالی، تجاری و گمرکی و ارتباطات و همچنین آموزش و فرهنگ و تشویق و ترویج علم و تکنولوژی در حوزه‌های صنعتی و معدن و کشاورزی و آب تاکید شده است.

۳ـ در بند ۱ از ماده ۷، بالاترین مرجع شورای همکاری، شورای عالی شامل سران و رهبران ۶ کشور عضو عنوان شده است.

۴ـ ماده ۸ وظایف شورای عالی را جهت تحقق اهداف شورای همکاری تشریح می‌کند.

۵ـ بند ۵ ماده ۱۲ به وظایف شورای وزیران در زمینه‌های اقتصادی، مانند تشویق همکاری میان فعالیت‌های بخش خصوصی، توسعه همکاری بین اتاقهای بازرگانی دولت‌های عضو اشاره دارد.

همان گونه که از متن اساسنامه برمی‌آید، هدف اولیه امضاءکنندگان، توسعه روابط اقتصادی و تجاری و علمی بود و هیچ‌گونه اشاره‌ای به فعالیت‌های مشترک سیاسی و امنیتی و دفاعی نداشتند. به طوری که برای هر ناظر در نگاه نخست این انگاره را به وجود می‌آورد که شورای همکاری، صرفاً بر بنیان‌های تجاری و بازرگانی و علمی شکل گرفته است و مانند

بسیاری دیگر از سازمان‌های منطقه‌ای که در نقاط مختلف جهان براساس حوزه جغرافیایی ایجاد شده‌اند (نظیر: اکو، آسه‌آن و غیره)، اهدافی علمی و اقتصادی دارد. ولی در سال‌های بعد، به علت شرایط امنیتی در داخل این کشورها و وضعیت منطقه و جهان، رویکردهای امنیتی ـ سیاسی و نظامی در شورای همکاری پدیدار شد و رو به افزایش نهاد.

از تأسیس شورای همکاری خلیج‌فارس، براساس قطعنامه‌هایی که در اجلاس‌های سران و یا وزرای خارجه صادر شده و روابطی که شورای همکاری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برقرار کرده است، مشخص می‌شود که شورای همکاری، اهدافی فراتر از اهداف ذکر شده در ماده ۴ اساسنامه را تعقیب و پی‌گیری کرده است.

اکنون هدف شورا در حفظ امنیت کشورهای عضو از تهدیدات و حملات احتمالی کشورهای خارجی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) خلاصه نمی‌شود بلکه از ناحیه داخل هم با خطراتی نظیر: شورش‌ها، قیام‌ها و رشد نهضت‌های مقاومت و استقلال‌طلبانه قومی، مذهبی و دینی روبرو هستند و ناگزیر آنها را بر آن داشت که به حرکتی جمعی جهت پیشگیری روی آورند و در صورت بروز حوادث و اتفاقات، به سرکوب آنها دست بزنند. عمانی‌ها تجربه ظفار در دهه ۷۰ میلادی و سعودی‌ها تجربه قبایل عُتیه قطان و حارب را دارند.

باید خاطرنشان ساخت که اکثر کشورهای عربی خلیج فارس، در مورد خطوط و حدود مرزی با یکدیگر اختلاف دارند که هرازگاهی این تنش‌ها اوج می‌گیرد و در شرایط عادی، انبار باروتی است که با کوچک‌ترین جرقّه امکان شعله‌ور شدن وجود دارد.[۳۵]

براساس آمار پایگاه اینترنتی شورای همکاری خلیج[فارس] در سال ۲۰۰۴ کل مساحت ۶ کشور ۲/۶۷۰/۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۳۳/۵ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۴۷۶ میلیارد دلار و صادرات ۲۸۵ میلیارد دلار و واردات ۱۵۰ میلیارد دلار و درآمد سرانه ۱۴۲۱۸ دلار بود.

پی نوشت‌ها

۱. مجلس التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص ۱۲۹
۲. توفان خلیج فارس، الیویه دلاژ و ژرار گریزبک، ترجمه دکتر اسدالله مبشری و دکتر محسن مویدی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۱۷
۳. در ژانویه ۱۹۶۸ یوجین روستو (Eugen Rostow) مشاور وزیر خارجه آمریکا در راستای استراتژی آن زمان آمریکا مبنی بر ایجاد پیمان‌های نظامی علیه گسترش کمونیسم، طرحی جهت همکاری میان کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، عربستان سعودی و کویت ارائه داد. طرح مزبور با مخالفت عربستان و کویت که شدیداً تحت تأثیر کشورهای تندرو و رادیکال عرب بودند مواجه شد. (استراتژی شوروی در منطقه خلیج‌فارس ۱۹۸۹، ۱۹۷۹پایان‌نامه، ص ۱۴۶)
در دهه ۱۹۷۰ تلاش‌های انگلستان جهت ایجاد یک سیستم همکاری دفاعی تحت عنوان همکاری‌های دفاعی بین کشورهای عربی و ایران، با وجود استقبال ایران، با مخالفت کشورهای عربی شکست خورد. (همان مأخذ)
۴. کشورهای حاشیه خلیج فارس را از نظر توانمندی و قدرت می‌توان به دو دسته تقسیم کرد کشورهای ایران و عربستان و عراق در فهرست کشور صاحب قدرت و مدّعی رهبری قرار دارند و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس در موضعی ضعیف‌تر قرار دارند و بر سر رهبری رقابت آشکار و پنهان میان سه کشور ایران، عربستان سعودی و عراق در قبل انقلاب وجود داشت و با انقلاب اسلامی ایران و سپس شروع جنگ عراق و ایران، عملاً این دو کشور وارد جنگی فراگیر و تمام عیار شدند که جز به جنگ به موضوع دیگری فکر نمی‌کردند و هر کدام اهتمام می‌ورزیدند در سطح جهانی و منطقه‌ای و حوزه خلیج فارس یارگیری کنند و عربستان از وضعیت پیش آمده به نفع منافع منطقه‌ای‌اش استفاده کرد و رهبری را بر عهده گرفت.
۵. توفان خلیج فارس، ص ۱۱۵
۶. مجلس التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص ۱۲۹
۷. امن الخلیج... ، تطوّره و اشکالیاته، دکتر ظافر محمد العجمی، ص ۴۴۷

۸. آقای دکتر سعید محمد ادریس رئیس مرکز مطالعات خلیج مؤسسه مطالعات استراتژیک الاهرام مصر، در بیان علل تشکیل شورای همکاری خلیج فارس معتقد است: «شورای همکاری براساس دو رخداد مهم منطقه‌ای که در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ یعنی سال‌های سقوط رژیم سلطنتی ایران (دوست و هم پیمان شش کشور حاشیه جنوبی خلیج‌فارس) و پدیداری انقلاب اسلامی و در نهایت بروز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران تکوین یافت» (مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، اسفندماه ۱۳۸۱)

۹. با شروع جنگ کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس به دو دسته فکری تقسیم شدند. کشورهای طرفدار عراق که شامل: عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر و کشورهای طرفدار ایران عبارتند از: امارات متحده عربی و عمان. علت اینکه دولت عمان نظر مساعدی با عراق نداشت، به این خاطر بود که در حوادث ظفار که در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی علیه سلطان قابوس رخ داد، رژیم عراق از شورشیان حمایت کرد

۱۰. توفان خلیج فارس، ص ۱۱۸

۱۱. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، ص ۲۲۲

۱۲. ملک خالد پادشاه وقت عربستان درکنفرانس اسلامی در طائف (ژانویه ۱۹۸۱) همه کشورهای اسلامی را تشویق کرد که از اتحاد نظامی با ابرقدرت‌ها خودداری کنند. یک مقام سعودی در این باره به بحرینی‌ها گفت: «ما می‌خواهیم آمریکا در جایی باشد که ما آن را فقط ببینیم نه اینکه در ساحل عربستان باشد» (همان مأخذ، ص ۶۱)

۱۳. در این زمان، عربستان سعودی موفق شده بود موافقت‌نامه‌های امنیتی دوجانبه‌ای را با دیگر کشورهای عضو شورا غیر ازکویت به امضاء برساند. بهانه کویت تعارض بعضی بندهای موافقت‌نامه با قانون اساسی کویت بود. از جمله: بندی که به نیروهای امنیتی کشورهای عضو اجازه می‌داد هنگام تعقیب افراد مظنون تا ۲۰ کیلومتر در داخل کشورهای همسایه وارد شوند.

۱۴. عللی چند موجب شد تا این کشورها با یکدیگر به توافق برسند، که مُهم‌ترین آن:

الف ـ انقلاب اسلامی ایران است، ۶کشور احساس خطر کردند و به آینده‌شان نامطمئن شدند. «حساسیت کشورهای خلیج فارس نسبت به صدور انقلاب باعث تیرگی روابط شده بود» (آینده امنیت خلیج فارس، محمود محمد فرج‌زین، عضو شورای امور خارجی مصر، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش خلیج فارس، اسفند ۸۳، ج دوم)

ب ـ جنگ ایران و عراق که دو کشور قدرتمند و صاحب ادعای رهبری منطقه را به خود

مشغول داشت، فرصتی برای سایر کشورهای حوزه خلیج فارس فراهم کرد تا به انسجام خود بپردازند وعربستان هم از موقعیت پیش آمده استفاده کرد
ج ـ حمله روسیه به افغانستان واشغال آن کشور و روی کار آمدن دولتی طرفدار مسکو که روسیه را یک قدم برای دسترسی به خلیج فارس و تسلط بر تنگه هرمز نزدیکتر کرد آرزویی که روس‌ها از زمان‌های گذشته (زمان پطر کبیر) در پی تحقق آن بودند.
د ـ اشغال مسجدالحرام در مکه در سال ۱۹۷۹
«پس از قیام مسلحانه در مکه در سال ۱۹۷۹ عربستان سعودی به این فکر افتاد تا تمهیداتی برای مقابله با حوادثی نظیر قیام مکه بیندیشد و در این میان، از دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز کمک بگیرد. اما پس از حمله عراق به ایران در سپتامبر سال ۱۹۸۰ ایده تشکیل شورای همکاری به طور جدی‌تری مورد توجه قرار گرفت»

۱۵. سقوط رژیم شاه که ژاندارمی منطقه را برعهده داشت و روی کار آمدن جمهوری اسلامی که شعارهای عدالت خواهانه و استقلال طلبانه‌ای مطرح می‌کرد همراه با مداخله نظامی شوروی در افغانستان، از عوامل حرکت به سوی این هدف محسوب می‌شد. جنگ ایران و عراق نیز نگرانی کشورهای کوچک حوزه جنوب خلیج فارس را می‌افزود و آنان را به عربستان سعودی نزدیکتر می‌کرد. جنگ ایران و عراق، عربستان را به فکر حرکت به سمت جایگاه رهبری منطقه رهنمون کرد. (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، ص ۱۴۷)

۱۶. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۹، مجلس التعاون‌لدول الخلیج...، من التعاون التکامل، دکتر نایف علی عبید

۱۷. مجموع تولید داخلی کشورهای شورای همکاری ۳۳۲ میلیارد دلار و مجموع بدهی‌های آنها ۲۴۶ میلیارد دلار است (یعنی ۷۵ درصد تولید داخلی). به عقیده یک کارشناس اقتصادی هرگاه مجموع بدهی‌های دولتی از ۶۵٪ بالاتر رود، نشانگر خطری جدی برای آن دولت است. اما یک کارشناس صهیونیست می‌گوید: دولت‌های خلیج فارس مقروضند، اما بدهی آنها وقتی با ذخایر و گنج‌های هیدروکربونیک آنها مقایسه شود قابل ملاحظه نیست. هزینه‌های جنگ اول خلیج‌فارس بین ۲۰۰ الی ۵۰۰ میلیارد دلار و هزینه‌های جنگ دوم ۶۵میلیارد دلار و جنگ سوم که هنوز ادامه دارد (دسامبر ۲۰۰۴) بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار بوده است. یعنی مقدار زیادی از اموال کشورهای خلیج‌فارس صرف جنگ‌ها شده و می‌شود. ۱۵٪ الی ۳۵٪ از تولیدات داخلی نیز صرف خرید تسلیحاتی شده که برای تأمین امنیتی اهمیتی ندارد. مقدار ۱/۵ تریلیون دلار هم

در خارج سرمایه‌گذاری شده که اکثر آن در آمریکا و اروپای غربی است و معلوم نیست در نهایت متعلّق به بخش خصوصی است یا عمومی و این در حالی است که مقدار سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی، مانند تعلیم و تربیت، در مقایسه با بخش تسلیحات بسیار کمتر است. (سناریوهای راهبردی برای امنیت خلیج فارس، فهد بن عبدالرحمن آل ثانی، استاد ژئوپلیتیک دانشگاه قطر، پانزدهمین اجلاس همایش بین‌المللی خلیج فارس، ص ۹)

۱۸. در صفحات بعد، متن کامل منشور شورای همکاری خلیج فارس آمده است.

۱۹. در سال ۱۹۷۴ در دوران ریاست جمهوری نیکسون (حزب جمهوریخواه) اهداف سیاست آمریکا در خلیج‌فارس به‌طور رسمی این‌گونه اعلام شد:

۱ـ حمایت از تلاش‌های جمعی منطقه‌ای، برای تأمین امنیت و توسعه بدون دخالت خارجی

۲ـ حل مسالمت‌آمیزاختلاف اراضی‌میان کشورهای منطقه و تقویت همکاری فی‌مابین

۳ـ استمرار دستیابی به نفت خلیج‌فارس با قیمت‌های پایین و مقادیر کافی

۴ـ افزایش منافع تجاری و مالی آمریکا

۵ـ کمک و تشویق کشورهای منطقه به جریان دوباره مازاد درآمدهای خود به اقتصاد جهانی (علل تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، پایان نامه، ص۷۷)

۲۰. از دید دکتر سعید محمد ادریس از مؤسسه مطالعات استراتژیک الاهرام مصر: «تأسیس شورای مزبور، هیچ‌گاه به عنوان یک اقدام رضایتمندانه و حاکی از خواست مشترک اعضاء آن به شمار نرفته است. بلکه باور و تلقی تهدید مشترک از سوی اعضای آن چنین ضرورتی را ایجاب کرده است» (مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، اسفندماه ۱۳۸۱)

۲۱. در تحلیل دکتر سعید محمد ادریس: «آمریکا قادر به ایجاد توافق امنیتی مشترک با اعضای شورای همکاری نبود، در نتیجه، راهکار توافقات دو جانبه را در پیش گرفت. با وجود تقویت تسلیحاتی شورا از سوی آمریکا، هیچ‌گاه مدل امنیت دسته جمعی میان آمریکا و شورای همکاری به گونه‌ای که توان رقابت با اقتدار ایران و عراق را داشته باشد، در سطح منطقه خلیج‌فارس شکل نگرفت». (همان مأخذ)

۲۲. کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس در دوران جنگ سرد به عنوان متحدان استراتژیک آمریکا و غرب محسوب می‌شدند. (گزیده تحولات جهان، ویژه حمله آمریکا به عراق، آینده کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس در پرتو تحولات عراق، مجید یونسیان)

۲۳. نویسنده کتاب عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس می‌نویسد: «به این ترتیب، گرچه نقش آمریکا در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به درستی روشن نشده است، طیف سیاسی ـ امنیتی مرکب از شش کشور عرب حوزه خلیج فارس پدید آمد که در آن عربستان، نقش برادر بزرگتر را ایفاء می‌کرد». (عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، محمدعلی امامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۲۲)

۲۴. در ماه مه ۱۹۷۲، پرزیدنت نیکسون موافقت کرد به شاه اجازه داده شود، تقریباً هر نوع سلاح متعارفی (غیراتمی) را که در زرادخانه آمریکا وجود دارد، از جمله هواپیماهای پیشرفته اف ـ ۱۴ و هواپیمای شناسایی آواکس، موشک‌های فونیکس و ماوریک، ناوشکن‌های نوع اسپرانس و یک سیستم ردیابی و مراقبت الکترونیکی ۵۰۰ هزار دلاری آی بی تی ایکس را خریداری کند. (سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک ج. گازیوروسکی، ص ۲۵۰)

۲۵. بعداز پیروزی انقلاب اسلامی، رقابت میان ایران و عربستان بر سر چهار عامل اساسی زیر با یکدیگر ادامه یافت:

۱ـ رقابت ایران و عربستان بر سر رهبری منطقه خلیج فارس

۲ـ رقابت بر سر بسط نفوذ در شمال آفریقا

۳ـ رقابت بر سر نفوذ در آسیای مرکزی

۴ـ رقابت بر سر تفسیر اسلام در عرضه سیاست به همراه کینه عربستان از مواضع ضدشاهی و ضدسلطنتی انقلاب اسلامی (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، دکتر جلیل روشندل، دکتر سیدحسین سیف‌زاده مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ص ۱۲۴)

۲۶. هدف‌های شورای همکاری بنابر آنچه اعلام شده عبارتند از:

۱ـ توسعه همکاری بین کشورهای عضو

۲ـ ایجاد هماهنگی در سیاستهای اقتصادی، مالی، تجاری، آموزشی و قانونگذاری

۳ـ تشویق پیشرفت‌های علمی و فنی در میان کشورهای عضو

۴ـ ایجاد یک استراتژی مشترک دفاعی

۵ـ همکاری اطلاعاتی در مقابله با اقدامات، به منظور براندازی و نیز مقابله با گروه‌های مخالف (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، ص ۱۴۸)

۲۷. شورای همکاری که در بدو امر یکپارچگی اقتصادی را هدف عمده خود عنوان کرده بود در یک استحاله کلی به یک شورای سیاسی ـ نظامی محافظه کار مبدل شد که سعی داشت ایجاد امنیت برای خاندان‌های حاکم این کشورها را تحت لوای حفظ امنیت

منطقه جامهٔ عمل بپوشد (عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، ص ۸)
۲۸. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۱
۲۹. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
۳۰. مجلس التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص ۱۳۶
۳۱. استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس ۱۹۸۰ ـ ۱۹۷۹، پایان‌نامه، ص ۱۴۹
۳۲. همان مأخذ.
۳۳. همان مأخذ.
۳۴. شیخ‌نشینان از میان ۳ قدرت برتر خلیج فارس، سلطه عربستان را پذیرفتند و با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، عملاً دو قدرت دیگر را که هر دو دارای افکار رادیکال بودند از ترتیبات نظام امنیتی خلیج فارس کنار گذاشتند (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، ص ۱۲۶)
۳۵. مسأله اختلاف میان کشورهای عضو و علل آن در فصلی جداگانه توضیح داده شده است.

منشور شورای همکاری خلیج فارس

ماده ۱ـ تأسیس شورا

شورائی به نام شورای همکاری دولت‌های عرب خلیج [فارس] که به نام شورای همکاری GCC اطلاق می‌شود تأسیس خواهد شد.

ماده ۲ـ دبیرخانه شورا در شهر ریاض کشور عربستان سعودی واقع است.

ماده ۳ـ جلسات شورای همکاری

جلسات شورا در کشوری برگزار خواهد شد که دبیرخانه در آن واقع است و امکان تشکیل جلسات در هر کدام از کشورهای عضو وجود دارد.

ماده ۴ـ اهداف

اهداف اساسی و بنیانی شورا عبارتند از:

۱ـ تحقق همکاری ـ تکامل و ارتباط داخلی میان کشورهای عضو در تمام زمینه‌ها جهت رسیدن به وحدت بین آنها

۲ـ تعمیق و تقویت روابط، همبستگی‌ها و زمینه‌های حاکم همکاری میان مردم در زمینه‌های گوناگون

۳ـ تنظیم قوانین و مقررات در زمینه‌های مختلف شامل موارد زیر:

الف ـ امور اقتصادی و مالی

ب ـ تجاری، گمرکی و ارتباطات

ج ـ آموزشی و فرهنگی

۴ـ تشویق و تهییج جهت رشد علمی و تکنولوژی در حوزه‌های صنعتی، معدن، کشاورزی، آب و منابع دامی، پایه‌گذاری مراکز تحقیقات علمی، سرمایه‌گذاری مشترک و تشویق همکاری توسط بخش خصوصی برای بهینه سازی زندگی مردم

ماده ۵ ـ عضویت شورا

شورای همکاری تشکیل خواهد شد از ۶ دولتی که وزرای خارجه آنها در اجلاس ۴ فوریه ۱۹۸۱ ریاض شرکت داشتند

ماده ۶ ـ سازمان شورای همکاری

شورای همکاری از ارگان‌های اصلی زیر تشکیل خواهم شد:

۱ـ شورای عالی که کمیسیون مربوط به حل اختلاف در ارتباط با آن است.

۲ـ شورای وزرا

۳ـ دبیر کل

هر کدام از این ارگان‌ها امکان دارد در صورت ضرورت زیر کمیته‌هایی را تأسیس نمایند.

ماده ۷ ـ شورای عالی

شورای همکاری تشکیل خواهد شد از ۶ کشوری که وزرای خارجه آنها در اجلاس ۴ فوریه ۱۹۸۱ ریاض حضور داشتند.

۱ـ شورای عالی بالاترین مرجع در شورای همکاری است و شامل سران و رهبران دولت‌های عضو می‌شود که ریاست آن، براساس حروف الفبا، اسامی کشورهای عربی عضو و به صورت گردشی می‌باشد.

۲ـ شورای عالی به طور منظم سالی یک بار جلسه خواهد داشت و

جلسات غیر عادی به درخواست یکی از اعضاء و تأیید عضوی دیگر تشکیل خواهد شد.

۳ـ جلسات شورای عالی در محدوده جغرافیایی کشورهای عضو تشکیل خواهد شد.

۴ـ جلسات شورای عالی در صورت حضور دوسوم اعضاء معتبر خواهد بود.

ماده ۸ـ وظایف شورای عالی

شورای عالی در تحقق اهداف شورای همکاری، به‌ویژه در ارتباط با موضوعات زیر اهتمام خواهد کرد

۱ـ بررسی موضوعات و مسائلی که منافع اعضاء را دربر می‌گیرد.

۲ـ تنظیم سیاست‌های عالی‌تر شورای همکاری و بعضی خطوط اصلی که باید پی‌گیری شود.

۳ـ بررسی پیشنهادها، گزارش‌ها، مطالعات و کارهای مشترک که جهت تصویب توسط شورای وزیران به شورای عالی تسلیم شده است

۴ـ بررسی گزارش‌ها و مطالعاتی که دبیرکل موظف به تهیه آن می‌باشد.

۵ـ تصویب اصول لازم جهت ارتباط با سایر دولت‌ها و سازمان بین‌المللی

۶ـ تصویب مقررات اجرائی کمیسیونی که به حل اختلافات می‌پردازد و تعیین اعضای آن.

۷ـ انتصاب دبیرکل

۸ـ اصلاح منشور شورای همکاری

۹ـ تصویب مقررات اجرائی داخلی شورا

۱۰ـ تصویب بودجه دبیرخانه شورا

ماده ۹ـ اخذ رأی در شورای عالی

شورای عالی تشکیل خواهد شد از عضویت ۶ کشوری که وزرای

خارجه آنها در اجلاس ۶ فوریه ۱۹۸۱ ریاض عربستان شرکت داشتند:

۱ـ هر عضو شورای عالی از حق یک رأی برخوردار است.

۲ـ قطعنامه‌های تصویبی شورای عالی در موضوعات اساسی، نیازمند اتفاق آرای اعضای شرکت‌کننده در رأی‌گیری است. ولی قطعنامه‌های موضوعات اجرائی اکثریت آرای لازم ضروری است.

ماده ۱۰ـ کمیسیون حل اختلاف

۱ـ شورای عالی کمیسیونی خواهد داشت به نام کمیسیون حل اختلافات که زیرمجموعه شورای عالی است.

۲ـ شورای عالی ترکیبی از کمیسیون جهت هر موضوعی مطابق و هماهنگ با نوع اختلاف دائر خواهد کرد.

۳ـ هرگاه اختلاف به وجود آمده ناشی از تفسیر یا تأویل در نحوه اجرای اساسنامه شورای همکاری باشد و در شورای وزیران و یا شورای عالی حل نشود، شورای عالی به کمیسیون حل اختلاف ارجاع خواهد نمود.

۴ـ کمیسیون باید نظرات و پیشنهادهایش را که قابل اجرا باشد، به شورای عالی تسلیم کند و شورای عالی تصمیم مقتضی را اتخاذ کند.

ماده ۱۱ـ شورای وزیران

۱ـ شورای وزیران شامل وزرای خارجه دولت‌های عضو شورای همکاری یا شورای دیگر وزرا می‌شود. ریاست شورا برعهده دولتی است که آخرین جلسه عادی شورای عالی در آن کشور برگزار شده و یا در صورت ضرورت، دولتی که اجلاس بعدی شورای عالی در آن کشور برگزار می‌شود.

۲ـ شورای وزیران هر ۳ ماه یک بار تشکیل خواهد شد و جلسات غیرعادی به دعوت یکی از اعضا و تأیید عضو دیگر برگزار می‌شود.

۳ـ شورای وزیران محل اجلاس بعدی را تعیین خواهد کرد.

۴ـ شورای وزیران در صورتی معتبر است که دوسوم اعضا حضور داشته باشند.

ماده ۱۲ـ وظایف شورای وزیران

۱ـ طرح سیاست‌ها، تهیه پیشنهادها، مطالعات و پروژه‌هایی که هدفشان توسعه همکاری و هماهنگی بین دولت‌های عضو در زمینه‌های گوناگون می‌باشد و قبول یا پیشنهادهایی که در این خصوص مورد نیاز است.

۲ـ تشویق، توسعه و هماهنگی فعالیت‌های موجود میان دولت‌های عضو در همه زمینه‌ها، قطعنامه‌های پذیرفته شده، باید برای اظهارنظر بیشتر به شورای وزیران ارجاع گردد تا نظرات جهت اتخاذ تصمیمات مناسب و مقتضی به شورای عالی تسلیم شود

۳ـ تسلیم پیشنهادها به وزرای مربوطه برای سیاست‌هایی که به موجب آن امکان دارد بر قطعنامه‌های شورای عالی تأثیر بگذارد.

۴ـ تشویق در زمینه همکاری و هماهنگی میان فعالیت‌های بخش خصوصی، توسعه همکاری موجود بین اتاق‌های بازرگانی و صنعت دولت‌های عضو، تشویق توسعه در انتقال کارگرانی که شهروند دولت‌های عضو می‌باشند.

۵ـ ارجاع هر یک از دیدگاه‌های مختلف همکاری به یک یا تعدادی از کمیته‌های تخصصی یا کارشناسی برای مطالعه و ارائه پیشنهادهای مناسب

۶ـ بررسی پیشنهادهای مربوط به اصلاح در اساسنامه و تسلیم پیشنهادهای مناسب به شورای عالی

۷ـ تصویب آیین‌نامه اجرائی شورای وزیران و دبیرخانه

۸ـ انتصاب معاون دبیرخانه و همچنین نامزد دبیرکلی برای یک دوره ۳ساله‌ای که قابل تمدید است.

۹ـ تصویب گزارش‌های دوره‌ای و همچنین مقررات داخلی و قوانین مربوط به امور مالی و اداری که توسط دبیرکل پیشنهاد می‌شود و ارائه پیشنهادها به شورای عالی برای تصویب بودجه دبیرخانه

۱۰ـ تنظیم جلسات شورای عالی و تهیه دستور کار

۱۱ـ بررسی موضوعاتی که از طرف شورای عالی ارجاع شده

ماده ۱۳ـ اخذ رأی در شورای وزیران

۱ـ هر عضو شورای وزیران از حق یک رأی برخوردار است.

۲ـ قطعنامه‌ها در تصمیمات شورای وزیران در مسائل بنیانی و اساسی هنگامی قابل اجراست که به اتفاق آرای حاضران در جلسه به تصویب رسیده باشد و در سایر موضوعات، اکثریت آرا کفایت می‌کند.

ماده ۱۴ـ دبیرخانه

۱ـ دبیرخانه، شامل یک دبیرکل با معاونان و تعدادی پرسنل مورد نیاز است.

۲ـ شورای عالی، دبیرکل را از بین شهروندان دولت‌های عضو برای یک دوره ۳ ساله که فقط یک بار قابل تمدید است، انتخاب می‌کند.

۳ـ دبیرکل، معاونان خود را نامزد می‌کند.

۴ـ دبیرکل، پرسنل دبیرخانه را از بین شهروندان دولت‌های عضو منصوب می‌کند و استثناء امکان ندارد، مگر اینکه شورای وزیران آن را به تصویب برساند.

۵ـ دبیرکل، مسئولیت مستقیم امور مربوط به دبیرخانه و پیشرفت کلیه امور را برعهده دارد. دبیرکل باید در حوزه اختیارات خود شورای همکاری را به دیگر گروه‌ها معرفی کند.

ماده ۱۵ـ وظایف دبیرخانه

دبیرخانه باید:

۱ـ تهیه مطالعات مربوط به همکاری و هماهنگی و تکمیل طرح‌ها و برنامه‌ها برای دولت‌های عضو

۲ـ تهیه گزارش‌های دوره‌ای از فعالیت‌های شورای همکاری

۳ـ پی‌گیری عملیاتی قطعنامه‌ها و مصوبات و پیشنهادهای شورای عالی و شورای وزیران برای دولت‌های عضو

۴ـ تهیه گزارش‌ها و مطالعات مورد درخواست شورای عالی و شورای

وزیران

۵ـ تهیه پیش‌نویس مقررات و آیین‌نامه‌های مالی و اداری متناسب، به منظور توسعه شورای همکاری و گستردگی مسئولیتش

۶ـ تهیه بودجه و حساب‌های شورای همکاری

۷ـ تدارک برای جلسات و تهیه دستور جلسه و تهیه پیش‌نویس قطعنامه برای شورای وزیران

۸ـ ارائه پیشنهاد به رئیس شورای وزیران، جهت برپایی جلسه فوق‌العاده شورا در مواقع ضروری

۹ـ انجام وظایف دیگر که شورای وزیران یا شورای عالی برعهده دبیرخانه گذاشته‌اند.

ماده ۱۶

دبیرکل و معاون دبیرخانه و پرسنل دبیرخانه باید وظایفشان را در استقلال کامل و در جهت منافع مشترک دولت‌های عضو انجام دهند.

پرسنل باید از اعمال و رفتاری که مغایر با وظایفشان باشد، بپرهیزند.

از افشاء امور محرمانه در ارتباط با مسئولیتشان چه در زمان مسئولیت و چه بعد از دوره تصدی خودداری ورزند.

ماده ۱۷ـ امتیازات و معافیت‌ها

۱ـ شورای همکاری و ارگان‌های زیر مجموعه آن، از حقوق قانونی، امتیازات و معافیت‌ها در قلمرو کشورهای عضو ـ در حد نیاز ـ برای تحقق اهداف و عملیاتی کردن آنها بهره‌مند خواهند بود

۲ـ نمایندگان دولت‌های عضو شورای همکاری و کارمندان شورا، براساس قراردادی که به این منظور میان دولت‌های عضو به امضا می‌رسد، از حقوق، معافیت‌ها و امتیازات تعیین شده بهره‌مند خواهند شد.

همچنین قرارداد جداگانه‌ای، حدود روابط میان شورا و کشوری را که دبیرخانه در آن قرار دارد، تنظیم خواهد کرد.

۳ـ تا زمانی که دو قرارداد یاد شده در بند ۲ در حال تهیه است، نمایندگان دولت‌های عضو در شورای همکاری و پرسنل آنها از امتیازات و معافیت‌های دیپلماتیک در سازمان‌های مشابه برخوردار خواهند بود.

ماده ۱۸ـ بودجه دبیرخانه

دبیرخانه، دارای بودجه‌ای است که کشورهای عضو شورا به طور مساوی پرداخت می‌کنند.

ماده ۱۹ـ عملیاتی شدن منشور (اساسنامه)

۱ـ از زمان امضاء منشور توسط ۶ دولت عضو که اسامی آنها در مقدمه منشور ذکر شده، این منشور قابل اجر خواهد بود.

۲ـ نسخه اصلی این منشور نزد وزارت خارجه پادشاهی عربستان سعودی به ودیعه گذاشته می‌شود تا از آن نگهداری شود و بعد از تشکیل دبیرخانه، به آنجا منتقل خواهد شد و یک نسخه هم به دولت‌های عضو تحویل می‌شود.

ماده ۲۰ـ اصلاحات در منشور

۱ـ هر دولت عضو می‌تواند تقاضای خود را برای انجام اصلاحاتی در منشور مطرح کند.

۲ـ درخواست اصلاح منشور، به دبیرکل ارائه خواهد شد و دبیرکل آن را به دولت‌های عضو ارجاع می‌دهد. این روند باید چهار ماه زودتر از تشکیل جلسه وزراء صورت پذیرد.

۳ـ اصلاحاتی قابل اجراست که در شورای عالی به اتفاق آراء به تصویب برسد.

ماده ۲۱ـ قیود

هیچ‌گونه قید و شرطی در این منشور پذیرفته نیست.

ماده ۲۲ـ دبیرخانه، ترتیب سپردن و ثبت نسخی از این منشور را در اتحادیه عرب و سازمان ملل براساس قطعنامه شورای وزیران خواهد داد.

این منشور در تاریخ ۲۱ رجب ۱۴۰۱(ق) مصادف با ۲۵ مه ۱۹۸۱ در شهر دوبی امارات متحده عربی در یک نسخه به امضاء رسید.

امارات متحده عربی

دولت بحرین

پادشاهی عربستان سعودی

سلطان‌نشین عمان

دولت قطر

دولت کویت

اقتصاد و تجارت در شورای همکاری خلیج فارس

مسائل اقتصادی از مهم‌ترین شاخص‌های شورای همکاری خلیج فارس است و این شورا از بدو تأسیس،[1] همکاری‌های اقتصادی و افزایش روابط بازرگانی با بلوک‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است تا به این ترتیب، به توسعه پایدار دست یابد و از وابستگی به درآمدهای نفتی رهایی یابد، امنیت اقتصادی را برقرار سازد و استانداردهای زندگی در این کشورها را به صورت مستمر افزایش دهد. از این منظر، بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیلگران امور شورای همکاری خلیج فارس، در ارزیابی‌های خود، گام‌هایی را که شورا در زمینه اقتصادی برداشته است، موفق‌تر و پیش‌گام‌تر از سایر زمینه‌هایِ سیاسی، امنیتی، نظامی و غیره می‌دانند.[2]

در سایت شورای همکاری خلیج در زمینه فعالیت‌های اقتصادی شورا، چنین آمده است:

«همکاری اقتصادی به عنوان یکی از ستون‌ها و پایه‌های اساسی فعالیت مشترک در PGCC مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت که هدف آن، حرکت به‌سمت یکپارچگی اقتصادی است و برای نیل به این مقصود، دولت‌های عضو، چارچوب‌های جامعی در نظر گرفته‌اند که در موافقت‌نامه

اتحاد اقتصادی (که در سال ۱۹۸۱ مورد تأیید قرار گرفت) بیان شده است.

در سال ۱۹۸۳ دولت‌های عضو منطقه آزاد تجاری را تأسیس کردند که براساس آن، کالاها و محصولات دولت‌های عضو از تعرفه گمرکی معاف هستند و این حرکت، اولین گام در راستای یکپارچگی اقتصادی بود.

دولت‌های عضو در آستانه تشکیل اتحادیه گمرکی[3] می‌باشند که در سال ۱۹۹۹ در اجلاس سران در شهر ریاض (عربستان) مورد تصویب قرار گرفت و قرار شد از مارس ۲۰۰۵ جنبه عملیاتی پیدا کند. اگرچه اتحادیه گمرکی، دومین گام در جهت یکپارچگی اقتصادی است.

سومین حرکت را می‌توان به عنوان آغاز تشکیل بازار مشترک خلیج [فارس] نام برد. این هدف به منظور رد و بدل آزاد کالاها و برداشتن موانع و رفع سدها و انتقال ابزار تولید نظیر نیروی انسانی و سرمایه است».

و در ادامه خاطرنشان می‌سازد:

«دولت‌های عضو GCC گام‌های بلندی در حوزه اتحاد سیاست‌های اقتصادی‌شان برداشته‌اند، از جمله تعدادی از اسناد مربوط به سیاست‌ها و اهداف طرح‌های توسعه نظیر: سیاست کشاورزی مشترک، استراتژی توسعه صنعتی متحد، استراتژی جمعیت در GCC و طرح جامع بلندمدت، مورد تأیید واقع شده‌اند.

در استراتژی ۵ ساله توسعه (۲۰۰۵ـ۲۰۰۰) با توجه به اتصال زیرساخت‌ها، دولت‌های عضو در پی عملیاتی کردن فاز اول اتصال شبکه‌های برق با ولتاژ بالا هستند آنها می‌کوشند جاده‌های زمینی، شبکه ارتباطات و شبکه خلیجی ATM را تکمیل کنند.»

پایگاه اینترنتی شورا در توضیح سیاست‌های اقتصادی‌اش آورده است:

«در زمینه مراکز مشترک، شورای همکاری خلیج [فارس]، بنگاه سرمایه‌گذاری خلیج [فارس] را در کویت با سرمایه‌ای بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار تأسیس کرد. سازمان استاندارد و تعیین معیارها را در ریاض تشکیل داد.

دفتر تکنولوژی ارتباطات را در بحرین راه‌اندازی کرد. مرکز حل اختلاف تجاری و بازرگانی میان GCC را در بحرین تشکیل داد. کمیته منطقه‌ای برای سیستم‌های انرژی الکتریکی در قطر به ثبت رساند و کمیسیون شبکه الکتریسیته در شهر دمّام (عربستان سعودی) بنا نهاد.

دولت‌های عضو GCC فهرستی طولانی از الزامات، قوانین و مقررات را در همه حوزه‌ها ازجمله: کشاورزی، منابع آب، بنادر، نفت، پست، سرمایه‌گذاری خارجی، حسابداری و ممیزی، بیمه، ارتباطات و تشویق سرمایه‌گذاری مشترک به تصویب رساندند».

و در مورد روابط تجاری با سایر بلوک‌های تجاری و بازرگانی منطقه‌ای و جهانی متذکر شد:

«شورا مذاکراتی با شرکای تجاری بزرگ انجام داد و قرارداد همکاری میان دولت‌های عضو GCC و جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۸۸ به امضاء رسید[۴] و درحال حاضر، مذاکرات با اتحادیه اروپا جهت دستیابی به موافقت آزاد تجاری درحال انجام است. اگرچه GCC وارد گفت‌وگوی اقتصادی با ایالات متحده آمریکا شده است.»[۵]

با توجه به این مطالب، در مجموع می‌توان چکیده دیدگاه‌ها و عملکرد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس را به این شرح بیان کرد:

۱ـ همکاری اقتصادی یکی از اهداف اساسی در میان کشورهای عضو PGCC است.

۲ـ هدفشان از همکاری اقتصادی یکپارچگی اقتصادی است.

۳ـ در سال ۱۹۸۳ گام اول با منطقه آزاد تجاری، با هدف حذف تعرفه گمرکی برداشته شد.

۴ـ گام بعدی اتحادیه گمرکی است که قرار شد از سال ۲۰۰۵ به اجرا درآید.

۵ـ حرکت بعدی ایجاد بازار مشترک خلیج فارس[۶] است.

۶ـ همچنین در زمینه کشاورزی، توسعه صنعتی و جمعیت، سیاست‌های مشترکی اتخاذ شده است.

۷ـ تلاش می‌شود تا زیرساخت‌های دولت‌های عضو PGCC نظیر: شبکه برق با ولتاژ بالا، جاده‌های زمینی، ارتباطات، به یکدیگر متصل شوند.

۸ـ بنگاه‌های اقتصادی مشترک در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، استاندارد، حل اختلاف، انرژی و غیره در کشورهای عضو ایجاد کنند.

۹ـ قوانین و مقررات مشترک در حوزه‌های: کشاورزی، منابع آب، نفت، بیمه و... را به تصویب برسانند.

۱۰ـ با بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و کشورهای قدرتمند اقتصادی نظیر: آمریکا، ژاپن، چین، هندوستان و... وارد مذاکره شوند و مناطق آزاد تجاری FTA[۷] به‌وجود آورند.

شورای همکاری از دومین اجلاس سران، موضوع اقتصادی و تجاری را به طور جدی مورد نظر قرارداد که مهمترین تصمیمات به قرار زیر است:

در اجلاس دوم[۸]، سران شورای همکاری خلیج [فارس]، موافقت خود را با توافق‌نامه اقتصادی که در ۸ ژوئن ۱۹۸۱ در شهر ریاض (عربستان) به امضای وزرای دارایی و اقتصادی رسید و در اول سپتامبر ۱۹۸۱ توسط وزرای خارجه در شهر طائف مورد بررسی قرار گرفت، اعلام کرد.

در اجلاس سوم[۹]، شورای عالی، موافقت‌نامه اقتصادی یکپارچه را بررسی کرد و اجرای مرحله نخست را از اول مارس ۱۹۸۳ نوید داد که گامی بزرگ در راستای تحقق همیاری و تکمیل متقابل اقتصادی میان شهروندان کشورهای عضو شورا بود.[۱۰]

قرار شد مؤسسه سرمایه‌گذاری خلیج با سرمایه‌ای به مبلغ ۲/۱ میلیارد دلار تأسیس شود.[۱۱]

در اجلاس چهارم[۱۲] برای اجرای موافقت‌نامه مربوط به یکپارچگی اقتصادی، قرار شد از اول مارس ۱۹۸۴ فعالیت‌های اقتصادی شهروندان هر

کشور در دیگر کشورهای عضو گسترده‌تر شود.

در اجلاس پنجم[۱۳]، شورای عالی برای اجرای موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، با فرمولی که مقررات مربوطه به حق تملک و مالکیت شهروندان کشورهای عضو را تضمین کند، موافقت کرد.

در اجلاس ششم[۱۴] سران شورای همکاری به وزرای خارجه مأموریت دادند تا فعالیت‌های مجاز برای شهروندان کشورهای شورا مانند: بیمه، تجارت، خرید و مبادله سهام شرکتهای فعال را بررسی کنند.

شورای عالی در اجلاس هفتم[۱۵] مقرر کرد:

۱ـ سرمایه‌گذاران شهروند کشورهای عضو اجازه دارند از اول مارس ۱۹۸۷ (۱ رجب ۱۴۰۷) از بانک‌ها و صندوق‌های توسعه صنعتی کشورهای عضو شورا وام دریافت دارند و در قالب ضوابط مصوب، در حد سرمایه‌گذاران داخلی از اعتبار برخوردار شوند.

۲ـ شهروندان کشورهای شورا از اول مارس ۱۹۸۷ (۱ رجب ۱۴۰۷) اجازه دارند در هریک از کشورهای عضو مانند شهروندان آن کشور، در قالب مقررات مصوب به تجارت خرده‌فروشی و عمده‌فروشی مشغول شوند. این مقررات برای خرده‌فروشی از اول مارس ۱۹۸۷ و برای تجارت عمده از اول مارس ۱۹۹۰ (۲۵ جمادی الاولی، ۱۴۱۰) قابل اجراست.

شورای عالی موافقت کرد ضوابط یکسانی برای اولویت دادن به خریدهای دولتی از محصولات داخلی برقرار شود.

همچنین، شورای عالی برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی و رفاه شهروندان کشورهای عضو شورا برقراری تماس با دیگر کشورها، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی را مورد پذیرش قرار داد. و به وزرای خارجه مأموریت داد در راستای تحقق آن گام‌های مفید و مؤثری بردارند.

در اجلاس هشتم[۱۶]، سران شورای همکاری آیین‌نامه قرض دادن نفت

بین کشورهای عضو را مورد بررسی و تصویب قرار داد.

در این اجلاس با ابراز خرسندی از اقدامات انجام گرفته در زمینه عملیاتی کردن موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی اظهار علاقه کردند که در آینده شاهد تحقق هرچه بهتر و بیشتر مواد آن باشند.

در ارتباط با مصوبات اجلاس‌های گذشته، مبنی بر برقراری روابط اقتصادی و بازرگانی با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی به شورای وزرای خارجه مأموریت داده شد تا با جامعه اروپا وارد مذاکرات رسمی شود.

در اجلاس نهم[17] شورای عالی، از امضای موافقت‌نامه همکاری با جامعه اروپا که در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۸ در لوگزامبورگ به امضاء رسید، ابراز رضایت کرد و به وزرای خارجه مأموریت داد که برای امضای قرارداد تجاری با جامعه اروپا مذاکره کنند.

در اجلاس دهم[18] سران ضمن تأکید بر مفاد اعلامیه ریاض ۱۹۸۷ و اعلامیه منامه ۱۹۸۸، برای دستیابی به بازار مُشترک خلیجی، مواد زیر را به تصویب رساندند:

۱ـ موافقت با مقررات استثنایی معافیت از عوارض گمرکی به موجب ماده ۲۴

۲ـ موافقت با مفاد توصیه شورای وزیران خارجه در ارتباط با تعرفه گمرکی واحد

۳ـ موافقت با مفاد توصیه شورای وزیران خارجه مربوط به ساز و کار همکاری مشترک

همچنین شورای عالی بر اجرای کلیه مواد موافقت‌نامه اقتصادی برای تحقق بازار مشترک خلیجی اصرار ورزید.

در اجلاس سیزدهم[19] شورای عالی از توافق به عمل آمده جهت دستیابی به یک تعرفه گمرکی واحد ابراز خرسندی کرد و از کمیته همکاری

مالی و اقتصادی خواست با تکمیل آن در اجلاس آینده شورای عـالی، آن را جهت تصویب ارائه کند.

شورا با نظام ثبت و صدور اختراع در کشورهای عضو و دفتر مرکزی اداره ثبت و صدور اختراع در دبیرخانه موافقت کرد.

دبیرخانه موظف شد از کمیته برنامه‌ریزی دعوت به عمل آورد که در آغاز هر سال، تعهدات برنامه و فعالیت سرمایه‌گذاری در طول آن سال را اعلام کند.

در اجلاس چهاردهم[۲۰]، سران شورا از افزایش مبادلات بازرگانی بین کشورهای عضو که یکی از اهـداف شـورای هـمکاری است و نـیز افـزایش اشخاصی که از توافق‌نامه‌های اقتصادی یکسان بهره‌مند و سبب افزایش روابط شده‌اند ابراز رضایت کرد و خواستار اجرای بقیه توافق‌نامه شد.

شورای عالی از وزرای دارایی خواست برای دستیابی بـه تـوافـق‌نامه تعرفه یکسان گمرکی تلاش کنند و مقرر شد شرایط مالکیت اتباع کشـورهای عضو بر مستغلات بهبود یابد و مرکز داوری بازرگانی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] تأسیس و اساسنامه آن تنظیم شود.

سران شورا پیشنهاد برخورد یکسان با اتباع همدیگر را کـه در بـخش خصوصی اشتغال دارند، به عنوان هموطن، مطابق با ضوابـط وزرای کـار بـه تصویب رساند.

در اجلاس پانزدهم[۲۱] سران، به مسأله اقتصادی بیشتر از اجلاس‌های قبلی پرداخت و برای توسعه اقتصادی و فعال کردن هـمکاری‌های اقـتصادی میان کشورهای عضو تصمیم گرفت کمیته‌های وزارتی را مأمور تحقق مـوارد زیر کند:

۱ـ بازنگری در امکانات موجود برای جذب مستمر تعداد شـهروندان جویای کار از اتباع کشورهای شورا در کلیه بخش‌های تولیدی و خدماتی.

۲ـ تلاش جهت افزایش سهم صنایع داخلی در اقتصاد ملی.

۳ـ تشویق هر کشور به خرید مواد خام و کالاهای واسطه‌ای و خدماتی که آن کشور یا دیگر کشورهای شورای همکاری تولید می‌کنند.[۲۲]

۴ـ تشویق به استفاده از تکنولوژی مدرن و رعایت بهترین استانداردهای کیفی توسط صنایع نوپا و یاری دادن به سرمایه‌گذاران جهت دریافت مجوزهای لازم از کشورهای صادرکننده تکنولوژی.

۵ ـ به کارگیری مراکز پژوهش‌های علمی، جهت انجام تحقیقات لازم برای کمک به بخش دولتی در بهره‌گیری از تکنولوژی وارداتی مناسب به منظور ایجاد هماهنگی میان نیازها و تقاضاهای محلی و خارجی.

۶ـ فراهم کردن دریافت اطلاعات از بازرگانی داخلی کشورهای شورا و به صرفه بودن پروژه‌های اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاران برای مشارکت در این زمینه.

سران شورا، اقدامات انجام گرفته برای یکسان سازیِ آیین‌نامه شرکت‌ها در کشورهای شورای همکاری جهت تسهیل سرمایه‌گذاری مشترک و افزایش سطح کارایی بانک‌های منطقه‌ای براساس اصول بانکی مُعتبر را مورد تأکید قرار دادند.

شورا از رشد و افزایش مبادله بازرگانی و تجاری میان کشورهای عضو و کثرت تعداد شهروندانی که از مصوبه‌های اقتصادی بهره‌مند می‌شوند، ابراز خرسندی کرد و اصلاح ضوابط یکسان استملاک و مبادله سهام را برای شهروندان کشورهای شورا جهت بهره‌گیری از فرصت تملک و به کارگیری سهام شرکت‌های سهامی در زمینه‌های اقتصادی گوناگون (به استثنای بانک‌ها، صرّافی و بیمه) مورد تأکید قرار داد و مقررات اصلاح شده در زمینه تجارت عمده فروشی را به تصویب رساند.

شورای عالی در اجلاس شانزدهم[۲۳]، به توصیه‌های کمیته همکاری‌های مالی ـ اقتصادی مبنی بر وصل شبکه برق کشورهای شورا به یکدیگر توجه کرد و دستور داد هر چه سریع‌تر اجرای آن آغاز شود و همچنین

بر اصل شهروندی اقتصادی (به مفهوم برخورداری از شرایط و امتیازات یکسان جهت فعالیت‌های اقتصادی شهروندان هر کشور در سایر کشورهای عضو شورای همکاری) تأکید ورزید.

سران شورا، توصیه‌های کمیسیون همکاری‌های مالی و اقتصادی درخصوص گسترش فعالیت بانکی[۲۴] در کشورهای عضو شورا و افزایش توان رقابتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد توجه قرار دادند و با گشایش شعباتی از بانک‌های ملی هر کشور در دیگر کشورهای عضو شورا و پیوستن شبکه‌های بانکی اتوماتیک کشورهای شورا به یکدیگر موافقت کردند و آن را مورد تصویب قرار دادند.

شورای عالی به وزرای امور خارجه و کمیسیون همکاری‌های مالی و اقتصادی مأموریت داد در نیمه اول سال ۱۹۹۶ برای یکسان‌سازی تعرفه گمرکی اجلاسی تشکیل دهد و در چارچوب موافقتنامه یکپارچه اقتصادی به توافق برسند.

برای اشتغال شهروندان کشورهای شورا به تجارت جزئی مطابق با مقررات و ضوابط جاری اقدام شود.

سران شورا ضمن بررسی اوضاع اقتصادی کشورهای عضو شورا از موفقیت چشمگیر این کشورها در زمینه رشد و توسعه اقتصادی ابراز خرسندی کردند.

در اجلاس هفدهم[۲۵]، سران شورا برای توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری بنا به توصیه وزرای مربوطه تصمیمات زیر را اتخاذ کردند:

۱ـ یکپارچه کردن تعرفه گمرکی و ایجاد اتحادیه گمرکی میان کشورهای شورای همکاری، برای ایجاد اتحاد گمرکی در راستای تشکیل بازار مشترک خلیج [فارس].

۲ـ موافقت با ساختار تعدیل شده در مورد سیاست‌های مشترک کشاورزی میان کشورهای عضو.

در اجلاس هیجدهم[۲۶]، شورای عالی اجازه داد تا بانک‌های وطنی (ملی) هر کشور با حفظ ضوابط در سایر کشورهای عضو شعب خود را دایر کنند. این تصمیم به منظور تحکیم ارتباطات بانکی صورت پذیرفت.

شورای عالی دستور اجرای مرحله اول طرح ارتباط سیستم برق‌رسانی را صادر کرد. سران شورا به شورای وزارتی اجازه داد قانون ارشادی ویژه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی تدوین کند.

در اجلاس نوزدهم[۲۷]، با توجه به اینکه مرحله جدید مذاکرات بازرگانی در چارچوب سازمان تجارت جهانی WTO از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز می‌شود، شورای عالی به کمیته همکاری نفتی و کمیته همکاری تجاری در کشورهای شورای همکاری مأموریت داد تا تأثیرات مفید قرار دادن نفت در لیست تولیدات وارداتی در بخش‌هایی که کشورها را متعهد می‌سازد تا مالیات‌های گمرکی را در چارچوب WTO مورد بخشش کامل قرار دهند، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

شورای عالی اقداماتی را که برای ایجاد اتحادیه گمرکی کشورهای شورا برداشته شده است، مورد مطالعه قرار داد و زمان تأسیس و آغاز به‌کار این اتحادیه را از مارس ۲۰۰۱ تعیین کرد و به کمیته همکاری مالی و اقتصادی مأموریت داد تا به توافق بر سر تعرفه‌های یکسان گمرکی حداکثر تا دسامبر ۱۹۹۹ دست یابند.

شورای عالی به منظور یکسان سازی سازمان‌های اقتصادی، سیستم قرنطینه کشاورزی کشورهای شورا و سیستم قرنطینه دامی کشورهای شورا را مورد تأیید قرار داد.

در اجلاس بیستم[۲۸]، سران کشورهای عضو اجرای اتحادیه گمرکی دولت‌های عضو را از اول مارس ۲۰۰۵ مورد تصویب قرار دادند و برای کالاهای اساسی و بنیانی، تعرفه ۵/۵٪ و برای سایر کالاها تعرفه ۷/۵٪ را مشخص کردند و فهرست اعلام و اختصارات را مطابق با طبقه‌بندی کالاها[۲۹]

به سه دسته:

۱ـ کالاهای آزاد و معاف از تعرفه ۲ـ کالاهای اساسی ۳ـ سایر کالاها گروه‌بندی کردند[۳۰]. شورای عالی اعلام کرد قوانین اتحادیه گمرکی را در دولت‌های عضو برای آزمایش به مدت یکسال اجراء کنند و بعد از آنکه دولت‌های عضو کاستی‌های آن را در اجرا متذکر شدند، نسخه اصلاحی از پایان سال ۲۰۰۰ میلادی لازم الاجرا شود.

برای تحکیم و استواری اقتصاد ملی، شورای عالی تصمیم گرفت مقررات و ضوابط مربوط به مالکیت املاک و مستغلات را برای شهروندان دولت‌های عضو GCC اصلاح کند و کمیته اقتصادی و مالی را متعهد کرد تا خصوصی‌سازی مالکیت املاک و مستغلات را برای شهروندان دولت‌های عضو جهت اقامت و سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار دهد.

شورای عالی مقررات مربوط به پتنت (Patent) در فرم اصلاح شده برای دولت‌های عضو GCC را به تصویب رساند و امکان دارد موافقت‌نامه حقوق مالکیت معنوی در چارچوب موافقت‌نامه که با سازمان تجارت جهانی WTO منعقد شود.

شورای عالی با اعلام رضایت خود از تصویب قرارداد مربوط به تأسیس کمیسیون برق برای دولتهای عضو براساس آیین‌نامه اعلام کرد که یک شرکت سهامی عام است و دفتر مرکزی آن در عربستان سعودی قرار دارد و راه را برای اجرا و تحقق مرحله اول این پروژه آماده می‌سازد.

در اجلاس بیست و دوم[۳۱]، سران شورا تصمیم گرفت در یک برنامه‌ریزی اجرای اتحادیه گمرکی را به تاریخی جلوتر یعنی اول ژانویه ۲۰۰۳ موکول کند و تصمیم گرفت تعرفه متحد گمرکی را کاهش دهد و برای کلیه کالاهای خارجی که وارد اتحاد گمرکی می‌شوند، به حد ثابت ۵٪ برساند.به استثنای کالاهای معاف که در قطعنامه اجلاس بیستم (نوامبر ۱۹۹۹) ذکر شده‌اند و تأسیسات صنعتی را از مالیات گمرکی معاف کنند و موادی که در

تولید و تأسیسات صنعتی به کار گرفته می‌شوند براساس قانون از مالیات‌های گمرکی معاف شوند.

در ادامه برقراری وحدت پولی برای دولت‌های عضو GCC و اجرای پول واحد، شورای عالی برای تعیین چارچوب زمان جهت پول واحد موافقت کرد و به کمیته مدیران بنگاه‌های پولی و بانک‌های مرکزی دستور داد تا تصمیم شورای عالی را در ارتباط بامصوبه این شورا مبنی بر تعیین دلار به عنوان پشتوانه پولی کشورهای عضو شورای همکاری تا قبل از پایان سال ۲۰۰۲ اجرا کنند. همچنین شورای عالی به کمیته همکاری اقتصادی و مالی و کمیته مدیران مالی دستور داد، برای دستیابی به استانداردهای لازم جهت پول واحد تا قبل از پایان سال ۲۰۰۵ توافق کنند و اجرای آن نباید از سال ۲۰۱۰ میلادی دیرتر شود.

در اجلاس بیست و سوم[۳۲] ضمن تأکید بر اجرای اتحادیه گمرکی از اول ژانویه ۲۰۰۳ و مشکلاتی که امکان دارد در مرحله عمل به وجود آید، به کمیته همکاری اقتصادی و مالی مأموریت داد تا اقدامات لازم را برای رفع آن انجام دهد و هدف از این اقدام یعنی ایجاد اتحادیه گمرکی را به منظور تسهیل امور مربوط به جریان کالاها را میان دولت‌های عضو GCC و افزایش حجم تجارت داخلی و حذف حصارهای گمرگی و غیرگمرگی (که تجارت را محدود می‌کند) اعلام داشتند.

شورای عالی دستور داد هماهنگی‌های لازم برای ایجاد بازار مشترک خلیج در اسرع وقت، صورت گیرد و این امر از سال ۲۰۰۷ تجاوز نکند.

شورای عالی گزارش دبیرکل در خصوص اجرای پول واحد را مورد نظر قرار داد و رضایت خود را از اقدامات انجام شده توسط دولت‌های عضو برای تصویب دلار آمریکا به عنوان پشتوانه مشترک پول‌های دولت‌های عضو و ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز پول‌هایشان اعلام داشت.[۳۳] در اجلاس بیست و ششم[۳۴] اعلام شد:

«شورای عالی، اتحاد تجاری کشورهای عضو شورا را مورد پذیرش قرار می‌دهد که هدف از یکپارچگی در تجارت خارجی اعضاء است تا بتوانند در برخورد با خارج به تعامل دست پیدا کنند و همچنین کشورهای عضو در مناسبات تجاری خود به اتحاد برسند و موجب تسهیل روند رفت و آمد شهروندان و عبور محصولات و کالاها و خدمات و وسائل نقلیه با توجه به ملاحظات زیست محیطی و حمایت از مصرف‌کننده شود.

شورای عالی با آگاهی از اقدامات به عمل آمده درخصوص اتحاد گمرکی و نتایج مثبت حاصل از آن، در راستای افزایش مبادلات تجاری میان دول عضو و تسهیلاتی که برای انتقال کالا فراهم شده، تمدید این دوره یعنی مرحله انتقال گمرکی تا پایان سال ۲۰۰۷ میلادی را می‌پذیرد و معافیت برخی محصولات را از مقررات گمرکی اعلام می‌دارد.

شورای عالی گام‌هایی در راستای اجرای بازار مشترک خلیج و دستاوردهای آن در سال ۲۰۰۵ برداشت و به ویژه در مورد مالکیت و تبادل سهام و شورا از کمیته‌های ذی‌صلاح خواست تا پیش از پایان سال ۲۰۰۷ برای تأمین نیازها و دستیابی به بازار مشترک خلیج بر فعالیت‌های خود بیفزایند.

در مورد اجرای برنامه اتحاد پولی میان کشورهای عضو، شورای عالی با آگاهی از گزارش دبیرکل، دستیابی به آن، تصمیمات کمیته تعاون مالی و بانکی و کمیته مدیران مؤسسات پولی و بانک‌های مرکزی را برای نزدیکی اقتصادی پذیرفت و به این دو کمیته مأموریت داد تا گزارش‌ها و پیشنهادهای خود را برای ارائه در اجلاس آینده سران آماده کنند.

سران شورا در این اجلاس از گزارش‌های ارائه شده توسط دبیرکل در مورد دیگر مسائل اقتصادی از جمله: گزارش مربوط به بررسی تفصیلی درخصوص روابط مالی میان دولت‌های عضو، گزارشی از منابع اقتصادی برای تأسیس شبکه راه‌آهن سراسری که دول عضو را به هم مرتبط می‌سازد و

گزارش دستاوردهای پروژه صدور کارت هویت مشترک شهروندان دولت‌های عضو (کارت هوشمند) آگاه شد».

یکی از عمده‌ترین راهکارهای شورای همکاری خلیج فارس در روند توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی است و در این زمینه، مرکز مالی کویت (ش.م.ک) که یکی از مؤسسات مالی مهم در منطقه خاورمیانه است، چهارمین کنفرانس سالانه خود را در لندن برگزار کرد.[۳۵] در این کنفرانس، مناف عبدالعزیز الهاجری رئیس مرکز مالی کویت در سخنرانیش اعلام داشت: در پی افزایش قیمت نفت که موجب رونق اقتصادی شد، بازارهای سهام در کشورهای شورای همکاری خلیج مورد توجه سرمایه‌گذاران جهانی قرار گرفته و تولید ناخالص داخلی رو به رشد نهاده است؛ به طوری که انتظار می‌رود درخلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی حدود ۷٪ افزایش داشته باشد.[۳۶]

او در سخنرانی خود، بخش انرژی را محرک رشد اقتصادی کشورهای عضو GCC اعلام کرد که حدود ۴۱٪ از تولید ناخالص داخلی را در بر می‌گیرد و این درصد شامل ۲۵٪ در کشور بحرین تا ۵۸٪ در کشور قطر می‌شود و پیش‌بینی کرد به دلایلی در ۳ سال آینده قیمت نفت بالا خواهد بود. او افزود: اقتصاد کشورهای عضو شورا متکی به نفت است و یکی از چالش‌های پیش روی این کشورها در آینده همین مسأله است. افزایش جمعیت و بیکاری و فساد نیز از دیگر چالش‌هایی است که نمی‌توان از آن غافل ماند. محدود بودن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تعداد زیاد شرکت‌هایی نیز که به‌صورت خانوادگی اداره می‌شوند، باید اضافه کرد. این معضلات، ایجاب می‌کند که تحولی در این کشورها پدید آید.

بر این اساس، این شورا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را استقبال می‌کند که می‌تواند انگیزه‌ای نیرومند برای تحول باشد. نفت و گاز در کویت،[۳۷] سیاحت و جهانگردی در دوبی، امور مالی در بحرین و پتروشیمی در عربستان

سعودی[۳۸]، زمینه‌هایی هستند که شرایط برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آنها مهیاست.

حضور کلیه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سازمان تجارت جهانی WTO به انعقاد قراردادهایِ تجاری منطقه‌ای کمک می‌کند و انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌سازد.

حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۴ به ۶ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد که به نسبت حجم اقتصادی منطقه که بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار است، این مبلغ بسیار ناچیز است. در این کشورها جاذبه بازارها برای رشد اقتصادی زیاد است. حجم سرمایه در کل بازار خلیج [فارس] در سال ۲۰۰۵ حدود ۱ تریلیون دلار بود که ۲۰٪ از کل بازار کشورهای درحال توسعه در کل جهان را تشکیل می‌دهد. مرکز مالی کویت درصدد است از فرصت استفاده کند و بازار مشترک خلیج را به وجود آورد که سرمایه‌گذاری خارجی را تقویت می‌کند.

مناف عبدالعزیز رئیس مرکز مالی کویت در ادامه سخنرانیش در کنفرانس مزبور اعلام داشت: «کاهش سرمایه گذاری خارجی و رکود بازار، با وجود خوش‌بینی‌های موجود در قیمت نفت، ایجاب می‌کند که اصلاحاتی در جهت سرمایه گذاری با توجه به بخش خصوصی انجام پذیرد از جمله: آزادسازی در پخش اتصالات در کشور عمان، و خصوصی‌سازی در صنایع پتروشیمی کویت و همچنین اتحاد گمرکی که از سال ۲۰۰۳ تحقق پیدا کرده و برنامه‌هایی که برای پول واحد از سال ۲۰۱۰ به اجراء درخواهد آمد و نیز فراهم آمدن زمینه برای سرمایه‌گذاری خارجی در قطر و تأسیس گروه مالی در کشور عربستان سعودی را می‌توان ذکر کرد.

کشورهای شورای همکاری خلیج در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، از لحاظ قدرت بازار، اصلاحات و نظارت، پس از کشورهای هند، چین، برزیل و روسیه قرار دارند، ولی از لحاظ قدرت مالی، استحکام بخش

بانکی و زیرساخت‌ها نسبت به دیگر بازارهای کشورهای در حال توسعه برتری دارند، که این موارد برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار با اهمیت است. این کشورها در دهه آینده، سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش انرژی خواهند داشت و این آمادگی را دارند که همانند بازارهای در حال توسعه در جهان، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کنند».[۳۹]

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از دیرباز به فکر جذب سرمایه‌های خارجی بودند[۴۰] و در این راستا تلاش‌های فراوانی مبذول داشتند و همان‌گونه که از اظهارات آقای مناف عبدالعزیز الهاجری مدیرکل مرکز مالی کویت برمی‌آید، این شورا توسعه پایدار و امنیت اقتصادی را در پرتو جذب سرمایه‌های خارجی مورد توجه قرار داده است، به طوری که درسال ۲۰۰۱ میلادی کشورهای عضو شورا موفق شدند ۱/۰۴ میلیارد دلار از ۴/۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای عرب را جذب کنند. امارات در همین سال ۹۵ میلیون دلار از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کرد. این رقم درسال ۲۰۰۲ به ۲۵۷ میلیون دلار رسید و امارات، جایگاه بیست و چهارم را در میان کشورهای مختلف جهان برای جذب سرمایه گذاران خارجی به خود اختصاص داد. قطر در سال ۲۰۰۲ به میزان ۳۲۶ میلیون دلار از سرمایه‌گذاری جهانی منتفع شد و بحرین ۲۱۸ میلیون دلار را جذب کرد.

درسال ۲۰۰۲ میلادی کل سرمایه گذاری خارجی ۶۵۱/۱۸ میلیارد دلار بود.[۴۱] و این درحالی است که ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس درسال ۲۰۰۵ میلادی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کردند که نسبت به سال ۲۰۰۳ دو برابر و در مقایسه با سال ۲۰۰۱ سه برابر شده است و در ۵ سال گذشته، بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار از محل فروش نفت به دست آورده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال گذشته بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزایش درآمد داشته باشد.[۴۲] ۶ کشور روزانه بیش از ۱۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنند که معادل $\frac{۱}{۵}$ تقاضای جهانی است و ۹/۵

میلیون بشکه در روز از سوی عربستان سعودی تأمین می‌شود.[۴۳]

مؤسسه فاینانس بین‌المللی، به علت افزایش چشمگیر قیمت نفت پیش‌بینی کرد درسال ۲۰۰۶ میلادی، مجموع تولید ناخالص داخلی ۶ کشور عضو شورا با ۱۹٪ رشد به ۷۲۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. به طوری که رشد درآمد نفتی در سه سال گذشته، موجب رشد ۷۴٪ تولید ناخالص اسمی این کشورها شده و سرانه تولید ناخالص داخلی از ۱۱ هزار دلار به ۱۷ هزار رسیده است این مؤسسه بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرد مجموع رشد اقتصادی ۶ کشور در سال آینده (۲۰۰۷) به ۹/۴٪ برسد و درسال جاری (۲۰۰۶) با ۲۳۰ میلیارد دلار مازاد حساب جاری مواجه شوند که برابر با ۳۰٪ مجموع تولید ناخالص داخلی آنهاست. در حالی که درسال ۲۰۰۴ مازاد حساب جاری ۶ کشور فقط ۹۰ میلیارد دلار و درسال ۲۰۰۵ رقم ۱۶۷ میلیارد دلار بود. این کشورها درسال ۲۰۰۵ بالغ بر ۱۶۷ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشتند.[۴۴]

این کشورها مازاد درآمدهای نفتی خود را در دارایی‌های خارجی سرمایه گذاری کرده‌اند و براساس نظر مؤسسه فاینانس بین‌المللی پیش‌بینی می‌شود ذخایر ارزی آنها طی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ۴۵۰ میلیارد دلار افزایش یابد که معادل بیش از $\frac{۳}{۴}$ ذخایر کشور چین خواهد بود.[۴۵] مقایسه جمعیت ۱/۵ میلیارد نفری چین با جمعیت ۶ کشور PGCC نمودار توانمندی بالای اقتصاد این ۶ کشور است.

یکی از مقام‌های عالی‌رتبه صندوق بین‌المللی پول تأکید کرد درآمدهای سرشار نفتی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس موجب کندی اصلاحات اقتصادی در این کشورها نخواهد شد محسن‌خان رئیس بخش خاورمیانه و آسیای مرکزی صندوق بین‌المللی پول تأکید کرد کشورهای تولیدکننده نفت در دهه ۱۹۹۰ به دلیل پایین بودن بی‌سابقه قیمت نفت و کاهش تولید با کاهش شدیدی در درآمدهای خود مواجه شدند بنابر این،

سیاستگذاران این کشورها به خوبی آگاهند که اگر نتوانند از این دوره برای اجرای اصلاحات و توسعه بخش خصوصی استفاده کنند، در آینده با کاهش احتمالی قیمت نفت به دهه ۱۹۹۰ باز خواهند گشت.[۴۶]

در عین حال، یکی از چالش‌های اقتصادی که برخی کشورهای عضو شورا از اواخر سال ۲۰۰۵ و نیمه اول سال ۲۰۰۶ با آن مواجه شدند، سقوط بورس اوراق بهادار بود. در حالی که در ۵ سال گذشته (۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۰) رشد چشمگیری داشتند و این سقوط بورس اوراق بهادار، موجب تلاطم و ناآرامی در اقتصاد کشورهای عضو PGCC گردید.

براساس گزارش‌های پژوهشی بورس امارات، شاخص قیمت بازار امارات و عربستان[۴۷] از ماه مارس سال ۲۰۰۴ تا سپتامبر ۲۰۰۵ بیش از ۲برابر رشد داشتند و مجموع بازارهای بورس این کشورها طی ۵ سال مذکور از رشد ۱۰۰٪ در شاخص قیمت برخوردار شدند که ارزش رقمی آن، حدود ۱/۳ تریلیون دلار بود. کارشناسان اقتصادی و تحلیلگران امور مالی و بورس، دلایل متعددی را برای رشد و سقوط آن ذکر می‌کنند؛ از جمله:

۱ـ افزایش قیمت نفت ۲ـ وضعیت نسبتاً باثبات در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ۳ـ افزایش نقدینگی به علت بازگشت سرمایه‌های اعراب از آمریکا و غرب به دلیل مواضع ضداسلامی و ضدعربی که در غرب پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پدید آمده است.

در زیر، به مهّم‌ترین، دلایل سقوط آن نیز اشاره می‌شود:

۱ـ فقدان قدمت در این بازارها، مثلاً: بازار بورس کشور امارات که یکی از سودده‌ترین بورس‌های منطقه بود، از سال ۲۰۰۰ شروع به کار کرد. این بازار بورس که در سپتامبر ۲۰۰۵ در نقطه اوج خود قرار داشت، در مارس ۲۰۰۶ با افت ۲۸/۵ عدد ۴۷۱۷ را در مقابل شاخص خود نشان داد و این بدان معناست که در ۳ ماهه نخست سال ۲۰۰۶ کاهش شاخص بورس امارات به رقمی بالغ بر ۴۰٪ رسید و عربستان شاهد افت ۲۰٪ در شاخص خود بود.

۲ـ افزایش بی‌رویه قیمت‌ها ۳ـ عدم تطابق آن با وضعیت مالی ۴ـ افزایش بی‌رویه عرضه سهام ۵ـ ناآشنایی مردم این کشورها با سازوکار خرید و فروش سهام ۶ـ مسائل هسته‌ای ایران ۷ـ سراب برخورداری از سودهای کلان یک شبه.

سقوط بازار بورس در کشورهای حاشیه خلیج فارس موجب شد که دولت عربستان به طور مستقیم دخالت کند؛ به طوری که شاهزاده «ولید بن طلال»[۴۸] صاحب شرکت «کینگدم هولدینگر»[۴۹] مبلغ دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار برای سامان بخشیدن به وضع بازار مالی عربستان سعودی در بازار بورس سرمایه‌گذاری کند.[۵۰] امیرعبدالله پادشاه عربستان سعودی دستور داد اداره بورس ریاض موضوع اجازه سرمایه‌گذاری اتباع خارجی مقیم عربستان در بورس را مورد بررسی قرار دهد. همچنین دولت عربستان دستور کاهش قیمت اسمی سهام را صادر کرد. پادشاه عربستان به ریاست شورای عالی اقتصاد عربستان دستور داد کاهش شدید شاخص بورس عربستان را بررسی کند.

در کویت نیز کاهش پیاپی شاخص بورس سبب شد تا تعداد زیادی از سهامداران خشمگین خرده پا در اعتراض به وضع ایجاد شده تظاهرات کنند و خواستار مداخله دولت برای حمایت از بازار بورس شوند.

در حالی که صنعت بانکداری امارات دومین بخش بزرگ بانکی در میان ۶ کشور عضو PGCC است، درسال ۲۰۰۵ با رونق بی‌سابقه‌ای روبرو شد که در رسیدن رشد اقتصادی این کشور به ۷٪ تأثیر بسزایی داشت. به‌طوری که سود بانک‌های تجاری امارات درسال ۲۰۰۵ با ۱۱۵٪ رشد و دارایی‌های آنها با ۴۸٪ رشد مواجه شدند. به علت تداوم رکود بازارهای مالی امارات و کاهش ۳۷٪ قیمت‌های سهام در بورس، این کشور با کاهش ۶٪ سود بانک‌ها درسال ۲۰۰۶ روبرو شد. براساس تحلیل کارشناسان، این کاهش در باقی‌مانده سال ۲۰۰۶ نیز ادامه خواهد یافت.

وضعیت بورس درسال ۲۰۰۶ در امارات به حدی نابسامان شد که دولت امارات ناگزیر شد دخالت کند که مورد انتقاد صندوق بین‌المللی پول قرار گرفت و محسن خان، مدیر بخش خاورمیانه صندوق بین‌المللی پول گفت: دولت امارات در بازارهای مالی این کشور (بورس ابوظبی و دوبی) دخالت دارد و این درحالی است که دخالت دولت، خطری جدی برای بازارهای مالی است.

در این‌جا لازم است فرازی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس را در زمینه مذاکره و انعقاد قراردادهای منطقه آزاد تجاری با بلوک‌های تجاری منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی مورد قرار دهیم.

همان گونه که در سایت شورای همکاری خلیج در حوزه فعالیت‌های اقتصادی شورای مزبور ذکر شد و در یکی از بندهای قطعنامه اجلاس بیست و ششم مانند بسیاری از دیگر قطعنامه‌ها نظیر قطعنامه اجلاس پانزدهم قید شد و در سخنرانی مناف عبدالعزیز الهاجری مدیرکل مؤسسه مرکز مالی کویت (ش.م.ک) نیز تلویحاً اشاره شد. یکی از اهداف استراتژیک شورای همکاری خلیج فارس در زمینه اقتصادی، مذاکره و انعقاد قرارداد منطقه آزاد تجاری FTA با بلوک‌های تجاری منطقه‌ای و جهانی و قاره‌ای و کشورهای قدرتمند اقتصادی نظیر: اتحادیه اروپا، بازار مشترک آمریکای جنوبی (مرکوسور)، روسیه، پاکستان، ترکیه و... است.

باید اشاره کرد که میان دولت‌های عضو PGCC و جامعه اقتصادی اروپا درسال ۱۹۸۸ قرارداد همکاری منعقد شد و مذاکره با اتحادیه اروپا از سال‌های قبل برای ایجاد منطقهٔ آزاد تجاری در جریان است. در قطعنامه اجلاس پانزدهم شورای عالی، در این مورد چنین آمده است:

«شورای عالی با ابراز خشنودی از پیشرفت مذاکرات میان شورای همکاری با اتحادیه اروپا، خواستار پیشرفت بیشتر در زمینه‌های عدم تحمیل مالیات جدید بر انرژی و پیمان تجارت آزاد میان دو منطقه و تسهیل روند

ورود تولیدات کشورهای شورای همکاری و اتحادیه اروپا به منظور ایجاد تعادل در تراز بازرگانی دو طرف می‌شود».

با اینکه شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا از سال ۱۳۷۰ تاکنون کوشیده‌اند به موافقت‌نامه بازرگانی آزاد دست پیدا کنند، با این حال، عواملی نظیر اعمال تعرفه گمرکی مشترک، ایجاد اتحادیه گمرکی میان کشورهای عضو شورای همکاری، اختلافات اقتصادی داخلی میان کشورهای عضو شورا (مثلاً برخی کشورهای شورا نظیر امارات با آزادسازی بخش‌های عمده خدماتی به ویژه بیمه، بانک‌ها، مخابرات که از شرایط امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپاست خشنود نیستند) از جمله موانع موجود برای توافق نهایی هستند. و این درحالی است که براساس آمارهای رسمی، میزان مبادلات بازرگانی میان کشورهای شورا با اتحادیه اروپا، سالانه به ۴۰ میلیارد دلار می‌رسد و اتحادیه اروپا ۱۰٪ نیاز نفتی خود را از کشورهای PGCC تأمین می‌کند. حدود ۱۵٪ از صادرات کشورهای اتحادیه اروپا به بازار کشورهای عضو PGCC وارد می‌شود. اتحادیه اروپا دومین شریک تجاری کشورهای شورای همکاری بعد از آمریکا به شمار می‌آید. به طوری که در بیست و یکمین دور مذاکرات که در آبان ۱۳۸۴ در ابوظبی برگزار شد، دو طرف به نتیجه نرسیدند. شورای همکاری از اتحادیه اروپا خواست تا مالیات بر انرژی را که ۱۴٪ و مالیات بر آلومینیوم وارداتی از کشورهای PGCC که ۶٪ است، لغو کند؛ زیرا در تحلیل کارشناسان اقتصادی شورای همکاری، این مالیات‌ها به کشورهای شورا زیان‌های فراوان تحمیل می‌کند و منبع درآمد کشورهای شورا از فروش نفت است. متقابلاً اتحادیه اروپا از کشورهای شورا خواست تا لوایح و قوانین جدیدی در زمینه مالکیت و سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش‌های بانکداری و بیمه و ارتباطات اعمال کنند. به دنبال اجلاس ابوظبی در نوامبر ۲۰۰۵ بیست و دومین دور مذاکرات در بروکسل برگزار شد.

در حالی که انواع کالاهای مصرفی و خدمات بیشترین صادرات اتحادیه اروپا به کشورهای شوراست، نفت بیشترین حجم صادرات PGCC به اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد.

در فرازی دیگر، «عبدالرحمن العطیه» دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس در مصاحبه با خلیج تایمز[51] گفت: «همه کشورهای عضو این شورا باید اصلاحات سیاسی و دموکراتیک را بپذیرند و اجراء کنند. او مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی و آموزشی را پیش نیاز دموکراسی در میان این کشورها و انعقاد قرارداد تجارت آزاد (FTA) با اتحادیه اروپا دانست. همچنین تأسیس بانک مرکزی شورای همکاری خلیج فارس، بخشی از همگرایی اقتصادی کشورهای عضو می‌باشد و این بانک باید در ابوظبی تأسیس شود».

از نظر رئیس اتاق بازرگانی دوبی، قرارداد تجارت آزاد (FTA) با اتحادیه اروپا عملاً منجر به توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) خواهد شد که در تقویت‌بخش خدمات و توسعه اقتصاد در درازمدت تأثیرگذار خواهد بود.

در آگوست ۲۰۰۶ دفتر آمار اتحادیه اروپا (یوروواستات) اعلام کرد که درسال ۲۰۰۳ ارزش صادرات امارات عربی متحده به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسید و حجم صادرات کالاهای اماراتی در همین سال، حدود ۴٪ از واردات کشورهای عضو اتحادیه اروپا را شامل شد.

شورای همکاری خلیج فارس، به موازات مذاکرات با اتحادیه اروپا با سایر بلوک‌های اقتصادی و کشورهای جهان نیز برای دستیابی به موافقت‌نامه‌های تجاری مذاکره می‌کند، از جمله: وزیر امور خارجه برزیل که کشورش ریاست پیمان اقتصادی منطقه‌ای بازار مشترک آمریکای جنوبی موسوم به «مرکوسور» را بر عهده دارد، در ماه اوت ۲۰۰۶ طی نامه‌ای به دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس، تمایل این بلوک اقتصادی را برای

امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج‌فارس تا پایان سال ۲۰۰۶ اعلام داشت.

در ژوئن ۲۰۰۶ اعلام شد که شورای همکاری خلیج‌فارس و پاکستان تا پایان سال جاری، به منظور رفع تعرفه‌های بازرگانی و گمرکی و موانع غیرتعرفه‌ای کنونی که از سرعت رشد روابط تجاری دو جانبه می‌کاهد، توافق‌نامه تجارت آزاد امضاء می‌کنند.

رسانه‌های امارات، هدف دیگر از امضای این توافق‌نامه را گسترش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و مشترک و افزایش همکاری‌های اقتصادی دو کشور اعلام کردند.

دومین دور مذاکرات شورای همکاری خلیج‌فارس با ترکیه جهت امضای قرارداد تجارت آزاد در آوریل ۲۰۰۶ در آنکارا برگزار شد. در این دور از مذاکرات، مسائلی مانند: لیست کالاهای تحت پوشش این موافقت‌نامه، قوانین و مسائل فنی، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

عبدالرحمن العطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس در دیدار با سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه که در عربستان انجام پذیرفت، تمایل شورای همکاری به افزایش مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری میان دو طرف را اعلام داشت.

در ماه آوریل ۲۰۰۶ کشور ژاپن اعلام کرد در ماه ژوئیه، مذاکرات مربوط به تجارت آزاد میان توکیو و شورای همکاری خلیج‌فارس در شهر ریاض (عربستان) صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه $\frac{۳}{۴}$ نفت وارداتی ژاپن از کشورهای عضو PGCC تأمین می‌شود، دو طرف اظهار امیدواری کردند تا سال ۲۰۰۸ به نتیجه نهایی دست یابند و یکی از اهداف ژاپن از تجارت آزاد با ۶ کشور شورای همکاری کم کردن تعرفه‌های ۵٪ این ۶ کشور بر واردات از ژاپن است.

در سال ۲۰۰۳ ژاپن بعد از آمریکا، در ردیف دومین شرکای تجاری با

کشورهای شورای همکاری قرار گرفت.[۵۲]

ژاپن با رقمی بالغ بر ۲۱ میلیارد دلار واردات از کشورهای شورای همکاری و به همین میزان صادرات در رأس ۱۰ کشور مهم از شرکای تجاری شورای همکاری به ثبت رسید.[۵۳]

در سال ۲۰۰۵ یکی از مباحث جنجالی در اجلاس وزیران دارایی و اقتصاد کشورهای عضو شورای خلیج‌فارس، موضوع توافق‌نامه دو جانبه تجارت آزاد با آمریکا بود.

آمریکا با بحرین به عنوان اولین کشور عضو شورا قرارداد تجاری به امضاء رساند و امارات و عمان مذاکرات دوجانبه برای امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد با آمریکا پرداختند. آمریکا خواستار تعدیل قوانین امارات[۵۴] به شکلی است که سرمایه‌گذاران خارجی قادر باشند از ۱۰۰٪ مالکیت شرکت‌های خود در این کشور بهره‌مند شوند. در حالی که مطابق قوانین امارات، سرمایه‌گذاران خارجی اجازه دارند حداکثر ۴۹٪ از مالکیت برخوردار باشند و ۵۱٪ باقیمانده برای شریک اماراتی محفوظ خواهد بود.

البته آمریکایی‌ها به شدت علاقمندند قرارداد فوق به امضا برسد؛ زیرا از نظر کارشناسان اقتصادی، امضای موافقت‌نامه موجب می‌شود موانع تجاری برای ورود محصولات آمریکایی به بازارهای منطقه برطرف شود و فرصت‌های شغلی در آمریکا افزایش یابد و قدرت خرید شهروندان آمریکایی افزایش پیدا کند.

مذاکرات دو جانبه مورد اعتراض سایر کشورها به ویژه عربستان سعودی قرار گرفت و در نشست اوایل ماه مه ۲۰۰۵ وزیران دارایی و اقتصاد کشورهای عضو مطرح شد و بعد از مذاکرات مفصل، به این جمعبندی رسیدند که هر یک از کشورهای عضو شورا می‌توانند جداگانه با آمریکا توافق‌نامه دوجانبه تجارت آزاد به امضا برسانند؛ ولی شورای همکاری تصمیم گرفت از امضای قرارداد تجاری جمعی با آمریکا خودداری کند و در عین حال شورا

می‌تواند با همه کشورها غیر از آمریکا، توافق‌نامه تجارت امضا کند.[55]

از دیگر کشورهایی که اقدام به برقراری روابط تجاری گسترده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس کرد، کشور هند است که بیشتر شامل نرم‌افزارهای گسترش یافته در بخش مالتی مدیا، زبان عربی و گرافیک، پردازش داده‌ها و انبارداری و فعالیت‌های مرتبط با اینترنت است و حداقل ۴دانشگاه هندی، برای بهره‌برداری از بازار نرم‌افزار کشورهای عضو شورا به تدریس زبان عربی می‌پردازند. پیش‌بینی می‌شود نقش شرکت‌های تکنولوژی اطلاعاتی هند در بانکداری، نفت، مخابرات، مهندسی، ساخت و ساز، تجارت الکترونیکی و ارائه خدمات دولتی، از طریق اینترنت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در چند سال آینده افزایش پیدا کند. به طوری که صادرات نرم‌افزار هند به کشورهای عضو PGCC در سال ۱۹۹۹ـ۱۹۹۸ بالغ بر ۱/۳۵۹ میلیون روپیه بود و در سال بعد به ۲/۱۲۴ میلیون روپیه افزایش پیدا کرد.[56]

پی‌نوشت‌ها

۱. البته برخی کشورهای خلیج‌فارس قبل از تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس با یکدیگر روابط اقتصادی و تجاری داشتند و قراردادهای همکاری اقتصادی به امضا رساندند که مهم‌ترین آنها در جدول شماره ۱۱ آمده است:

جدول شماره ۱۱

قرارداد همکاری اقتصادی عمان ـ کویت	۱۹۷۲
قرارداد همکاری اقتصادی و آموزشی بحرین ـ کویت	۱۹۷۳
قرارداد همکاری اقتصادی عربستان سعودی ـ قطر	۱۹۷۳
قرارداد همکاری اقتصادی کویت ـ امارات	۱۹۷۳
قرارداد همکاری اقتصادی کویت ـ عربستان	۱۹۷۵
قرارداد همکاری اقتصادی بحرین ـ عربستان	۱۹۷۵
قرارداد همکاری اقتصادی قطر ـ عمان	۱۹۷۶
قرارداد همکاری اقتصادی و فرهنگی قطر ـ کویت	۱۹۷۸
قرارداد همکاری اقتصادی امارات ـ عربستان	۱۹۷۸

(امن الخلیج.... تطوره و اشکالیاته، دکتر ظافر محمد العجمی، ص۴۴۵)

۲. مشکلات اقتصادی که کشورهای عضو PGCC با آن روبرو هستند شامل دو بخش خارجی و داخلی است.

در بعد خارجی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) افزایش حضور شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی در اقتصاد جهانی، مذاکره با اتحادیه اروپا و آمریکا در زمینه بازرگانی و تجاری و تشکیل منطقه آزاد تجاری (FTA) توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت GATT.

در بعد داخلی نیز می‌توان از اتکای بیش از اندازه به درآمدهای حاصل از فروش نفت با

توجه به بی‌ثباتی قیمت نفت، فرار سرمایه‌های داخلی، ضعف سرمایه‌گذاری خارجی، ورود کارگران خارجی و مهاجران یاد کرد. نسبت اتباع خارجی به جمعیت بومی، به ترتیب از این قرار است: امارات عربی متحده ۸۰٪ کویت ۸۰٪ قطر ۷۰٪ عربستان، عمان و بحرین ۶۰٪. بیکاری توأم با افزایش جمعیت در سال‌هایی که قیمت نفت کاهش می‌یابد با کسری بودجه همراه است.

۳. در مورد موفقیت یا عدم موفقیت اتحاد گمرکی، دیدگاه‌های گوناگونی توسط کارشناسان کشورهای عضو PGCC مطرح شده است. مختار متولی، رئیس دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه قطر، موفقیت اتحادیه گمرکی خلیج فارس را به دو عامل مربوط می‌داند: اول ـ سهم تجارت هریک از اعضای شورای همکاری با سایر اعضای این شورا در کل تجارت خارجی آن کشور. دوم ـ نسبت تجارت خارجی هر کشور به تولید ناخالص داخلی آن کشور.

وی معتقد است در شرایط کنونی، عربستان سعودی بیشترین بهره را از تشکیل اتحادیه گمرکی می‌برد و امارات متحده عربی از این حیث در رده دوم قرار دارد، زیرا صادرات این کشورها به کشورهای عضو زیاد است و کشورهایی نظیر کویت، قطر و عمان که صادراتشان به سایر اعضا نزدیک به صفر است، کمترین بهره را می‌برند.

محمدالمسفر استاد علوم سیاسی دانشگاه قطر اعتقاد دارد: اتحاد گمرکی کشورهای عضو PGCC به این دلیل که از سوی اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی به کشورهای خلیج فارس تحمیل شده است، نمی‌تواند بیانگر وحدت دیدگاه‌های کشورهای عضو باشد.

در مقابل، یکی دیگر از استادان دانشگاه قطر معتقد است از آنجا که تشکیل اتحادیه گمرکی بین کشورهای عرب خلیج [فارس] سبب گشوده شدن بازارهای خارجی به روی کالاهای ساخت این کشورها می‌شود و قیمت کالاهایی که بین کشورهای عضو شورا دادوستد می‌شود حدود ۴۰٪ کاهش می‌یابد، داد و ستد به طور خودکار بین کشورهای عضو شورای همکاری افزایش می‌یابد.

ساز و کار اتحادیه گمرکی به این صورت است که کشورهای عضو شورای همکاری به

منطقه گمرکی یکپارچه‌ای تبدیل می‌شوند و مالیات‌های گمرکی و عوارض و اقدامات محدودکننده تجارت میان آنها حذف می‌شود و همه کشورها از کالاهای وارداتی به اتحادیه به میزان ۵٪ عوارض اخذ می‌کنند و اتحادیه بر مبنای یک نقطه ورود عمل خواهد کرد و کالاهایی که عوارض گمرکی آنها پرداخت شده می‌توانند آزادانه به هرکدام از کشورهای عضو وارد شوند.

۴. در مرحله اول موافقت‌نامه همه‌جانبه همکاری بین شورا و بازار مشترک اروپا که به امضاء رسید، بر توسعه و تنوع انرژی، صنایع، کشاورزی، انتقال تکنولوژی و آموزش تأکید شد. همچنین طرفین توافق کردند اصل کاملة‌الوداد را در تعرفه‌ها و محدودیت‌های بازرگانی رعایت کنند.

در مرحله دوم موافقت‌نامه در مورد آزادی بیشتر بازرگانی و تضمین متقابل مصنوعات پتروشیمی توافقاتی به عمل آمد. اروپا از شورا خواست تعرفه گمرکی خود را یکسان سازد و بازار مشترک خلیج فارس را تأسیس کند.

۵. پایگاه اینترنتی شورای همکاری خلیج فارس

۶. شورای همکاری خلیج فارس در ژوئن ۲۰۰۵ اعلام کرد: بازار مشترک کشورهای شورا تا سال ۲۰۰۷ آغاز به کار خواهد کرد و ۹۰٪ امور زیربنایی ایجاد بازار مشترک تکمیل می‌شود و با تشکیل بازار مشترک، علاوه بر تسهیل مبادلات بازرگانی و تجاری میان کشورهای عضو، موانعی چون تعرفه‌های مالیاتی و گمرکی برطرف خواهد شد و در مراحل بعدی قرار است ورود و خروج شهروندان کشورهای عضو شورای همکاری به هریک از کشورها از طریق کارت‌های هوشمند تسهیل شود. (دنیای اقتصاد - ۱۳۸۴/۴/۶)

7. Free Trade Area.

۸. نوامبر ۱۹۸۱، ریاض (عربستان)

۹. نوامبر ۱۹۸۲، منامه (بحرین)

۱۰. حجم تبادل بازرگانی میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ تنها حدود ۷/۲٪ مجموع تبادل تجاری این کشورها با سایر نقاط

جهان بوده است. در حالی که میزان تبادل با کشورهای بزرگ صنعتی در همین مدت ۵۶٪ بود. (نشریه ملت ـ ۱۳۸۰/۹/۳)

۱۱. شورای همکاری خلیج فارس برای هدایت و توسعه همکاری‌های بانکی، اقدام به تأسیس شرکت سهامی بین‌المللی مشترکی با سهام مساوی به نام مؤسسه سرمایه‌گذاری خلیج [فارس] نمود که در زمینه سرمایه‌گذاری بانکی فعالیت می‌کند. این مؤسسه موفق شد بانک بین‌المللی خلیج [فارس] را به تملک درآورد و شعبه‌هایی از این بانک را در کشورهای عضو تأسیس کند.

۱۲. نوامبر ۱۹۸۳، دوحه (قطر)

۱۳. نوامبر ۱۹۸۴، کویت

۱۴. نوامبر ۱۹۸۵، منامه (بحرین)

۱۵. نوامبر ۱۹۸۶، ابوظبی (امارات متحده عربی)

۱۶. دسامبر ۱۹۸۷، ریاض (عربستان)

۱۷. دسامبر ۱۹۸۸، منامه (بحرین)

۱۸. دسامبر ۱۹۸۹، مسقط (عمان)

۱۹. دسامبر ۱۹۹۲، ابوظبی (امارات عربی متحده)

۲۰. دسامبر ۱۹۹۳، ریاض (عربستان)

۲۱. دسامبر ۱۹۹۴، منامه (بحرین)

۲۲. در ۴ نوامبر سال ۲۰۰۳ میلادی، بیست و دومین اجلاس وزرای صنعت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در شهر دوحه به ریاست معاون دوم رئیس مجلس وزرا و وزیر انرژی و صنعت قطر عبدالله العطیه برگزار شد. در این اجلاس تصمیم گرفتند از تولیدات وطنی حمایت به عمل آورند و در این اجتماع عبدالرحمن العطیه دبیرکل شورای همکاری اعلام داشت: «برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری، هماهنگی باید ادامه پیدا کند».(الحیات، نوامبر ۲۰۰۳، رمضان ۱۴۲۴، ش ۱۴۸۳۵)

۲۳. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)

۲۴. مؤسسه مالی استاندارد فرانسه که از مؤسسات معتبر در زمینه‌های بانکی است، در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد ریسک بانکداری در منطقه خلیج فارس به علت تمرکز فراوان، توسعهٔ نامتجانس، کمبود رقابت و کوچک بودن آنها بسیار بالاست و ۳۰ بانک بزرگ منطقه خلیج فارس همچنان از ضعف ساختاری رنج می‌برند. در این گزارش، از سوددهی بالا، دارایی‌های مطلوب، سرمایه‌های قابل اطمینان و اسناد سرمایه گذاری به عنوان عوامل بهبود یافته یاد شده و روند مثبت مالی بانک‌های حاشیه خلیج فارس طی ۵ سال گذشته را ناشی از اعتماد بالای مشتریان، قیمت‌های دائماً بالای نفت خام، نقدینگی فراوان و اصلاحات اقتصادی دانستند و به علت بالا بودن قیمت نفت خام، میزان سپرده گذاری در بانک‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس، روندی صعودی داشته و دست این بانک‌ها در اعطای وام به بخشی‌های دولتی و خصوصی باز بوده است. و از نکات مثبت ذکر شده در گزارش (در زمینه موفقیت‌هایی که بانک‌های مزبور کسب کرده‌اند) می‌توان به گسترش دامنه تولیدات، تنوع بخشیدن به خطوط تجاری، ارتقای استفاده از فناوری، بهبود سرمایه معنوی و تقویت سیستم‌های مدیریت ریسک اشاره کرد. (دنیای اقتصاد، دوشنبه ۸۴/۳/۹)

۲۵. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)

۲۶. دسامبر ۱۹۹۷، (کویت)

۲۷. دسامبر ۱۹۹۸، ابوظبی

۲۸. نوامبر ۱۹۹۹، ریاض

۲۹. از ۱۲۷۸ نوع کالا موفق شدند ۱۱۴۶ قلم کالا را طبقه‌بندی کنند.

۳۰. در دیدگاه کارشناسان مسائل اقتصادی به دو علت طرح طبقه‌بندی کالا را موفقیتی برای PGCC تلقی می‌کنند.

۱ـ این طرح با روند جهانی حذف موانع گمرکی مطابقت دارد، به‌ویژه پس از آنکه کشورهای عضو PGCC توافق‌نامه گات (GATT) را به امضاء رساندند.

۲ـ توافق‌نامه به امضاء رسیده بین کشورهای عضو PGCC یکی از شاخص‌های اساسی جهت برقراری روابط بهتر اقتصادی بین این کشورها و اتحادیه اروپاست. زیرا اتحادیه

اروپا، یکی از شرایط امضای توافق‌نامه تجارت آزاد بین دو طرف را اجـرای بـرنامه اتحاد گمرکی اعلام کرده است.

۳۱. دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)

۳۲. دسامبر ۲۰۰۲، منامه (قطر)

در اکتبر ۲۰۰۶ وزرای دارایـی کشـورهای عـضو PGCC در نشسـتی کـه در جـده (عربستان) داشتند برای دستیابی به پول واحد اختلاف نظر پیدا کردند و بـه تـوافـق نرسیدند و به نشست سال بعد موکول کردند.

شورای همکاری تلاش می‌کند با اجرای طرح واحد پول مشترک در مذاکره با شریکان بزرگ تجاری خود در اروپا و آمریکا و ژاپن برگ برنده‌ای در اختیار داشته باشد.

۳۳. در میان ۶ کشور عضو شورا، کویت تنها کشوری بود که پولش به دلار بسته نشده بود و این حرکت برای رسیدن به هدف اتحاد پولی ضروری بود. با پـیدایش ایـن اتـحاد، نرخ‌های پول این شش کشور با دلار در نتیجه با پول هر کشور مشخص خواهد شد. ایجاد اتحاد پولی، نیاز به وجود یک بانک مرکزی مشترک دارد که قادر باشد سیاست ارزی و پولی مشترکی را در کشورهای عضو به اجرا بگذارد. مضافاً به ایـنکه بـانک مرکزی مشترک قادر خواهد بود امور بانک‌های مرکزی کشورهای عـضو، نـظیر وام دهنده نهایی به بانک‌ها و خدمات تهاتری را انجام دهد.

از ژانویه ۲۰۰۳ برابری دینار کویت را که قبلاً با یک زنبیل پول تعریف می‌شد فقط با دلار تعریف شد (OPEC FUND NEWSLETTER. VOLN6 X, NO 2002)

ایجاد اتحاد پولی از سه طریق بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. نخست آنکه پول واحد سبب صرف هزینه تبدیل پول یک کشور به کشور دیگر و کاهش قیمت صـادرات و واردات می‌شود. دوم اینکه ریسک ناشی از نوسان نرخ ارز حذف می‌گردد. سوم اینکه هزینه به‌دست آوردن اطلاعات بازاری کاهش پیدا می‌کند و علائم تغییر قیمت کالا در کشورهای مختلف، محسوس‌تر می‌شود. اشکال آن این است که کشورها با عضویت در آن، قدرت کنترل مؤثر سیاست‌های پولی را جهت مقابله با تکانه‌های خارجی از دست می‌دهند (نشریه تازه‌های اقتصاد، ۹۹)

۳۴. دسامبر ۲۰۰۵، ابوظبی (امارات متحده عربی)
۳۵. روزنامه الجزیره (عربستان سعودی)، ش ۱۲۳۳۳، ۹ جمادی الاول ۱۴۲۷، ۵ جولای ۲۰۰۶
۳۶. کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا اعلام داشت: «در هر صورت، ذخایر برخی تولیدکنندگان کوچک خلیج‌فارس، در ۲۵ سال آینده به پایان خواهد رسید و اگر تا آن زمان نتوانسته باشند به اقتصاد خود تنوع ببخشند، سرنوشت بدی در انتظارشان خواهد بود. از سوی دیگر، مسلم است که در صورت نبود انرژی جایگزین، به علت محدودیت منابع سوخت فسیلی، یک افزایش شدید دیگر بهای نفت، از هم اکنون تا سال ۲۰۲۵ پیش خواهد آمد. در آن هنگام، کشورهای نفتی ثروتمند، همانند دهه ۱۹۷۰، درآمدهای افزایش یافته خود را صرف رقابت‌های نظامی و سیاسی منطقه‌ای خواهند کرد و احتمالاً فساد افزایش خواهد یافت و رنجش از نخبگان بیشتر خواهد شد». (استراتژی امنیت ملی و آمریکا در قرن ۲۱، ص ۱۷۹)
۳۷. کویت با تصویب قانونی در مجلس این کشور جهت سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه توسعه چاه‌های نفت گامی بلند برداشت.
۳۸. عربستان با تغییراتی که در مالکیت شرکت‌های خارجی انجام داد، موجب تشویق سرمایه‌گذاری خارجی شد.
۳۹. روزنامه الجزیره (عربستان سعودی)
۴۰. حجم سرمایه‌گذاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تنها درآمریکا نزدیک به ۶۰۰۰ میلیارد دلار برآورد شده که ۵۰۰ میلیارد دلار آن متعلق به عربستان سعودی است.
سرمایه گذاری عربستان در آمریکا تنها متعلق به یک درصد جمعیت این کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است. (نشریه ملت ـ ۱۳۸۰/۹/۳)
۴۱. پایگاه اینترنتی اداره سرمایه‌گذاری توسعه دوبی، خبرگزاری ایرنا
۴۲. کشورهای عضو PGCC درسال ۱۹۹۸ به دنبال کاهش و نوسان شدید قیمت نفت به میزان ۳۵ میلیارد دلار زیان دیدند و کسری بودجه عمومی این کشور درسال ۲۰۰۰

میلادی با ۲۰٪ به ۱۶ میلیارد دلار در مقابل ۲۰ میلیارد دلار سال قبل از آن رسید.(نشریه ملت ۱۳۸۰/۹/۳)

۴۳. روزنامه اطلاعات، ضمیمه اقتصادی، چهارشنبه ۸۵/۲/۱۶

۴۴. روزنامه شرق، پنجشنبه ۸۵/۶/۲

۴۵. مؤسسه فاینانس بین‌المللی، اطلاعات، شنبه ۸۵/۵/۲۸

۴۶. اطلاعات، ۵شنبه ۸۵/۳/۱۸

۴۷. بورس امارات را می‌توان به عنوان جوان‌ترین بورس منطقه عربی حاشیه خلیج فارس و بورس عربستان سعودی را به عنوان پرسابقه‌ترین بورس این منطقه ذکر کرد.

۴۸. هشتمین سرمایه‌دار جهان به حساب می‌آید.

49. Kingdom Holdinger

۵۰. شبکه تلویزیونی CNN، مارس ۲۰۰۶

51. Gulf Times

۵۲. گزارش اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، گروه مطالعات بین‌الملل

۵۳. همان مأخذ

۵۴. امارات متحده عربی سومین شریک تجاری بزرگ آمریکا در خاورمیانه است. واردات این کشور از ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ از ۷/۱ میلیارد دلار فراتر رفت و صادرات امارات به آمریکا در سال ۲۰۰۳، ۴/۱ میلیارد دلار رسید (دنیای اقتصاد)

۵۵. روزنامه پول، سال دوم، شماره ۲۹۰، سه‌شنبه ۸۴/۳/۱۷

۵۶. Gulf Bussines ۱۷ فوریه ۲۰۰۱ (ترجمان اقتصادی، ۱۴۴)

امنیت

همان گونه که در زندگی شخصی تأمین امنیت در قالب‌های گوناگون نظیر امنیت شغلی، مالی، جانی و... یکی از دغدغه‌های آحاد جامعه است، در سطحی کلان، ایجاد امنیت نیز یکی از اهداف استراتژیک کشورها محسوب می‌شود. زیرا در پرتو امنیت پایدار، توسعه پایدار مفهوم واقعی می‌یابد و طبیعی است صلحی پایدار را برای آن کشور به ارمغان می‌آورد. در متون اسلامی، امنیت از نعمت‌های الهی است که ارزش آن در هنگام نبودِ آن مشخص می‌شود: «النعمتان مجهولتان: الصحة و الامان»

دولت‌ها با دو بعد امنیتی مواجه‌اند: ۱ـ بعد داخلی ۲ـ بعد خارجی.

دولت‌هایی موفقند و از ثبات لازم برخوردارند که در بعد داخلی با برقراری امنیت، رفاه و آسایش و آرامش شهروندان را تأمین کنند و در بعد خارجی با همسایگان و منطقه به صلح و دوری از تنش دست یابند. از این رو دولت‌ها در بعد خارجی با ۳ نوع امنیت روبرو هستند: ۱ـامنیت ملی، ۲ـامنیت منطقه‌ای، ۳ـ امنیت بین‌المللی. مهم‌ترین امنیت برای دولت‌ها امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای است.

«در جهان مدرن، افزایش امنیت یک کشور به افزایش امنیت دیگر کشورها به‌خصوص در سطح منطقه بستگی دارد و در این راستا، مفهوم امنیت

بین‌المللی و امنیت منطقه‌ای به اندازه اصطلاح امنیت ملی معنی‌دار است».[۱]

در متون کلاسیک، امنیت ملی در توانمندی کشورها در دفع تهدیدات و تجاوزات خارجی علیه مصالح سیاسی، اقتصادی و نظامی یا منافع ملی نمود دارد. وبه عبارت دیگر، مفهوم امنیت در رابطه میان کشورها این است که هر کشوری در ارتباط با کشورهای دیگر احساس آرامش و امنیت کند.

«در حال حاضر، امنیت ملی فضای مناسبی برای پرداختن به منافع مشترک بین‌المللی پدید آورده است که این امر می‌تواند به افزایش همزمان امنیت برای همه بازیگران سیستم بین‌المللی منجر شود».[۲]

ولی امنیت منطقه‌ای، شامل یک نظام امنیتی است که کشورهای موجود در آن منطقه جغرافیایی براساس نگرانی‌ها و تهدیدات جهت ایجاد حفظ امنیت خود و منطقه در پیمان‌هایی گردهم می‌آیند و قوانین و مقرراتی را برای تقویت امنیت به وجود می‌آورند و خود را ملزم به حفظ و رعایت آن می‌دانند و موقعیتی که در آن، سرمایه‌های مالی و انسانی ملت‌ها در درجه نخست برای توسعه اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و معنوی به کار گرفته می‌شوند تا اینکه سرمایه‌ها کارکرد نظامی امنیتی و پلیسی داشته باشند.

منطقه خلیج فارس به عنوان یک منطقه استراتژیک، از جنبه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، اهمیت خاصی دارد و به همین دلیل، از دیرباز و خصوصاً از دهه ۱۹۷۰ میلادی یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان ۸ کشور ساحلی این آبراه حفظ امنیت آن بوده است و هر دهه‌ای که می‌گذرد، با توجه به تحولات بزرگ و کوچکی که در سطح داخلی این کشورها و در مقیاس منطقه و حتی در سطح بین‌المللی انجام می‌پذیرد، نگرانی‌ها و دغدغه‌های حکومت‌های ساحلی آن افزایش می‌یابد و برای تأمین امنیت پایدار راهکارهای متفاوتی ارائه می‌شود.

«کشورهای منطقه خلیج فارس از نظر قدرت ملی وجغرافیای سیاسی مشکلات بسیار زیادی دارند به‌ویژه وقتی بحث امنیت و آسیب‌پذیری پیش

می‌آید، فضایی مملو از بدبینی و نگرانی بر منطقه حاکم می‌شود. کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس از نقطه نظر نظامی فاقد توانایی لازم برای مقابله با تجاوز کشوری در حد عراق هستند. بدیهی است که هیچ‌کدام از این کشورها به تنهایی، نیروی لازم برای یک روز درگیری و مقابله با مهاجم خارجی فرضی را ندارند».[۳]

از نظر بسیاری از تحلیلگران امنیتی منطقه:

«منطقه خلیج فارس، منطقه‌ای است که در آن مشکل امنیت به شدت احساس می‌شود. یکی از دلایل این اشکال، تلاش کشورهای منطقه برای تثبیت امنیت از طریق رویارویی و کشمکش بوده است. همان طور که یک کشور سعی می‌کند امنیت خود را از طریق اقدامات یک جانبه مانند جنگ‌افزارهای پیشرفته افزایش دهد، سایر کشورهای منطقه، به دلیل عدم احساس امنیت به نوبه خود دست به اقداماتی می‌زنند که برای افزایش امنیت آنها برنامه‌ریزی شده است. بدین ترتیب، این چرخه تکرار می‌شود. با این نتیجه، امنیت هیچ کشوری در واقع افزایش نمی‌یابد. این عمل در نهایت باعث می‌شود که کلیه کشورهای منطقه با توانایی‌های روزافزون نظامی‌منطقه، احساس امنیت کمی دارند و یا عدم احساس امنیت می‌کنند و در نتیجه، درگیری‌های نظامی بین آنها دور از ذهن نیست. این خطر از آنجا تشدید می‌شود که منابع اختصاص یافته به هزینه‌های نظامی از توسعه اجتماعی و اقتصادی‌اخذ شده باشد و لذا به کاهش امنیت درسطح دیگر منجرخواهد شد».[۴]

از ابتدای دهه ۱۹۶۰ که کویت به استقلال رسید و از ناحیه همسایه‌اش عراق مورد تهدید واقع شد، تا دهه ۱۹۷۰ که شورشیان ظفار با پشتیبانی دولت یمن جنوبی و حمایت صریح عراق و حمایت ضمنی شوروی علیه حکومت عمان به مبارزه پرداختند، دولت‌های منطقه در پی آن بودند که به هر شکل، خواه به صورت انفرادی و خواه در قالب پیمان‌های امنیت جمعی منطقه‌ای، یا قراردادهای نظامی دوجانبه و چند جانبه با کشورهای منطقه و یا فرامنطقه‌ای

امنیت خود را فراهم سازند. قبل از انقلاب اسلامی ایران هر طرحی که برای امنیت جمعی در سطح حوزه خلیج فارس پیشنهاد می‌شد یا به علت عدم تأمین منافع ملی یا منطقه‌ای یکی از ۳ قدرت بزرگ حوزه خلیج فارس یعنی ایران، عراق و عربستان به اجرا درنمی‌آمد و با مخالفت این قدرت‌ها یا قدرت‌های بزرگ بین‌المللی مواجه می‌شد و یا کشورهای کوچک‌تر منطقه، آن طرح‌ها را برای حاکمیت و استقلال سیاسی و امنیتی خودخطرناک می‌دیدند و تصورشان این بود که طرح‌های ارائه شده به‌جای آنکه ناجی آنها از تهدیدات باشد، طنابی است که حلقوم آنها را می‌فشارد و آنها را زیر سلطه و اقتدار دولت‌های قدرتمند منطقه درخواهد آورد.

گذشته از طرح‌های متنوع و متعدد که در چند دهه اخیر توسط دولت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای برای تأمین و حفظ امنیت منطقه ارائه شده و برخی از ابتدا محکوم به شکست بودند، به‌طور عمده دو دیدگاه در مورد امنیت خلیج فارس وجود دارد:

۱ـ دیدگاه جمهوری اسلامی ایران که معتقد است:

الف ـ هر نوع پیمان امنیت منطقه‌ای بدون حضور جمهوری اسلامی نمی‌تواند امنیت را برای منطقه به همراه داشته باشد.

ب ـ امنیت باید توسط دولت‌های منطقه ایجاد شود و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تأمین امنیت لزومی ندارد و حضور آنها نه تنها تأمین کننده امنیت نیست، بلکه از یک طرف با مداخله در امور داخلی دولت یا دولت‌های دعوت‌کننده برای این دولت‌ها خطرناک است و از طرف دیگر موجب رشد گروه‌های مخالف حضور بیگانگان و گروه‌های رادیکال می‌شود و امنیت را در بعد داخلی کشورهای دعوت کننده و در سطح منطقه به چالش می‌کشاند و همچنین قدرت‌های فرامنطقه‌ای در چارچوب منافع اقتصادی و سیاسی خود عمل می‌کنند و منافع منطقه را در قالب منافع خودشان حل خواهند کرد که چه بسا ناامنی را برای این حوزه استراتژیک به بار آورند

«تحولات اواخر دهه ۱۹۹۰ نشان داد که آمریکا به کشورهای شورا از دریچه مصالح خویش می‌نگرد و چندان علاقه‌ای به حفظ رژیم‌های موروثی منطقه و حتی موجودیت این کشورها ندارد».[۵]

در این راستا جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های امنیتی خود را بر مفاهیم زیر استوار ساخته است: ۱ـ حفظ اقتدار نظام، ۲ـ نفی جهان تک قطبی، ۳ـ تنش‌زدائی در منطقه و جهان، ۴ـ گفت و گو و تفاهم در مسائل منطقه و حل اختلافات و معضلات منطقه، ۵ـ ایجاد جو اعتماد و دوستی در منطقه، ۶ـ تقویت پیوندهای دوجانبه و چندجانبه، ۷ـ حرکت به سمت همکاری و مشارکت جمعی[۶] به عبارت دیگر، نگرش ایران در مسیر دستیابی به امنیت آتی خلیج فارس را به شرح زیر می‌توان ذکر کرد.

۱ـ ایجاد نظام امنیتی منطقه‌ای با مشارکت همه کشورهای خلیج فارس، ۲ـ ایجاد ساختار امنیت اسلامی از طریق ایجاد توافق‌نامه‌های همکاری امنیتی نظامی و سیاسی کشورهای اسلامی منطقه، ۳ـ نهادینه کردن این مسأله که امنیت منطقه باید بر عهده دولت‌های منطقه باشد، ۴ـ توسعه روابط دوجانبه با کشورهای خلیج فارس[۷]

۲ـ دیدگاه کشورهای عربی خلیج‌فارس

حفظ امنیت توسط کشورهای منطقه، حضور بیگانگان را نفی نمی‌کند. آنها اظهار می‌دارند به کشورهای قدرتمند منطقه خصوصاً عراق و ایران اطمینان ندارند و تهدیدات عراق نسبت به کویت در دهه ۶۰ میلادی و سال‌های نخستین استقلال این کشور و سپس تجاوز عراق به خاک کویت و اشغال آن را شاهد می‌آورند و چنین استدلال می‌کنند که اگر در سال ۱۹۶۳ به‌دنبال درخواست کویت، انگلستان به کمک کویت نیامده بود، قطعاً سرنوشت کویت تغییر کرده بود و یا اگر نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ به کمک کویت نمی‌آمدند، اکنون کشوری به نام کویت در پهنه گیتی و عرصه جغرافیایی خلیج فارس وجود نداشت.[۸]

نمونه دیگری که این دسته از کشورها می‌آورند، جنگ ۸ ساله عراق و ایران است که خلیج فارس را به منطقه‌ای ناامن تبدیل کرده بود و اگر فشار بین‌المللی نبود و غرب مداخله نمی‌کرد، امکان داشت تداوم جنگ، اقتصاد آنها را به ورطه نابودی بکشاند و موجب تغییراتی در این کشوزها بشود. کشورهای کوچک‌تر عرب خلیج فارس به عربستان هم اطمینان ندارند و عربستان سعودی را کشوری می‌دانند که می‌کوشد به عنوان برادر بزرگتر بر کشورهای کوچک‌تر آمریت داشته باشد و این موضوع در قطر نسبت به ریاض بیشتر مشهود است. فراموش نکنیم هنگامی که عربستان، پیشنهاد قرارداد دو جانبه امنیتی را مطرح کرد، کویت نپذیرفت.

با توجه به نکات فوق، وقتی کشورهای عربی در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ گردهم آمدند و پیمان همکاری منطقه‌ای را به امضاء رساندند، این پیمان در ابتدا یک پیمان امنیتی نبود. ولی در سال ۱۹۹۲ کشورهای شورای همکاری با توجه به تحولات و رخدادها به این جمع‌بندی رسیدند که مسائل امنیتی را نیز مدنظر قرار دهند و به توافق‌نامه‌ای برای همکاری در امور امنیتی دست یافتند که به دلیل اختلاف نگرش در مورد بندهای آن تاکنون به اجرا گذاشته نشده است.[۹]

«مقام‌های شورا در نیمه دهه ۱۹۸۰ دیگر از بیان علنی اهداف دفاعی و امنیتی شورای همکاری و تأکید بر اولویت همکاری دفاعی و امنیتی میان اعضاء ترسی به خود راه نمی‌دادند».[۱۰]

شورای همکاری خلیج فارس با اوصافی که ذکر شد، از ابتدا تا حدودی بر حفظ امنیت بر پایه دولت‌های منطقه خلیج فارس (منهای عراق و ایران) اصرار داشت، ولی حوادث بعدی دیدگاه آنها را تغییر داد و استراتژی جدید را بر آنها تحمیل کرد.

«از تأکید بر ضرورت دوری از قدرت‌های خارجی از منطقه (اجلاس ۱۹۸۱ ابوظبی) تا مشروع شمردن حضور این قدرت‌ها در اجلاس سران

(۱۹۸۶ منامه) نقطه عطف و چرخش در تشریح دیدگاه‌های امنیتی شورای همکاری را نشان می‌داد».[۱۱]

در اینجا لازم است مطالبی را که در پایگاه اینترنتی GCC تحت عنوان امنیت از دیدگاه شورای همکاری آمده است، به اطلاع خوانندگان برسانیم:

«هدف همکاری امنیتی، تقویت هماهنگی میان دولت‌های عضو برای دستیابی به یک وضعیت پایدار در بین نهادهای امنیتی این دولت‌هاست. در سال ۱۹۸۷ دولت‌های عضو GCC یک استراتژی امنیتی جامع را به عنوان یک چارچوب عمومی برای همکاری و هماهنگی امنیتی بین خودشان به تصویب رساندند و در سال‌های بعد یعنی سال ۱۹۹۴ یک قرارداد امنیتی بین دولت‌های عضو GCC به امضا رسید.

همکاری در زمینه امنیتی، یک همکاری چند بعدی شامل زمینه‌های: عبور و مرور و داد و ستد، تنبیه و تأدیب بنگاه‌ها و مؤسسات، مهاجرت و پاسپورت، امنیت فرودگاهی، داد و ستد مواد مخدر، قاچاق اسلحه و مواد انفجاری، گاردهای مرزی، گاردهای دریایی و دفاع شهری است. کمیته‌های اختصاصی جهت تقویت همکاری در این زمینه‌ها تشکیل شد. مهم‌ترین دستاورد در این زمینه، لغو ویزاهای ورود و شرایط اجازه اقامت برای شهروندان عضو GCC برای مسافرت از یک کشور عضو به دیگر کشور عضو است.

در مورد نزدیکی و وحدت رویه، دولت‌های عضو یک سلسله قوانین و مقررات در ارتباط با رفت و آمد و داد و ستد، دفاع شهری، حمل مواد مخدر، تسلیحات و مواد انفجاری، تنبیه و تأدیب مؤسسات، قبول تابعیت و گاردهای مرزی و ساحلی به تصویب رساندند».[۱۲]

اقدامات دفاعی و امنیتی که شورای همکاری خلیج فارس انجام داده شامل موارد زیر است:

الف ـ پذیرش طرح توسعه نظام دفاع جمعی در اجلاس سران در

مسقط در دسامبر ۱۹۹۵

ب ـ پذیرش پروژه‌ای درباره نظام ارتباطات ایمن و شبکه مشترک اطلاع‌رسانی فوری در مورد خطر اجلاس سران در کویت در ۱۹۹۷

ج ـ استقرار نظام ارتباطات برای برقراری ارتباط میان مقرهای فرماندهی ارتش‌های این کشورها در نوامبر ۱۹۹۹ میلادی در ریاض

د ـ امضای یک موافقت‌نامه دفاعی مشترک در اجلاس سران در مسقط در دسامبر ۲۰۰۰

هـ ـ برپایی یک شورای دفاعی مشترک در اجلاس ۲۰۰۱ مسقط

و ـ تشکیل یک کمیته عالی نظامی در اجلاس سران در ریاض در دسامبر ۲۰۰۳[۱۳]

با همه این اوصاف «کارشناسان سیاسی از نظر راهبردی نقش شورای همکاری خلیج فارس را در تقویت امنیت و ثبات منطقه نادیده می‌گیرند. ناتوانی دولت‌های شورا از به کارگیری عناصر لازم جهت برقراری امنیت منطقه به معنای فقدان واقعی نظام منطقه‌ای در سطح شورا است».[۱۴]

به همین لحاظ، شورای همکاری درزمان اشغال کویت نشان داد که هیچ قدرتی برای اخراج اشغالگران و برقراری امنیت ندارد.

«شورای همکاری هنگام تجاوز عراق به کویت، نمایشی از ترس، ضعف و بی‌عملی در برابر محافل منطقه‌ای و بین‌المللی به جا گذاشت، اعضای شورا در طول این بحران، حتی برای یاری رساندن به کویت نتوانستند گردهم آیند و تنها در چارچوب اجلاس سران عرب به قاهره رفتند».[۱۵]

تاکنون دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس طرح‌های گوناگون برای ایجاد امنیت در این حوزه ارائه کرده‌اند که عمده‌ترین آنها: تشکیل یک نیروی امنیتی تابع شورای همکاری خلیج فارس، موافقت شورای همکاری با اضافه شدن سوریه (که با استقبال عربستان روبه‌رو شد اما سپس منتفی شد) و انضمام ایران و عراق (با پیشنهاد عمان)، تأمین امنیت منطقه

توسط آمریکا بعد از اشغال کویت، تشکیل نیرویی توسط شورای امنیت برای تأمین منطقه (که مورد استقبال قرار نگرفت) و سیاست دفاعی کلینتون در خلیج فارس (حضور نظامی آمریکا در کویت، این طرح را مارتین ایندایک مدیر آیپک با هدف تحقق سیاست مهار دوگانه ایران و عراق پیشنهاد کرد)[۱۶]

کشورهای خلیج فارس بعد از اشغال کویت و پی بردن به عدم کارایی شورای همکاری برای استقرار امنیت در این حوزه به سراغ دو کشور خارج از حوزه خلیج فارس یعنی مصر و سوریه رفتند و ۲+۶ را تشکیل دادند. به نظر می‌رسد علت آن باجی بود که شورای همکاری می‌خواست به قاهره و دمشق به خاطر مشارکت فعال آنها در ائتلاف علیه عراق و اخراج این کشور از کویت به این دو کشور بدهد. زیرا پرواضح بود که مصر و سوریه منافع مستقیم در خلیج فارس ندارند.

در مارس[۱۷] ۱۹۹۱ اعلامیه دمشق[۱۸] (۲+۶) بین دولت‌های عضو شورا از یک طرف و مصر و سوریه از طرف دیگر امضا شد. براساس این اعلامیه، دولت‌های عضو شورا می‌بایست در قبال پشتیبانی نظامی مصر و سوریه از آنها، مبلغ ۱۰ میلیارد دلار به این کشورها بپردازند. اما این اعلامیه نیز بنا به دلایل ذیل از ابتدا ناکام ماند:

۱ـ اعتراض آمریکا (به‌اعتبار اینکه مسئولیت امنیت خلیج فارس به‌عهده آمریکاست)

۲ـ اعتراض ایران (به اعتبار اینکه مسئولیت امنیت خلیج فارس به‌عهده دولت‌های مشرف بدان است)

۳ـ اعتراض اسرائیل (به دلیل اینکه به عقیده اسرائیلی‌ها، امنیت خلیج فارس در ارتباط تنگاتنگ با امنیت خاورمیانه است و اسرائیل این معاهده را تهدیدی جدی برای امنیت خود می‌دانست)

ولی در نگاه صاحب‌نظران علل عدم موقعیت ۲+۶ در دلایل زیر خلاصه می‌گردد. «ناموفق بودن تلاش‌های قاهره مبنی بر تحت تأثیر قرار دادن

کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان در پیروی از سیاست‌های مصر و ناخرسندی تعدادی از کشورهای عرب خلیج فارس از مصر به دلیل عدم قبول میزبانی کنفرانس مخالفان رژیم بعثی عراق از سوی این کشور (مصر این اقدام را دخالت در امور داخلی عراق محسوب کرده است) و نیز از سرگیری مجدد روابط قاهره با کشورهایی که عراق را در طول بحران تأیید می‌کردند (یمن و تونس) از دیگر دلایل ناکامی اعلامیه دمشق بود».[۱۹]

و در استدلالی دیگر:

«سعودی‌ها در معاهدات انجام شده بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای مصر و سوریه نقش مهمی قائل نبودند و این طور استدلال می‌کردند که این مسأله باید به صورت دوجانبه مذاکره شود در یک کلام، عربستان سعودی در درجه اول بر اهمیت معاهدات کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تأکید دارد.[۲۰]

در نهایت اعلامیه دمشق شکست خورد[۲۱] و آمریکا با امضای قرارداد جداگانه با تک تک دولت‌های عضو شورای همکاری (۱+۶)، زمام امور را به‌دست گرفت و بار دیگر ناکامی دولت‌های عضو شورا برای تأمین امنیت، آشکارتر گردید.[۲۲]

به همین خاطر کویت با ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه قراردادهای نظامی و همکاری‌های دفاعی به امضا رساند. قطر در اوت ۱۹۹۴ با فرانسه و امارات متحده عربی با فرانسه در ژانویه ۱۹۹۵ قراردادهای امنیتی و نظامی امضا کردند.

بحرین در نیمه سال ۱۹۹۵ دومین موافقت‌نامه را با ایالات متحده امضا کرد که به واسطه آن، بحرین به مقر فرماندهی ناوگان پنجم ایالات متحده تبدیل شد. در نتیجه این موافقت‌نامه، ۱۵ کشتی رسماً در بندر سلمان و حدود ۱۵۰۰ پرسنل نظامی و اداری آمریکا در این کشور مستقر شدند.

به این ترتیب با توجه به حوادث رخ داده در سطح منطقه خاورمیانه

نظیر: شکست ۲+۶ و در سطح بین‌المللی نظیر: فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، از میان ۳ دیدگاه نظام امنیتی:

۱ـ دیدگاه هژمونیک یا نظام امنیتی تک قطبی

۲ـ دیدگاه واقع‌گرایانه با نظام توازن قوا

۳ـ دیدگاه امنیت ناشی از همکاری یا دفاع دسته‌جمعی

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به اکراه و یا به اختیار و تحت تأثیر رویدادهای منطقه‌ای و جهانی به دیدگاه اول، رویکردی مثبت نشان دادند. در این نظام امنیتی کشور قدرتمندی نظیر ایالات متحده مسئولیت امنیت تعدادی از کشورهای ضعیف‌تر را در مقابل کشورهای قویتر در یک منطقه بر عهده می‌گیرد، در مقابل کشورهای ضعیف‌تر هر نوع حمایت سیاسی و مالی و نظامی را در اختیار این کشور قدرتمند قرار می‌دهند تا کشور مذکور بتواند در صورت بروز هرگونه تهدیدی برای کشورهای ضعیف به عنوان تضمین‌کننده امنیت عمل نماید.

تهران بر دیدگاه سوم که ناشی از همکاری یا دفاع دسته‌جمعی می‌باشد اصرار می‌ورزد، در این دیدگاه مفهوم امنیت به میزان زیاد به عنوان یک نفع دسته‌جمعی تعریف شده که قابل تقسیم نمی‌باشد. مطابق این دیدگاه به طور رسمی دولت‌ها به دسته‌هایی همچون دوستان، متحدان و دشمنان تفکیک نمی‌شوند، بلکه همه بازیگران در دستیابی به امنیت متقابل شریک هستند. براساس این دیدگاه، امنیت با همکاری دولت‌های دیگر حاصل می‌شود به‌جای آنکه با اقدامات بر ضد آنها به دست آید.

«ایران معتقد است حفظ امنیت در خلیج فارس، نیاز به همکاری در چارچوب یک اقتصاد به هم پیوسته در راستای جامعه اقتصادی اروپا دارد... همچنین این کشور، امنیت خلیج فارس را با امنیت در آسیای میانه مرتبط ساخته و خود را پلی بین این دو فضای امنیتی می‌داند».[۲۳]

شورای همکاری از زمانی که وارد حوزه امنیتی شده است، برای تحقق

این دیدگاه به همکاری در چارچوب یک اقتصاد به هم پیوسته گام برداشته است؛ ولی از آنجا که دو کشور ایران و عراق در آن عضویت نداشتند، نتوانست با موفقیت همراه باشد. این شورا به جای آن‌که به کندوکاوی عمیق و ژرف‌نگر در مورد عدم موفقیت خود بپردازد و در مسیر واقعیات حرکت کند و اسباب عضویت تهران و بغداد را فراهم سازد، به راهی رفت که منجر به حمله عراق به کویت شد و بعد دیدگاه اول به عنوان راهکار استراتژیک جهت تأمین امنیت مطرح گردید. غافل از آن‌که دیدگاه اول یعنی دیدگاه هژمونیک، یا نظام امنیتی تک قطبی نمی‌تواند مشکل امنیتی این کشورها را در بلندمدت حل کند.

«به هر صورت، وقایع رخ داده در منطقه خلیج فارس در دهه‌های اخیر نشانگر این واقعیت است که نظام امنیتی تک قطبی و دیدگاه هژمونیک آمریکا هر چند در کوتاه‌مدت توانسته باشد ثبات و امنیت نسبی را در این منطقه برقرار کند، به کارگیری این دیدگاه نه تنها در بلندمدت به ثبات و آرامش منطقه خلیج فارس نمی‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز بروز تنش‌ها و اختلافات میان کشورهای منطقه می‌شود و از گسترش همکاری میان کشورهای منطقه جلوگیری خواهد کرد، در همین راستا کشورهایی مانند: چین، ژاپن و اتحادیه اروپا مایلند آمریکا یک رهبری به خوبی تعریف شده، متعادل و منصفانه را به جای سلطه و برتری یکجانبه، در خلیج فارس ایفاء کند. این کشورها در داخل این چارچوب امنیتی، احساس امنیت بیشتری می‌کنند تا در زمینه‌های تجاری و پروژه‌های انرژی جدید سرمایه‌گذاری نمایند».[۲۴]

مشکل اصلی در برقراری امنیت و ثبات پایدار در خلیج فارس، به بدگمانی و سوءنظر ۶ کشور عربی به ایران و عراق خلاصه و محدود نمی‌شود؛ بلکه ۶ کشور عربی عضو شورای همکاری نیز هر کدام با دیگری بر سر مسائل ارضی و استراتژیک همواره اختلاف دارند و این موضوع در جای خود موجب بروز تنش میان آنها می‌شود که به امنیت پایدار منطقه آسیب می‌رساند.[۲۵]

چکیده‌وار به پاره‌ای اختلافات اشاره می‌کنیم:

«پیش از جنگ خلیج فارس، کشورهای کویت، عمان و امارات متحده سعی می‌کردند در قبال عربستان سیاست خارجی مستقلی اتخاذ کنند.

کویت پیش از این اصرار می‌کرد که شورای همکاری در درجه اول به مسائل اقتصادی و اجتماعی بپردازد. درخواست مذکور به این دلیل مطرح شد که مبادا عربستان با نفوذی که در شورا دارد، استقلال سیاسی کویت را خدشه‌دار سازد. کویت در مناسبات خود با شوروی، سیاستی را دنبال می‌کرد که با نظر عربستان سعودی تطابق نداشت، عربستان برای بازداشتن کشورهای پیرامون خود، از برقراری رابطه با شوروی کوشیده است با داشتن رابطه خوب با این کشور از هیچ‌گونه تلاشی حتی دادن رشوه خودداری نکرده است. در مورد مسأله قیمت‌گذاری نفت از جانب اوپک و حمایت از جمهوری دمکراتیک خلق یمن نیز کویت با عربستان اختلاف نظر داشته است.

عمان نیز همواره کوشیده است شورای همکاری، به سازمانی برای اعمال سرکردگی کشوری مثل عربستان تبدیل نشود. دولت عمان بر این باور است که ترتیبات امنیت جمعی نباید زمینه و بهانه‌ای برای نقض حاکمیت کشورهای عضو باشد... عمان جداگانه، با انگلستان وارد عقد اتحاد شده است.این کشور همچنین در سپردن پایگاه به آمریکا در جزیره سیده، تردیدی از خود نشان نداده است. ظاهراً این عمل مورد انتقاد کشورهای هم‌پیمان قرار گرفته است.

دولت عمان در سال ۱۹۸۶ در پی واقعه خونین مکه که در آن، کشورهای عرب خلیج فارس، ایران را به دلیل حوادث حریم امن خانه خدا محکوم کردند، از محکوم کردن ایران سر باز زد و اعلام کرد باید راه گفت و گو با ایران باز بماند. اما در جریان جنگ خلیج فارس، تنها کشور عضو شورای همکاری که رابطه خود را با بغداد حفظ کرد عمان بود».[۲۶]

شدت رقابت و اختلاف بین کشورهای عضو شورای همکاری به حدی

است که به گفته تحلیلگران سیاسی غرب، این شورا دچار دو جناح‌بندی داخلی شده که کشورهای عربستان، کویت و بحرین را در یک جناح و کشورهای قطر، عمان و امارات را در جناح مقابل قرار داده است.[۲۷]

«هنگامی که چند کشور نسبت به موجودیت و ماهیت حکومت‌هایِ یکدیگر مطمئن نباشند، همکاری پایدار و معنی‌دار و استراتژیک میان آنها عملی نیست».[۲۸]

از دید برخی صاحب‌نظران، مدل مناسب و موفق برای تأمین امنیت پایدار و تضمین صلح در منطقه خلیج فارس، مُدل آسه‌آن[۲۹] (سازمان کشورهای آسیای جنوب شرقی) است که در ۸ اوت ۱۹۶۷ میلادی توسط ۵ کشورمنطقه آسیای جنوب شرقی تشکیل شد.این ۵ کشور شامل اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند بود که در تاریخ مزبور، در شهر بانکوک پایتخت تایلند، وزرای خارجه‌شان گردهم آمدند و با صدور اعلامیه‌ای که معروف به اعلامیه بانکوک شد، اعلام موجودیت کردند.

در بند ۴ اعلامیه بانکوک اعلام شد:

«آسه‌آن برای مشارکت همه دولت‌های واقع در منطقه آسیای جنوبی شرقی که اهداف و اصول ذکر شده در این اعلامیه را بپذیرند، باز خواهد بود.»

دیگر کشورهای منطقه در سال‌های بعد به این سازمان همکاری منطقه‌ای پیوستند نظیر: برونئی در ۸ ژانویه ۱۹۸۴، ویتنام در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵، لائوس و برمه در ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۷، کامبوج در ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ و به این ترتیب، همه کشورهای آسیای جنوب شرقی به آن پیوستند و بعد از ۳۲ سال (۱۹۹۹_۱۹۶۷) به یک سازمان همکاری منطقه‌ای کامل تبدیل شد.[۳۰]

آسه‌آن در زمانی شکل گرفت که اختلاف سرزمینی میان اندونزی، فیلیپین ومالزی وجود داشت و تایلند برای سازش دادن آنها تلاش کرد.[۳۱]

بسیاری از اختلافات، امروز نیز در میان کشورهای عضو آسه‌آن وجود دارد؛ ولی کشورهای عضو به طور جدی متعهد به حل و فصل اختلافات از

طریق راه‌های مسالمت‌آمیز با اتکاء به روح همکاری متقابل هستند.[۳۲]

در طول دهه گذشته، آسه‌آن اسناد حقوق الزام آوری را مورد پذیرش قرار داده است که از جمله آنها می‌توان به معاهده دوستی و همکاری در منطقه آسیای جنوب شرقی و معاهده ۱۹۹۵ راجع به منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای اشاره کرد. با استفاده از مذاکرات سیاسی و اعتمادسازی، هیچ تنش و بحرانی در منطقه آسیای جنوب شرقی از آغاز شکل‌گیری آسه‌آن در حدود ۴ دهه گذشته در میان کشورهای عضو آسه‌آن منجر به درگیری نظامی نشده است. آسه‌آن پس از حدود ۴ دهه به یکی از موفق‌ترین سازمان‌های دولتی منطقه‌ای تبدیل شده است. راز موفقیت آسه‌آن در این است که دولت‌های عضو، منافع خود را در دستیابی به منافع منطقه آسیای جنوب شرقی دیده‌اند و هدف آسه‌آن را سازندگی (و نه تخریب) می‌دانند.[۳۳]

موقعیت‌های آسه‌آن فقط به پایان دادن مشکلات منطقه‌ای محدود نمی‌شود. در زمینه‌های سیاسی و امنیتی، آسه‌آن خود را از یک سازمان منطقه‌ای کوچک به یک نهاد عمده برای صلح و عدالت و تعدیل (اصلاح‌گرایی) در منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در سطح جهانی تبدیل کرده است. با گذشت زمان، آسه‌آن با دولت‌های خارج از آسیای جنوب شرقی، به‌ویژه دولت‌های همجوار در منطقه اقیانوس آرام همکاری اقتصادی داشته و مسائل مربوط به امنیت را در این چارچوب مطرح ساخته است. یکی از نتایج این همکاری تشکیل مجمع منطقه‌ای آسه‌آن (ASEAN Regional forum) بوده است.[۳۴]

برخی از اسناد مهم که از آغاز شکل‌گیری آسه‌آن در چارچوب این سازمان منطقه‌ای پذیرفته شده‌اند به نقل از مقاله ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار منطقه خلیج فارس عبارتند از: ۱ـ اعلامیه آسه‌آن (بانکوک، ۸اوت ۱۹۶۷)، ۲ـ اعلامیه راجع به منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی

(کوالالامپور، ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱)، ۳ـ معاهده دوستی و همکاری در منطقه آسیای جنوب شرقی (بالی، ۲۴ فوریه ۱۹۷۶)، ۴ـ معاهده مربوط به منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای (معاهده بانکوک، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵میلادی)، نظر به اهمیت این اسناد و تأثیر آنها در برقراری صلح، امنیت، ثبات و همکاری در منطقه آسیای جنوب شرقی، این اسناد در ذیل چکیده‌وار مورد بررسی قرار می‌گیرند:[۳۵]

۱ـ اعلامیه بانکوک (۸ اوت ۱۹۶۷ میلادی):[۳۶] این اعلامیه اولین سندی است که در چارچوب آسه‌آن پذیرفته شد و در واقع، اساس شکل‌گیری آسه‌آن را تشکیل می‌دهد. در مقدمه این اعلامیه از جمله بر (الف) وجود منافع مشترک میان کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی، (ب) اراده این کشورها در برقراری یک بنیان محکم برای اقدام مشترک در جهت ترویج همکاری منطقه‌ای براساس برابری و مشارکت به منظور دستیابی به صلح، پیشرفت و رفاه در منطقه، (ج) تصمیم این کشورها در تأمین ثبات و امنیت منطقه در مقابل هر دخالت خارجی از هر نوع، (د) و دستیابی به صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی از طریق ترویج درک مناسب، برقراری روابط همسایگی شایسته و همکاری مؤثر در میان کشورهای منطقه تأکید شده است. قسمت دوم اعلامیه، اهداف آسه‌آن را تشریح می‌کند که اهداف مهمی را به شرح زیر در بر می‌گیرد: (الف) سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی درمنطقه، (ب) ترویج صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق احترام نهادن به عدالت و قانون در روابط میان کشورهای منطقه و پیروی از اصول منشور سازمان ملل متحد، (ج) ترویج همکاری فعال و یاری متقابل در زمینه‌های نفع مشترک در چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، علمی، و اداری، (د) یاری دادن به یکدیگر در امور آموزشی و پژوهشی و همکاری مؤثر در امور کشاورزی، صنعتی، و تجاری و سرانجام (هـ) تلاش برای بالا بردن سطح زندگی مردم منطقه.[۳۷]

۲ـ اعلامیه منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی (۱۹۷۱)[۳۸]: اعلامیه منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی آسه‌آن از سوی وزرای خارجه اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و فرستاده ویژه شورای اجرایی ملی تایلند در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱ میلادی در کوالالامپور (مالزی) پذیرفته شد. در مقدمه اعلامیه از جمله بر تمایل ایجاد محیطی آرام برای حل تنش‌های بین‌المللی و دستیابی به صلح پایدار میان ملت‌های آسیای جنوب شرقی تأکید شده و اصول عدم استفاده از تهدید و زور، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، حقوق برابر، حق تعیین سرنوشت و عدم دخالت در امور دولت‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در مقدمه اشاره می‌شود که زمان آن فرارسیده است تا به خواست مردم منطقه آسیای جنوب شرقی، برای ایجاد شرایط لازم جهت دستیابی به استقلال و رفاه اقتصادی و اجتماعی آنها از طریق برقراری صلح و ثبات در منطقه تمکین شود. بند ۱ این اعلامیه مقرر می‌دارد که دولت‌های مزبور اقدامات ضروری را اتخاذ خواهند کرد تا شناسایی و احترام را در منطقه آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی و آزاد به دور از هر نوع دخالت قدرت‌های خارجی به دست آورند. بند ۲ این اعلامیه نیز بر گسترش همکاری‌های میان کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی و تأثیر آن بر تقویت، استحکام و نزدیکی روابط میان این کشورها تأکید می‌کند.

۳ـ معاهده دوستی و همکاری در منطقه آسیای جنوب شرقی:[۳۹] این معاهده در ۲۴ فوریه ۱۹۷۶ میلادی از سوی پنج کشور منطقه آسیای جنوب شرقی یعنی اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند در بالی اندونزی پذیرفته شد. این معاهده اهداف مندرج در اعلامیه ۱۹۶۷ بانکوک را مورد تأیید قرار می‌دهد و در برگیرنده اصول بنیادین آسه‌آن است که بر چارچوب همکاری میان دولت‌های عضو حاکم است. ماده ۱ این معاهده با صراحت اعلام می‌کند که «هدف از این معاهده ترویج صلح دائم، دوستی پایدار، همکاری میان مردم (منطقه آسیای جنوب شرقی) است که موجب تقویت،

استحکام و نزدیکی روابط میان آنها می‌شود». ماده ۲ معاهده نیز مقرر می‌دارد که دولت‌های طرف معاهده باید اصول بنیادین ذیل را در روابط با یکدیگر به‌کار برند: (الف) احترام متقابل به استقلال، حاکمیت، برابری، تمامیت سرزمینی و هویت ملی همه ملت‌ها[۴۰]، (ب) حق هر دولتی برای اداره و هدایت امور ملی خود بدون هرگونه دخالت، اختلال و یا اجبار خارجی، (ج)عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، (د) حل و فصل تفاوت‌ها یا اختلافات از راه‌های صلح‌آمیز،[۴۱] (هـ) نهی تهدید و یا استفاده از زور، (و) و همکاری مؤثر میان دولت‌های عضو همچنین معاهده دوستی و همکاری ۱۹۷۶ بیان می‌دارد که مذاکرات و همکاری‌های سیاسی و امنیتی آسه‌آن باید با هدف ترویج صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق افزایش انعطاف منطقه‌ای انجام گیرند. این انعطاف منطقه‌ای، از طریق همکاری در همه زمینه‌ها و بر اساس اعتماد و احترام متقابل و همکاری و استحکام روابط حاصل خواهد شد. (ماده ۱۲ معاهده) در ضمن این معاهده بر رشد اقتصادی منطقه، دستیابی به عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی مردم، همکاری برای بهبود و تقویت صلح در منطقه تأکید می‌ورزد.

۴ـ معاهده راجع به منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای.[۴۲] در حال حاضر فقط چهار منطقه در گستره جهانی وجود دارند که طی معاهداتی، شالوده نظام حقوقی آنها بر شکل‌گیری مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای را تأکید می‌کند.[۴۳] این چهار منطقه آمریکای لاتین و کارائیب، اقیانوس آرام جنوبی، آسیای جنوب شرقی و قاره آفریقا را در بر می‌گیرند.[۴۴] معاهده راجع به منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای (معاهده بانکوک) یکی از این معاهدات است. معاهده بانکوک ریشه در اعلامیه ۱۹۷۱ کوالالامپور دارد که در برگیرنده خواست دولت‌های آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) برای برقراری و حفظ منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی در آسیای جنوب شرقی است. معاهده بانکوک در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵ در شهر

بانکوک پایتخت تایلند منعقد شد و در ۲۷ مارس ۱۹۹۷ به اجرا درآمد. هدف اصلی این معاهده، برقراری منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای است. براساس ماده ۲ این معاهده (تعهدات اساسی) دولت‌های منطقه به ویژه متعهد می‌شوند که از توسعه، ساخت و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، و نیز استقرار، حمل و نقل، آزمایش و به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای خودداری ورزند و سیاستی را برای دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح‌های هسته‌ای از منابع خارجی اتخاذ نکنند. همچنین بر طبق ماده ۵ این معاهده، دولت‌های عضو باید نظارت‌های ایمنی مؤسسه بین‌المللی انرژی اتمی را در خصوص همه تأسیسات هسته‌ای خود مورد پذیرش قرار دهند و در جهت تکمیل نظام کنترلی تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را تابع نظام ایمنی (موافقت‌نامه‌های پادمان)[۴۵] مؤسسه بین‌المللی انرژی هسته‌ای[۴۶] بدانند و در ضمن، بر طبق ماده ۸ این معاهده «کمیسیون منطقه آسیای جنوب شرقی عاری از سلاح‌های هسته‌ای»[۴۷] به عنوان یک نظام نظارتی برای کنترل رعایت تعهدات دولت‌های عضو تشکیل شده است. به علاوه، با وجود منع استفاده‌های نظامی از انرژی هسته‌ای همچون معاهدات منطقه‌ای مشابه دیگر، معاهده بانکوک (ماده ۴) استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را تشویق کرده است.

مدعیان مدل آسه‌آن، این مدل را به عنوان بهترین الگو ارائه کرده‌اند:

«مدل آسه‌آن به خوبی نشان می‌دهد که چگونه کشورهای منطقه توانسته‌اند با تقویت روحیه تفاهم و همکاری، امنیت، صلح و ثبات را در منطقه آسیای جنوب شرقی برقرار سازند و موجب رشد اقتصادی این منطقه و توسعه آن در زمینه‌های گوناگون شوند و با حفظ صلح و امنیت در این منطقه، موجب تقویت صلح و امنیت بین‌المللی گردند».[۴۸]

در اینکه مُدل آسه‌آن مدلی موفق برای منطقه آسیای جنوب شرقی است تردیدی وجود ندارد. ولی اینکه این مدل بتواند به سهولت درمنطقه

ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس اجرا شود، تردید وجود دارد. خلیج فارس از ویژگی‌هایی برخوردار است که سایر مناطق جهان از جمله منطقه آسیای جنوب شرقی از آن برخوردار نیستند. منطقه خاورمیانه Hard land جهان است و در منطقه‌ای با این درجه از اهمیت، حوزه خلیج فارس که دو سوم نفت جهان متعلق به آن است، واقع شده که در مرکز جهان اقتصاد و سیاست و روابط بین‌المللی قرار دارد و توجه قدرت‌های بزرگ به این حوزه مهّم استراتژیک بسیار بالاست و هرگز به سادگی اجازه نمی‌دهند که کشورهای منطقه، امنیت آن را در اختیار خود بگیرند. قدرت‌های فرامنطقه‌ای، امنیت خلیج فارس را امنیت خود می‌دانند و حتی رژیم صهیونیستی نیز امنیت خلیج فارس را امنیت خود می‌داند. همان‌طور که در صفحات پیشین اشاره شد، یکی از معترضان به اعلامیه دمشق (۲+۶) اسرائیل بود. زیرا اسرائیل امنیت خلیج فارس را در ارتباط تنگاتنگ با امنیت خاورمیانه می‌داند. نفوذ و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس قابل مقایسه با منطقه آسیای جنوب شرقی نیست. قدرت‌های بزرگ جهانی و غرب، منافع خود را در سازمان همکاری منطقه‌ای شرق آسیا می‌بینند. ولی همین قدرت‌ها منافع نظام سرمایه‌داری جهانی را در اختلاف میان کشورهای خلیج فارس ارزیابی می‌کنند. اگر چه آسه‌آن موفق عمل می‌کند و برای کشورهای عضو مفید است، ولی اجرای آن در خلیج فارس با انواع توطئه‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای روبرو می‌شود. هیچ یک از کشورهای آسیای جنوب شرقی دارایِ سلاح هسته‌ای و اتمی نیستند و در مظان اتهام دستیابی به آن نیز قرار ندارند ولی در همین خاورمیانه، اسرائیل صاحب زرادخانه‌ای هسته‌ای است و دو کشور همسایه منطقه خلیج فارس یعنی پاکستان و هندوستان نیز سلاح اتمی دارند و مهم‌تر از همه اینکه منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، منطقه‌ای ایدئولوژیک است و اسلام به عنوان دین حاکم در منطقه، یک دین سیاسی است که خواسته یا ناخواسته در تقابل با جهان غرب قرار دارد در حالی که در

جنوب شرقی آسیا، دین سیاسی حاکم بر منطقه مفهومی ندارد.

با همه اینها ۸ کشور حوزه خلیج فارس می‌توانند آسه‌آن را به عنوان یک الگو برگزینند، به شرط این‌که به این باور برسند که سازمان همکاری منطقه از ۸ کشور تشکیل شود که تحقق آن نیز مقدور است، مشروط بر آنکه نکات زیر مورد توجه قرار گیرند: «۱ـ انجام مذاکرات برای دستیابی به منافع مشترک، ۲ـ نشان دادن حسن نیت و اعتمادسازی (از جمله از طریق دادن تضمین‌های امنیتی، عدم خرید تسلیحات، عدم تلاش برای دستیابی به تکنولوژی تسلیحات، وضع تولید و تکثیر هرگونه سلاح کشتار جمعی، ۳ـ برقراری روابط اقتصادی در سطحی گسترده به منظور توسعه اقتصادی منطقه، ۴ـ تقویت و توسعه همکاری میان کشورهای خلیج فارس، ۵ـ کاهش تنش‌های موجود میان کشورهای منطقه (خلیج فارس) و حل و فصل اختلافات سرزمینی موجود در منطقه (خلیج فارس) از طریق شیوه‌های صلح‌آمیز، ۶ـ انعقاد یک معاهده دوستی و همکاری میان کشورهای خلیج‌فارس، ۷ـ پایبندی به اصول اساس منشور سازمان ملل متحد (مانند عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و عدم توسل به تهدید و استفاده از زور، ۸ـ کوشش برای ایجاد یک ساختار سازمانی برای امنیت جمعی و مشترک در خلیج فارس برپایه یک سند مشترک».[۴۹]

پی‌نوشت‌ها

۱. فصلنامه سیاست خارجی، تابستان ۱۳۸۰، جهانی شدن و ضرورت تغییرات بنیادی، ص ۴۶۷

۲. همان مأخذ

۳. طرحی نوین برای همکاری در خلیج فارس، جلیل روشندل، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، ص ۳۶

۴. فصلنامه سیاست خارجی، تابستان ۱۳۸۰، جهانی شدن و ضرورت تغییرات بنیادی، طاهره ابراهیمی‌فر

۵. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، محمدعلی امامی، ص ۲۲۴

۶. سخنرانی حجت الاسلام دکتر حسن روحانی در دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، سال ۱۳۷۸

۷. آینده امنیت و همکاری در خلیج فارس، غانم محمد صالح، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه بغداد، پانزدهمین اجلاس بین‌المللی خلیج فارس، ۱۳۸۳

۸. بر این اساس ایالات متحده و کویت در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ قرارداد ده‌ساله همکاری و دفاعی امضاء کردند و متعاقب گفت و گوهای دوجانبه ۱۱ فوریه ۱۹۹۲ بریتانیا با کویت یادداشتی در زمینه همکاری‌های امنیتی بین دو کشور مبادله شد. همچنین در اوت ۱۹۹۲ قرارداد نظامی کویت با فرانسه به امضاء رسید.
(تأثیر خریدهای تسلیحاتی بر امنیت خلیج فارس، سرهنگ اسماعیل بشری رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های ستاد مشترک ارتش، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس)

۹. ناکامی شورا برای اجرای توافق‌نامه امنیتی از عدم امضای آن توسط کویت و قطر ناشی می‌شود. کویت بند مربوط به مبادله مجرمان را در این توافق‌نامه مخالف قانون اساسی خود دانسته که ایجاد مانع برای بازگشت هر کویتی یا اخراج وی از کشور را ممنوع می‌کند.

ماده ۲۸ توافق‌نامه که تحویل مجرمان را توصیه می‌کند، با قانون اساسی کویت که تسلیم هموطنان و یا جلوگیری از ورود آنان به کشور را منع می‌کند، مخالفت دارد.
کویت همچنین ماده دیگر این توافق‌نامه را که به نیروهای امنیتی کشورهای امضاکننده اجازه می‌دهد برای پی‌گرد مجرمان وارد خاک همسایه شوند، مخالف حق حاکمیت کشورها دانسته و با آن مخالف است.

۱۰. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، محمدعلی امامی، ص ۲۲۴
۱۱. همان مأخذ، ص ۲۲۲
۱۲. پایگاه اینترنتی GCC، بخش Areus of Cooperation، قسمت Security Cooperation
۱۳. ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار در منطقه خلیج فارس، دکتر فرهاد طلایی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شانزدهمین اجلاس بین‌المللی خلیج فارس، ۱۳۸۵
۱۴. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، محمدعلی امامی، ص ۲۳۰
۱۵. همان مأخذ، ص ۲۲۶
۱۶. مقاله آینده امنیت خلیج فارس، مجموع مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، اسفند ۱۳۸۳
۱۷. شعبان ۱۴۱۱
۱۸. این اعلامیه از یک مقدمه و ۴ بخش شامل: ۱ـ مبانی همکاری، ۲ـ اهداف همکاری (الف: زمینه سیاسی و امنیتی ب: زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی)، ۳ـ چارچوب همکاری، ۴ـ احکام عامه تشکیل شده است.
۱۹. عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، محمدعلی امامی، ص ۲۱۳
۲۰. امنیت خلیج فارس در دوران پس از جنگ سرد در جست‌وجوی نظمی نوین، محمد سیدالسلیم استاد دانشگاه قاهره‌مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، آذر ۱۳۷۳، ص ۵۶
۲۱. مدیرکل خلیج فارس وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۷۰/۱۰/۱۰ در دیدار با رؤسای نمایندگی سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری در تهران، بر لزوم تشکیل اجلاسی هفت جانبه (۱+۶) ایران و شورا در اولین فرصت تأکید کرد.
در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۸ موافقت‌نامه همکاری امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در ۱۲ ماده در تهران بین وزرای کشور ایران و عربستان به امضا رسید.

همچنین در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۱ یادداشت تفاهم میان تهران و دولت کویت در زمینه مبارزه با جرائم در ۷ ماده به امضای وزیران کشور ایران و کویت رسید.
یادداشت تفاهم همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور دولت قطر امضاء شد.
(فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، بررسی روابط دفاعی، امنیتی ایران و شورای همکاری خلیج فارس، خلیل‌الله سردارآبادی)
۲۲. سناریوهای راهبردی برای امنیت خلیج فارس، فهد بن عبدالرحمن آل ثانی، استاد ژئوپلیتیک دانشگاه قطر، پانزدهمین اجلاس بین‌المللی خلیج فارس، ص ۱۱
۲۳. امنیت خلیج فارس در دوران پس از جنگ سرد در جست و جوی نظمی نوین، محمدسیدالسلیم استاد دانشگاه قاهره، مجموعه مقالات، پنجمین سمینار خلیج فارس، ۱۳۷۳
امن الخلیج... تظوره والشکالیاته من منظور العلاقات الاقلیمیه والدولیه، دکتر ظاهر محمد العجمی، ص ۵۷
۲۴. ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار در منطقه خلیج فارس، دکتر فرهاد طلایی، شانزدهمین اجلاس بین‌المللی خلیج فارس
۲۵. هشت کشور حوزه خلیج فارس با هم اختلاف ارضی و مرزی دارند که مجموع این اختلافات، به بیش از ۵۰ مورد می‌رسد.
۲۶. تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، دکتر جلیل روشندل و دکتر سید حسین سیف‌زاده، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ص ۱۳۲
۲۷. سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، شورای همکاری خلیج فارس بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، رضا پاکدامن، بهمن ۱۳۷۵، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
۲۸. همان مأخذ

29. The Association of southeast Asian Nations (ASEAN)

۳۰. منطقه تحت پوشش آسه‌آن حدود ۵۰۰ میلیون جمعیت دارد و مساحتی حدود ۴/۵ میلیون کیلومتر مربع است که بزرگ‌ترین کشور آن، اندونزی با مساحت ۱۹۰۴۵۹۹ کیلومتر مربع و کوچک‌ترین کشور آن، سنگاپور با ۶۹۹ کیلومتر مربع است، اندونزی با جمعیتی بالغ بر ۲۲۲۷۸۱۰۰۰ (سال ۲۰۰۵) و بروئنی با جمعیت ۳۷۴۰۰۰ (سال ۲۰۰۵)
۳۱. ضرورت برقراری یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار در منطقه خلیج فارس، دکتر فرهاد

طلایی، شانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، شهریور ۱۳۸۵

۳۲. همان مأخذ

۳۳. همان مأخذ

۳۴. همان مأخذ

۳۵. همان مأخذ

۳۶. این اعلامیه از یک مقدمه و ۵ قسمت تشکیل شده است.

۳۷. همچنین این اعلامیه آسه‌آن را نمادی از اراده جمعی ملت‌های آسیای جنوب شرقی برای پیوند خوردن به یکدیگر با هدف دوستی و همکاری از طریق کوشش‌ها و فداکاری‌های مشترک و تأمین صلح، آزادی و رفاه برای مردم و نسل‌های آینده منطقه می‌داند. (قسمت پنجم اعلامیه) لازم به ذکر است که قسمت سوم اعلامیه به ارکان آسه‌آن اختصاص دارد.

۳۸. این اعلامیه از یک مقدمه و ۲ بند تشکیل شده است.

۳۹. این معاهده دارای یک مقدمه و ۲۰ ماده است.

۴۰. همچنین ماده ۱۰ معاهده تأکید می‌کند که «دولت‌های عضو به هر شکل در فعالیت‌هایی مشارکت نخواهند کرد که ثبات سیاسی و اقتصادی حاکمیت و یا تمامیت ارضی سایر دول عضو را تهدید کند».

۴۱. ماده ۱۴ معاهده نیز چنین مقرر می‌دارد که «برای حل و فصل اختلافات از طریق فرآیندهای منطقه‌ای، دولت‌های عضو، یک شورای عالی را به عنوان یک نهاد دائمی تشکیل خواهند داد که دربرگیرنده یک نماینده در سطح وزیران هر دولت عضو باشد تا وجود اختلافات یا موقعیت‌هایی که به احتمال زیاد صلح و هماهنگی منطقه‌ای را برهم می‌زند، بررسی کنند».

۴۲. معاهده بانکوک دارای یک مقدمه و ۲۲ ماده است. همچنین معاهده بانکوک دارای یک پروتکل است. تمامی ۱۰ کشور عضو آسه‌آن عضو معاهده بانکوک هستند.

See: Staus of the Southeast Asia Nuclear Weapon-Free Zone Treatyhttp: //www.opanal.org/ NWFZ/Bangkok/ Bangkok0i il.htm

۴۳. پس از شکل‌گیری معاهده تلاتلولکو در سال ۱۹۶۷، ماده ۷ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۶۸ مقررات ویژه‌ای را در خصوص مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در بر دارد. این ماده بیان می‌کند که: «هیچ چیز در این معاهده بر حق گروهی دولت‌ها درخصوص انعقاد معاهدات منطقه‌ای برای اطمینان از فقدان کامل سلاح‌های هسته‌ای در سرزمین‌های مربوطه‌شان تأثیری نخواهد داشت».

۴۴. معاهده تلاتلولکو نخستین معاهده منطقه‌ای برای دستیابی به یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای است که در ۱۴فوریه ۱۹۶۷ میلادی در شهر مکزیکو کشور مکزیک مورد پذیرش قرار گرفت و در ۲۵ آوریل ۱۹۶۹ لازم الاجرا شد. معاهده بانکوک و معاهدات منطقه‌ای مشابه دیگر به طور معمول با الگوبرداری از این معاهده براساس ویژگی‌های هر منطقه و توسعه‌های بعدی شکل گرفته‌اند. معاهده تلاتلولکو مربوط به منطقه آمریکای لاتین و کارائیب است.

45. Safeguards Agreement

46. International Atomic Energy Agency (IAEA)

47. The commission for the southeast Asia Nuclear Weapon - Free zone

۴۸. مأخذ شماره ۳۱

۴۹. همان مأخذ

نیروی نظامی

همواره یکی از نگرانی‌های دولتمردان و حکام کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، ضعف نظامی است و این ضعف ناشی از وسعت کم سرزمینی و جمعیت اندک (غیر از عربستان سعودی) است و تلاش دولتمردان این کشورها این است که ضعف مزبور را با قراردادهای نظامی با کشورهای غربی[1] و یا خریدهای هنگفت تسلیحاتی جبران کنند و از این رو بخش عمده درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت (پترودلار) را اختصاص به خریدهای کلان تسلیحاتی از کشورهای غربی می‌دهند. خریدهای هنگفت و انعقاد قراردادهای بزرگ با کمپانی‌های تولیدکننده تسلیحاتی که به نظر می‌رسد در نهایت، نفعی برای این دولت‌ها در بر نداشته باشد و فقط سود آن را شرکت‌های تسلیحاتی غرب می‌برند. با توجه به اینکه بعد از چند صباحی تسلیحات مُدرن‌تر جایگزین سلاح‌های قدیمی می‌شوند و مجدداً قراردادهای جدید برای خرید تسلیحات مدرن منعقد می‌شود. جالب اینکه ارتش برخی از این کشورها از چندهزار نفر تجاوز نمی‌کند و از علم و آگاهی کاربرد تسلیحات فوق مُدرن و پیشرفته بی‌اطلاع‌اند و در نهایت به آنجا ختم می‌شود که با تهاجم ارتش عراق به کویت، بدون آنکه کمترین استفاده‌ای از زرادخانه‌ها و تسلیحات ذخیره شده در زاغه‌ها بشود، حکومت کویت به سرعت سقوط کرد و تسلیحات آن به‌دست

نیروی مهاجم افتاد و به‌جای آنکه در عرصه دفاع از تمامیت ارضی خود استفاده شود به یغما رفت.

توجّه به خریدهای انجام گرفته نمودار این واقعیت است که با خروج سرمایه از این حوزه، جنگ افزارهایی وارد می‌شود که کارایی لازم در دفاع ملی هیچ‌کدام از این کشورها ندارد و در مسابقه تسلیحاتی، امنیت منطقه بیشتر در خطر می‌افتد. اگر قرار باشد جنگ‌افزارهای فوق مُدرن و پیشرفته را نظامیان آمریکایی و غربی به کار اندازند، در آن صورت دفاع ملی مفهوم خود را از دست می‌دهد.

برخی از صاحب‌نظران با مشاهده خریدهای تسلیحاتی این کشورها به طنز می‌گویند: «عرب‌های خلیج فارس امنیت را می‌خرند» در صورتی که امنیت منطقه قابل خرید و فروش نیست و اگر واقعاً ثبات و امنیت پایدار برای دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در اولویت قرار دارد، در پرتو همگرایی و همکاری جمعی و در قالب سازمان همکاری که همه کشورهای حوزه استراتژیک خلیج‌فارس را در بر بگیرد، به وقوع خواهد پیوست.

هزینه خریدهای تسلیحاتی ۶ کشور عربی خلیج‌فارس، طی ۸ سال گذشته حدود ۲۷۷ میلیارد دلار (۱۰۰۰میلیارد درهم) بود که ۱۲/۷٪ از تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشورها را تشکیل می‌دهد که نشان دهنده بالاترین رقم هزینه‌های دفاعی در دنیاست.[۲] همچنین ۶ کشور عضو PGCC در سال ۲۰۰۳ میلادی معادل ۲۵/۱۷٪ بودجه خود را صرف مخارج نظامی کرده‌اند، و به ترتیب، عربستان سعودی با هزینه‌ای معادل ۱۸/۴ میلیارد دلار رتبه اول و عمان با ۲/۲۴ میلیارد دلار، کویت با ۱/۹ میلیارد دلار، امارات متحده عربی با ۱/۶ میلیون دلار، قطر با ۷۲۳ میلیون دلار و بحرین با ۵۲۰ میلیون دلار رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.[۳]

به گزارش روزنامه الشرق (چاپ قطر) وزارت دفاع آمریکا یک توافق‌نامه نظامی به ارزش ۲۷۶ میلیون دلار با عربستان سعودی به امضاء

رساند که به موجب آن این کشور می‌تواند تا سقف ۲۷۶ میلیون دلار لوازم یدکی ویژه تانک‌هایی از نوع M1A2 و خودروهای نظامی از نوع M2 و دیگر تجهیزات نظامی از آمریکا خریداری کند. آژانس همکاری امنیتی دفاعی وابسته به وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) که مسئول معاملات سلاح‌های سنگین است به کنگره آمریکا اعلام کرد که با فروش ۲۴ فروند هلیکوپتر هاوک یو اچ و دیگر خودروهای زرهی و تجهیزات نظامی معادل ۶ میلیارد دلار به عربستان موافقت کرده است و یا عربستان در دسامبر ۲۰۰۵ یادداشت تفاهمی را با انگلیس امضاء کرد که هدف آن ایجاد مشارکت بیشتر در زمینه‌های مُدرن‌سازی نیروهای مسلح عربستان سعودی و برقراری تماس‌های نزدیک‌تر نیروهای مسلح به ویژه از طریق دوره‌های آموزشی و تمرین‌های نظامی مشترک بود و در این راستا قرارداد ۱۸/۸ میلیارد دلاری معادل ۱۰ میلیارد پوند و ۱۴/۷ میلیارد یورو (Euro) برای خرید ۷۲ جنگنده تایفون با انگلیس امضاء کرد و می‌تواند در ۲۵ سال آینده تا دو برابر افزایش پیدا کند.[۴]

دیگر کشورهای عضو PGCC وضعیتی مشابه دارند، مثلاً: امارات متحده عربی دو قرارداد بزرگ با شرکت روهد و شوارتز جی ام‌بی‌اچ که سیستم ارتباط ارتش امارات را تقویت می‌کند و همچنین شرکت ایتالیایی آگوستا اس‌بی‌ای به ارزش ۷۱ میلیون دلار که بالگردهای ساخت ایتالیا در ارتش امارات را بازسازی می‌کند، به امضاء رساند.

شرکت فرانسوی راکول ـ کالنینز، رادار بالگرد به ارزش ۱۲/۸ میلیارد دلار به امارات فروخته است.

وزارت دفاع آمریکا با انعقاد قرارداد فروش سلاح‌های دارای حسگر به عمان موافقت کرد و این قرارداد شامل فروش هواپیماهای اف ۱۶ چند منظوره به این کشور می‌شود.[۵]

موارد اشاره شده.بخشی کوچک از معاملات بزرگ خریدهای تسلیحاتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس است.

در ورای ارتش‌هایی که هریک از کشورهای جنوبی خلیج‌فارس در اختیار دارند، در تاریخ ۲۳ ذی‌القعده ۱۴۰۱ مطابق با ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۱ رؤسای ستادهای ارتش کشورهای عضو PGCC در شهر ریاض گردهم آمدند و موضوع همکاری نظامی را مورد بررسی قرار دادند و برای تقویت همکاری نظامی بین دول عضو تصمیماتی اتخاذ کردند و در اجلاس دوم[۶] سران شورای همکاری، نظریات ارائه شده در گردهمایی رؤسای ستادهای ارتش مورد بررسی قرار گرفت و شورای عالی به وزرای دفاع دول عضو مأموریت داد تا پیشنهادها و نظریات رؤسای ستادها را مورد مُداقه قرار دهند و در این راستا وزرای دفاع در اولین اجلاسشان مسائل مورد نظر را مورد بررسی قرار دادند.[۷]

به دنبال آن، اجلاس سوم سران[۸] بعد از بررسی پیشنهادهای وزرای دفاع تصمیم گرفت نیروی نظامی از دول عضو تحت نام سپر جزیره[۹] (قوةدرع الجزیره Peninsula shield Force) تشکیل دهند و این سپاه در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد.

هدف از تشکیل سپر جزیره متشکل کردن و وحدت بخشیدن نیروهای نظامی کشورهای عضو بود، به طوری‌که تجاوز هریک از کشورهای عضو تجاوز به دیگر کشورها تلقّی می‌شود و این موضوع، ناشی از ژئوپلیتیک منطقه است و نگرانی‌های امنیتی در منطقه بی‌ثبات خلیج‌فارس، همکاری میان دولت‌ها در زمینه سیاسی و بسیج توانمندی‌هایشان را ایجاب می‌کند.

در اجلاس چهارم[۱۰] سران از تصمیمات اجلاس سوم مبنی بر تشکیل نیروی نظامی خودی ابراز خشنودی کردند و تمرینات سپر جزیره را که در کشور امارات متحده برگزار شد،[۱۱] نشانه همبستگی مردم منطقه برای تأمین ثبات و امنیت دانستند.

در اجلاس ششم[۱۲] شورای عالی با طرح استراتژی همکاری دفاعی مشترک موافقت کردند.

در اجلاس هفتم[۱۳] سران از نیروی سپر جزیره تمجید کردند و آن را نمادی از اراده مشترک برای دفاع دسته جمعی خواندند.

در اجلاس چهاردهم[۱۴]، سران شورای عالی از مذاکرات اجلاس دوازدهم وزرای دفاع کشورهای شورای همکاری آگاه شدند و برای افزایش قدرت نیروهای سپر جزیره دستور تشکیل کمیته‌ای عالی دادند که قطعنامه‌های دفاعی را به اجراء در آورد و کمیته نظامی به ریاست ادواری و سالانه وزرای دفاع و رؤسای ستاد مشترک ارتش و رئیس کمیته نظامی دبیرخانه را مشروط بر آنکه ریاست ادواری با امارات متحده عربی شروع شود، پیگیری کنند.

در اجلاس پانزدهم[۱۵] سران شورای همکاری با توجّه به اهمیت توسعه قدرت دفاعی شورای همکاری، توصیه‌های سیزدهمین گردهمایی وزرای دفاع را مورد توجّه قرار داد و تصمیم گرفت برای رویارویی با بحران‌ها، استراتژی یکسانی برای بالا بردن و تقویت توان دفاعی اتخاذ کند و نیروی سپرجزیره را توسعه دهد تا از تحرک لازم و فعال و فوری برخوردار شود و کمیته عالی را موظف کردند تا در اجرای تصمیمات متخده کوشا باشد.

در اجلاس شانزدهم[۱۶] شورای عالی گزارش چهاردهمین اجلاس وزرای دفاع کشورهای عضو را که در نوامبر ۱۹۹۵ در کشور بحرین برپا شد، مورد توجه قرار داد و بر افزایش توان دفاعی دسته جمعی کشورهای شورا تأکید ورزید.

در اجلاس هفدهم[۱۷] سران شورا گزارش تهیه شده از سوی وزرای دفاع که در پانزدهمین اجلاس خود در شهر ریاض در ماه نوامبر ۱۹۹۶ گرفته شد، مورد بررسی قرار دادند و به توصیه‌های آنها در افزایش قدرت و توان دفاعی کشورهای عضو موافقت کردند.

در اجلاس هیجدهم[۱۸] شورای عالی از تصمیمات شانزدهمین اجلاس وزرای دفاع در دوحه قطر آگاه شد و با اقدامات عملی برای مرتبط ساختن کشورهای عضو به شبکه ارتباطات مطمئن در زمینه‌های اهداف نظامی،

پوشش راداری، زنگ خطر، مانورها و تمرینات نظامی موافقت کرد.

در اجلاس نوزدهم[۱۹] با مصوبات هفدهمین اجلاس وزرای دفاع کشورهای عضو که در شهر ریاض برگزار شد، موافقت کرد که نیروهای سپر جزیره گسترش یابد و شبکه ارتباطات مطمئن و پوشش راداری و زنگ اخبار پیگیری و اجرا شود.

در اجلاس بیستم[۲۰] قطعنامه‌هایی که توسط وزیران دفاع کشورهای عضو PGCC که در نوامبر ۱۹۹۹ در هیجدهمین جلسه‌شان در دوبی در ارتباط با توسعه و پیگیری همکاری‌های نظامی در قالب نیروهای سپر جزیره، طرح کمربند امنیتی، امنیت ارتباطات، سیاست دفاعی و نیروهای هوایی کشور صادر کردند، مورد مذاکره قرار دادند و تصمیماتی اتخاذ شد.

در اجلاس بیست و یکم[۲۱]، قرارداد دفاع مشترک دولت‌های عضو شورا به امضاء رسید که دفاع جمعی را تأکید کرد و اینکه هرکدام از کشورها مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفتند، سایر کشورها به دفاع‌برخیزند و مراکز صنعتی تسلیحات نظامی تأسیس شود و سرمایه‌گذاری لازم انجام گیرد.

در اجلاس بیست و سوم[۲۲] شورای عالی نتیجه جلسه بیست و یکم وزرای دفاع را مورد بررسی قرار داد و در اولین جلسه شورای مشترک دفاعی، آیین‌نامه ویژه‌ای برای شورای مزبور و روش‌های داخلی تنظیم شد که مورد تصویب قرار گرفت.

سرانجام، در اجلاس بیست و ششم[۲۳] و بعد از ربع قرن از فعالیت شورای همکاری خلیج فارس، سران شورا از نتایج اجلاس چهارم شورای مشترک دفاعی که در ۲۲ شعبان ۱۴۲۶ مصادف با ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵ در بحرین برگزار شد آگاهی یافت و آن را مورد تأیید قرار داد.

در این اجلاس، سران شورا از نامه خادم حرمین شریفین ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی در خصوص تحوّل در نیروهای سپر جزیره آگاه شد و از پیشنهادها استقبال کرد و از شورای دفاع مشترک درخواست

کرد بررسی کنند و نتایج بررسی‌ها را در اجلاس آینده سران مطرح سازند.

در همین رابطه، سلطان عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان در مصاحبه‌ای که در مطبوعات عربستان منتشر شد، اعلام داشت:

«نیروی مشترک ۶ کشور امیرنشین عضو شورای همکاری خلیج [فارس] موسوم به سپر شبه جزیره که بیش از ۲۰ سال پیش تشکیل شد، کارایی لازم را نداشته است و به همین علت منحل خواهد شد.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از این پس مسئولیت نگه‌داری و اداره نیروهایی را که برای تشکیل سپر شبه جزیره تعیین کرده بودند در کشورهای خود بر عهده خواهند گرفت و دبیرخانه عمومی شورای همکاری خلیج [فارس] یک فرماندهی مرکزی ایجاد خواهد کرد تا تمرینات و رزمایش‌های مشترک میان نیروهای نظامی ۶ کشور عضو را سازماندهی و برگزار کند.

تغییر در ساختار نیروهای سپر شبه جزیره که در سال ۱۹۸۳ تشکیل و در منطقه حفرالباطن در شمال شرقی عربستان سعودی مستقر شدند، به درخواست و پیشنهاد ملک‌عبدالله پادشاه عربستان صورت گرفته است، سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس از پیشنهاد ملک عبدالله در این زمینه استقبال کردند».

در اجلاس پنجم شورای دفاع مشترک که از وزرای دفاع کشورهای عضو PGCC در روز دوشنبه ۶ نوامبر ۲۰۰۶ در ابوظبی برگزار شد و ۲روز طول کشید، در زمینه‌های مختلف همکاری و هماهنگی نظامی بین دول عضو و به‌ویژه پیشنهاد ملک‌عبدالله پادشاه عربستان سعودی در مورد ایجاد تحول در سپر جزیره و ارتباطات امنیتی و یکنواخت‌سازی آموزش‌های مشترک نظامی، به مذاکره پرداختند.[۲۴]

با توجّه به این مطالب، باید به انتظار نشست تا در اجلاس بیست و هفتم سرنوشت سپر جزیره مشخص شود.

اگرچه سپر شبه جزیره در جلوگیری از تهاجم نظامی عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ موفق عمل نکرد و دولت‌های عضو شورا متوسل به ائتلاف بین‌المللی به فرماندهی آمریکا جهت اخراج عراق از کویت شدند، با این حال، شورای همکاری در سال‌های اخیر خواستار تقویت این نیرو و افزایش تعداد نیروی نظامی آن شدند[۲۵] و در این شرایط، پادشاه عربستان سعودی پیشنهاد تجدید نظر کرد و وزیر دفاع عربستان، بی‌پرده از انحلال آن سخن گفت.

در جدول شماره ۱۲ مانورهای انجام گرفته توسط سپر جزیره و نیروهای نظامی کشورهای PGCC را در سال‌های ۱۹۸۷ ـ ۱۹۸۱ ملاحظه می‌کنید.

در سال‌های اخیر، رویکرد شورای همکاری به سوی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو NATO) افزایش پیدا کرد براساس طرحی که در ژوئن ۲۰۰۴ در اسلامبول ارائه شد و به «طرح ابتکاری همکاری استانبول»[۲۶] موسوم گردید، ناتو اعلام داشت: تصمیم دارد برای بالا بردن امنیت و ثبات، روابطش را با کشورهای خاورمیانه تقویت کند و از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شروع کرد و برای بررسی امکانات عملی این همکاری و چگونگی افزایش سطح روابط متقابل، اجلاسی[۲۷] در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۵ در دوبی تشکیل شد. در این اجلاس، نمایندگانی از دولت‌های عضو PGCC و ناتو شرکت کردند تا به بررسی امکان نقش ناتو در تأمین امنیت خلیج‌فارس بپردازند.

نمایندگان ناتو در این اجلاس یک روزه عبارت بودند از آقایان: جین فورنت[۲۸] دستیار دبیرکل ناتو در امور دیپلماسی، دکتر البرتوپین[۲۹] و نیکلادی سانتیس[۳۰] از مرکز ناتو در بروکسل (بلژیک).

عبدالعزیز اوساجر[۳۱] رئیس مرکز تحقیقات خلیج [فارس]در نطق آغازین اجلاس اشاره کرد: «دقیقاً در یک سال قبل (سپتامبر ۲۰۰۴) ما افتخار

جدول شماره ۱۲

مانورهای نیروهای نظامی کشورهای عضو شورا در سالهای ۱۹۸۷ ـ ۱۹۸۱ [۳۲]

تاریخ	مکان	مانور
اکتبر ۱۹۸۳	امارات عربی متحده	مانور سپر جزیره دول شورای همکاری
نوامبر ۱۹۸۴	عربستان سعودی	مانور هوایی بین عربستان و کویت
ژانویه ۱۹۸۴	قطر	مانور هوایی بین قطر و بحرین
ژانویه ۱۹۸۴	کویت	مانور هوایی بین کویت و عربستان
فوریه ۱۹۸۴	امارات عربی متحده	مانور هوایی بین عمان و امارات
آوریل ۱۹۸۴	بحرین	مانورهوایی بین کویت، بحرین، قطروعربستان
اگوست ۱۹۸۴	ظفار	مانور هوایی بین عمان و عربستان
اگوست ۱۹۸۴	ظفار	مانور دریایی بین بحرین و قطر
اکتبر ۱۹۸۴	عربستان سعودی	دومین‌مانورسپر جزیره دول شورای همکاری
دسامبر ۱۹۸۴	ابوظبی	مانور عربستان و امارات
ژانویه ۱۹۸۵	—	مانور دریایی بین قطر و کویت
مارس ۱۹۸۵	ابوظبی	مانور کویت و عمان (تنگه هرمز)
مارس ۱۹۸۵	عربستان	مانور دریایی کویت و عربستان
آوریل ۱۹۸۵	کویت	مانور هلیکوپتری دول شورای همکاری
آوریل ۱۹۸۵	ابوظبی	مانور دریایی بین کویت و امارات
مه ۱۹۸۵	عمان	مانور هلیکوپتری بین عمان، بحرین، امارات
سپتامبر ۱۹۸۵	عمان	مانور دریایی بین عمان، قطر، عربستان
دسامبر ۱۹۸۵	عمان	مانور هوایی بین کویت و عربستان
آوریل ۱۹۸۵	امارات متحده عربی	مانور هوایی (هلیکوپتری) دول شورا
آوریل ۱۹۸۷	شارجه	مانور دریایی دول شورای همکاری

میزبانی آقای ساندرو مینتو ریزو[۳۳] معاون دبیرکل را درمرکز تحقیقات خلیج [فارس] داشتیم تا در مورد توسعه روابط ناتو با کشورهای عضو PGCC مذاکره کنیم... و ظرف یکسال اخیر، بسیار خوشبخت هستیم که اعلام کنیم موافقت‌نامه‌هایی میان ناتو و کشورهای بحرین، کویت، قطر و امارات عربی متحده در چارچوب ICI منعقد شده و مذاکرات با عمان و عربستان سعودی در جریان است و در آینده نزدیک به نتایج مثبت دست خواهیم یافت و در این فرصت از این تحوّل بزرگ یعنی توسعه ناتو در خلیج و ایجاد ثبات و امنیت مؤثر استقبال می‌کنیم».[۳۴]

آقای عبدالعزیز در ادامه سخنرانیش خاطرنشان ساخت:

«در دهه گذشته، ناتو در رابطه با اهداف اولیه‌اش تغییر اساسی پیدا کرده و دیگر آن ناتو ۲۰ سال پیش نیست که در مقابل پیمان ورشو به وجود آمد».

آقای عبدالعزیز در ادامه افزود:

«عملکرد ناتو در دو منطقه بالکان و افغانستان به خوبی گویای این مسأله است که ناتو می‌تواند نقشی اساسی در ایجاد و حفظ امنیت جهانی ایفا کند و از این رو ناتو قادر است با خطراتی که منطقه با آن رو به روست برخورد کند».[۳۵]

در ارتباط با اظهارات پایانی آقای عبدالعزیز تذکر یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه با تجزیه شوروی و انحلال پیمان ورشو و رفع خطر توسعه بلوک کمونیست، فلسفه وجودی تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از بین رفت و ناتو از آن زمان به بعد (۱۹۹۰ میلادی) دو راه پیش رو داشت: انحلال یا ادامه فعالیت.

سردمداران ناتو و در رأس آنها آمریکا راه دوم را برگزیدند و نه تنها ناتو مُنحل نشد، بلکه با عضویت اعضای جدید از کشورهای بلوک شرق در سال ۲۰۰۴ میلادی، تعداد خود را از ۱۹ کشور به ۲۶ کشور افزایش دادند.

بهانه ناتو برای ادامه فعالیت وجود تروریسم بین‌المللی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و بی ثباتی در کشورهای ضعیف است و بر همین استدلال و بهانه در اوت ۲۰۰۳ (مرداد ۱۳۸۲) ناتو فرماندهی و هماهنگی نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف ISAF) را بر عهده گرفت. متعاقب همایش ۲۶ دسامبر ۲۰۰۵ دوبی، در نوامبر ۲۰۰۵ کنفرانس «نقش ناتو در امنیت منطقه خلیج فارس» در قطر تشکیل شد. آقای باب دی هوپ شیفر دبیرکل ناتو به ایراد سخنرانی پرداخت و اعلام داشت:

«با توجه به نقش ناتو در برقراری صلح و ثبات در مناطق مختلف جهان، این پیمان می‌تواند با کشورهای منطقه خلیج فارس برای برقراری صلح و ثبات در منطقه همکاری گسترده‌ای داشته باشد. کشورهای منطقه می‌توانند با توجه به منافع ملی و مشترک خود به صورت گروهی یا تنها به عضویت این پیمان درآیند».

در همین کنفرانس، حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی وزیر خارجه قطر اظهار داشت: «هدف از طرح همکاری استانبول، استفاده از تجارب و همکاری پیمان ناتو در زمینه‌های آموزش نیروهای مسلح، مبادله اطلاعات امنیتی برای برقراری صلح و ثبات منطقه است و راهبرد همکاری کشورهای منطقه با پیمان ناتو براساس احترام متقابل و تأمین منافع مشترک پایه‌گذاری خواهد شد».[۳۶]

به نوشته روزنامه الرای العام: دبیرکل ناتو روابط ۴ کشور[۳۷] خلیج فارس با ناتو را مورد ستایش قرار داد.

همزمان با کنفرانس تشکیل شده در قطر، در نشستی که به همّت مؤسسه تحقیقات راهبردی بین‌المللی در بحرین برگزار شد، خانم «میشل الیوماری» وزیر دفاع فرانسه، کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس را به همکاری راهبردی با اروپا در زمینه امنیتی فرا خواند و اظهار داشت: «ساز و کارهای همکاری منطقه‌ای را که اروپا خارج از مرزهای خود مانند مساعدت نظامی به کشورهای آفریقایی در زمینه آموزش و تجهیزات ایجاد کرده است،

می‌توان با کشورهای حوزه خلیج فارس ایجاد کرد».[۳۸]

با توجه به تحولات فوق، در آبان ۸۵ رزمایش دریایی مشترک آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا، ایتالیا و بحرین برگزار شد. بحرین کشور میزبان واحدهای نیروی دریایی کشورهای شرکت کننده بود و تنها کشور عضو PGCC بود که در رزمایش حضور داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۱ قرارداد اجاره‌ای مابین ایالات متحده و بحرین امضا شد که به ایالات متحده اجازه می‌داد از ۱/۵ کیلومترمربع از خاک جوفیر برای پشتیبانی نیروی خاورمیانه این کشور در خلیج‌فارس استفاده کند. این قرارداد شامل استفاده ایالات متحده از دستگاه فرستنده و آنتن، استفاده فوری از اسکله شماره یک و امکانات تعمیرات کشتی در بندر بحرین، حقوق زمینی، آشیانه هواپیماها و فضای سازمانی در فرودگاه اختصاصی محرق می‌شد.

بحرین در نتیجه تنش‌های حاصل از جنگ اکتبر اعراب و اسرائیل، به طور رسمی این قرارداد را در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۳ فسخ کرد، اما این امر هیچ‌گونه تأثیر عملی در برنداشت و بحرین بی‌سروصدا این اجاره را در ژوئیه ۱۹۷۵ تجدید کرد و حوزه آن را در ۱۲ اوت ۱۹۷۵ و ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ گسترش داد. موافقت‌نامه ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷، یک مورد خاص در میان جنبه‌های مختلف همکاری‌های غیررسمی بین ایالات متحده و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قبل از جنگ است. دیگر مقر نیروی خاورمیانه‌ای نیروی دریایی ایالات متحده رسماً در بحرین نبود؛ اما آمریکا واحد اداری مأموریت موقت را در خاک این کشور حفظ کرد. ایالات متحده عملاً استفاده از این مقر را برای نیروی دریایی خود (مستقر در خلیج‌فارس) در منامه از سرگرفت و به استفاده خود از امکانات بندری در بندر ال سلمان ادامه داد.

بحرین پایگاه‌ها و امکانات تعمیراتی خود را در عملیات اراده جدی طی جنگ نفتکش‌ها علیه ایران (بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸) در اختیار ایالات متحده قرارداد و به طور گسترده‌ای از این کشور حمایت کرد. بحرین در اکتبر ۱۹۹۱ توافق‌نامه ۱۰ ساله دوجانبه‌ای را برای گسترش حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در این کشور امضاء کرد. این توافق‌نامه منجر به گسترش حضور نظامی ایالات متحده در بحرین شد و زمینه را برای انجام تمرینات و آموزش‌های نظامی مشترک هموارتر کرد و به ایالات متحده اجازه استقرار مرکز فرماندهی را داد و امکان دستیابی ایالات متحده به بنادر و فرودگاه‌های بحرین را به شکل فزاینده‌ای فراهم کرد. هم‌اکنون ایالات

متحده، انبارهای متعددی از تجهیزات و تدارکات در پایگاه هوایی شیخ عیسی در اختیار دارد.
تمرینات نظامی مشترک بین بحرین و نیروهای ایالات متحده بعد از جنگ خلیج‌فارس از ۲ بار در سال به حدود ۸بار افزایش یافته است.
کویت
بعد از تهاجم عراق به کویت، ایالات متحده و کویت به همکاری پرداختند.
ایالات متحده، نقش مهمی را در کمک به کویت برای بازسازی نیروهای نظامی این کشور قبل از آزادی کویت بازی کرد. این کمک، کویت را قادر ساخت تا حدود ۷۰۰۰ نیروی نظامی و ۶۰ تانک را به عنوان بخشی از یگان نیروهای مشترک شرق به رهبری عربستان سعودی مستقر کند در آغاز عملیات توفان صحرا کمتر از ۲۰۰ نفر از پرسنل آموزش دیده نیروی هوایی کویت آماده خدمت بودند، اما کویت نیروی هوایی فرانسه و پرسنل قراردادی ایالات متحده را برای پشتیبانی از ۱۵ فروند میراژ ـ اف یک و ۱۹ فروند اسکای هاواک ـ آ ۴ خود به کار گرفت. نیروی هوایی کویت نیز تعداد ۱۲هلیکوپتر مسلح در اختیار داشت. واحدهای هوایی کویت، ۵۶۸ مأموریت رهگیری هوایی و ۲۱۲ مأموریت رهگیری زمینی و در مجموع ۷۸۰ پرواز عملیاتی انجام دادند.
حدود ۶۵۰ مورد از این‌گونه عملیات، توسط هاواک آ ـ ۴ صورت گرفت و هاواک آ ـ ۴های کویتی به طور متوسط ۱۸ الی ۲۰ بار برای انجام عملیات در هر روز پرواز می‌کردند. ۱۳۰۰ حمله باقی مانده توسط میراژهای اف ـ یک، با ۴ تا ۱۰ عملیات پروازی در طول روز صورت گرفت. میزان آمادگی عملیاتی به طور میانگین ۸۰ الی ۸۵درصد در هر روز بود. کویت در اولین روز جنگ، یکی از هاواک آ ـ ۴های خود را از دست داد؛ اما مواضع پیاده نظام، توپخانه و برخی از مواضعِ دفاع هوایی عراق را در طول جنگ هدف حمله قرار داد.
پنجمین دسته از نیروهای مخصوص ایالات متحده، حدود ۶۳۰۰ کویتی را به عنوان نیروی آزاد کویت آموزش دادند و یگان نیروهای ویژه دریایی ایالات متحده ۲۲۴ نفر از سربازان و تفنگداران دریایی کویت را تعلیم داد.
از زمان تهاجم عراق به کویت، این کشور، قراردادهای امنیتی متعددی با انگلستان، فرانسه، روسیه و ایالات متحده امضا کرده است. کویت توافق‌نامه ۱۰ ساله دو جانبه‌ای را با ایالات متحده آمریکا در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ امضا کرد. براساس این قرارداد، کویت سالانه ۳۵ میلیون دلار برای جبران هزینه‌های حضور نظامی آمریکا به این کشور

پرداخت می‌کند.
اکنون کویت به شدت به کمک‌های ایالات متحده برای بازسازی و توسعه نیروهای نظامی خویش متکی است و امکانات نظامی این کشور در حال طراحی و به اندازه شدن برای پشتیبانی از واحدهای هوایی و زمینی ایالات متحده است. یک گروه بررسی دفاعی کویت ـ ایالات متحده، به هماهنگی این فعالیت‌ها کمک می‌کند.
نیروهای دریایی، هوایی و زمینی کویت هم اکنون عملیات آموزشی مشترک متعددی را با ایالات متحده اجرا می‌کنند. کویت و ایالات متحده حداقل ۸ تمرین نظامی مهم را در فاصله نوامبر ۱۹۹۱ تا ژانویه ۱۹۹۵ اجرا کردند، که شامل گرز مشتاق، عمل درونی و خشم بومی می‌شدند. این تمرینات نظامی، شامل تمرین تخلیه تانک‌ها از کشتی‌های مستقر در ساحل و دفاع از شهر کویت در برابر تهاجم عراق بود.

عمان

ایالات متحده از زمان شورش ظفار، همکاری خود را با عمان آغاز کرد و کمک‌هایی را به طور غیررسمی در اختیار عمان، انگلستان و ایران برای نبرد علیه شورشیان قرار داد. ایالات متحده از عمان، در رویارویی طولانی مدت با جمهوری دموکراتیک خلق یمن و در برخورد با تهدیدهای بالقوه ایران بعد از آغاز جنگ ایران و عراق، حمایت کرد. عمان، مدت‌هاست به فرماندهی مرکزی آمریکا برای انجام تمرینات نظامی در این کشور و نیز کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده برای استفاده از امکانات عمان مجوز داده است. عمان از اواخر دهه ۸۰ اطلاعات مربوط به نفتکش‌ها و سایر کشتی‌های عبورکننده از تنگه هرمز را از طریق پایگاه این کشور در جزیره بز در اختیار آمریکا قرار داده است.
عمان و ایالات متحده، یک توافق‌نامه دسترسی نظامی در جولای ۱۹۸۱ امضا کردند، که به آمریکا اجازه داد به پادگان‌ها، پناهگاه‌های مقاوم، انبارها و تأسیسات دیگر در پایگاه‌های هوایی سیب، مسیره، خساب، تماریت و بنادر مسقط و سلاله دسترسی داشته باشد؛ در ازای آن، آمریکا ۳۲۰ میلیون دلار برای توسعه این تأسیسات سرمایه‌گذاری کرد. ایالات متحده بیش از ۱۹۹/۱ میلیون دلار از اعتبارات فروش نظامی خارجی آمریکا برای عمان بین سال‌های مالی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ و در حدود یک‌میلیون دلار برای کمک به تعلیم و تربیت و آموزش نظامی بین‌المللی در اختیار عمان قرار داد. از سال مالی ۱۹۸۱ تا سال مالی ۱۹۸۵، ایالات متحده به عمان برای ساخت ۴ پایگاه هوایی در مسیره، سیب، خساب و تماریت کمک کرد. این پایگاه‌ها برای واحدهای هوایی ایالات متحده به منظور استقرار سریع نیروها در منطقه

خلیج‌فارس قابل استفاده بودند.

قطر

قطر طی جنگ خلیج فارس به هواپیماهای ایالات متحده اجازه داد تا در حریم هوایی این کشور مانور انجام دهند. قطر ۱۶۰۰ نفر از پرسنل ارتش خود را در قالب یک گردان مکانیزه با ۲۵ دستگاه تانک، ۶۰ دستگاه سایر خودروهای زرهی و ۳ الی ۵ قبضه توپ در اختیار آمریکا قرار داد این نیرو به خوبی در «جنگ» خفجی و در فرماندهی نیروهای مشترک شرق، توانایی‌های خود را به نمایش گذاشت. همچنین قطر ۷۰۰ سرباز، ۲۱ جنگنده و ۱۲ هلیکوپتر مسلح را از نیروی هوایی کوچک خود رهسپار میدان نبرد کرد. میراژهای اف یک قطر ۴۱ مأموریت رهگیری هوایی را با حداکثر حدود ۵ پرواز در طول روز به انجام رساندند. آلفاجت‌های قطر نیز دو عملیات پروازی انجام دادند. نیروی هوایی قطر مجبور شد ۲۲ عملیات پروازی خود را لغو کند. که ۶ مورد از آنها به علت مشکلات جوی بودند.

قطر در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۲، وارد مذاکرات دوجانبه با ایالات متحده در مورد تمهیدات امنیتی شد که در آن دستیابی ایالات متحده به امکانات دریایی و هوایی قطر مطرح شد. تا آن زمان قطر تعداد فزاینده‌ای از مانورهای مشترک را با نیروهای آمریکایی به انجام رسانده بود.

در مارس ۱۹۹۵، قطر رسماً با استقرار تجهیزات سنگین برای یکی از تیپ‌های مکانیزه ایالات متحده در قطر موافقت کرد که شامل بیش از ۱۱۰ دستگاه تانک آمریکایی می‌شد. هم اکنون انبارهایی برای استقرار تجهیزات جنگی ایالات متحده در دوحه در دست ساخت است. همچنین، نیروی هوایی قطر، اجرای تمرینات هوایی مشترک با ایالات متحده را آغاز کرده است و ممکن است از یکی از پایگاه‌های قطر برای این امر استفاده کنند.

عربستان سعودی

ایالات متحده و عربستان سعودی از سال ۱۹۸۳ همکاری نزدیکی برای ایجاد یک سیستم دفاعی دریایی و هوایی مشترک در برابر ایران به عمل آوردند. این دو کشور تمرینات نظامی مشترکی را اجرا کردند و در ساخت خط هوایی فهد که منطقه شناسایی دفاعی هوایی و سیستم دفاعی هوایی مجاور سواحل سعودی را به وجود می‌آورد، با یکدیگر همکاری کردند.

طی جنگ خلیج‌فارس، ایالات متحده واحدهای هوایی و زمینی فراوانی را در خاک عربستان سعودی مُستقر کرد و در «عملیات توفان صحرا» مشترکاً با عربستان سعودی

نیروهای ائتلاف را هدایت کرد. نیروهای عربستان سعودی نقش مهمی را در عملیات جنگی هوایی و زمینی بازی کردند.
همچنین عربستان سعودی در جنگ خلیج فارس کمک‌های نقدی و نیز کالا و خدماتی در مجموع به ارزش ۸۵۴/۱۶ میلیارد دلار به آمریکا پرداخت کرد.
عربستان سعودی اکنون یکی از بزرگ‌ترین مشتریان صادرات نظامی آمریکا به شمار می‌رود و همین خریدهای تسلیحاتی باعث افزایش همکاری‌های نظامی دو کشور شده است.
امارات متحده عربی
جنگ نفتکش‌ها از ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ سرآغاز همکاری نزدیک امنیتی بین امارات متحده با آمریکا بود. ایالات متحده آمریکا و امارات متحده عربی در جنگ خلیج‌فارس همکاری‌های نزدیکی را با یکدیگر صورت دادند. امارات متحده، امکانات لجستیک و تجهیزات بندری را طی «عملیات اراده» جدی مهیا کرد. نیروی دریایی ایالات متحده و نیروی خاورمیانه تمرینات نظامی مشترکی را با امارات متحده در جولای ۱۹۹۰ و بعد از آنکه صدام حسین شروع به تهدید علیه امارات کرد، اجرا کردند.
در جنگ خلیج فارس، امارات متحده به صورت مستقیم حدود ۶ میلیارد دلار و از نظر کالاها و خدمات به میزان ۲۱۸ میلیون دلار و در مجموع ۶/۴۵۵ میلیارد دلار به ایالات متحده کمک کرد. امارات متحده عربی یک گردان پیاده‌نظام و یگان موتوری را برای فرماندهی نیروهای مشترک شرق اعزام کرد و یک گردان مشترک هوایی نیز با کویت تشکیل داد. این کشور ۷ هزار سرباز نیروی هوایی را برای انجام ۱۰۹ عملیات هوایی مورد استفاده قرار داد که شامل ۵۸ عملیات رهگیری با میراژ ۲۰۰۰، ۴۵ عملیات حمل و نقل هوایی با سی ۱۳۰ و سی ۲۱۲ و ۶ پرواز شناسایی با میراژ ۲۰۰۰ بود.
در سال ۱۹۹۲ امارات متحده و ایالات متحده آمریکا، طی مذاکراتی در مورد ترتیبات امنیتی به توافق رسیدند که براساس آن ایالات متحده اجازه پیدا کرد از امکانات دریایی و هوایی امارات استفاده کند. دو کشور در سال ۱۹۹۴ یک قرارداد همکاری دفاعی امضا کردند که هنوز پابرجاست. (همشهری، ۸۰/۱/۱۶)

۲. همشهری دیپلماتیک، ش ۴۱، ۸ اسفند ۱۳۸۳
۳. همان مأخذ.

4. Iran news 18 Aug 2006

۵. همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۱، ۱۳۸۳/۱۲/۸

۶. ۱۴ محرم ۱۴۰۲ مطابق با نوامبر ۱۹۸۱، ریاض (عربستان سعودی)

۷. ۳۰ مارس ۱۹۸۲، ریاض (عربستان سعودی)

۸. نوامبر ۱۹۸۲، منامه (بحرین)

۹. سپر جزیره بازوی ضربتی و نظامی شورا و به عبارتی نیروی واکنش سریع شورای همکاری خلیج(فارس) است که از ۶۰ تا ۱۰۰هزار نفر نظامی تشکیل شد و نخستین مانور مشترک نظامی از ۶ کشور عضو در امارات متحده عربی در سال ۱۹۸۳ انجام پذیرفت و مقرّ فرماندهی آن ناحیه حفرالباطن واقع در شمال عربستان، در کنار مرز کویت با عربستان است. و فرماندهی آن را یک ژنرال سعودی به نام یوسف محمدالمدنی برعهده گرفت و کشورهای عمان و کویت و امارات از اینکه فرماندهی به‌طور دائمی در اختیار عربستان قرار گیرد راضی نبودند. بعد از تصرّف فاو توسط ایران در فوریه ۱۹۸۶ واحدهایی از نیروی سپر جزیره در خاک کویت مستقر شدند.

عبدالعزیز مُهنا سردبیر بخش اقتصادی خبرگزاری رسمی عربستان سعودی در رابطه با کارآیی نهاد نظامی شورای همکاری معتقد است:

«نهاد نظامی شورای همکاری تاکنون نتوانسته است نسبت به اجرای راهبردهای این شورا توانمندی لازم را کسب کند، تجربه اشغال کویت به خوبی نمایانگر آن است که شورای همکاری، همواره برای پاسداری از منابع و ثروت‌های خود در برابر تهاجم‌های غافلگیرانه، نیازمند سپر نیرومندی است. چنین سپری نیز لازم است از بستر شورای همکاری خلیج فارس تشکیل شده باشد. اما مشاهده می‌کنیم که با گذشت ده سال از آزادسازی کویت، نهاد نظامی ـ امنیتی این شورا هنوز در ابتدای مسیر اولیه خود می‌باشد. تا آنجا که از نظرگاه فنی محدود و از نظر تعداد آموزش‌های نظامی و آمادگی رزمی نیروها به ویژه در کاربرد تسلیحات تهاجمی بسیار محدود و تُهی است». (دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس)

شیخ سالم الصباح وزیر دفاع کویت در جلسه پارلمان کویت درسال ۱۹۸۴ اعلام داشت: فرماندهی قوای سپر جزیره با یک افسر عربستانی است، ولی معاونان او و از سایر کشورهای عضو GCC هستند.این نیروها به تسلیحات زمینی و هوایی و موشک‌های دفاع هوایی مجهز خواهند شد(مجلس التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، ص۳۰۰) روزنامه القبس کویت اعلام داشت کشورهای عضو GCC متعهد شده‌اند که در هر سال ۶۰ میلیون دلار برای تقویت دفاع ضدهوایی بپردازند. (همان مأخذ)

عبدالله بشاره (کویتی) اولین دبیر کل شورای همکاری اعلام داشت: «نیروی مشترک خلیج فارس (سپر جزیره) یکی از نیروهای بازدارنده خلیج فارس و از جمله محورهای اساسی، در کنار محورهای دیگر است که همگی آنها متکی به دیپلماسی مبتنی بر حُسن همجواری، تأمین روابط عربی، سازندگی و هماهنگی منطقه‌ای با نظام جهانی هستند». (بولتن شماره ۱ نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، ابوظبی)

۱۰. نوامبر ۱۹۸۳، دوحه (قطر)

۱۱. اکتبر ۱۹۸۳

۱۲. نوامبر ۱۹۸۵، منامه (بحرین)

۱۳. نوامبر ۱۹۸۶، ابوظبی (امارات متحده عربی)

۱۴. دسامبر ۱۹۹۳، ریاض (عربستان)

۱۵. دسامبر ۱۹۹۴، منامه (بحرین)

۱۶. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)

۱۷. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)

۱۸. دسامبر ۱۹۹۷، کویت

۱۹. دسامبر ۱۹۹۸، ابوظبی (امارات)

۲۰. نوامبر ۱۹۹۹، ریاض (عربستان سعودی)

۲۱. دسامبر ۲۰۰۰، منامه (بحرین)

۲۲. دسامبر ۲۰۰۲، دوحه (قطر)

۲۳. دسامبر ۲۰۰۵، ابوظبی (امارات متحده عربی)

۲۴. پایگاه اینترنتی GCC

۲۵. در زمینه نظامی در پایگاه اینترنتی شورای همکاری خلیج فارس army. htm در بند هفتم تحت عنوان: «مجالات التعاون العسگری الاخری» نوشته شده: «شمل التعاون العسگری مجالات عدیده اخری استهدفت تعزیر التعاون فی مجال تبادل المسائدة و المعلومات، و توحید مناهج و کراسات الدورات العسکریه المختلفه، والاستفاده المتبادله من امکانیات المتوفره فی دول المجلس خاصه فی مجال الصیانه، و التدریب» همکاری‌های نظامی شامل موارد دیگر هم می‌گردد که هدف آن تقویت همکاری در زمینه تبادل اطلاعات و یکسان‌سازی و وحدت در روش‌ها و آموزش‌های نظامی و بهره‌مندی از امکانات موجود در کشورهای عضو به ویژه در زمینه نگهداری و آموزش می‌باشد.

26. The framework of the Istanbul cooperation Initiative (ICI)

۲۷. محل احداث یک روزه در jumeirah Beach Hotel بود.

28. Jean Fournet

29. Dr. Alberto Bin

30. Nicola De Santis

۳۱. مجلس التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل، ص ۳۰۰.

32. Abdulazizo. sager

33. Alessandro Minuto Rizzo

34. http: // www.grc.aee

۳۵. همان مأخذ

۳۶. روزنامه ایران، شنبه ۸۴/۹/۱۲

۳۷. کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی

۳۸. روزنامه ایران، یکشنبه ۸۴/۹/۱۳

عملیات مسلحانه و تروریسم

پدیده تروریسم یا عملیات مسلحانه توسط گروه‌های مسلح، پدیده‌ای جدید و نوظهور نیست؛ ولی از دهه ۸۰ میلادی به بعد، نطفه‌های آن در کشورهای عربی خلیج‌فارس بسته شد و از دهه ۹۰ به بعد، فرصت ظهور و خودنمایی پیدا کرد و دامن این کشورها را فرا گرفت. احتمالاً تنها خاطره اعراب حاشیه خلیج فارس از عملیات مسلحانه در دهه ۱۹۷۰ میلادی، به گروگان گرفتن دکتر احمدزکی یمانی وزیر نفت وقت عربستان سعودی به اتفاق دکتر جمشید آموزگار وزیر دارایی وقت ایران در اجلاس اوپک (OPEC) در شهر وین (اتریش ـ مقر اوپک) توسط کارلوس (ونزوئلایی) محدود می‌شود که بعد از چند روز با رهایی گروگان‌ها در الجزایر ماجرا به پایان رسید. ولی بنا به علل و عوامل درونی و بیرونی، از دهه ۱۹۹۰ به بعد در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس یا به عبارتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، دامنه عملیات مسلحانه یا به قول دولت‌ها تروریسم گسترش یافت. مسأله تروریسم در کشورهای عضو PGCC با شدت و ضعف مواجه است؛ مثلاً در کشورهایی نظیر عربستان و بحرین، بیشتر و در سایر کشورها کمرنگ‌تر وجود دارد.

مهم‌ترین عاملی که برای ظهور گروه‌های مسلح در این کشورها

می‌توان از بعد سیاسی ذکر کرد، به روابط گرم و صمیمانه دولت‌های این کشورها با بلوک غرب خصوصاً آمریکا مربوط می‌شود. وقتی در کشوری نظیر عربستان که امّ‌القرای جهان اسلام است و دولتمردان آن ادعای رهبری مسلمانان را دارند و حرمین‌شریفین در آن واقع است و سرزمین وحی و نزول امین‌وحی (جبرئیل) بر محمدامین (ص) است، پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرارمی‌دهد تا از آنجا به کشورهای اسلامی حمله شود، مطمئناً این گونه رفتارها، احساسات مسلمانان این کشور به ویژه نسل جوان را جریحه‌دار می‌سازد.[1] در حالی که فعالیت‌های سیاسی در این کشورها در قالب پارلمانی و احزاب و جمعیت‌های سیاسی ممنوع است. لاجرم رویکرد مردم معترض به سمت اسلحه و تبلیغ عملیات مسلحانه خواهد بود.[2] در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در زمان اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق، دولت عربستان جوانان کشورش را برای جنگ با نیروی شوروی و اخراج روس‌ها به افغانستان اعزام می‌کرد و به آنان آموزش می‌داد که برای رهایی افغانستان از اشغال غیرمسلمانان باید با آنها جنگید. در این حال، توده‌های مسلمان عرب وقتی ملاحظه می‌کنند که سرزمین وحی، محل استقرار دشمنان دیرین اسلام یعنی امپریالیسم آمریکا و انگلیس و حامی اسرائیل قرار گرفته طبیعی است که بعد از جنگ در افغانستان و اخراج روس‌ها، اسلحه خود را به طرف حکومت و دولتمردان کشورهای اسلامی که سرزمین وحی را پایگاه اجانب قرار داده‌اند، بگیرد. خوشبختانه در سال‌های اخیر حکومت عربستان در دادن امکانات و پایگاه به آمریکایی‌ها تجدید نظر کرده است و ملک عبدالله منافع اسلامی را بیشتر در نظر می‌گیرد. هنگامی‌که کویت توسط عراق به اشغال درآمد، برای جوانان مسلمان، اشغال سرزمین یک کشور اسلامی توسط دیگر کشور مسلمان ناپسند بود، ولی وقتی یک دولت اسلامی اجازه می‌دهد هواپیماهای نظامی آمریکایی و غرب از خاک آن کشور برخیزند و مسلمانان را به قتل برسانند، غیرقابل تحمل است و بی‌علت نیست که بعد از جنگ ۱۹۹۱

گروه‌های مسلح و حرکات مسلحانه در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بیش‌ازپیش ظهور کردند و به صورت یک جنبش اعتراضی در آمدند. پس از ۱۱ سپتامبر اعلام شد بین ۶۰ تا ۱۱۰ کویتی در پادگان‌های القاعده حضور دارند.[۳]

دومین علت در ظهور عملیات مسلحانه، وجود تبعیضات قومی و نژادی و دینی در برخی از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس است که موجب بروز مخالفت‌ها و در نهایت حرکات مسلحانه می‌شود. برای نمونه، در بحرین که اکثریت جمعیت آن را شیعه‌ها تشکیل می‌دهند ولی حکومت در اختیار اهل تسنن قرار دارد. بدین ترتیب، وقتی حقوق اکثریت شیعه مورد تضییع اقلیت سنی قرار می‌گیرد، طبیعی است که مبارزه سیاسی شروع می‌شود و اگر از طرف حکومت برخورد منطقی صورت نگیرد، حرکات مسلحانه به وجود می‌آید.[۴]

سومین علت مربوط می‌شود به بعد اقتصادی و تبعیض طبقاتی، اگر چه کشورهای‌عضو شورای همکاری کشورهای ثروتمندی هستند، ولی در برخی از این کشورها شکاف طبقاتی وجود دارد که موجب نبرد طبقاتی می‌شود و اگر درآمدها عادلانه توزیع نگردد و در کنار ثروتمندان، افراد تهیدست وجود داشته باشند، عملیات مسلحانه نیزشکل می‌گیرد.

عوامل فوق از جمله عوامل درونی کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس است که در ورای آنها علل بیرونی (بین‌المللی و منطقه‌ای) نیز به ظهور عملیات مسلحانه در سطح جهان کمک کرده است.

متأسفانه حکومت‌ها و دولت‌های عربی خلیج فارس به جای توجه به عوامل درونی، آن را فرافکنی می‌کنند و عامل ظهور پدیده فوق را در ورای مرزهای داخلی جست و جو می‌کنند و به آدرس‌های غلط روی می‌آورند مثلاً: آقای «دکتر نایف علی عبید» در کتاب **مجلس‌التعاون لدول الخلیج... من التعاون الی التکامل** می‌نویسد:

«موضوع امنیت داخلی، یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های کشورهای

همکاری خلیج است و به خصوص بعد از انقلاب اسلامی ایران که موجب بروز تنشهایی در این کشورها شد و شورش‌های اسلام‌گرایان اصولی بالا گرفت. برای نمونه، تلاش‌هایی که در دسامبر ۱۹۸۱ برای ایجاد انقلاب در بحرین به وقوع پیوست و نیز اعمال تروریستی و انفجارات در کویت و تلاش برای قتل امیر کویت درسال ۱۹۸۵ و آشوب‌های ایرانیان در مراسم حج در سال ۱۹۷۸».

اولین برخورد شورای همکاری با مسأله تروریسم در اجلاس هفتم[۵] سران صورت گرفت که ضمن محکوم کردن تروریسم اعلام داشتند: تروریسم هیچ گونه ربطی به اعراب ندارد و هرگونه ارتباط را اهانت به امت عرب دانستند. سپس در اجلاس پانزدهم،[۶] شورای عالی، اشکال مختلف تندروی و خشونت و رشد تروریسم را محکوم کرد و خواستار مقابله با این پدیده شد؛ پدیده‌ای که با روح اسلام مغایرت دارد و از علمای اسلامی خواست اسلام واقعی را که مبتنی بر صلح و دوستی و دور از اعمال خشونت‌آمیز است، برای مسلمانان تشریح و تبیین کنند.

در اجلاس شانزدهم،[۷] شورای عالی هرگونه اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی را محکوم کرد و آن را مغایر با اصول دین مبین اسلام اعلام کرد و از اقدامات کشور بحرین برای حفظ ثبات و امنیت حمایت کرد و اعمالی را که در شهر ریاض (عربستان) موجب قتل عده‌ای بی‌گناه شد و تعدادی زخمی برجای گذاشت، محکوم کردند. اعضای شورا اظهار داشتند اعمال هرج‌ومرج طلبانه و خرابکارانه در امنیت کشورهای شورا تأثیری نخواهد گذاشت و ثبات آنها را بر هم نخواهد زد.

سران شورا پشتیبانی خود را از اقداماتی که در سطح جهان عرب و در سطح بین‌المللی جهت مقابله با تروریسم و ریشه‌کن کردن آن انجام می‌پذیرد اعلام داشتند.

در اجلاس هفدهم[۸] سران، ضمن تقبیح تروریسم اعلام شد تروریسم

پدیده‌ای جهانی است و به ملت و منطقه خاصی محدود نمی‌شود و از جامعه بین‌المللی خواستند برای متوقف ساختن اعمال تروریستی اقدامات هماهنگ و گسترده‌ای انجام دهند.

شورای عالی، اعمال تروریستی در شهر خبر[۹] عربستان و بحرین[۱۰] را محکوم کردند و اعلام داشتند چنین اعمالی سبب تزلزل امنیت کشورهای عضو شورای همکاری نمی‌شود و از هر یک ازکشورهای عضو که در معرض اعمال تروریستی قرار بگیرند، حمایت کردند.

در اجلاس هیجدهم[۱۱] شورای عالی پدیده تروریسم را به عنوان یک پدیده جهانی در هر شکل آن محکوم کردند و آن را متعلق به منطقه‌ای خاص ندانستند و از اینکه برخی کشورها به عناصر تروریست به بهانه دفاع از حقوق بشر پناهندگی می‌دهند، اظهار تأسف کردند و خواستار پیمانی بین‌المللی برای مقابله با تروریسم شدند.

در اجلاس نوزدهم[۱۲] شورای عالی، انواع اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی راکه موجب به هم خوردن امنیت شهروندان می‌شود محکوم کرد و برای مقابله با آن همکاری امنیتی کشورهای عضو شورا را از ضروریات دانست و از کلیه کشورهایی که با کشورهای شورای همکاری ارتباط دارند، درخواست کرد از اعطای پناهندگی سیاسی به آنها امتناع بورزند و اجازه ندهند از این کشورها فعالیت‌های تروریستی هدایت شود.

شورای عالی بهترین روش مبارزه با تروریسم را انعقاد قرارداد بین‌المللی دانست که باید در چارچوب سازمان ملل متحد انجام پذیرد و شورای عالی‌از قراردادی که در چارچوب اتحادیه عرب در آوریل ۱۹۹۸ برای مبارزه با تروریسم به امضاء رسیده است حمایت کرد.

در اجلاس بیست‌ودوم[۱۳]، شورای عالی، ضمن محکومیت ۱۱ سپتامبر که در آمریکا به‌وقوع پیوست، افزایش افراطی‌گری و خشونت و تروریسم را که به یک پدیده جهانی تبدیل شده است، قطع نظر از انگیزه‌ها و پایه و اساس آن،

به عنوان یکی از عوامل هرج‌ومرج و هراس و کشتار مردم بی‌گناه محکوم کرد.

شورای عالی بر حمایتش از ائتلاف جهانی برای حذف تروریسم تحت نظر و رهبری ایالات متحده تأکید ورزید و بر کوشش‌های بین‌المللی برای برگزاری کنفرانس جهانی‌سران، جهت مشخص کردن اصول و استانداردهای بین‌المللی در مبارزه با تروریسم و عواقب آن تأکید کرد.

شورای عالی اعلام داشت: دین اسلام مبرا از چنین اعمالی است و با روح اسلام و اهداف و اعتقادات عالی آن مغایرت دارد.

در اجلاس بیست‌وسوم[۱۴] در رابطه با پدیده تروریسم، شورای عالی مجدداً تروریسم را در همه اشکالش محکوم کرد و در عین حال به طور مشخص و شفاف، میان تروریسم و حق مشروع مردم به منظور مبارزه و مقاومت علیه اشغال تفاوت قائل شد[۱۵] و بر تقویت و حمایت از کوشش‌های بین‌المللی در مبارزه با پدیده تروریسم و جلوگیری از وقوع عملیات تروریستی تأکید ورزید و اعلام داشت عوامل و انگیزه‌های تروریستی باید در چارچوب حقوق بین‌المللی که به تصویب سازمان ملل می‌رسد، مورد بررسی قرار گیرد.

و بالاخره در اجلاس بیست‌وششم[۱۶] سران کشورهای عضو PGCC از نتایج کنفرانس جهانی مقابله با تروریسم که در عربستان برگزار شد[۱۷] و پیشنهادهای ارائه شده به ویژه پیشنهاد خادم حرمین شریفین ملک‌عبدالله پادشاه سعودی در خصوص تأسیس مرکزی‌جهانی برای مبارزه با تروریسم استقبال کرد و کشته شدن افراد بی‌گناه و تخریب ساختمان‌ها را تقبیح نمود، ولی بر مقاومت تأکید ورزید.

در همین رابطه در روز دوشنبه ۲۰۰۶/۱۱/۱۳ (۸۵/۸/۲۲) بیست‌و پنجمین اجلاس وزرای داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در ابوظبی تشکیل شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اگر عربستان سعودی به پایگاه‌های نظامی غربی مُستقر در خاک خود اجازه مشارکت در حمله به عراق یا حتی استقرار بیشتر را بدهد، امنیت داخلی این آمادگی را پیدا می‌کند که با برخوردهای تروریستی و سطوح بی‌سابقه‌ای از نافرمانی‌های مدنی روبرو شود. (**گزیده تحولات جهان**، شماره ۱۲، نگاهی از درون به وضعیت امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس)

«از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر، خشونت داخلی در کشورهای منطقه به ویژه در عربستان سعودی و کویت بیشتر شده است. در نوامبر ۲۰۰۰، کویت اعلام داشت: یک گروه تخریبی ۱۶ نفره دستگیر شده‌اند. به گفته مقامات این کشور، گروه مذکور درصدد تخریب مرکز تجاری اسرائیل در کشور قطر بودند، و مقداری اسلحه و مواد منفجره نیز برای آسیب زدن به امنیت کویت در اختیار داشتند. به دنبال این دستگیری‌ها، در ماه ژوئن، گروهی تحت عنوان «گردان‌های ارتش محمّد» مقامات کویتی را تهدید کردند که به منافع آمریکا و اماکن حضور غربی‌ها در کویت حمله‌خواهند کرد». (التقاعلات الخلیجه، ۲۰۰۳ ـ ۲۰۰۱، فی التقریر الاستراتیجی الخلیجی، معتزسلامه)

روزنامه قطری الشرق در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ نوشت: ۶۷٪ قطری‌ها با حضور نظامی خارجی در خلیج فارس مخالفند ۱۴٪ موافقند.

روزنامه کویتی القبس در ۱۹ نوامبر ۲۰۰۲ اعلام کرد ۸۲٪ از مردم با عملیات نظامی علیه افغانستان مخالفند ۱۳٪ موافق. روزنامه‌اماراتی الخلیج نیز آمارهای مشابهی منتشر کرد.

۲. یکی از محققان کویتی، ریشه بروز نارضایتی در میان مردم کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را «بی‌اعتنایی قوه حاکمه به رشد نیروهای گوناگون اجتماعی و جریان‌های سیاسی مخالف با روش نیروی حاکم، اهمال در تأمین خواسته‌های شهروندان، اعتماد کردن حکمرانان به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و شک و تردید نسبت به شهروندانشان، عدم وجود راه‌های قانونی و فقدان سازمان‌های سیاسی و اجتماعی به منظور انتقال خواسته‌های مردم به نیروی حاکم» دانسته (شورای همکاری خلیج

فارس، علی اصغر قاسمی نراقی، ص ۱۰۶)
۳. التقاعلات الخلیجیه ۲۰۰۲ـ۲۰۰۱ فی‌التقریر الاستراتیجی الخلیجی، معتزسلامه
۴. در روز جمعه ۸۴/۳/۲۷ به دعوت دبیرخانه کنگره قانونی (متشکل از ۴ حزب سیاسی مخالف دولت بحرین) در شهر حمد (جنوب پایتخت) تظاهراتی در مخالفت با قانون جدید که در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید برپا شد. تظاهرکنندگان اعلام داشتند که درقانون جدید، حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان بحرین لحاظ نشده است، در حالی که در قانون اساسی سال ۱۹۷۳ حقوق شهروندان رعایت شده بود و در قانون جدید، تسلط دولت بر قوه قانونگذاری افزایش پیدا کرد. تظاهرات فوق، سومین تظاهرات در نوع خود بود که از فوریه ۲۰۰۵ برگزار شد. سازمان‌دهندگان تعداد تظاهرکنندگان را ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر اعلام کردند؛ ولی پلیس بحرین آنها را حدود ۴۵۰۰ نفر برآورد کرد.
بحرین ازسال ۲۰۰۲ به طور رسمی دارای پارلمان شد و بخشی از نمایندگان توسط دولت و بخشی توسط مردم برگزیده می‌شوند.
۵. نوامبر ۱۹۸۶، ابوظبی (امارات عربی متحده)
۶. دسامبر ۱۹۹۴، منامه (بحرین)
۷. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)
۸. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)
۹. در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ در قرارگاه آمریکا در ظهران (عربستان سعودی) براثر انفجار یک کامیون سوختی که در نزدیک دیوار برج‌ها پارک شده بود ۱۹ عضو نیروی هوایی آمریکا کشته شدند. قدرت انفجار، برابر نیروی ۲۰ هزار پوند تی‌ان‌تی(T.N.T) بود و بنابر ادعای وزارت دفاع آمریکا این انفجار بزرگترین انفجار غیراتمی تا زمان وقوع حادثه بود. و بعد از ۱۰ سال (دسامبر ۲۰۰۶) رویس لمبرت قاضی فدرال در واشنگتن رأی به محکومیت ایران به مبلغ ۲۶۰ میلیون دلار به ۱۷ تن از بازماندگان مقتولان داد. (پایگاه اینترنتی بازتاب)
۱۰. در ماه مارس ۱۹۹۶ برای یکی از تظاهرکنندگان شیعه که متهم به قتل یک پلیس هنگام درگیری بود، حکم اعدام صادر شد. صدور حکم مزبور موجب تحریک مردم بحرین و هجوم به مؤسسات دولتی گردید. به طوری‌که پلیس ضد شورش در ژوئن ۱۹۹۶ تظاهرات را سرکوب کرد و دولت بحرین اعلام داشت یک گروه مخالف و مسلح شیعه موسوم به حزب‌الله بحرین را کشف کرده و مسئولان امنیتی تعدادی از اعضای این سازمان را دستگیر و مقادیری اسلحه کشف کرده‌اند.

۱۱. دسامبر ۱۹۹۷، کویت
۱۲. دسامبر ۱۹۹۸، ابوظبی (امارات عربی متحده)
۱۳. دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)
۱۴. دسامبر ۲۰۰۲، منامه (قطر)
۱۵. در این اجلاس میان تروریسم و عملیات تروریستی و مشروعیت مبارزه مسلحانه تفاوت قائل شدند و مبارزه علیه اشغالگران را قانونی دانستند.
۱۶. نوامبر ۲۰۰۵، ابوظبی
۱۷. فوریه ۲۰۰۵، در ریاض

موضع شورای همکاری خلیج فارس در روابط با ایران

برای آشنایی با موضع شورای همکاری خلیج فارس در ارتباط با ایران لازم است در آغاز این فصل، به دیدگاه‌های شورا که در پایگاه اینترنتی شورا تحت عنوان «التعاون فی‌مجال السیاسة الخارجیه» و در قسمت «العلاقات مع ایران» آمده اشاره شود:

«اشغال جزایر سه گانه مُتعلّق به امارات توسط ایران از نوامبر ۱۹۷۱، عامل نگرانی عمیق شوراست و توسعه روابط کشورهای شورای همکاری با ایران را دچار مشکل می‌سازد.[۱] همان مواردی که در قطعنامه شورای عالی در سال ۱۹۸۷ ذکر شده،[۲] اساس و پایه‌های ثابت تعامل شورا با ایران است که عبارتند از: تأکید برحسن همجواری، عدم دخالت در امور داخلی، حل منازعات به طور مسالمت‌آمیز، رد سیاست‌های قهرآمیز، به طوری که شورای وزرای امورخارجه، بر انجام گفت‌وگوهای دوستانه و گسترش روابط متقابل و تبادل نظر مسئولان در سطوح گوناگون تأکید دارد. این مذاکرات، منجر به امضاء موافقت‌نامه‌های دوجانبه و یادداشت‌ها و پروتکل‌های تفاهم در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی شد. همان طور که در بیانیه‌های پایانی شورای عالی و شورای وزیران خارجه اعلام شده، شورای همکاری خواهان پاسخ ایران برای حلّ قضیه اشغال جزایر سه‌گانه از طریق مسالمت‌آمیز می‌باشد».

در مجموع، موضع شورا در ۲۵ سال اخیر یعنی از سال ۱۹۸۱ تاکنون را بر سه مقطع تاریخی می‌توان تقسیم کرد:

۱ـ از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان جنگ عراق و ایران که شورا به طور آشکار به حمایت از عراق برخاست و همواره از ایران می‌خواست قطعنامه‌های شورای امنیت را بپذیرد و به آن عمل کند، آتش‌بس را بپذیرد و جنگ را به پایان برساند. در طول جنگ ۸ ساله، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بیش از ۴۵ میلیارد دلار به طور مستقیم به عراق کمک کردند.

۲ـ در زمان اشغال کویت توسط عراق، شورای همکاری از مواضع گذشته خود در حمایت از بغداد نادم و پشیمان شد و برای تقویت روابط خود با ایران، به شدت ابراز علاقه کرد.

۳ـ بعد از اخراج عراق از کویت که موضوع سه جزیره[۳] توسط امارات مطرح شد، و بستر ظهور کدورت میان تهران و شورای همکاری خلیج را فراهم کرد.

موضعی که شورای همکاری در مورد قضیه جزایر سه‌گانه در پایگاه اینترنتی شورا تحت عنوان «مساندة قضیه الجزرالثلاث المُحتّله التابعه لدولة الامارات» اتخاذ کرده، چنین است:

«از سال ۱۹۹۲ که موضوع جزایر سه‌گانه مطرح شد (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) که تابع دولت امارات متحده عربی است. دیدگاه ثابتی از سوی شورای عالی شورای همکاری خلیج [فارس] و شورای وزیران مبنی بر حمایت و پشتیبانی شورای همکاری از موضع دولت امارات عربی متّحده در مورد جزایر سه گانه مطرح شد و از ایران خواسته شد به اشغال پایان بدهد، برای حل قضیه یا باید به طور مستقیم وارد مذاکره با دولت امارات در حول قضیه جزایر سه‌گانه بشود و یا مسأله به دادگاه بین‌المللی احاله شود. از اقدامات مهم شورای همکاری در این زمینه، اقدام اجلاس هفتاد ویکم شورای وزیران خارجه است که در ۳ جولای ۱۹۹۹ میلادی در شهر جدّه برگزار شد و

کمیته‌ای سه جانبه از وزرای خارجه عربستان سعودی، عمّان و قطر به اتفاق دبیرکل شورای همکاری برای مذاکره مستقیم با تهران تشکیل شد.

انتظار شورای همکاری این بود که ایران از این کمیته استقبال کند و به‌طور جدی برای حلّ قضیه جزایر سه‌گانه اقدام نماید. در حالی که ایران مذاکره را رد کرد.

در نتیجه شورای همکاری از نهادهای منطقه‌ای و جامعه جهانی درخواست می‌کند تا ایران را متقاعد کنند روش‌های مسالمت‌آمیز دولت امارات عربی متحده را برای حلّ قضیه بپذیرد».

با نظری اجمالی بر قطعنامه‌های صادره از اجلاس‌های سران در بند مربوط به ایران، می‌توان تا حدودی به دیدگاه‌های شورای همکاری نسبت به ایران پی برد.

در اجلاس هشتم[۴]، شورای عالی در مورد حادثه مکّه، ایران را مقصّر معرفی کرد و سران شورای همکاری، حملات موشکی را که موجب بر هم خوردن امنیت و ثبات در کویت شد و حمله به سفارتخانه‌های سعودی و کویت را محکوم کردند.

ولی در اجلاس یازدهم[۵] سران که بعد از اشغال کویت توسط عراق تشکیل شد، مواضع کشورهای عضو شورا تغییر پیدا کرد و خواستار روابط گرم و دوستانه با تهران شدند و تمایل خود را برای توسعه اقتصادی همه‌جانبه اعلام داشتند. قابل ذکر است چند ماه بعد از اشغال کویت توسط عراق، در حاشیه مجمع عمومی سالیانه سازمان ملل، در محل نمایندگی ایران در این سازمان، وزرای خارجه ۶ کشور عضو شورای همکاری با وزیرخارجه ایران ملاقات کردند.

مُشابه چنین موضعی نیز در اجلاس دوازدهم[۶] که درکویت برگزار شد اتخاذ گردید و در مقابل عراق موضع گرفتند. در این اجلاس، سران شورا بعد از توجه به گزارش شیخ خلیفه‌بن حمد آل ثانی امیر کشور قطر مبنی بر ادامه

تماس‌ها و روابط با جمهوری اسلامی ایران، مجدداً بر برقراری روابط حسنه تأکید کردند.

در اجلاس سیزدهم[۷] شورای همکاری، سر ناسازگاری با ایران را به بهانه اشغال سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک گذاشت و ایران را متهم به اشغال سه جزیره متهم کرد و از تهران خواست از نقض حاکمیّت و یکپارچگی خاک امارات متحده عربی خودداری کند. در این اجلاس، با استماع اظهارات شیخ زاید رئیس دولت امارات عربی متحده در رابطه با اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جزیره ابوموسی و ادامه اشغال جزایر تنب بزرگ و کوچک بحث و تبادل‌نظر درباره جزایر سه‌گانه آغاز شد.

در اجلاس چهاردهم[۸]، ضمن تکرار ادعاهای قبلی، از ایران خواسته شد مذاکره را بپذیرد و چون ایران خواستار مذاکره نیست، پرونده به دادگاه بین‌المللی ارجاع شد.

در اجلاس شانزدهم[۹]، شورای عالی با تکرار ادعاهای پیشین، اعلام شد چون ایران به دعوت‌های صادقانه و مکرر امارات عربی متّحده برای مذاکره و راه‌حل مسالمت‌آمیز پاسخ نداده است، ضمن ابراز تأسف، از ایران خواسته می‌شود با ارجاع مسأله به دادگاه بین‌المللی موافقت کند.

در اجلاس هفدهم[۱۰] سران از ایران خواستند کلیه تأسیسات را در جزیره ابوموسی برچیند و به دعوت‌های شورای همکاری و کشورهای عضو بیانیه دمشق و اتحادیه عرب و کنفرانس سران عرب برای حل مسالمت‌آمیز مسأله اشغال پاسخ مثبت بدهد و به اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی و حُسن همجواری احترام بگذارد.

در اجلاس هیجدهم[۱۱]، از اظهار علاقه آقای خاتمی ریاست جمهوری اسلامی ایران، جهت ملاقات با امیر امارات و اظهار خوشوقتی رئیس امارات برای ملاقات استقبال شد.

اجلاس نوزدهم[۱۲] از پیشنهاد مذاکره میان دو طرف منازعه که توسط

کوفی‌عنان مطرح شد، استقبال کرد و از دبیرکل سازمان ملل خواست به تلاش‌هایش ادامه دهد و از ایران خواست به پیشنهاد دبیرکل برای استقرار امنیت در منطقه پاسخ مثبت بدهد.

در اجلاس بیستم[۱۳]، کمیته‌ای ۳گانه از وزرای خارجه کشورهای عربستان سعودی، قطر و عمان به اضافه دبیرکل شورای همکاری تشکیل شد تا مقدمات مذاکره با ایران را در مورد ۳ جزیره فراهم کند.

در اجلاس بیست‌ویکم[۱۴]، شورای عالی موضعی شدید در قبال سه جزیره اتخاذ کرد و از اینکه ایران از مذاکره با کمیته سه‌گانه امتناع می‌ورزد سخت برآشفته شدند و اعلام کردند هیچ قدرتی غیر از قدرت و سلطه امارات قابل شناسایی و پذیرش نیست و این مسأله، شامل قدرت سرزمینی، آب‌های ساحلی و منطقه تجاری متعلّق به جزایر می‌باشد.

در اجلاس بیست و دوم[۱۵]، ضمن حمایت از ادعاهای امارات، ادعای ایران را بدون پایه حقوقی اعلام کردند و از ایران خواستند بپذیرد تا پرونده به دیوان بین‌المللی برود.

در اجلاس بیست‌وسوم[۱۶] اعلام شد با حل مسأله سه جزیره، روابط تهران با شورای همکاری خلیج گرم می‌شود.

در نهایت، در اجلاس بیست‌وششم[۱۷] (در آستانه بیست و پنجمین سالگرد تشکیل PGCC) ادعاهای مطرح شده در اجلاس‌های گذشته را تکرار کردند و با ابراز تأسف از عدم علاقه ایران به حل مسأله، بر اتخاذ راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای اعاده حق دولت امارات متحده عربی تأکید ورزیدند.[۱۸]

در حالی که هرکدام از ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس حتی امارات متحده عربی[۱۹]، روابط دوجانبه و حسنه‌ای با ایران دارند، هرگاه اجلاس سران تشکیل می‌شود، در قطعنامه پایانی اجلاس مسأله سه جزیره، کلیشه‌وار، به صورت ترجیع‌بند، در همه قطعنامه‌ها مطرح می‌شود. درحال حاضر، عمده‌ترین چالش شورای همکاری با ایران حول ۳محور زیر است:

۱ـ دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای

۲ـ جزایر سه‌گانه

۳ـ دخالت ایران در امور عراق

اکثر اظهارات العطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس بر سه محور فوق متمرکز است. در مورد سلاح هسته‌ای شورای همکاری معتقد است دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، علاوه بر آنکه تهدیدی برای امنیت خلیج فارس است، مانع خلع سلاح اسرائیل می‌شود و بهانه به دست آمریکا می‌دهد تا اسرائیل سلاح هسته‌ای داشته باشد.

اظهارات فوق با هر انگیزه‌ای که مطرح شود، نشانگر ساده‌اندیشی مطرح کنندگان آن است. حدّاقل، ماجرای لبنان و جنگ ۳۳ روزه که در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی به‌وقوع پیوست، باید به برادران عرب خلیج فارس ثابت کرده باشد که آمریکا کوچک‌ترین حرکتی در جهت تضعیف و کنترل اسرائیل برنمی‌دارد. متجاوز از یک ماه اسرائیل از زمین و هوا و حتی دریا، لبنان را زیر آتشبار گرفت و تمام زیرساخت‌های اقتصادی، تأسیسات صنعتی، پل‌ها، راه‌های ارتباطی و مناطق مسکونی لبنان را نابود کرد و هزاران عرب بی‌گناه و غیرنظامی اعم از زن و کودک و سالخوردگان را به خاک و خون کشاند و یا بی‌خانمان و آواره کرد تا آنجا که فواد سنیوره نخست‌وزیر وقت لبنان در اجلاس وزرای خارجه عرب در بیروت قادر نبود احساساتش را از شدت خشم و اندوه کنترل کند. ولی آمریکا افزون بر آنکه اعمال غیرانسانی اسرائیل راکه خروش و فریاد همه مردم دنیا و نهادهای بشردوستانه را درآورده بود، محکوم نکرد؛ بلکه آن را باعنوان دفاع از خود تأیید هم کرد. حال چگونه آمریکا رضایت خواهد داد تا زرادخانه اسرائیل کنترل و نابود شود. آمریکا وجود زرّادخانه هسته‌ای در اسرائیل راکه هنوز به NPT نپیوسته است، به بهانه دفاع از خود مشروع می‌داند و این درحالی است که ایران هنوز به بمب هسته‌ای دست نیافته و دستیابی به اهداف غیر صلح‌آمیز

و نظامی را اساساً خلاف شئونات و ارزش‌های اسلامی می‌داند. ولی اسرائیل، صاحب حداقل ۲۰۰ بمب اتمی است. رابرت جوزف معاون کنترل تسلیحات وزیرخارجه آمریکا در مصاحبه با لس‌آنجلس تایمز[20] ادعاکرد:

«ایران بدون سلاح هسته‌ای هم یک تهدید محسوب می‌شود و اگر سلاح هسته‌ای هم داشته باشد، منطقه را به آشوب خواهد کشاند.»

آقای جوزف با این دیدگاه در مه ۲۰۰۶ سفری به عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان یعنی ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس داشت. تردیدی وجود ندارد که معاون وزیرخارجه ایالات متحده، بدون هدف به این سفر دوره‌ای اقدام نکرده و هدف او القاء ترس و وحشت از فعالیت‌های هسته‌ای ایران درکشورهای عضو شورای همکاری بوده است.

۲ـ در مورد جزایر سه‌گانه در پی‌نوشت‌شماره۳مشروحاًتوضیح‌داده‌شد.

۳ـ سومین مسأله که موجب نگرانیِ دبیرکل و مقامات شورای همکاری خلیج فارس شد، دخالت ایران در امور عراق است.

دولتمردان شورای همکاری از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق نگرانند و این نگرانی به لحاظ دو مسأله است: الف ـ محدود شدن قدرت اهل تسنن در عراق و تشکیل دولتی شیعی. ب ـ امکان اینکه در کشورهای خلیج‌فارس شیعیان تحرکاتی از خود بروز دهند و یا قدرت را در اختیار بگیرند و سهم بیشتری را در توان قدرت و مشارکت در حاکمیت طلب کنند و این درحالی است که در این کشورها حکومت‌ها در اختیار اهل تسنن است. در کشوری نظیر بحرین که اکثریت آن را شیعه‌ها تشکیل می‌دهند، اگر حاکمیت در دست شیعه‌ها قرار بگیرد، توازن سیاسی حوزه خلیج فارس به هم خواهد خورد و چون احتمال می‌دهند که شیعه‌ها با ایران ارتباط فکری و یا تشکیلاتی داشته باشند، موازنه موجود به نفع تهران خواهد شد و ژئوپلیتیک منطقه تغییر می‌یابد.

در این ارتباط، در اجلاس «نقش ناتو در امنیت خلیج‌فارس» اظهارشد:

«توان نسبی ایران در منطقه پس از انحلال ارتش عراق افزایش یافته است. هرچند انتقادهایی از این ارتش در گذشته وجود داشت، اما این ارتش (ارتش بعثی عراق) توازن استراتژیک را در رویاروئی با گرایش‌های سلطه‌جویانه ایران در منطقه برقرار می‌کرد».[۲۱]

مقامات شورای همکاری ظاهراً به این موضوع توجّه ندارند که عامل قدرت گرفتن شیعه‌ها در عراق به دو علت بوده است:

۱ـ اکثریت جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که براساس اصول دمکراسی، اکثریت کرسی‌های پارلمان را می‌توانند در اختیار بگیرند و دولت تشکیل بدهند.

۲ـ شیعه‌ها به علت عملکرد نادرست و تبعیض‌آمیز رژیم بعثی با آنها، در سقوط صدام با آمریکایی‌ها همکاری کردند. اگر چه این همکاری از بعد استراتژیک قابل توجیه نیست، ولی به هرحال جبر شرایط، این همکاری را به آنها تحمیل کرد و آمریکایی‌ها هم از این موضوع سود جستند. به نظر می‌رسد، راه‌حّل منطقی و اصولی که آقای دبیرکل باید به دولتمردان کشورهای ساحلی توصیه کند، این است که اوّلاً واقعیت‌ها را بپذیرند و ثانیاً مشکلات رفاهی و معیشتی شیعه‌ها را مانند سایر اقشار اجتماعی برطرف کنند و آنها را براساس آمار جمعیتی و معیارهای متداول در حاکمیت سهیم کنند.[۲۲] ناگفته نماند العطیه در آستانه تشکیل اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو شورا در دسامبر ۲۰۰۵ در ابوظبی[۲۳] درجمع خبرنگاران گفت:

«دیدگاه شورا نسبت به جمهوری اسلامی ایران مثبت است و شورا خواهان تقویت مناسبات با تهران است.»[۲۴]

بعد از انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۵ مرکز تحقیقات خلیج (GRC)[۲۵] با همکاری دانشگاه دورهام[۲۶] (انگلستان) کارگاهی[۲۷] با عنوان Current conditions & Future

Prospects of GCC-Iran relations in wake of Iran's Presidential Elections. در روزهای ۲۸ و ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۵ در هتل میلنیوم[۲۸] شارجه برگزار کرد. در مراسم افتتاحیه عبدالعزیز اوسجر[۲۹] مدیر مرکز تحقیقات خلیج [فارس] در سخنرانیش اعلام داشت:

«نیازی به گفتن نیست که تحکیم روابط میان دولت‌های GCC و ایران به خاطر مسائل فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی برای هر دو طرف حائز اهمیت فراوان است. از دهه ۱۹۷۰ روابط دو طرف، فراز و نشیبهایی داشته است که عمدتاً از بعضی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر پذیرفته است. مضافاً اینکه تعدادی حوادث داخلی در هر دو طرف به‌ویژه در ایران رخ نموده است... هدف نهایی از این کارگاه؛ ارائه نظرات برای تقویت امنیت و ثبات منطقه‌ای است که تاکنون بیشترین سهم را در بروز جنگ‌های منطقه‌ای و درگیری‌های ویرانگر داشته است.

روابط میان دولت‌های عضو GCC و ایران در ابعاد امنیتی، اقتصادی[۳۰] و سیاسی[۳۱]، از نمودهای متفاوتی برخوردار است. ما این روابط را در سایه تحوّلات مهم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم که در میان آنها انتخابات ریاست جمهوری ـ که اخیراً در ایران برگزار شد ـ از دید بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان موجب چرخش در سیاست داخلی و خارجی ایران شده است که یکی از آن تحولات با اهمیت است.

ما قادر نخواهیم بود به روابط دولت‌های GCC با ایران بپردازیم، بدون آنکه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را در نظر بگیریم. از جمله: روابط واشنگتن و تهران و درگیری موجود بر سر برنامه‌های هسته‌ای ایران و وضعیت عراق و سایر موضوعات.

موضوعات حیاتی دیگر نظیر: قیمت نفت از عوامل ضروری برای تقویت ثبات سیاسی و امنیتی در منطقه و دیگر جنبه‌های حیاتی در روابط میان ایران و دولت‌های GCC است... ما نمی‌توانیم درباره ثبات در منطقه صحبت کنیم،

بدون در نظر گرفتن ایران. زیرا ایران یک بازیگر مهم در منطقه خلیج است».[۳۲]

درهمین رابطه در پایگاه اینترنتی مرکز تحقیقات[۳۳] خلیج [فارس] یادآور شد:

«با سقوط رژیم عراق به عنوان یک قدرت امنیتی در منطقه و همزمان با وضعیت نامشخص توانمندی هسته‌ای ایران، فضای جدیدی در روابط GCC با ایران گشوده شده است که باید در پرتو روابط دوستانه و همکاری منطقه‌ای مشخص شود.

ایران می‌تواند در طرح جدید امنیتی و ساختار اقتصادی خلیج [فارس] حضور فعال داشته باشد و در گفت و گوهای مربوط به روابط کلیدی مشارکت فکری نماید. مرکز تحقیقات خلیج [فارس] امیدوار است در ارتباط با چشم‌انداز و دورنمای روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] آگاهی را افزایش دهد و آماده‌سازی ذهنی فراهم سازد».

بدین ترتیب، شورای همکاری خلیج فارس، برخوردی دوگانه و همراه با تردید و دو دلی در مقابل تهران در پیش گرفته است. و به اصطلاح، هم به میخ می‌کوبد و هم به نعل و یا دست پیش می‌گذارد و پا پس می‌کشد. این مواضع دوگانه ناشی از عوامل زیر است:

۱ـ شورای همکاری علاقه‌مند است در کنار ایران باشد و وارد چالش‌های جدّی با ایران نشود تا امنیت منطقه به هم نخورد. ولی ظاهراً به اهداف ایران اطمینان و اعتماد ندارد. ایران را یک کشور توسعه‌طلب و شیعی ارزیابی می‌کند[۳۴] که در فکر توسعه هلال شیعی است[۳۵] و می‌خواهد بر کشورهای منطقه تسلّط داشته باشد. تحریکات برخی دولت‌های منطقه و قدرت‌های فرامنطقه و حتی اظهارات و برخی عملکردهای ناصواب تهران براین سوء تفاهم‌ها می‌افزاید. از جمله تحریکات قدرت‌های فرا منطقه‌ای اینکه در حاشیه اجلاس شصت و یکم مجمع عمومی سازمان ملل که در نیویورک

تشکیل شد، وزرای خارجه کشورهای عضو PGCC به اتفاق دبیرکل شورای همکاری با خانم رایس دیدار کردند و در پی آن، خانم رایس سفری به منطقه داشت و ضمن ملاقات با مقامات عربستان سعودی در قاهره، با وزرای خارجه مصر و اردن و وزرای خارجه ۶ کشور عضو شورای همکاری و دبیرکل شورا نیز دیدار داشت و یکی از محورهای اصلی مذاکره درخصوص ایران بود.

بنابر این پیشینه، مطمئناً مذاکراتی که در آن خانم رایس حضور داشته باشد، بدون جبهه‌گیری و فضاسازی علیه ایران نخواهد بود.

۲ـ اگر چه مالکیت جزایر سه‌گانه طبق اسناد تاریخی برای صاحب‌نظران بی‌غرض و ایرانی‌ها موضوعی حل شده است و ایران آن را حقّ مسلم خود می‌داند، ولی به همان اندازه نیز دولتمردان امارات آن را حق خود فرض می‌کنند.[۳۶] این موضوع، همواره بر تصمیمات شورای همکاری سایه می‌اندازد و در سال‌های اخیر در کلیه قطعنامه‌ها و اجلاس‌های سران و وزرای خارجه منعکس شده است.

انگلیسی‌ها بحرین را از ایران جدا کردند و این سه جزیره را در اختیار ایران گذاشتند و پرچم شارجه را بر بخشی کوچک از جزیره ابوموسی برافراشتند و تخم کین کاشتند تا در سال‌های بعد، چشم برادران اماراتی همواره به این سه جزیره دوخته باشد و آن را حق خود بدانند.

در جلسه پایانی اجلاس «ناتو و خاورمیانه بزرگ‌تر» که در ماه نوامبر ۲۰۰۵ در قطر برگزار شد، عبدالرحمن العطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس موضوع مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی را یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس خواند.[۳۷]

به هر حال، امید است با درایت و دوراندیشی که دو طرف از خود بروز می‌دهند، در آینده شاهد گرمی روابط و افزایش دوستی و همکاری و حل مسائل و ابهامات باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. از نظر نگارنده روابط دچار مشکل اساسی نشد تقریباً همه کشورهای عضو شورای همکاری، به طور جداگانه، روابط گرم و صمیمانه‌ای با ایران دارند. در این رابطه می‌توان به مطالب زیر توجّه کرد:

نقطه عطف توسعه روابط کشورهای عضو شورای همکاری با ایران در قضیه اعلام تحریم اقتصادی دولت کلینتون علیه ایران و درخواست از کلیه کشورهای جهان برای پیروی از این سیاست، آشکار شد. اکثر کشورهای عضو شورای همکاری با عمل و یا با اعلان رسمی، مخالفت خود را با سیاست آمریکا ابراز داشتند. انعقاد قراردادهای متعدد بین چند کشور مزبور از جمله قطر و کویت با جمهوری اسلامی ایران بعد از اجرای سیاست تحریم اقتصادی توسط کشورهایی که به تبعیت از سیاست‌های آمریکا در منطقه شهرت داشتند، مایه سرافکندگی دولت آمریکا شده است. در این رابطه، یوسف‌بن علوی وزیر مشاور در امور خارجی عمان در تیر ماه ۱۳۷۴ اظهار داشت: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قصد ندارند از تحریم سرمایه‌گذاری و تجارت آمریکا علیه ایران پیروی کنند. وی گفت: آمریکا از کشورهای عرب خلیج فارس که دارای روابط حسنه با واشنگتن هستند نباید انتظار داشته باشد که از تحریم تجاری آمریکا علیه ایران پیروی کنند زیرا ایران همسایه ماست و کشورهای خلیج فارس دارای منافعی هستند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و به نظر نمی‌رسد پیروی از کلینتون به نفع ما باشد. (سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی شورای همکاری خلیج فارس بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، رضا پاکدامن، بهمن ۱۳۷۵، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه)

با وجود فشارها و رایزنی‌های گسترده آمریکا، کشورهای عربی خلیج فارس نیز با درخواست آمریکا برای قطع روابط مالی و بانکی با ایران موافقت نکردند. (روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۸۵/۶/۲۸)

امارات بزرگترین شریک تجاری ایران در ۸ سال گذشته بود. صادرات ایران به امارات در ۱۰ سال اخیر با میانگین رشد ۲۷/۸٪ همواره روند صعودی داشت و از ۴۴۴

میلیون دلار در سال ۷۹ به ۲ میلیارد و ۷۵ میلیون دلار در سال ۸۳ رسید. میانگین رشد واردات ایران از امارات در ۱۰ سال گذشته به ۳۷/۹٪ رسید و در ۵ ماهه نخست سال (۱۳۸۵) بالغ بر ۳/۹ میلیارد دلار شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۸٪ رشد داشت (اطلاعات، پنج‌شنبه ۸۵/۷/۱۳)

ایران و قطر ۶ سند همکاری در زمینه‌های گمرکی، خدمات هوایی، رادیو و تلویزیون و گردشگری درحضور رئیس‌جمهور ایران و امیر قطر به امضاء رساندند. (کیهان، چهارشنبه ۸۵/۲/۱۳)

۲. در قطعنامه اجلاس هشتم درسال ۱۹۸۷ بیان شد.

۳. در سال ۱۹۰۳ میلادی دولت هند و بریتانیا بر پایه سیاست‌های استعماری، شیوخ شارجه را که فاقد سرزمین بودند وادار کردند پرچم قبیله خود را بر جزایر برافرازند. در آن زمان، ایران به عنوان نقض حاکمیت ارضی کشورش در مقام اعتراض برآمد و در اثر پی‌گیری‌های ایران و استمرار اعتراضات، دولت بریتانیا مجبور شد در سال ۱۹۷۰ و هنگام تخلیه خلیج فارس با دولت ایران وارد مذاکره شود. مقام انگلیسی که با ایران وارد مذاکره شد، «سرویلیام لوس» بود و بعد از ماه‌ها مذاکره، تفاهم‌نامه‌ای در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه و تحت سرپرستی وزارت خارجه و مشترک‌المنافع پادشاهی بریتانیا منعقد شد که براساس آن، ۲ جزیره تنب بزرگ و کوچک به طور کامل به ایران واگذار شد و در مورد جزیره ابوموسی «حاکمیت» مشترک ایرانی ـ شارجه‌ای اعمال گردید.

از ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ جزایر مزبور به ایران بازگردانده شدند و نیروهای ایرانی مورد استقبال برادر حاکم شارجه قرار گرفتند. این توافق در شرایطی به امضاء رسید که سرزمین امارات، تحت‌الحمایه بریتانیا قرار داشت و پادشاهی بریتانیا مسئولیت روابط خارجی و دفاعی سرزمین امارات را بر عهده داشت و چند روز بعد در ۲ دسامبر ۱۹۷۱ امارات متحده عربی تأسیس شد. در جلسه ۹ دسامبر ۱۹۷۱ نماینده دائمی پادشاهی انگلستان در شورای امنیت سازمان ملل، توافق مزبور را در راستای استقرار صلح و امنیت در منطقه ارزیابی کرد.

البته در همان زمان، بریتانیای کبیر براساس استراتژی استعماری، با فتنه‌انگیزی از یک‌سو بحرین را که جزء لاینفک ایران بود از ایران جدا و تبدیل به کشوری مستقل کرد، که با اعتراض رجال ملّی ایران روبرو شد و مرحوم داریوش فروهر به دلیل اعتراض به موافقت شاه با جدا شدن بحرین از ایران، راهی زندان شد و از طرف دیگر، حاکمیت جزیره استراتژیک ابوموسی را که حدود یکصد مایل با تنگه هرمز فاصله دارد

و در میانه خلیج فارس واقع است و فاصله‌های نسبتاً برابر با دو کرانه ایرانی و اماراتی دارد، مشترکاً به ایران و شارجه سپرد تا همواره عاملی برای تحریک و ایجاد تنش وجود داشته باشد، دقیقاً همان سیاستی که انگلستان در دیگر نقاط جهان نیز اِعمال کرده است. مطمئناً انگلیسی‌ها هرگز به منافع ملّی ایرانیان و حتّی اعراب امارات متّحده عربی نمی‌اندیشیدند و آنچه را که موجب حفظ منافع استعماری بریتانیا بود دیکته می‌کردند مثلاً:

در ۲۳ ژوئن ۱۹۶۵ شیخ شاکر سلطان القاسمی امیر وقت شارجه معزول و راهی کویت شد. انگلیسی‌ها اعلام داشتند عزل نامبرده بر اثر اختلافات خانوادگی صورت گرفته است، ولی شیخ شاکر در مصاحبه‌ای اظهار داشت «عزل او نه به خاطر اختلافات خانوادگی، بلکه به دلیل مخالفت او با سیاست‌های انگلیس بروز کرده است و این اختلاف موجب عزل او شده است و علّت اختلاف او با لندن به این دلیل بود که بعد از ورود «حسبونه» دبیرکل اتحادیه عرب به شارجه، انگلیسی‌ها از شیخ شاکر خواستند کمک اتحادیه عرب را نپذیرد، در حالی که شیخ شاکر به نظر انگلیسی‌ها توجه نکرد. (روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۸ تیر ۱۳۴۴)

شیخ زاید که از ۱۳ دسامبر ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۴ (زمان فوت) به مدت ۳۳ سال حکومت امارات متحده عربی را در اختیار داشت، همواره تلاش می‌کرد دامنه حکومت امارات را افزایش دهد به طوری که در ابتدا حکومت امارات از امیرنشین‌های ابوظبی، دوبی، فُجیره، شارجه، عجمان و ام‌القوین تشکیل شد و بعد از مُدّتی رأس الخیمه نیز بدان پیوست. شیخ زاید بسیار راغب بود که بحرین را نیز به این‌جمع مُلحق کند که مورد مخالفت ایران قرار گرفت و سپس ادّعای الحاق ابوموسی و بعد از مُلحق شدن رأس‌الخیمه، مُدعی پیوستن تُنب بزرگ و کوچک شد که با مخالفت ایران روبرو شد.

صدام از سال ۱۹۷۱ به بعد، پیوسته حاکمان امارات متحده عربی را مورد ملامت قرار می‌داد که چرا پذیرفتند جزایر عربی ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در اختیار کشور غیرعربی (عجم) ایران قرار گیرد و آنها را تحریک می‌کرد که با پیروی از پان‌عربیسم و ناسیونالیسم عربی برای بازگرداندن جزایر مزبور اقدام کنند و آن را نشانه خفت شیخ زاید می‌دانست تا اینکه در سال ۱۹۷۵ صدام حسین در الجزایر با شاه ایران دست داد و روبوسی کرد و بیانیه الجزایر را امضاء نمود که مفاد آن مخالف با شعارهای پان‌عربیسمی و ناسیونالیسم عربی صدام و حزب بعث عراق بود. حاکمان امارات که چند سالی ملامت‌های رژیم عراق را تحمّل کرده بودند، به انتقاد از صدام پرداختند و صدام هم به توجیه پرداخت و پاسخ داد چاره‌ای نداشتم و از روی لاعلاجی بیانیه

الجزایر را پذیرفتم! انتقادها و سرزنش‌های اعراب از صدام تبدیل به یک عُقده حقارت برای او شد و به دنبال فرصتی بود تا پهلوانی خود را در عرصه ناسیونالیسم عربی ثابت کند! بعد از اخراج شاه و انقلاب اسلامی ایران، این توّهم برای صدام به وجود آمد تا عُقده‌گشایی کند و آشفتگی‌های آغاز انقلاب را فرصتی برای رهایی خود از بیانیه الجزایر تشخیص داد و در صفحه تلویزیون ظاهر شد و جسورانه با پاره کردن بیانیه جنگ را آغاز کرد. یکی از عللی که در آغاز جنگ، امارات از مخالفان حمله عراق به ایران بود و به اتفاق سلطان‌نشین عمان در جناح طرفدار ایران قرار داشت، مربوط به اختلافاتی بود که قبل از انقلاب بین عراق و امارات ایجاد شده بود. البته بعد از تشکیل شورای همکاری در سال ۱۹۸۱ استراتژی شورا بر همراهی و همکاری با عراق شکل گرفت و امارات کمک‌های فراوان به عراق کرد.

«در اواخر سال ۱۹۹۱ میلادی یک قایق مسلح با سرنشینان هُلندی توسط نیروهای ایرانی در آب‌های جزیره ابوموسی توقیف شد. در این قایق ۷۷ نقشه وجود داشت که حدود فعالیت‌های جاسوسی را از تنگه هرمز تا جزیره خارک نشان می‌داد. قایق توقیف شده که با صرف بیش از ۶۰ میلیون دلار به تجهیزاتی همچون تیربار، دستگاه بی‌سیم، اسلحه و لباس غواصی مجهز شده بود (که یک فرد ساکن جزیره با یک توریست نمی‌تواند به همراه داشته باشد) و به دنبال آن تا سال ۱۹۹۲ چند قایق جاسوسی دیگر در حوالی ابوموسی توقیف شدند. در ماه مارس ۱۹۹۲ سه قایق تندرو از شارجه به سمت آب‌های جزیره ابوموسی به حرکت درآمدند. سرنشینان این قایق‌ها ۱۳ نفر بودند که به آب‌های ساحلی ایران نفوذ کردند تا بندرعباس را تحت شناسایی قرار دهند. از درون این قایق‌ها اسنادی به دست آمد که نشان می‌داد سرنشینان آن وابسته به یکی از سرویس‌های امنیتی غرب هستند و مأموریت حمله به سه کشتی کره‌شمالی را داشتند. در پی تکرار این حوادث رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۷۰ از جزیره ابوموسی دیدار کرد و دولت ایران تصمیم گرفت کلیه افراد ساکن جزیره را شناسایی و برای آنها کارت شناسایی صادر کند. از این پس فقط اتباع ایرانی و اتباع شارجه که مقیم جزیره بودند، حق ورود و خروج به جزیره را داشتند و دیگران می‌بایست برای ورود به جزیره، جوازهای امنیتی دریافت کنند.

در فروردین ۱۳۷۱ یک گروه از اتباع غیر شارجه‌ای شامل کارگران و تکنسین‌های پاکستانی، هندی، فیلیپینی و اتباع غیر اماراتی مصری‌تبار و آموزگاران عرب که فاقد مجوز ورود به جزیره ابوموسی بودند، عازم این جزیره شدند... این مسأله سرآغاز جنجال فروردین ماه ۱۳۷۱ در مورد جزیره ابوموسی شد.

شهریور ۱۳۷۱، کشتی «خاطر» حامل ۱۰۴ نفر از اتباع امارات، مصر، هند، پاکستان و بنگلادش که اکثر آنان فاقد مجوّز بودند، عازم جزیره ابوموسی شد. کشتی مزبور پس از عدم موافقت مسئولان جزیره با پیاده شدن مسافران، به بنادر امارات بازگشت و این آغاز تبلیغات مستمر و سوءاستفاده علیه جمهوری اسلامی ایران بود. چرا که در بندر خالد شارجه تعداد زیادی خبرنگار و فیلمبردار برای ارسال پیام‌های خود روی آنتن‌های بین‌المللی در انتظار به سر می‌بردند» (شورای همکاری خلیج فارس، علی اصغر قاسمی نراقی، ص ۱۴۴)

در تحلیل کارشناسان منطقه، در شکل‌گیری بحران جزایر سه‌گانه در سال ۱۹۹۲ و گسترش آن تاکنون، سه دسته عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت دارند. از جمله عوامل داخلی می‌توان به مشکلات داخلی امارات متحده عربی اشاره کرد. مشکلاتی که از سال ۱۹۷۱ تاکنون تا مرز انحلال وجود داشته و وجود یک دشمن خارجی مشترک در جهت حفظ یکپارچگی لازم می‌دانند.

از جمله عوامل بین‌المللی باید به نقش آمریکا و انگلستان اشاره کرد که هم می‌خواهند بین ایران و کشورهای عربی خلیج فارس تعارضی وجود داشته باشد و هم زمینه تداوم حضور نظامی بیگانگان در منطقه فراهم شود و از عوامل منطقه به نقش کشورهایی چون عربستان و مصر در شکل‌گیری و تداوم بحران جزایر سه‌گانه اشاره می‌کنند (گزیده تحولات جهان، شماره ۲۶، ص ۸۰)

«با وجود این، طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ که به واسطه سیاست تنش‌زدایی، روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی بهبود یافت، از مواضع خصمانه شورای همکاری نسبت به ایران به طور محسوسی کاسته شد. (همان مأخذ، ص ۸۱)

تحولات نظام بین‌الملل و موج مبارزه علیه تروریسم که پس از سال ۲۰۰۱ در دنیا شکل گرفته، بر مناسبات ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز سایه افکنده است. امروزه کشورهایی چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان، بحرین و تا حدودی قطر و کویت به شدت با چالش‌های جدید نظام بین‌الملل مواجه شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که حتی اساس رژیم سیاسی‌شان نیز با خطر مواجه شده است. از زمانی که بحث طرح خاورمیانه بزرگ و دموکراتیزه کردن کشورهای خاورمیانه مطرح شده است، شورای همکاری خلیج فارس بی‌میل نیست که با دشمن‌تراشی‌های جدید به طور موقت پیکان مخالفت‌ها را منحرف کند» (همان مأخذ)

۴. دسامبر ۱۹۸۷، ریاض (عربستان سعودی)

۵. دسامبر ۱۹۹۰، دوحه (قطر)
۶. دسامبر ۱۹۹۱، کویت
۷. دسامبر ۱۹۹۲، ابوظبی (امارات عربی متحده)
۸. دسامبر ۱۹۹۳، ریاض (عربستان سعودی)
۹. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)
۱۰. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)
۱۱. دسامبر ۱۹۹۷، کویت
۱۲. دسامبر ۱۹۹۸، ابوظبی (امارات عربی متحده)
۱۳. نوامبر ۱۹۹۹، ریاض (عربستان سعودی)
۱۴. دسامبر ۲۰۰۰، منامه (بحرین)
۱۵. دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)
۱۶. دسامبر ۲۰۰۲، منامه (بحرین)
۱۷. دسامبر ۲۰۰۵، ابوظبی (امارات عربی متحده)
۱۸. دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت و گو با رادیو آمریکا اظهار داشت: درسال ۱۹۹۶ در دوحه (قطر) با وساطت و میانجیگری قطر مذاکراتی صورت گرفت و نمایندگان ایران و امارات، مذاکرات مستقیم را شروع کردند. در حالی که در جلسه دوم نمایندگان ایران در اتاق مذاکره حاضر بودند، نمایندگان امارات در بیرون اتاق با خبرنگاران مصاحبه می‌کردند و می‌گفتند مذاکرات شکست می‌خورد. (روزنامه خراسان، ۷۸/۹/۸)
۱۹. $\frac{۱}{۴}$ شهروندان امارات ریشه ایرانی دارند و طی جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ دوبی به مرکز حیاتی انتقال کالاها و ملزومات به ایران تبدیل شد و بیش از ۳۰٪ معاملات خرید و فروش اماکن تجاری و مسکونی و ساخت و ساز در دوبی توسط ایرانیان صورت می‌گیرد. (روابط ایران با کشورهای عربی خلیج‌فارس، چشم‌انداز آینده، محمدحسین حافظیان)

20. Los Angles Times

۲۱. خبرگزاری مهر
۲۲. ناآرامی‌های بحرین از ماه اوت ۱۹۹۴ شروع شد نارضایتی بعضی از بیکاران بحرینی که بخش اعظم آنها از دهات شیعه‌نشین بودند بعد از مدتی، به صورت تظاهرات خشونت‌آمیز حمله به دفاتر وزارت کار بحرین بروز کرد. این اقدام موجب درگیری تظاهرکنندگان با نیروهای پلیس بحرین شد. اوایل ماه دسامبر ۱۹۹۴ تظاهرکنندگان درپیِ دستگیری شیخ علی سلمان که به‌دلیل مسائل سیاسی و امنیتی دستگیر شده بود با

پلیس درگیر شدند. شیخ علی سلمان عریضه‌ای را منتشر ساخت که هزاران بحرینی آن را امضاء کردند و در آن خواستار تشکیل مجدد مجلس (پارلمان) منحل شده در سال ۱۹۷۵ و اجرای قانون اساسی شدند. مقامات بحرینی، سیاست زندان و تبعید را در مورد فعالان شیعه از جمله شیخ علی سلمان، شیخ حمزه دیری و شیخ حیدر ستری در پیش گرفتند. اتهام آنها تحریک و تشویق اقدامات خرابکارانه و به راه انداختن ناآرامی و تظاهرات اعلام شده است.

این وقایع به شکل مقطعی به مدت ۵ ماه ادامه یافت. در ۲۵ سپتامبر، اقدامات حکومت علیه مخالفان شکل خشن‌تری به خود گرفت. هنگامی که شیخ عبدالامیرالجمری دستگیر شد، اعمال خشونت‌بار، تظاهرات و درگیری و خرابکاری به‌گونه‌ای افزایش یافت که قربانیان این حوادث، از میان غیرنظامیان و پلیس به ۱۳ نفر رسید و بر اثر این واقعه، اقدامات وزارت کشور افزایش یافت و احکامی علیه ۸ بحرینی شامل اعدام و زندان صادر شد.

به اعتقاد بسیاری از ناراضیان بحرینی، طراح عملیات شکنجه، ضرب و شتم و تبعید مخالفان این رژیم، «یان هندرسون»، سرهنگ انگلیسی است که ریاست امور امنیتی و پلیس بحرین را بر عهده دارد. به نوشته روزنامه ساندی تایمز، هندرسون ۶۷ ساله به دلایل امنیتی در مقابل دوربین ظاهر نمی‌شود و همیشه در اختفا مانده است. او که قبلاً در مُستعمرات آفریقایی انگلستان سابقه شکنجه و سرکوب قبایل آفریقایی را داشته در سال ۱۹۹۶ از سوی دولت بریتانیا به سمت مسئول خدمات امنیتی و اطلاعاتی بحرین منصوب شد. (عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس، ص۱۱۴، محمد علی امامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی)

شیخ عبدالامیر الجمری در سال ۱۹۶۹ وارد حوزه علمیه نجف شد و در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان نماینده وارد اولین پارلمان بحرین شد و پس از انحلال پارلمان به‌عنوان قاضی در دادگاه مشغول به کارشد. در سال ۱۹۹۶ دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم گردید و با قدرت یافتن شیخ حمدبن عیسی در سال ۱۹۹۹ آزاد شد و تا سال ۲۰۰۱ در بازداشت خانگی به سر برد. وی در آوریل ۲۰۰۲ سکته کرد و در دسامبر ۲۰۰۶ (آذر ۱۳۸۵) در ۶۹ سالگی از دنیا رفت.

در اینجا لازم است تذکری خیرخواهانه به مقامات محترم جمهوری اسلامی داده شود، مبنی بر اینکه هموطنان اهل تسنن را که بالغ بر چند میلیون نفرند، در مدیریت کشور و استان‌های سنی نشین مشارکت بیشتر دهند و به مطالبات قانونی و مشروع آنان توجه کنند.

۲۳. اجلاس نود و نهم
۲۴. روزنامه اطلاعات ۱۳۸۴/۹/۲۷
۲۵. مرکز الخلیج للابحاث Gulf Research Center

26. Durham

27. Workshop

28. Millennium

29. Abdulazizo. Sager

۳۰. یکی از نمودهای همکاری اقتصادی میان دو طرف، هماهنگی دوجانبه تهران، ریاض برای کاهش تولید نفت و افزایش قیمت آن درسال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بود که باعث شد کسری بودجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تا ۲۰٪ کاهش یابد. (مولف)

۳۱. سیاست خارجی انعطاف‌پذیر، با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی شروع شده و تأکید آن روی عربستان بوده است. چرا که ایشان معتقد بود کلید روابط ایران با کشورهای خلیج فارس در دست این کشور است. اتخاذ این سیاست باز در برابر اعراب و منطقه خلیج فارس، تأثیر مثبتی به همراه داشت. (آینده امنیت خلیج فارس، محمود محمد فرج زین، عضو شورای امور خارجی مصر، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، ۱۰ اسفند ۱۳۸۳، ج دوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی)

«بهبود روابط ایران با عربستان سعودی که چندین سال در جریان بود، به توافق مشترک امنیتی در آوریل ۲۰۰۱ انجامید که در حال حاضر به چاره‌جویی برای مذاکره جهت پذیرش تعهدات بیشتر تبدیل شده است. (سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، جاناتان گرین ولد، معاون مؤسسه مطالعات بحران‌های بین‌المللی بلژیک، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، بهمن ۱۳۸۲)

«موافقت نامه امنیتی میان عربستان سعودی و ایران، حین دیدار امیر نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان از تهران در ماه آوریل به امضا رسید». (التفاعلات الخلیجیه ۲۰۰۱ـ۲۰۰۲ فی: التقریر الاستراتیجی الخلیجی، معتزسلامه)

32. www.grc.ae

۳۳. مرکز خلیج للابحاث Gulf Research center

۳۴. در پایگاه اینترنتی مرکز الخلیج للابحاث تحت عنوان Gcc relation with Iran نوشته شد: «با ظهور خاندان پهلوی در آغاز قرن بیست و یکم میلادی و رشد ناسیونالیسم در ایران، روابط ایران و کشورهای عربی خلیج‌فارس تیره شد و بعد از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران درسال ۱۹۷۹ که برای اولین بار جمهوری اسلامی در ایران مستقر شد، با رشد و بسیج تفکر شیعی در جهت همان اهداف قبلی گام برداشت».

۳۵. این موضوع را در سال‌های اخیر ملک عبدالله دوم پادشاه اردن مطرح کرد.

۳۶. کادر رهبری فدرال در ابوظبی، خاندان آل نهیان، ایران را تهدیدی بزرگ برای خود تلقی می‌کند. در حالی که دوبی، ایران را مشتری بزرگ بازرگانی خود می‌داند. (آمریکا در خلیج فارس، سامی حجار، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر تهران)

۳۷. روزنامه البیان، امارات

مسأله هسته‌ای

در مورد مواضع و دیدگاه‌هایِ شورای همکاری خلیج فارس در قبالِ مسأله هسته‌ای ایران، به این موضوع باید توجه کرد که شورای همکاری و هرکدام از ۶ عضو آن خصوصاً کشور قدرتمند، ثروتمند، بزرگ و پرجمعیت عربستان سعودی، علاقه‌مند به داشتن انرژی هسته‌ای هستند و ریاض از طرفدارانِ اصلی مجهز شدن پاکستان به سلاح اتمی به شمار می‌رود.[۱] ولی از آنجا که خود را قادر به تأمین آن در شرایط فعلی نمی‌بینند، در نهایت ترجیح می‌دهند[۲] که هیچ‌کدام از کشورهای منطقه از سلاح هسته‌ای برخوردار نباشند، و برای تحقق این استراتژی از اصل بین‌المللی (جهان عاری از سلاح هسته‌ای) استفاده می‌کنند و چون به این واقعیت تلخ در سطح روابط بین‌المللی واقفند که اجرایِ شعار فوق یعنی جهان عاری از سلاح هسته‌ای، با وجود قدرت‌های هسته‌ای عضو شورای امنیت غیرممکن است، لذا گستره این شعار را محدود به منطقه جغرافیایی خاورمیانه و خصوصاً خلیج فارس کردند و شعار خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را تبلیغ و اعلام می‌کنند،[۳] تا به این ترتیب هم اسرائیل دشمن اصلی اعراب و اسلام در خاورمیانه را خلع سلاح کنند و توازن قدرت در منطقه خاورمیانه برقرار سازند و هم از دستیابی ایران به عنوان رقیب اعراب جلوگیری به عمل آورند.

در پی دیداری که خانم رایس وزیر امور خارجه آمریکا در قاهره با وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و وزرای خارجه مصر و اردن داشت، شورای همکاری خلیج فارس بر ضرورت عاری بودن منطقه خاورمیانه، به‌ویژه منطقه خلیج فارس از سلاح‌های کشتارجمعی حتی اسرائیل تأکید ورزید و در اطلاعیه‌ای که دبیرخانه شورا در ریاض بعد از این دیدار منتشر کرد، از قول العطیه دبیرکل شورا اعلام داشت:

«مشددا علی ضروره العمل علی جعل منطقه الشرق الاوسط بمافیها منطقه الخلیج منطقه خالیه من اسلحه الدمار الشامل دون استثناء اسرائیل».[۴]

در واقع پارادوکسی در نگرش‌ها و دیدگاه‌های تحلیلی و اعتقادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد. از یک‌سو دولتمردان و استراتژیست‌های کشورهای عضو PGCC تصور می‌کنند که اگر اسرائیل خلع‌سلاح شود و زرادخانه هسته‌ای این دولت، عاری از سلاح‌های اتمی شود، توازن قدرت به نفع منطقه و اعراب تغییر می‌کند و از سوی دیگر، در صورت عدم خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل، بهتر است یکی از کشورهای مسلمان، آن‌هم کشوری نظیر ایران که دشمن اسرائیل است و تنها کشوری است که موجودیت رژیم اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و مخالفت با اسرائیل را کتمان نمی‌کند، از سلاح هسته‌ای برخوردار شود.

تقریباً از اجلاس دوازدهم به بعد در اکثر قطعنامه‌های صادره از اجلاس سران (شورای عالی) به این موضوع اشاره شد که منطقه خاورمیانه باید از سلاح هسته‌ای تهی شود:

در اجلاس دوازدهم[5]، سران شورا خواستار عاری شدن تمامی منطقه خاورمیانه از هر نوع سلاح کشتار جمعی اعم از سلاح اتمی، شیمیایی و میکربی شدند.

در اجلاس شانزدهم[6]، شورای عالی از وجود سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خلیج [فارس] که امنیت منطقه را مورد تهدید قرار می‌دهد، ابراز

نگرانی شدید کرد و خواستار آن شد که منطقه خاورمیانه از جمله منطقه خلیج [فارس] تبدیل به منطقه‌ای عاری از هر نوع سلاح کشتار جمعی اعم از هسته‌ای، میکربی و شیمیایی شود و انهدام سلاح‌های کشتار جمعی عراق باید گام نخست برای تخلیه کل منطقه از این سلاح‌ها بر اساس روح قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت و بیانیه صادره از اجلاس ۱۹۹۲/۱/۳۱ سران کشورهای عضو شورای امنیت باشد. همچنین خواستار انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از گسترش تکنولوژی مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی شد.

در اجلاس هفدهم[۷]، شورای عالی از اسرائیل خواست به معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای بپیوندد و نظارت بازرسان بین‌المللی وابسته به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر تأسیسات هسته‌ای اسرائیل را مورد تأکید قرار داد.

در اجلاس هیجدهم[۸]، شورای عالی از بروز اختلافات میان عراق و سازمان ملل درخصوص مخفی سازی سلاح‌های کشتار جمعی و عدم انهدام آنها ابراز نگرانی کرد و حمایت خود را از کمیته ویژه پاکسازی عراق از سلاح‌های کشتارجمعی اعلام نمود.

در اجلاس بیست و دوم[۹]، سران شورا مجدداً از جامعه بین‌المللی درخواست کردند منطقه خاورمیانه را به منطقه‌ای عاری از هرگونه سلاح کشتارجمعی نظیر: تسلیحات هسته‌ای تبدیل کنند. شورای عالی بر این نکته تأکید کرد که اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT بپیوندد و کلیه تأسیسات هسته‌ای‌اش را در اختیار سیستم بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای IAEA قرار دهد.

در اجلاس بیست و ششم[۱۰] نیز شورای عالی از اسرائیل خواست به پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای ملحق شود و کلیه تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای قرار دهد و از جامعه جهانی خواست اسرائیل را جهت پیوستن به پیمان مزبور تحت فشار قرار دهند.

شورای عالی همچنین بر خاورمیانه و خصوصاً خلیج فارس به عنوان منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای تأکید ورزید.

با اینکه در هیچ‌کدام از قطعنامه‌های صادره از سوی سران، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نشده و با صراحت اسرائیل و زرادخانه هسته‌ای تل‌آویو را مورد نظر قرار داده‌اند، اعراب حوزه خلیج فارس در رابطه با ایران، پیوسته دو مسأله را مورد امعان نظر قرار می‌دهند:

۱ـ رقابت دیرینه و تاریخی میان ایرانیان و اعراب، از جنبه حیثیتی اعراب نمی‌پذیرند که ایرانیان بر آنان برتری داشته باشند.

۲ـ عدم اعتماد به اهداف راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس، دغدغه‌ای که همواره اسباب نگرانی دولت‌های عضو PGCC را فراهم می‌کند، این است که اگر تهران که ساحل شمالی خلیج فارس را در اختیار دارد و بر تنگه هرمز مسلط است و دولتی ایدئولوژیک و شیعی امّا غیرعرب بر آن حاکم است به سلاح هسته‌ای دست یابد، قدرت مطلق منطقه خلیج فارس خواهد شد و خواب راحت را از چشمان آنها می‌رباید و هر آنچه را که اراده کند ـ تا حد تغییر دولت‌ها در کشورهای مزبور ـ انجام می‌دهد. واقعیت این است که سران دولت‌های عرب، گرفتار دغدغه و نگرانی غیرواقعی شده‌اند که بخشی از آن مولود توهمات و رقابت‌های دیرینه عربی ـ فارسی است و بخشی دیگر در اثر القائات قدرت‌های فرامنطقه‌ای پدید آمده است. حتی اگر ایران بخواهد به قدرت برتر منطقه تبدیل شود،[11] نباید این مسأله به این شکل تلقی شود که تصمیم دارد بر سرنوشت دولت‌های عضو شورا اثرگذار باشد و یا آنها را تغییر دهد؛ زیرا هدف تهران از تفوق بر منطقه خلیج فارس این است که دست قدرت‌های فرامنطقه‌ای را از این حوزه استراتژیک کوتاه کند و در پرتو پیمان امنیت جمعی در خلیج فارس، امنیت پایدار شکل بگیرد. این امنیت جمعی، بی‌تردید، به نفع همه کشورهای منطقه است. سفرهای مکرر

مقامات دیپلماسی و نظامی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به پایتخت‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ملاقات‌ها و مذاکرات به‌عمل آمده، گویای تحریک دولت‌های فرامنطقه‌ای است. از جمله اظهارات تحریک‌آمیزی که موجب بروز نگرانی در دولتمردان کشورهای PGCC شده است، اظهارات رابرت جوزف معاون کنترل تسلیحات وزارت خارجه آمریکا در روزنامه لس‌آنجلس تایمز[۱۲] است. او می‌گوید:

«آمریکایی‌ها استراتژی هماهنگ محدودکننده‌ای را برای ایران مطرح کرده‌اند که بر اساس آن، سیستم‌های دفاعی موشکی در منطقه گسترش می‌یابد و کشتی‌ها از حمل تکنولوژی هسته‌ای مشکوک منع می‌شوند. جوزف در عربستان، این استراتژی را تشریح و تبیین کرد و به قول یکی از منابع ارشد وزارت خارجه آمریکا کشورهای منطقه خلیج فارس به این طرح آمریکا علاقه‌مندی نشان دادند».

رویکرد دولتمردان کشورهای خلیج فارس با مسأله هسته‌ای براساس بنیان‌های فکری و ساختارهای سنتی بسیار محافظه‌کارانه است.

از یک سو نمی‌خواهند به طور شدید به کشورهای غربی وابسته شوند، زیرا به اغراض آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها بی‌اعتمادند و حمایت آمریکایی‌ها از اسرائیل مورد رضایت دولتمردان عضو PGCC خصوصاً عربستان نیست و همچنین واقفند که سرسپردگی به دولت‌های غربی، موجب رشد رادیکالیسم در این کشورها می‌شود که ارکان حکومت آنها را تهدید می‌کند.

از دیگر سو علاقه‌مند نیستند با تهران در موضوع هسته‌ای وارد چالشی جدی شوند و این چالش را به نفع آینده خودشان ارزیابی نمی‌کنند.

العطیه دبیرکل PGCC بعد از ملاقات با خانم رایس اعلام داشت: «ان من حق ایران الاستخدام السلمی للطاقه النوویه تحت رقابه الوکاله الدولیه للطاقه الذریه»[۱۳]

«ایران حق دارد از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، تحت نظارت و مراقبت

سازمان انرژی بین‌المللی برخوردار شود».

همچنین مخالفت آنها با انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اعتبار آنها را در میان توده‌های عرب و مسلمانان جهان مخدوش می‌کند و با توجه به اینکه در خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل موفقیتی کسب نکرده‌اند، در مجموع کشورهای PGCC با نوعی سردرگمی مواجهند.

یکی دیگر از دغدغه‌های شورای همکاری خلیج فارس، در رابطه با مسأله هسته‌ای ایران، آلودگی محیط زیست و زباله‌های هسته‌ای است. برخی مقامات آمریکایی برای ترساندن کویت از برنامه هسته‌ای ایران و ایجاد موضع منفی به طرح موضوع خیالی زباله‌های هسته‌ای ایران پرداختند.[۱۴]

آمریکایی‌ها به مقامات کویت گفته‌اند: زباله‌های هسته‌ای ایران ازجمله نیروگاه بوشهر که به خلیج فارس ریخته می‌شود، آثار نامناسبی دارد که تا سواحل کویت نیز می‌رسد.[۱۵]

همچنین به مقامات کویتی هشدار داده‌اند که اگر زلزله‌ای در منطقه رخ دهد، زباله‌های هسته‌ای و آثار آن به کویت آسیب می‌رساند.[۱۶]

این در حالی است که طبق برنامه هسته‌ای ایران، نه تنها پسماندهای هسته‌ای نیروگاه اتمی بوشهر به خلیج فارس ریخته نمی‌شود، بلکه بنابر درخواست و پافشاری روس‌ها و کشورهای غربی، این مواد به روسیه بازگردانده می‌شود.[۱۷]

مقامات شورا و خصوصاً مقامات کویت که از زباله‌های هسته‌ای و ایجاد زلزله اظهار نگرانی می‌کنند باید به این مسأله توجه کنند که دولت ایران حتی اگر نگران سلامت مردم کویت نباشند، به سلامت مردم استان بوشهر و استان‌های همجوار که از شهروندان ایران هستند توجه دارد و براساس حقوق انسانی و شهروندی در قبال ساکنان این مناطق احساس مسئولیت می‌کند و درصورت هرگونه تغییر در مسائل ایمنی نیروگاه هسته‌ای بوشهر، اولین قربانیان و آسیب‌دیدگان آن شهروندان ایرانی هستند و ایران بدون درنظر گرفتن

جنبه‌های زیست محیطی و نکاتِ ایمنی اقدام به راه‌اندازی و بهره‌برداری نخواهد کرد.

چند تن از مقامات جمهوری اسلامی، از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر منوچهر متکی در سفرشان به کویت، رایزنی‌های گسترده‌ای با مقامات این کشور انجام دادند.

راشد عبدالله النعیمی وزیر خارجه امارات گفت: دولت‌های شورای همکاری به شدت نگران این نیروگاه و پیامدهای هرگونه رویداد ناگوار در آنجا هستند.[۱۸]

متأسفانه به اعراب حاشیه خلیج فارس القاء شده که تکنولوژی اتمی در اختیار ایران از کیفیت بالا برخوردار نیست. راکتور روسی بوشهر در ساحل ایران در ۲۵۰کیلومتری کویت و عربستان سعودی و ۳۵۰کیلومتری قطر قرار دارد و در واقع، فقط یک دریا میان آنها قرار دارد و فاجعه‌ای همانند چرنوبیل، جدا از خود ایران، خسارت‌های انسانی و اقتصادی قابل‌ملاحظه‌ای به این کشورها وارد خواهد کرد. عبدالرحمن العطیه دبیرکل شورای همکاری، می‌گوید: دولت‌های شورای همکاری در صورت صلح‌آمیز بودن برنامه ایران ترسی ندارند و ما خواهان آن نیستیم که راکتور بوشهر که به ساحل ما از تهران نزدیک‌تر است، هیچ خطر و خسارتی برای ما پدید آورد.[۱۹]

در عین حال، جای خوشوقتی است که تاکنون شورای همکاری خلیج فارس درایت به خرج داده و آن‌گونه که از اظهارات مقامات عالی‌رتبه شورا برمی‌آید، تحت تأثیر القائات مقامات اروپایی و آمریکایی قرار نگرفته‌اند و فریاد و شعار تحریم را سر نداده‌اند و پا بر طبل جنگ نکوبیده‌اند و راه حل موضوع صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را در چارچوب برخوردهای سیاسی و دادن تذکر و درخواست تضمین از تهران خواستار شده‌اند. بعد از سفر خانم رایس به منطقه و ملاقات با وزرای خارجه عضو شورای همکاری، عبدالرحمن العطیه درباره مسأله هسته‌ای ایران ابراز داشت: «توکد دوما علی اهمیه التوصل الی

تسویه سیاسیه الملف النووی‌الایرانی واعطاء الضمانات الکافیه للجانب الایرانی مع توفیر سبل الرقابه الدولیه علی الانشطه النوویه فی اطار نصوص اتفاقیه خطر الانتشار النووی»[۲۰]

علت اینکه شورای همکاری خلیج فارس بر راه حل دیپلماتیک و گفت و گو و مذاکره تأکید دارد و راه‌حل نظامی‌را به ظاهر بر نمی‌گزیند این است که:

۱ـ ایران نه افغانستان است و نه عراق

۲ـ جنگ محدود به ایران نخواهد بود، بلکه تبدیل به جنگی‌فراگیر خواهد شد که آتش آن دامن دولت‌های عضو شورا را خواهد گرفت.

۳ـ با تسلط ایران بر تنگه هرمز، احتمالاً در صادرات نفت اخلال ایجاد خواهد شد و به اقتصاد کشورهای عضو که وابستگی شدیدی به صادرات نفت دارند آسیب خواهد زد.

۴ـ همکاری با نیروهای فرامنطقه در حمله به یک کشور اسلامی و مسلمان، موجب رشد رادیکالیسم در منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس می‌شود و امنیت منطقه و امنیت داخلی آنها را مورد تهدید قرار خواهد داد.

۵ـ دولت‌های عضو شورا به خوبی آگاهند که از نظر حقوق بین‌المللی حق با ایران است و اگر حق ایران ضایع شود، بعید نیست که در آینده حق آنها نیز تباه شود.

۶ـ اگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در حمله به افغانستان توسط نیروهای ائتلاف به سرکردگی آمریکا رضایت دادند، به علت آن بود که:

الف: افغانستان مرز مشترک آبی و زمینی با آنها نداشت.

ب: در فضای بین‌المللی بعد از ۱۱ سپتامبر، هیچ‌گونه مخالفتی نمی‌توانستند ابراز دارند و خودشان هم در مظان اتهام قرار می‌گرفتند. چنانچه تا حدودی هم قرار گرفتند.

ج: حکومت طالبان از مقبولیت بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار نبود. در صورتی که در مورد ایران، هیچ یک از موارد فوق صدق نمی کند. حتی رضایت این کشورها در حمله به عراق به این لحاظ بود که بعد از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ حکومت بعثی بغداد مقبولیت خود را از دست داد و به عنوان رژیمی جابر و نمک‌نشناس معرفی شد که برای صلح و امنیت منطقه تهدید به شمار می‌رفت؛ ولی‌در مورد ایران چنین برداشت و نگرشی در هیچ‌کدام از کشورهای عضو شورا وجود ندارد و موضوع جزایر سه گانه مناقشه‌ای است میان تهران و امارات متحده عربی.

در زمینه راه‌حل دیپلماتیک، می‌توان به اظهارات ترکی الفیصل سفیر عربستان سعودی در واشنگتن در دومین اجلاس مشترک اقتصادی آمریکا و عربستان که در شهر هوستون ایالت تگزاس برگزار شد، توجه کرد که در پاسخ به پرسشی در مورد مسأله هسته‌ای ایران ابراز داشت:

«عربستان سعودی معتقد است بهترین راه برای حل مسائل هسته‌ای ایران، راه‌حل دیپلماتیک است».[۲۱]

پی‌نوشت‌ها

۱. پایگاه اینترنتی بازتاب: «دشمن درجه یک یا متحد استراتژیک ایران هسته‌ای؟»
۲. پایگاه اینترنتی بازتاب: بعید نیست شورای همکاری خلیج فارس نیز با اقدامی هماهنگ و ایجاد مرکزیتی واحد در یکی از کشورها، که احتمال آن برای عربستان بیش از دیگران است، گام واحد خود برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای را اعلام کند. این گام بدون شک نخستین و طبیعی‌ترین آثار اولیه دستیابی ایران به این تکنولوژی است.
العطیه دبیرکل PGCC در کنفرانس «تأثیرات فراگیری فناوری هسته‌ای» اعلام داشت: «برای ما پذیرفتنی نیست که در صحنه فناوری هسته‌ای که بخشی بسیار حیاتی است،محو شویم. این بخش در زمینه‌های علوم پزشکی، کشاورزی، صنعت و مهم‌تر از همه برق و انرژی کارایی دارد.»
دبیرکل خواستار یک پروژه هسته‌ای صلح‌آمیز عربی به منظور به کارگیری امکانات مختلف و پتانسیل فناوری هسته‌ای شد.
در قطعنامه اجلاس ۲۷ شورای عالی، به حق دول منطقه در داشتن انرژی هسته‌ای جهت دستیابی به اهداف صلح‌طلبانه و در چارچوب قراردادهای بین‌المللی تأکید شد و بر بررسی مشترک کشورهای عضو جهت برقراری برنامه مشترک در مورد تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای در قالب نظم جهانی نظر موافق اعلام داشت.
۳. تاکنون ۵ منطقه در جهان به عنوان مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای وجود دارند:
۱ـ اولین منطقه در سال ۱۹۶۷ در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب براساس معاهده «تلاتلولکو» ایجاد شد که همه ۳۳کشور این منطقه به این معاهده پیوسته‌اند. این معاهده تأکید می‌کند که دسترسی به هرگونه ماده اتمی مگر با اهداف صلح‌آمیز ممنوع است.
۲ـ منطقه پاسیفیک جنوبی که در سال ۱۹۸۳ معاهده آن آماده شد و در سال ۱۹۸۵ به‌نام معاهده راروتونگا (Rarotonga) به امضا رسید که شامل کشورهای استرالیا، جزایر کوک، فیجی، کریباتی، نائورو، نیوزیلند، نی‌نیو، گینه‌نو، پاپوا، جزایر سولومون، تونگا، توVالو، وانوواتا و ساموای غربی است.

۳ـ منطقه آسیای جنوب شرقی، براساس معاهده بانکوک در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت.
۴ـ منطقه آفریقا که در سال ۱۹۹۶ براساس معاهده «پلیندایا» ایجاد گردید
۵ـ منطقه قطب جنوب

۴. پایگاه اینترنت GCC
۵. دسامبر ۱۹۹۱، کویت
۶. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)
۷. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)
۸. دسامبر ۱۹۹۷، کویت
۹. دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)
۱۰. دسامبر ۲۰۰۵، ابوظبی (امارات متحده عربی)
۱۱. ایران یک ابرقدرت منطقه است
12. Los Angeles Times
۱۳. پایگاه اینترنتی GCC
۱۴. پایگاه اینترنتی بازتاب «ترساندن کویت از ایران با لولوی زباله‌های هسته‌ای»
۱۵. همان مأخذ
۱۶. همان مأخذ
۱۷. همان مأخذ
۱۸. روابط ایران با کشورهای عربی خلیج فارس: چشم‌اندازهای آینده مقاله محمدحسین حافظیان
۱۹. همان مأخذ
۲۰. پایگاه اینترنتی GCC
۲۱. روزنامة المدینه (عربستان سعودی)، شماره ۱۵۷۷۲، پنج‌شنبه، ۳ جمادی‌الآخر ۱۴۲۷ = ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶

عضویت یمن

یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز در شورای همکاری خلیج فارس، تلاش این شورا برای به عضویت درآوردن یمن است، کشوری که در خلیج‌فارس قرار ندارد و از حداقل ساحل برخوردار نیست و هزاران کیلومتر از خلیج فارس فاصله دارد و این در حالی است که دو کشور عمده خلیج فارس یعنی عراق و ایران که بیشترین ساحل را در خلیج فارس دارند (ساحل شمالی‌خلیج فارس تقریباً متعلق به ایران است)، در شورای همکاری منطقه خلیج فارس عضویت ندارند.

اولین بار در اجلاس بیست و دوم[۱]، موضوع ورود تدریجی یمن به شورای همکاری مطرح و در قطعنامه اجلاس سران عنوان شد که از این اجلاس به بعد، یمن در قسمت‌های شورای وزیران بهداری، دفتر آموزشی، شورای وزیران کار و امور اجتماعی، تورنمنت فوتبال کاپ خلیج به عضویت PGCC درآید و بعد از قراردادی که در صنعا به امضاء رسید. از اکتبر ۲۰۰۲ به مرحله اجراء درآمد.[۲]

در این زمینه دکتر عبدالقوی عبدالواسع الاریانی[۳] در آخرین روزهای مأموریتش در سفارت یمن در تهران، در مصاحبه‌ای اختصاصی با نگارنده، به پرسش‌های مربوط به رابطه یمن با شورای همکاری و امکان عضویت در

شورای مزبور پاسخ گفت:

س: رابطه کشور جمهوری یمن با شورای همکاری خلیج‌فارس را چگونه ارزیابی می‌کند؟

ج: یمن عمق راهبردی کشورهای شورای همکاری است و روابط یمن با این شورا، روندی طبیعی دارد و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است و یمن در زمینه‌های مختلف از جمله: آموزش، ورزش، امور اجتماعی و بهداشتی با شورا، همکاری‌دارد و عضویت یمن در شورا، این همکاری را بیشتر و مؤثر تر خواهد کرد.

س: آیا امکان دارد یمن به عضویت شورای همکاری درآید؟ در صورت مثبت بودن با توجه به اینکه یمن در خلیج فارس مرز آبی ندارد، آیا عضویت یمن قابل توجیه است؟

ج: به اعتقاد ما عضویت یمن در شورای همکاری، ضروری است و ان‌شاءالله شرایط و دشواری‌هایی که در برابر عضویت یمن در شورا وجود دارد، پشت سر خواهیم گذاشت، از نظر ما عدم همسایگی ما با خلیج، از اهمیت عضویت یمن در شورا نمی‌کاهد، زیرا منافع ملی و منطقه‌ای بر ضرورت گسترش تشکل‌های اقتصادی کشورهای منطقه تأکید می‌کند تا بیشترین تعداد ممکن از کشورها با هدف تأمین منافع این کشورها و گسترش همکاری با یکدیگر، گردهم آیند.

س: آیا عدم حضور دو کشور ایران و عراق نشان دهنده نقض بزرگی در شورای مزبور نیست؟

ج: یمن و عراق و ایران، جزو منطقه هستند و در هیچ نهاد منطقه‌ای نمی‌توان این کشورها را نادیده گرفت و هر چه تعداد اعضاء آن بیشتر و دامنهٔ آن گسترده‌تر شود، ابعاد بیشتر و مهم‌تری می‌یابد و شورا می‌تواند از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشورهای دیگر برای تحقق نتایج بهتر استفاده کند.[۴]

در اجلاس بیست و ششم گامی‌دیگر در جهت عضویت یمن برداشته

شد؛ به‌طوری که در قطعنامه پایانی اجلاس فوق مطالب زیر ذکر گردید:

«شورای عالی از گزارش دبیرخانه درباره روند همکاری میان شورای همکاری و جمهوری یمن و اقدامات انجام گرفته در این زمینه آگاه شد و به مسأله حمایت از تأمین مالی طرح‌های توسعه در یمن توجه کرد و همچنین بر تشکیل کنفرانسی برای تعیین فرصت‌های سرمایه‌گذاری در جمهوری یمن تأکید ورزید». [۵]

در این ارتباط، اولین کمیته فنی بررسی نیازهای مالی یمن به منظور الحاق احتمالی این کشور به شورای همکاری در ماه مه ۲۰۰۶ (اردیبهشت ۱۳۸۵) در محل دبیرخانه شورای همکاری برگزار شد و دومین نشست کمیته مزبور در جولای ۲۰۰۶ (تیرماه ۱۳۸۵) تشکیل گردید. در این اجلاس دوروزه که در شهر ریاض برگزار شد، نمایندگان وزارتخانه‌های دارایی کشورهای عضو و نماینده‌ای از وزارت برنامه‌ریزی و همکاری‌های بین‌المللی یمن حضور داشتند.

در اول مارس ۲۰۰۶ در مقر دبیرخانه شورای همکاری در ریاض وزرای خارجه کشورهای عضو PGCC با دکتر ابوبکر عبدالله القربی وزیر خارجه یمن، دیدار کردند تا نیازهای یمن را برای توسعه و سرمایه‌گذاری در سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۰۶ مشخص کنند و به دنبال آن عبدالرحمن بن حمدالعطیه در ۱۷ ـ ۱۵ آوریل ۲۰۰۶ به اتفاق هیأتی‌از دبیرخانه شورای همکاری و اعضای مؤسسه سرمایه‌گذاری خلیج [فارس] و اعضای اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و صنایع دولت‌های عضو PGCC از یمن بازدید کردند. دبیرکل شورا در این سفر ۳ روزه با علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن، عبدالقادر باجمال رئیس دولت یمن، دکتر ابوبکر عبدالله القربی وزیرخارجه و عبدالکریم اسماعیل الارحبی وزیر برنامه‌ریزی و همکاری بین‌المللی ملاقات کردند و همچنین با عبدالعزیز عبدالغنی رئیس مجلس شورا دیدار داشتند. در این دیدارها دبیرکل شورای همکاری بر حمایت صندوق توسعه در کشورهای

شورا برای پروژه‌های زیربنایی در یمن و تکمیل الحاق یمن به تعدادی از سازمان‌های اقتصادی در چارچوب شورای همکاری تأکید ورزید و بر تحکیم مناسبات برادرانه میان یمن و دولت‌های عضو GCC تأکید کرد.[۶]

ابوبکر القربی وزیر خارجه یمن در گفت و گو با روزنامه الاهرام العربی چاپ مصر اظهار داشت: «پیوستن یمن به شورای همکاری خلیج [فارس] قطعی است و این امر به نفع دو طرف است. آنچه در سال‌های ۱۹۹۰ میلادی غیرممکن می‌پنداشتیم، هم‌اکنون بسیاری از آنها، از جمله مرزبندی میان یمن و عربستان، یمن و عمان محقق شده است.

پیوستن یمن به شورای همکاری خلیج فارس به عنوان پشتوانه ثبات و امنیت در جزیرةالعرب به شمار می‌آید».

در روزهای ۸ و ۹ نوامبر ۲۰۰۶ مرکز تحقیقات خلیج فارس، سمپوزیومی در دوبی (امارات متحده عربی) جهت بررسی موضوع ورود یمن به شورای همکاری خلیج فارس برگزار کرد. در این سمپوزیوم، وضعیت فعلی و آینده روابط یمن و کشورهای PGCC در زمینه‌های استراتژیک، امنیتی، سیاسی و اقتصادی و منافع مشترک دوطرف مورد مذاکره قرار گرفت و ۴کارگاه تشکیل گردید.

در کارگاه اول، روابط تاریخی و فرهنگی میان یمن و دولت‌های PGCC مورد بررسی قرار گرفت.

در کارگاه دوم، روابط استراتژیک و امنیتی یمن و کشورهای عضو شورای همکاری مورد ارزیابی‌قرار گرفت.

در کارگاه سوم، روابط اقتصادی دو طرف بررسی شد.

و در کارگاه چهارم، وضعیت نیروی کار یمن در کشورهای PGCC و موقعیت فعلی و دورنمای آن در آینده مورد مطالعه قرار گرفت.

در دهه اول نوامبر ۲۰۰۶ وزرای خارجه و اقتصاد کشورهای عضو PGCC و یمن نشست مشترکی در صنعا برگزار کردند و نزار بن عبید مدنی

وزیر مشاور در امور خارجه عربستان، به جای سعودالفیصل وزیر خارجه، ریاست هیأت اعزامی این کشور را بر عهده داشت. در این نشست، آخرین توصیه‌های کمیته فنی و پروژه آماده‌سازی برای نشست کشورهای کمک‌کننده به یمن را بررسی کردند.

نشست کشورهای کمک‌کننده به یمن در روزهای ۱۵ و ۱۶ نوامبر ۲۰۰۶ (۲۴ و ۲۵ آبان ۸۵) در لندن با هدف ارائه کمک مالی به یمن برای اجرای یک برنامه توسعه ۵ ساله برگزار شد.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تلاش دارند با کمک به توسعه هرچه بیشتر یمن، این کشور را برای پذیرفته شدن در این شورا آماده کنند.

آمارها نشان می‌دهد که یمن برای پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس حداقل به ۲۵ میلیارد دلار کمک نیاز دارد.

در کنفرانس لندن، مسئولان دبیرخانه شورای‌همکاری، وزارت برنامه‌ریزی و همکاری بین‌المللی، بانک جهانی، حکومت بریتانیا، سازمان توسعه، سازمان ملل متحد، صندوق توسعه در کشورهای شورای همکاری و بانک اسلامی و صندوق همکاری بین‌المللی اوپک و صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی عربی برای کمک و مشخص کردن نیازهای یمن در برنامه ۵ساله سوم و سرمایه‌گذاری لازم اعلام همکاری کردند.

در اینجا لازم است به دیدگاه‌های عبدالعزیز مهنا سردبیر بخش اقتصادی خبرگزاری رسمی عربستان سعودی اشاره شود: «جمهوری یمن بخش جدایی‌ناپذیر شبه جزیره عربی و امتداد جغرافیایی طبیعی شورای همکاری به شمار می‌رود. ملت یمن را باید پاره تن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بدانیم. از همین رو پیوستن آن به این مجموعه به علت برخورداری از پایگاه‌های اجتماعی یکسان، بسیار ساده و آسان بود. اما پیوستن جمهوری یمن به این شورا به مفهوم تکمیل ساختار خارجی آن و

حصول اطمینان کامل در آینده نخواهد بود».[۷]

بااین امید که در آینده نزدیک، مقامات ارشد شورای همکاری خلیج‌فارس این ضرورت را درک کنند که عضویت ایران در شورای مزبور بر افزایش توانمندی شورای همکاری خلیج‌فارس خواهد افزود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)

۲. عبدالرحمن حمد العطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس در مصاحبه با روزنامه سعودی الوطن اعلام داشت: به دنبال تصمیم سران کشورهای شورای همکاری در اجلاس سال ۲۰۰۱ (مسقط) برای پیوستن یمن به برخی امور نظیر: بهداشتی، آموزشی و... او تصمیم دارد در اجلاس آینده که در دسامبر ۲۰۰۳ در کویت برگزار می‌شود، پیشنهادهایی جهت هماهنگی و یکپارچگی قوانین اقتصادی شورای همکاری با یمن به شورای عالی ارائه کند. (الثوره، چهارشنبه ۵ نوامبر ۲۰۰۳، شماره ۱۴۲۳۸)

۳. دکتر الاریانی تا اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی سفیر یمن در تهران بود.

۴. متن کتبی مصاحبه و پاسخ‌ها با سربرگ سفارت یمن در تهران نزد نویسنده موجود است.

۵. قطعنامه اجلاس بیست و ششم

۶. پایگاه اینترنتی مجلس التعاون الخلیجی، بیان مشترک حول زیاره معالی الامین العام المجلس التعاون للجمهوریةالیمنیه

۷. مقاله «ایران عضویت در شورای همکاری خلیج فارس»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس

فلسطین و اسرائیل

اسرائیل به عنوان غده‌ای سرطانی، بعد از جنگ دوم جهانی در دل اعراب شکل گرفت و احساسات جهان اسلام را جریحه‌دار کرد. دولت‌های عربی ۴ جنگ رسمی (۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳) را برای نابودی اسرائیل و یا وادار کردن او به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی آغاز کردند، و در هر ۴ جنگ یا با ناکامی مواجه شدند و یا به اهداف مطلوب خود دست نیافتند و در نتیجه، نوعی سرخوردگی و یأس نظامی در میان اعراب و خصوصاً دولتمردان عرب پدیدار شد.

امضای پیمان کمپ دیوید توسط انورسادات و مناخیم بگین و سپس فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و پایان عصر جنگ سرد و همچنین اشغال کویت توسط رژیم بعثی عراق، فضایی جدید در منطقه و میان اعراب به وجود آورد که منجر به برقراری رابطه میان اردن و اسرائیل و قرارداد اسلو میان دولت خودگردان فلسطین و تل‌آویو شد. طبیعی‌است که در چنین وضعیت پیش آمده‌ای دولت‌های عربی حاشیه خلیج‌فارس نمی‌توانند کاسه داغ‌تر از آش باشند. گذشته از مواضع جداگانه و انفعالی که برخی از اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس در رابطه با تل‌آویو اتخاذ کردند برای مثال: قطر و عمان با اسرائیل روابط تجاری برقرار کردند و تل‌آویو در دوحه و مسقط

دفاتر تجاری دائر کرد. شورای همکاری نیز به عنوان یک سازمان منطقه‌ای، مواضع خود را در قبال فلسطین و اسرائیل و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی در گرو موارد زیر اعلام داشت:

۱ـ عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷

۲ـ قطع کشتار مردم بی‌گناه فلسطین

۳ـ برچیدن شهرک‌های صهیونیست‌نشین که در سرزمین‌های اشغالی ساخته شده است.

۴ـ تشکیل دولت مستقل فلسطین با پایتختی قدس شریف

۵ـ پیوستن اسرائیل به پیمان NPT و منطقه خاورمیانه تبدیل به منطقه‌ای عاری از سلاح کشتارجمعی

۶ـ استقرار صلحی فراگیر و دائمی

۷ـ بازگشت آوارگان فلسطینی به وطنشان

۸ـ التزام دولت‌های عربی خلیج‌فارس به طرح صلحی که در کنفرانس سران عرب در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط ملک عبدالله ولیعهد وقت عربستان در بیروت ارائه شد

۹ـ پایبندی این دولت‌ها به کنفرانس مادرید (سال ۱۹۹۱) و طرح (صلح در مقابل زمین)

۱۰ـ اعتقاد به طرح نقشه راه[1] به عنوان اساس و پایه‌ای برای ایجاد صلح

۱۱ـ در نهایت حمایت از قطعنامه ۱۵۱۵ که در نوامبر ۲۰۰۳ توسط شورای امنیت سازمان ملل در راستای حمایت از نقشه راه و با هدف حل نزاع اسرائیلی فلسطین به تصویب رسید.

در اجلاس دوم[2]، سران شورای همکاری، ضمن پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین و کشور مُستقل فلسطینی به رهبری ساف، بر عقب‌نشینی از همه سرزمین‌های اشغالی از جمله قدس شریف تأکید ورزیدند و خواستار برچیدن

شهرک‌های اسرائیلی شدند و از عربستان خواستند که طرح صلح خـود را در مورد راه‌حل عادلانه فلسطین در دستور کار دوازدهمین کنفرانس سران عرب در مغرب قرار دهد.

در اجلاس سوم[۳]، ضمن تکرار موارد قطعنامه اجلاس دوم، از قطعنامه دوازدهمین کنفرانس سران عرب که در شهر فاس کشور مـغرب صـادر شـد، حمایت کردند و اقدامات کمیته هفت جانبه مُنتخب کنفرانس مزبور به ریاست ملک حسن دوم را مورد بررسی قرار دادند.

در اجلاس ششم[۴]، شورای عالی بر مشروعیت ساف بـه عـنوان تـنها نماینده قانونی ملت فلسطین تأکید مجدد ورزید و تجاوز اسرائیل به تونس و مقر ساف را محکوم کرد.

در اجـلاس هشـتم[۵]، سـران شـورای هـمکاری، قـیام انـتفاضه در سرزمین‌های اشغالی را ستودند و برنامه شهرک‌سازی اسرائیل در فـلسطین و تجاوز به حریم اماکن مقدسه را محکوم کردند و بـه ریـاست شـورای عـالی مأموریت دادند تا حمایت شورا از انتفاضه و مبارزات بحق مردم فلسطین علیه متجاوزان صهیونیستی را به مجامع جهانی و عربی ابلاغ کند. نـظرات اعـلام شده در کنفرانس دوازدهم سران عرب در مغرب موضع کل اعراب است.

در اجلاس نهم[۶]، شورای عالی، مصوبات اجلاس فوق‌العـاده شـورای ملی فلسطین در الجزایر مبنی بر اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی را مورد پشتیبانی قرار داد و از کشورهایی که کشور فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند، تشکر کرد و از دیگر کشورهای جهان خواست تا کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند.

همچنین شورای عالی از سخنرانی یاسر عرفات، رئیس ساف به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین در اجلاس چـهل و سـوم مـجمع عـمومی سازمان ملل قدردانی کرد.

در اجلاس دهم[۷]، سران شورا از جامعه بین‌المللی خواستند انتفاضه را

مورد پشتیبانی‌قرار دهد و عملکرد نظامی رژیم صهیونیستی را مخالف اصول حقوق بشر و عرف و پیمان‌های بین‌المللی خواندند و بر تشکیل کنفرانس بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل تأکید ورزیدند و از تصمیمات اجلاس فوق‌العاده سران عرب در دارالبیضاء در مورد انتفاضه حمایت کردند.

در اجلاس یازدهم[۸]، شورای عالی، تجاوز عراق به کویت را موجب لطمه خوردن آرمان فلسطین دانست و از قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت مبنی بر تأمین حمایت بین‌المللی از فلسطینی‌های اراضی اشغالی استقبال کرد و برپایی کنفرانس بین‌المللی صلح ویژه فلسطین را بهترین راه‌حل برای درگیری اعراب و اسرائیل دانست.

در اجلاس دوازدهم[۹]، سران شورا کنفرانس مادرید را که اکثر کشورهای عضو شورای همکاری به عنوان ناظر در آن شرکت کردند مورد تأیید قرار داد و با ابراز تأسف از مشکلات پدید آمده در مذاکرات دوجانبه اعراب و اسرائیل، ابراز امیدواری کرد مذاکراتی که در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ در واشنگتن آغاز شده از اول ژانویه ۱۹۹۲ از سرگرفته شود.

سران شورا، صلحی را عادلانه می‌دانند که براساس اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و سایر قطعنامه‌های بین‌المللی و اصل زمین در مقابل صلح باشد.

همچنین سران شورا خواستار عاری شدن تمامی منطقه خاورمیانه از هر نوع سلاح کشتارجمعی اعم از سلاح اتمی، شیمیایی و میکربی شدند.

سران شورا با ابراز انزجار از ادامه سیاست‌های نیروهای اشغالگر اسرائیل مبنی بر توسعه شهرک‌های یهودی نشین و تجاوز به حرم مقدس و شریف مسجدالاقصی و کشتار مردم بی‌گناه و افزایش قربانیان و شهدا و مجروحان و زندانیان، از مبارزات ملت فلسطین حمایت کردند.

در اجلاس سیزدهم[۱۰]، شورای عالی از ادامه شهرک‌سازی ، قتل، شکنجه و بازداشت‌های فلسطینی‌ها توسط اسرائیل اعلام انزجار کرد و از

شورای امنیت به دلیل تصویب قطعنامه ۹۹۷ که اخراج شهروندان فلسطینی را محکوم کرده بود، تشکر کرد و اجرای قرارداد چهارم ژنو را خواستار شد و از شورای امنیت تقاضا کرد از اهرم‌های خود برای بازگرداندن هرچه سریع‌تر رانده‌شدگان به فلسطین استفاده کند.

در اجلاس چهاردهم[۱۱]، شورای عالی از امضای توافق‌نامه بین ساف و اسرائیل به عنوان گام نخست در راه تحقق صلحی عادلانه برای پایان دادن منازعه اعراب و اسرائیل بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و اصل (زمین در برابر صلح) استقبال کرد و عقب‌نشینی کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی عربی به ویژه بیت‌المقدس را خواستار شد.

در اجلاس پانزدهم[۱۲]، سران شورا امضای موافقت‌نامه خودمختاری بین دو طرف فلسطینی و اسرائیلی و فعالیت‌هایی را که برای انتقال مسئولیت‌ها به حکومت غیرنظامی فلسطینی و افزایش اختیارات خودگردانی انجام گرفته بود و نیز دستیابی اردن و اسرائیل به امضای قرارداد صلح، موزد بررسی قرار دادند.

در اجلاس شانزدهم[۱۳]، اعضای شورای عالی از اجرای موافقت‌نامه صلح اردن و اسرائیل استقبال کردند. همچنین از تلاش‌های بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا برای استقرار صلحی عادلانه در خاورمیانه براساس قطعنامه‌های مراجع بین‌المللی با مرجعیت کنفرانس مادرید تشکر کردند.

شورای عالی با ابراز خرسندی از برگزاری کنفرانس اقتصادی سران خاورمیانه و شمال آفریقا در شهر امان (اردن)، اظهار امیدواری کرد که چنین کنفرانس‌هایی به روند صلح در خاورمیانه کمک کند.

در اجلاس هفدهم[۱۴]، شورای عالی از آمریکا و روسیه خواست به تلاش‌های خود برای اجرای صلحی عادلانه ادامه دهند و سیاست‌های اسرائیل را محکوم کرد و از اسرائیل خواست به توافقات به عمل آمده با حکومت خودگردان فلسطین پایبند باشد و نیروهایش را از شهر الخلیل عقب بکشاند و

زندانیان را آزاد کند و با لغو محاصره اقتصادی تحمیلی به ملت فلسطین، در برپایی کشور مستقل فلسطین کمک کند.

در اجلاس هیجدهم[۱۵]، سران شورا، خواستار بازگرداندن ساحل غربی رود اردن و آغاز مذاکرات با ساف شدند تا دولت مستقل فلسطینی در خاک ملی خود به پایتختی قدس شریف تشکیل شود و از حمایت اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو از ملت فلسطین تشکر کرد.

در اجلاس نوزدهم[۱۶]، شورای عالی از امضای قرارداد وای پلانتیشن که در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ میان اسرائیل و فلسطینیان منعقد شد استقبال کرد و تلاش‌های بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا را ستود.

شورای عالی با سیاست شهرک سازی اسرائیل و اقامت یهودیان در سرزمین‌های اشغالی عربی و توسعه مرزهای جغرافیایی شهر قدس شریف و تغییر ساختاری آن مخالفت ورزید.

در اجلاس بیستم[۱۷]، سران شورا از قرارداد شرم الشیخ میان دولت خودگردان فلسطین و اسرائیل که در ۴ سپتامبر ۱۹۹۹ به امضاء رسید، استقبال کردند و تلاش‌های اسرائیل را در تغییر ترکیب جمعیتی قدس شریف، به‌طور قاطع محکوم کردند.

همچنین از قطعنامه سران اتحادیه اروپا در ۲۵ مارس ۱۹۹۹ که حق فلسطینی‌ها را در اداره حکومت خودگردان و تشکیل دولت مستقل فلسطینی به‌رسمیت شناخته بود، تشکر کردند.

در اجلاس بیست و یکم[۱۸]، شورای عالی بار دیگر از جامعه جهانی درخواست کرد برای عاری ساختن خاورمیانه و خصوصاً منطقه خلیج‌فارس از هر نوع تسلیحات کشتارجمعی به ویژه تسلیحات هسته‌ای، تلاش کنند و بر پیوستن اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای NPT تأکید کرد و از این رژیم خواست کلیه تأسیسات هسته‌ای‌اش را تحت نظر بازرسان بین‌المللی وابسته به IAEA قرار دهد.

در اجلاس بیست و دوم[۱۹]، شورای عالی حمایت کاملش را از دولت خودگردان فلسطین و رهبر آن یاسر عرفات مورد تأکید قرار داد.

شورای عالی از سخنرانی جرج دبلیو بوش در سازمان ملل و ابراز امیدواری او از ایجاد یک دولت فلسطینی و پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطینی (مطابق قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸) استقبال کرد. شورا همچنین از سخنرانی کالین پاول وزیر خارجه آمریکا در مورد دولت فلسطینی استقبال نمود.

شورای عالی فرق گذاشتن میان مبارزه مشروع و قانونی علیه اشغال نظامی و تروریسم در همه اشکالش را اعلام داشت.

در اجلاس بیست و ششم[۲۰]، شورای عالی از تحولات به وجود آمده در صحنه فلسطین و صلح در خاورمیانه استقبال کرد و با ابراز خشنودی از عقب‌نشینی اسرائیل از نوارغزه و برچیدن شهرک در ساحل غربی رود اردن، آن را گامی در راه صلح دانست و اظهار امیدواری کرد که این روند تا عقب‌نشینی کامل از کلیه سرزمین‌های فلسطین اشغال شده ادامه یابد و امکان تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین فلسطین به پایتختی قدس شریف فراهم شود.

در این چارچوب، شورای عالی بر اجرای طرح صلحی عربی که در کنفرانس سران عرب در بیروت در ۲۰۰۲ میلادی اعلام شده بود و با قراردادهای بین‌المللی و نقشه راه انطباق داشت، تأکید دارد.

همچنین سران شورا بر ضرورت عقب‌نشینی اسرائیل از ارتفاعات جولان که متعلّق به سوریه است و در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال درآمد و نیز عقب‌نشینی از مزارع شبعا در جنوب لبنان تأکید کرد.

جدا از دیدگاه‌ها و مواضع شورا که در فوق به آن اشاره شد، کشورهای عضو را از نظر موضعگیری در مقابل اسرائیل، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:[۲۱]

۱ـ عربستان سعودی و کویت

۲ـ بحرین و امارات

۳ـ قطر و عمان

دسته اول هیچ‌گونه رابطه سیاسی و تجاری با تل‌آویو برقرار نکردند و تا زمانی که طرح معروف ملک عبدالله به اجراء درنیاید، به طور آشکار و علنی رابطه‌ای برقرار نخواهند کرد.

دسته دوم امکان دارد به طور پنهانی و جسته گریخته، روابطی داشته باشند، هرچند به آن تظاهر نمی‌کنند و علاقه‌مند به تظاهر هم نیستند.

ولی دسته سوم شامل قطر و عمان، با ادعای طرفداری از فلسطین و اعراب، هرازگاهی با مقامات ارشد اسرائیلی دیدار می‌کنند و تل‌آویو در پایتخت‌های هر دو کشور، دفاتر تجاری دائر کرده است. قطر تحت فشار کشورهای اسلامی پیش از تشکیل اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در قطر در سال ۲۰۰۰ دفتر اسرائیل را در دوحه تعطیل کرد.

در اکتبر ۱۹۹۵ میلادی معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر در شهر نیویورک با نخست‌وزیر وقت اسرائیل اسحاق رابین ملاقات کرد و بر تحکیم روابط بین طرفین تأکید ورزید.

همچنین در مراسم تدفین اسحاق رابین از بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، فقط کشورهای قطر و عمان نمایندگانی برای شرکت در این مراسم به فلسطین اشغالی اعزام کردند. تصمیم قطر به انجام معامله فروش گاز با رژیم صهیونیستی ضربه دیگری به وحدت رویه کشورهای عضو شورای همکاری در قبال تحریم اقتصادی این رژیم وارد کرد. در اکتبر ۱۹۹۵ یادداشت تفاهم فروش گاز مایع طبیعی قطر به اسرائیل بین شرکت آمریکایی Enron مجری بهره‌برداری از ذخایر گاز قطر و طرف اسرائیلی در شهر امان به‌امضاء رسید و مقرر شد این موفقیت‌نامه ظرف ۱۸۰ روز قطعی شود. طبق توافق‌نامه اولیه قرار شد از سال ۲۰۰۰ میلادی و به مدت ۲۵ سال، سالانه

۲ میلیون تن گاز مایع طبیعی به رژیم صهیونیستی فروخته شود.[۲۲]

کشور عمان نیز درصدد جلب توجه مقامات اسرائیلی به توسعه روابط علنی با این رژیم برآمد و در ملاقاتی که در سپتامبر ۱۹۹۵ بین شیمون پرز وزیر امور خارجه وقت اسرائیل و وزیر امور خارجه عمان در نیویورک صورت گرفت، طرفین تمایل خود را به توسعه همکاری در زمینه‌های آب، کشاورزی، دارو و ارتباطات ابراز داشتند. اسحاق رابین نیز با بازدید از عمان در سال ۱۹۹۴ ، روابط علنی دو کشور را به عالی‌ترین سطح ارتقاء بخشید[۲۳] وزیر امور خارجه عمان در توجیه روابط بازرگانی این کشور با رژیم صهیونیستی در آبان ۱۳۷۴ در عمان اظهار داشت: موضوع مبادلات بازرگانی و اقتصادی با اسرائیل مربوط به تجار بخش خصوصی است و آنها بر اساس منافع بازرگانی فردی خود عمل خواهند کرد.[۲۴]

البته بعد از شروع انتفاضه مسجدالاقصی در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، با حضور آریل شارون در مسجدالاقصی، گرمی روابط قطر و عمان با تل‌آویو مانند گذشته نیست.

در هر حال، اختلاف یا رقابتی که میان ریاض و دوحه در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد، در موضوع رابطه با اسرائیل و یا موضعگیری در قبال تل‌آویو نیز تظاهر می‌کند. به طوری که هرگاه عربستان سعودی مواضعی سخت‌تر در قبال اسرائیل اتخاذ می‌کند، قطر حرکتی در جهت نزدیکی با اسرائیل برمی‌دارد و عکس آن هم تا حدودی صادق است.

«بحران لبنان هر چند برای قدرت‌های بزرگی چون آمریکا بسیار درس‌آموز و عبرت‌انگیز بود، امّا درس‌های سرنوشت‌ساز و کم‌نظیری برای دو شیخ عرب یعنی شیخ حمدبن جاسم آل ثانی و سعود الفیصل وزرای خارجه قطر و عربستان داشت.

هرچند سران قطر به دلیل داشتن رابطه با رژیم اسرائیل، مورد انتقاد شدید کشورهای‌اسلامی هستند، در جنگ اخیر لبنان، رویکرد جدیدی از خود

نشان دادند و با استقرار در جبهه مخالف اسرائیل، تا حدی به حاکمیت خود آبرو بخشیدند.

اما سران عربستان سعودی که افزون بر نداشتن رابطه با اسرائیل، خود را سر خط جبهه مسلمانان قلمداد می‌کند، با ایفای نقش ستون پنجم اسرائیل در میان کشورهای مسلمان و جوسازی علیه حزب‌الله، تجربه بدی را پشت سر گذاشته و در میان اتباع عربستان و دیگر مسلمانان جهان به وجهه خود آسیب زده‌اند».[۲۵]

«در طول نبرد یک ماهه، رزمندگان مقاومت اسلامی حزب‌الله با نظامیان ارتش اسرائیل، شبکه تلویزیونی الجزیره توانست با انعکاس گسترده و پررنگ مواضع حزب الله، طرفداران بسیاری را به سوی خود جلب کند. برعکس تلویزیون العربیه و روزنامه الشرق الاوسط که بودجه خود را از حساب‌های شیوخ سعودی تأمین می‌کنند، در نقش تضعیف کننده روحیه جبهه مقاومت اسلامی ظاهر شدند و اکنون با پایان نبرد در جبهه بازنده قرار دارند».[۲۶]

در همین رابطه، وزیر امور خارجه قطر در گفت و گو با شبکه خبری الجزیره، برخی‌کشورهای عربی را به همکاری با اسرائیل برای حمله به لبنان متهم کرد.

با این همه، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، صحت و سقم اخبار و گزارش‌های فوق در آینده مشخص خواهد شد. و تا زمانی که این مطالب به اثبات نرسد، از هرگونه قضاوتی باید پرهیز کرد، زیرا نمی‌توان به جنگ رسانه‌ای اتکاء کرد و از واقعیت‌های پشت پرده غافل ماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. خارطة الطریق Road map
۲. نوامبر ۱۹۸۱، ریاض (عربستان سعودی)
۳. نوامبر ۱۹۸۲، منامه (بحرین)
۴. نوامبر ۱۹۸۶، منامه (بحرین)
۵. دسامبر ۱۹۸۷، ریاض (عربستان سعودی)
۶. دسامبر ۱۹۸۸، منامه (بحرین)
۷. دسامبر ۱۹۸۹، مسقط (عمان)
۸. دسامبر ۱۹۹۰، دوحه (قطر)
۹. دسامبر ۱۹۹۱، کویت
۱۰. دسامبر ۱۹۹۲، ابوظبی (امارات متحده عربی)
۱۱. دسامبر ۱۹۹۳، ریاض (عربستان سعودی)
۱۲. دسامبر ۱۹۹۴، منامه (بحرین)
۱۳. دسامبر ۱۹۹۵، مسقط (عمان)
۱۴. دسامبر ۱۹۹۶، دوحه (قطر)
۱۵. دسامبر ۱۹۹۷، کویت
۱۶. دسامبر ۱۹۹۸، ابوظبی (امارات متحده عربی)
۱۷. نوامبر ۱۹۹۹، ریاض (عربستان سعودی)
۱۸. دسامبر ۲۰۰۰، منامه (بحرین)
۱۹. دسامبر ۲۰۰۱، مسقط (عمان)
۲۰. نوامبر ۲۰۰۵، ابوظبی (امارات متحده عربی)
۲۱. در جریان جنگ ۳۳روزه لبنان در تابستان ۱۳۸۵ خبرگزاری‌ها و مطبوعات غربی‌و اسرائیلی و بعضاً عربی اخبار تأیید نشده‌ای از روابط و ملاقات‌های پنهانی سران برخی از کشورهای عربی خلیج‌فارس با مقامات اسرائیلی و یا سفرهای مخفی به تل‌آویو یا پایتخت‌های کشورهای عربی خلیج فارس منتشر کردند که تا زمانی که به اثبات نرسد

و رسماً اعلام نشود نمی‌توان صحّت و سقم آنها را تأیید کرد: ولاتقف مالیس لک به علم بی‌تردید کشورهای عربی‌خلیج‌فارس از سوی آمریکا تحت فشار قرار دارند تا با اسرائیل روابط تجاری و بازرگانی برقرار کنند و آن را به سطح روابط دیپلماتیک ارتقاء ببخشند.

در اواخر سپتامبر ۱۹۹۲ کشورهای خلیج فارس در پاسخ به فشار واشنگتن اعلام کردند که به تحریم ثانوی اسرائیل خاتمه می‌دهند و به این ترتیب، به منع روابط پستی و هوایی بین کشورهای خلیج فارس و اسرائیل خاتمه داده شد و اتباع خارجی که از اسرائیل دیدار کرده بودند، می‌توانستند به کشورهای این منطقه سفر کنند. (ژئوپلیتیک جدیددریای سرخ و خلیج فارس، دکتر اصغر جعفری ولدانی، ص ۲۰۹)

۲۲. سلسله مقالات خاورمیانه شناسی شورای همکاری خلیج فارس، بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، رضا پاکدامن، بهمن ۱۳۸۱، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

۲۳. عمان نخستین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که در اول اکتبر ۱۹۹۵ با اسرائیل روابط رسمی سیاسی برقرار کرد (ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دکتر اصغر جعفری ولدانی، ص ۲۱۱)

۲۴. همان مأخذ

۲۵. پایگاه اینترنتی بازتاب

۲۶. همان مأخذ

دمکراسی

بعد از ۱۱ سپتامبر فرصتی برای آمریکا فراهم شد تا برای دستیابی به اهداف سلطه‌گرانه درخاورمیانه، تقویت و اجرای دمکراسی درکشورهای خاورمیانه را مطرح کند. طرح این موضوع (که در قالب استراتژی خاورمیانه بزرگ توسط کالین پاول وزیرخارجه وقت آمریکا در انستیتوی هریتج آمریکا برای نخستین بار مطرح شد) دارای ۳ بُعد یا ۳ جنبه است که یکی از وجوه آن تحقق دمکراسی در کشورهای خاورمیانه است. استراتژی خاورمیانه بزرگ که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز شامل می‌شود، در این کشورها که در عین نزدیکی به غرب، از اصول اولیه دمکراسی غربی بیگانه‌اند، تحولاتی را موجب شد. در ابتداء حاکمان کشورهای عربی خلیج فارس پیام دمکراسی‌خواهی و انجام اصلاحات را در کشورهایشان تهدیدی برای بقای خود تصور کردند و کوشیدند باتمهیداتی امواج خروشان برخاسته از سواحل آمریکا را پشت سر بگذارند و با سوار شدن بر امواج، به موج سواری بپردازند تا فضای نامطلوب پدید آمده حساسیت خود را از دست بدهد و به‌همین مناسبت سه جلسه توسط مرکز تحقیقات خلیج[1] با همکاری CEIP[2] در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ جهت بررسی وضعیت رفرم سیاسی در کشورهای PGCC تشکیل شد و به ارزیابی عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار در

اصلاحات سیاسی در کشورهای شورای همکاری و تغییراتی که تاکنون در هرکدام از کشورها انجام گرفته است، پرداخت. جلسه نخست در سپتامبر ۲۰۰۴ برگزار شد که اجلاس مهمی برای درک بهتر از روند تغییرات سیاسی و مشکلاتی که در این کشورها پدید می‌آورند، بود.

در جلسه دوم که در ۱۶ و ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ برگزار شد به مقایسه میان عملکرد کشورهای PGCC پرداخته شد. در این جلسه اظهار شد برای تقویت فرایند اصلاحات سیاسی باید سازمان‌ها و نهادهای مدنی و شهری تقویت شوند. حتی در زمانی که قیمت نفت در بالاترین میزان قرار دارد. یعنی عاملی که می‌تواند موجب تأخیر در ساختار اصلاحات شود.

از آنجا که اصلاحات سیاسی به یک بخش کامل از فرایند توسعه در کشورهای عضو PGCC تبدیل شده است دو طرف تصمیم گرفتند به جلسات مشترک ادامه دهند و در اجلاس سوم، مباحث به طور تخصصی‌تر مطرح شد و طرفین روی عوامل داخلی و خارجی تغییر و اینکه چگونه هر کدام از عوامل داخلی و خارجی روی فرایند اصلاحات سیاسی درکشورهای PGCC نفوذگذار هستند، به مذاکره پرداختند.

در اجلاس ۲۰۰۵ برگزارکنندگان تصمیم گرفتند برای ارزیابی سیستم دمکراتیک در این کشورها فقط روی انتخابات متمرکز نشوند، بلکه به ارزیابی عوامل متعدد دیگری چون قانون اساسی، حقوق زنان، آزادی بیان و مطبوعات، فساد، شفافیت حکومتی و اداری، حقوق بشر و اصلاحات آموزشی بپردازند.

در این ارتباط، در اجلاس نوامبر ۲۰۰۶ برای بررسی عوامل داخلی تأثیرگذار بر روند اجرای اصلاحات، کارگاه‌هایی تشکیل شد و عواملی مانند سازمان و جمعیت‌های سیاسی، نهادهای مدنی، گروه‌های مذهبی و طبقه متوسط جامعه و سازمان‌هایی چون؛ پارلمان و شوراهای شهرداری مورد بررسی قرار گرفت.

یکی از نکات مورد مذاکره در اجلاس دوم (نوامبر ۲۰۰۵) بررسی عوامل بیرونی بود. از حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان عاملی برای پیشرفت اصلاحات سیاسی یاد شد، هرچند آن را به‌عنوان تنها عامل نشناختند. نظر حضّار این بود که تغییرات و اصلاحاتی که در منطقه روی می‌دهد، برخلاف ادعای آمریکا به‌دلیل خواسته‌های واشنگتن نیست.[۳] از جمله مواردی که در اجلاس نوامبر ۲۰۰۶ در ارتباط با اصلاحات سیاسی به آن پرداخته شد، تحولاتِ اقتصادی و ظهور طبقه متوسط در این جوامع بود. در این راستا در انتخابات اتاق‌های بازرگانی در شهر جده عربستان در دسامبر ۲۰۰۵ برای اولین بار ۲ زن به عضویت اتاق بازرگانی برگزیده شدند که از آن به‌عنوان نمونه ذکر شد. زیرا در تاریخ عربستان سعودی بی‌سابقه بود و این انتخابات، نموداری از همکاری طبقه متوسط جدید و هیأت حاکمه است. درحالی که هیأت‌های حاکمه تلاش دارند با شروع اصلاحات، به مسأله بیکاری جوانان و حل مشکلات اقتصادی جامعه بپردازند و موانع اساسی در پیشرفت اقتصادی را شناسایی کنند.

در اجلاس ۲۰۰۶ به این مسأله هم توجه شد که عوامل بیرونی، نقش مثبت یا منفی در اصلاحات ایفاء می‌کنند. در این اجلاس، روند اصلاحات در جهان عرب و هماهنگی آن با کشورهای PGCC مورد بررسی قرار گرفت».[۴]

در سال‌های اخیر نمونه‌هایی از دمکراسی و باز شدن فضای سیاسی در کشورهای حاشیه خلیج فارس در قالب انتخابات نیم‌بند مشاهده می‌شود. هرچند هنور با آنچه باید باشد تفاوت فاحشی وجود دارد؛ ولی به هرحال طلیعه‌ای است از دگرگونی در سیستم‌های این کشورها، که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

عمان ـ در سال ۲۰۰۳ نخستین انتخابات همگانی در عمان برگزار شد. قبل از آن، دولت حدود ۲۵٪ از شهروندان را انتخاب می‌کرد و به آنان اجازه رأی دادن در انتخابات را می‌داد و دیگران از این حق شهروندی محروم بودند.

ولی براساس قانون جدید انتخابات که در سال ۲۰۰۳ به‌تصویب رسید، محدودیت‌های قبلی تا حدی برطرف شد. به طوری که در انتخابات مزبور از میان ۵۰۰ نامزد انتخاباتی حدود ۱۵ تن زن بودند.

درحالی که مجلس شورای عمان، مجلسی مشورتی است و از اختیارات چندانی برخوردار نیست، وظیفه مجلس شورای عمان ارائه مشورت به سلطان قابوس پادشاه این کشور در زمینه‌هایی مانند: آموزش و پرورش، بهداشت و خدمات و موضوعات اجتماعی است.

مجلس حق ندارد در مورد مسائل دفاعی و سیاست خارجی و موضوعاتی که حسّاس تلقی می‌شوند، اظهار نظر کند.[۵]

کویت ـ قدمت پارلمان در کویت که هم‌اکنون ۵۰ نماینده از بین جمعیت دو میلیون و ششصد هزار نفری این کشور را در خود دارد، بیشتر از سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. در تیر ماه ۱۳۸۲ اولین انتخابات بعد از سقوط صدام حسین در عراق و دهمین دوره انتخابات مجلس در کویت برگزار شد که یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ کویت محسوب می‌شود و طی آن، نخست‌وزیری از ولیعهدی تفکیک شد؛ زیرا تا آن زمان این دو مسئولیت برعهده یک نفر از مقامات کویتی قرار داشت و در دهمین دوره انتخابات کویت، اسلامگرایان از لیبرال‌ها پیشی گرفتند.[۶]

طی آن، در بهار سال ۱۳۸۵ نیز یازدهمین دوره انتخابات برگزار شد که برای نخستین بار زنان کویت موفق شدند به مجلس کویت راه پیدا کنند و همچنین برای اولین بار زنان کویتی از حق رأی برخوردار شدند، دولتمردان کویت مُدّعیند که پارلمان جدید از کارگزاری خاندان حاکم خارج و به نهادی مُستقل تبدیل شده است و دلیل این ادعا را حادثه بعد از درگذشت امیر جابرالاحمد رئیس متوفی کویت ذکر می‌کنند که شیخ سعدعبداللّه آل صباح جانشین او شد و پارلمان به مخالفت برخاست و او را به دلیل ضعف جسمانی از این سمت برکنار کرد و صباح آل احمد آل صباح را به‌عنوان جانشین

برگزید.

بحرین ـ بعد از کویت می‌توان بحرین را ذکر کرد که آخرین انتخابات آن در آذر ۱۳۸۵ برگزار شد که صحنه‌ای از رقابت میان طرفداران دولت و گروه مخالف بود. بحرین از دو مجلس شورا و سنا تشکیل می‌شود که هرکدام ۴۰ نماینده دارد و نمایندگان مجلس سنا را امیر بحرین و نمایندگان مجلس شورا را مردم برمی‌گزینند. در انتخابات آذر ۱۳۸۵ از ۴۰ نماینده مجلس شورا ۱۸کرسی (۴۵٪) اختصاص به گروه شیعی وفاق ملی پیدا کرد و این درحالی است که در انتخابات سال ۲۰۰۲ گروه وفاق ملی انتخابات را تحریم کرده بود.

در انتخابات ۱۳۸۵ گروه المنبرالوطنی با ۷ کرسی (۱۷/۵٪) و جمعیت الاصاله (وابسته به سلفی‌ها) ۵ کرسی (۱۲/۵٪) و ۲۵٪ باقی‌مانده یعنی ۱۰ کرسی به مستقل‌ها اختصاص یافت. در این انتخابات، از ۲۰۷ کاندیدا ۱۷ تن زن بودند و در واقع، مجلس شورا جنبه مشورتی دارد و تصمیم گیرنده اصلی مجلس سناست که نمایندگان آن از سوی امیر منصوب می‌شوند و مصوبات مجلس شورا را رد یا تأیید می‌کنند. همزمان، انتخابات شوراهای شهر نیز برگزار شد. از آنجا که ۷۰٪ جمعیت ۷۰۰ هزار نفری بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و حکومتگران و دولتمردان از اهل تسنن هستند، بنابر این، حکومت بحرین در سال‌های اخیر برنامه جنجالی اعطای تابعیت به کارگرانی که از کشورهای عربی روانه بحرین می‌شوند را به اجراء درآورد که از دیدگاه تحلیلگران، هدف اصلی این برنامه کاهش میزان تفاوت جمعیتی میان شیعیان و سنی‌ها می‌باشد[۷] اعضای پارلمانی جمعیت الوفاق ملی از حضور در جلسه پارلمان در روز سه‌شنبه ۸۵/۹/۲۸ (۱۹ دسامبر ۲۰۰۶) که به منظور انتخاب رئیس و نواب مجلس تشکیل شد خودداری کردند و همچنین در جلسه افتتاحیه پارلمان جدید در روز جمعه ۸۵/۹/۲۴ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۶) شرکت نکردند؛ زیرا از نظر این جمعیت، با توجه به اینکه ۴۵٪ کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد، دولت بحرین در اقدامی غیر دمکراتیک و با همکاری برخی

نمایندگان هوادار سعی دارد کرسی ریاست مجلس و سایر مسئولیت‌های حساس مجلس را همچنان در اختیار داشته باشد[۸]. ولی برای اولین بار در کابینه جدید یک عضو شیعی به نام جواد ابن سالم العریض که از وزیران سابق شیعه بحرین بود، به سمت معاون نخست‌وزیری بحرین منصوب شد. کابینه بحرین متشکل از ۲۳ وزیر است.[۹]

عربستان سعودی ـ در میان کشورهای اسلامی و عربی و به‌ویژه کشورهای عربی خلیج فارس، عربستان سعودی از ویژگی‌هایی برخوردار است. این کشور که فاقد احزاب سیاسی است، در سال‌های اخیر با دو جریان سیاسی مواجه شد:

۱ـ اصلاح‌گرایان که خواهان گشودن فضای سیاسی و تشکیل نهادهای منتخب و انتخابات گوناگون هستند.

۲ـ سنت‌گرایان و سلفی‌ها که می‌کوشند در فضای به وجود آمده از فرصت انتخابات برای در اختیار گرفتن کانون‌های قدرت بهره‌مند شوند.

در سپتامبر ۲۰۰۳، ۳۰۰ نفر از روشنفکران عربستان و متعاقب آن در دسامبر ۲۰۰۳ حدود ۱۰۰ نفر از شخصیت‌های اجتماعی و فرهنگی این کشور، با امضای توماری خطاب به ملک عبدالله ولیعهد وقت عربستان، خواستار انجام اصلاحات سیاسی و قضایی در این کشور شدند و خواستار آن شدند که از نفوذ تندروهای مذهبی در میان مردم جلوگیری کند. امضاکنندگان ظهور گرایش‌های افراطی دینی را به فقدان مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی نسبت داده‌اند. در این تومار، خواستار تأسیس یک مجلس قانونگذاری منتخب مردم، ایجاد یک قوه قضائیه مستقل و اعطای حقوق برابر به زنان شده‌اند.

امضاکنندگان تومار، فقدان حکومت دمکراتیک و حق مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی را باعث ناخرسندی آنان از حکومت و گرایش به گروه‌های افراطی بر شمردند.

عربستان سعودی، فاقد قانون اساسی است. هر چند در سال ۱۹۹۳ قانونی به تصویب پادشاه رسید که در آن، برای اولین بار حقوق و مسئولیت‌های دولت تا حدودی تعریف شد.

پادشاه عربستان سعودی، که به انتخاب اعضای خاندان سعودی و معمولاً براساس ارشدیت سنی به این مقام می‌رسد، ریاست کشور و ریاست دولت را توأماً در دست دارد.

ولیعهد سعودی، معمولاً باعنوان نایب اول نخست‌وزیر، وظایف اجرایی را ایفاء می‌کند.

عربستان فاقد مجالس قانونگذاری منتخب مردم است و ۱۲۰ عضو مجلس شورا به مدت چهار سال توسط پادشاه (مَلک) به منظور ارائه مشورت به وی منصوب می‌شوند. اما در اموری مانند تعیین یا نظارت بر اقدامات دولت نقشی ندارند.

قوه قضائیه عربستان، به استثنای محاکم خاص مربوط به امور شرکت‌ها، براساس قوانین شریعت عمل می‌کند.[۱۰]

در فوریه ۲۰۰۵ انتخابات شوراهای محلی در عربستان برگزار شد که زنان حق رأی نداشتند و نیمی از اعضای شوراها انتخابی و نیمی دیگر انتصابی بودند؛ ولی سنت‌گرایان توانستند آرای بیشتر را به خود اختصاص دهند. سنت‌گرایان علاوه بر شهرهای مکه و مدینه و ریاض در مدرن‌ترین شهر عربستان یعنی جدّه نیز موفقیت‌های چشمگیری کسب کردند.

قطر ـ اگرچه قطر در بعضی زمینه‌های سیاسی، تبلیغاتی و رسانه‌ای نوآوری دارد و با راه‌اندازی شبکه الجزیره تحوّلی درحوزه رسانه‌ای جهان عرب پدید آورده و نگاه جهانیان را به خود جلب کرده است، ولی مهم‌ترین انتخاباتی که در این کشور برگزار شد، در سال ۲۰۰۳ بود که در آن، ۹۶/۶٪ مردم بومی قطر شرکت کردند و به اجرای قانون اساسی و برگزاری انتخابات رسمی مجلس رأی دادند؛ ولی انتخابات مجلس که ۴۵عضو دارد و ۳۰ عضو

آن توسط شهروندان انتخاب و ۱۵ عضو دیگر توسط امیر قطر منصوب می‌شوند.

امارات متحده عربی ـ این کشور که می‌کوشد از کاروان و زنجیره انتخابات در کشورهای عربی خلیج فارس عقب نماند، با تشکیل شورایی ۴۰ نفره که فقط جنبه مشورتی دارد و هیچ اختیاری در زمینه قانونگذاری ندارد، وارد گردونه دمکراسی‌خواهی شده است. نیمی از شورای ۴۰ نفره از طرف مردم و نیم دیگر از سوی حکومت منصوب می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gulf Research center

2. Carnegie Endowment for International peace

۳. آمریکا در ابتدا تصور می‌کرد با اصرار بر دمکراسی و انتخابات می‌تواند نیروهای وابسته به خودش را در رأس قدرت در کشورهای منطقه قرار دهد و ژست طرفداری از دمکراسی به خود گرفت، ولی نتیجه انتخابات در فلسطین که موجب روی کار آمدن حماس شد و یا در مصر و بحرین که گروه‌های مخالف حاکمیت کرسی‌های پارلمان را در اختیار گرفتند، سبب شد که آمریکا در ژست دمکراسی خواهی خود تجدیدنظر کند. به قول صاحب نظران و کارشناسان سیاسی، ایالات متحده پیش از این تصور می‌کرد که اصلاحات در منطقه باعث به قدرت رسیدن نیروهای حامی آمریکا می‌شود، اما اکنون سران کاخ سفید به این نتیجه رسیده‌اند که سروکله زدن با دیکتاتورها و مستبدان بسیار راحت‌تر از مذاکره با احزابی چون اخوان المسلمین است. علاوه بر این، در زمانی که آمریکا به دنبال جلب حمایت مصر برای حل مناقشه فلسطین و اسرائیل است و امید دارد که شیخ نشین‌های خلیج فارس در منزوی ساختن ایران به کاخ سفید کمک کنند، نمی‌تواند از آنها انتخابات آزاد و اصلاحات سیاسی را درخواست کند. (روزنامه اعتماد ملی، دوشنبه ۸۵/۱۱/۳۰)

۴. پایگاه اینترنتی GCC نخست عنوان Identifying Drivers of political Reform in the GCC Countries

۵. پایگاه اینترنتی BBC

۶. خبرگزاری مهر

۷. روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۸۵/۸/۲۷

۸. پایگاه اینترنتی بازتاب

۹. همان مأخذ

۱۰. پایگاه اینترنتی BBC

زنان در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

با وجود آن که دین اسلام برای حقوق زنان اهمیت فراوانی قائل است، ولی نگاه سنتی اعراب به زن نگاهی متفاوت است. البته این موضوع اختصاص به اعراب حوزه خلیج‌فارس ندارد، ولی این نگاه در اعراب منطقه تا حدودی شدیدتر به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، زنان عرب نیز به لحاظ بافت سنتی منطقه، کمتر برای احقاق حقوق تضییع شده خود گامی برمی‌دارند. در برخی کشورهای عربی، زنان زودتر به عرصه تحولات اجتماعی پیوستند. ولی در ۶کشور عربی شورای همکاری خلیج‌فارس، مرحله گذار از جامعه بسته و سنتی به مرحله نوین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، با کندی انجام می‌پذیرد. با این حال، تحولات جهانی و منطقه‌ای در سال‌های اخیر، حکومت‌های عضو PGCC را وادار ساخته است تا تغییراتی در این زمینه پدید آورند و زنان را وارد تحولات اجتماعی کنند. در بین ۶ کشور، سرعت ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی، یکسان و همزمان نیست. برای مثال در بحرین و تا حدودی کویت با سرعت بیشتر در حال رخ دادن است و در پاره‌ای دیگر از این کشورها ورود خانم‌ها به عرصه تحولات اجتماعی کندتر است. در یک نگاه اجمالی می‌توان گفت زنان، در کشوری مانند بحرین، نسبت به سایر کشورهای شورای همکاری سریع‌تر وارد تحولات اجتماعی شده‌اند و کشوری

نظیر عربستان‌سعودی که بافت سنتی دارد، دیرتر به این تحولات خواهد پیوست.

اولین زنی که توانست در کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس برمسند قضا قرار گیرد، مونا جاسم الکواری در کشور بحرین است که به دستور شیخ حمدبن عیسی آل خلیفه در این مسئولیت قرار گرفت. در بحرین ۲ تن از زنان نیز به وزارت منصوب شده‌اند: فاطمه البلوشی به وزارت امور اجتماعی و ندا حفاظ به وزارت بهداشت منصوب شده‌اند.

در این کشور زنان برای اولین بار در همه‌پرسی سال ۲۰۰۱ در مورد برقراری دمکراسی به پای صندوق‌های رأی رفتند و بدین‌گونه، ۶ زن در یک شورای مشورتی انتصابی‌حضور یافتند و همچنین خانم راشدالخلیفه به عنوان رئیس شصت و یکمین نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل برگزیده شد و طول دوره ریاست او یک‌ساله است (از شهریور ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶).

انتخابات بحرین قرار است در اواخر سال ۲۰۰۶ برگزار شود و مشخص خواهد شد که آیا زنان نیز می‌توانند به پارلمان راه یابند یا نه؟[1]

در کشور امارات متحده عربی ۲ زن در سمت وزارت فعالیت می‌کنند: خانم مریم الرومی وزیر امور اجتماعی و خانم لبنا القاسمی در سمت وزیر مشاور امور اقتصادی که اولین وزیر زن در کابینه امارات محسوب می‌شود.

در کشور عمان ۳ وزیر زن در کابینه فعالیت می‌کنند که سومین آنها در اکتبر ۲۰۰۴ وارد کابینه شد.

در سال ۲۰۰۵ اولین وزیر زن به نام خانم معصومه المبارک وارد کابینه کویت شد که حضور او را می‌توان اولین گام برای راهیابی زنان به عرصه تحولات اجتماعی و سیاسی کویت تلقی کرد.

در ماه مه ۲۰۰۵ (اردیبهشت ۱۳۸۴) نمایندگان پارلمان کویت (مجلس‌الامه) که از ۵۰ نماینده تشکیل می‌شود، در یک دوره ۴ ساله با رأی مستقیم مردم برگزیده شدند و بدین‌گونه زنان این کشور اجازه یافتند تا به طور

قانونی از حقوق کامل سیاسی بهره‌مند شوند. براین اساس، در انتخابات پارلمانی سراسری سال ۲۰۰۶ نیز زنان می‌توانند کاندیدا شوند.

با این حال، در انتخابات شورای شهر که در ۱۵ فروردین ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) در کویت برگزار شد، برای اولین بار ۲ زن در منطقه سلیمه واقع در ۱۵ کیلومتری شرق پایتخت به اتفاق ۶کاندیدای مرد به رقابت برخاستند. در این حوزه ۲۸ هزار واجد شرایط رأی دادن بودند که ۶۰٪ آنان را زنان تشکیل می‌دادند. یکی از ۲ کاندیدای زن ۳۲ ساله و مهندس شیمی و مسئول بخش آزمایشگاهی غذایی در شهرداری کویت است و دیگری یک پزشک فارغ‌التحصیل از آمریکا که مادر ۸ فرزند است.

دولت کویت برای اولین بار در تاریخ این کشور، ۲زن را به عنوان اعضای شورای شهرداری انتخاب کرده بود، شورای شهرداری کویت ۱۶ عضو دارد که ۶ تن از آنها از جمله ۲ زن انتصابی بودند و ۱۰ عضو دیگر توسط مردم برگزیده می‌شوند.

در حال حاضر ۴ کشور از ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس (کویت، بحرین، عمان و قطر) به زنان حق رأی اعطا کردند.

در عربستان سعودی، زنان از شرکت در انتخابات شهرداری‌های عربستان که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، منع شدند. ولی برای اولین بار در انتخابات اتاق بازرگانی شهر جدّه ۲ زن تاجر به پیروزی دست یافتند که یکی از آنها خانم لاماآل سلیمان است که بعد از انتخاب شدن گفت: «من خیلی خوشحالم، اما همچنان متعجب و شگفت‌زده هستم». در عربستان، رانندگی برای زنان ممنوع است و در فروردین ماه ۸۵ (۲۰۰۶) زنی که به همراه همسرش در یکی از خیابانهای فرعی در شرق ریاض در حال رانندگی بود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

در این رابطه محمدآل زلفه یکی از نمایندگان مجلس عربستان سعودی موضوع لزوم اعطای حق رانندگی به زنان را مطرح کرد که با مخالفت شدید

برخی از مقامات این کشور روبرو شد.

شاهزاده سلطان، ولیعهد عربستان سعودی، صدور گواهینامه برای زنان درعربستان سعودی را منوط به موافقت مردان دانست.

براساس نظرسنجی روزنامه عکاظ در عربستان ۶۰٪ سعودی‌ها با رانندگی زنان موافق هستند.

در سال ۱۳۸۴ برای نخستین بار به زنان عربستان اجازه داده شد تا در یک نمایشنامه زنانه که بینندگان آن فقط زنان باشند، شرکت کنند.

طبق آمار وزارت بازرگانی عربستان سعودی، هر زن در این کشور سالانه یک کیلوودویست گرم طلا، سنگ‌های قیمتی، مروارید و الماس می‌خرد و بنا به گزارش دویچه‌وله آلمان، مبلغی که زنان عربستان در سال گذشته (۲۰۰۵) برای زینت و آرایش خود خرج کرده‌اند، بالغ بر ۸ میلیارد ریال سعودی (معادل یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو) است.[۲]

ولی در امارات عربی متحده و در امیرنشین رأس‌الخیمه یک زن به نام آیدا سلطان (۳۲ ساله) براساس قانونی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، برای اولین بار راننده تاکسی شد. به گفته روزنامه عربی زبان البیان و روزنامه انگلیسی زبان خلیج تایمز، شورای شهر رأس‌الخیمه به زنان اجازه داد به عنوان راننده تاکسی به مسافرانی که از سوار شدن به اتومبیل‌هایی که مردان هدایت آن را برعهده دارند خودداری می‌کنند، خدمات ارائه دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در انتخابات پارلمانی بحرین که در آذر ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) برگزار شد، یک زن موفق شد به پارلمان ۴۰ نفره بحرین راه پیدا کند.

۲. اطلاعات، ضمیمه اقتصادی، سه‌شنبه ۸۵/۶/۲۸

اختلاف کشورهای ساحلی خلیج فارس

کشورهای ساحلی خلیج‌فارس، از نظر مرزی دارای اختلافات ارضی هستند. «در میان هشت کشور ساحلی، حدود ۲۳ اختلاف سرزمینی وجود دارد».[۱]

در بسیاری از مناطق، نقاط مرزی کاملاً مشخص نیست و همین مسأله موجب ادعاهای کشورهای همسایه می‌شود به نظر بسیاری از کارشناسان سیاسی منطقه، بخشی از اختلافات، ناشی از دوران استعماری انگلیس است. زیرا یکی از شگردهای استعمارگران انگلیسی، نامشخص گذاشتن نقاط مرزی به طور دقیق در زمان استقلال بود تا بتوانند دستاویزی برای تحریک و درگیری کشورها داشته باشند. البته سازمان‌های همکاری منطقه‌ای که در جهت همگرایی گام برمی‌دارند، می‌توانند به حل مناقشات کمک کنند.

دکتر عبدالقوی عبدالواسع الاریانی سفیر سابق یمن در تهران در این باره چنین می‌گوید:

«بدون تردید، هرگونه اختلاف مرزی یا سیاسی میان کشورهای عضو، بر روند همکاری تأثیر منفی می‌گذارد. اما عضویت این کشورها در شورا می‌تواند اختلاف‌ها را حل کند. زیرا دیگر اعضاء می‌توانند در این رابطه تلاش کنند و هرکشور مسئولانه، برای تقویت همبستگی و همکاری در زمینه‌هایِ

مختلف تلاش کند. شورای همکاری نقش فعالی در این زمینه برعهده دارد».

در زیر، به مواردی از اختلافات کشورهای ساحلی خلیج فارس پرداخته می‌شود:

عربستان سعودی ـ قطر

یکی از جدی‌ترین درگیری‌های مرزی و ارضی بین ریاض و دوحه وجود دارد که هرازگاهی اوج می‌گیرد و موجب بروز تنش میان دو کشور می‌شود. به طوری که در اوت ۱۹۹۲ بین دو کشور درگیری مسلحانه رخ داد و یک سعودی و ۲ قطری کشته شدند و در نوامبر همان سال (۱۹۹۲) قطر شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزیران را تحریم کرد. اگر چه در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲ ریاض و دوحه تصمیم گرفتند که موافقت‌نامه ۱۹۶۵ را به اجرا درآورند و چند کیلومتر از خاک عربستان به قطر تعلق بگیرد.

از سال ۱۹۶۵ تاکنون، دو کشور در نقطه «ابوالخفوس» درگیری دارند.همچنین جزیره «حالول» نیز از موارد اختلاف ریاض و دوحه است و قطر به موافقت‌نامه ۱۹۷۴ بین ریاض و امارات متحده عربی بر سر «خورالعدید» معترض است.

درگیری فوق همچنان ادامه دارد. به گفته پایگاه اینترنتی ایلاف وابسته به عربستان سعودی، در دیدار مشورتیِ رهبران کشورهای عضو شورای خلیج فارس که در ماه مه ۲۰۰۵ در شهر ریاض برگزار شد، مسأله برقراری آشتی میان عربستان و قطر مطرح شد و از شیخ صباح‌الاحمد الجابر الصباح خواسته شد برای آشتی ریاض و دوحه تلاش‌هایی را انجام دهد.

در آغاز سال ۲۰۰۵ دولت قطر تابعیت قطری حدود ۴۰۰۰ نفر از قبیله «بنی مره» را به اتهام دست داشتن در ناآرامی‌های سالِ ۱۹۹۷ لغو و تمامی دارایی‌های آنها را ضبط و آنها را از قطر اخراج کرد. به طوری که تعداد زیادی

از این افراد به سمت مناطق شرقی عربستان و تعداد دیگری در صحرا سکونت گزیدند. این مسأله، مورد اعتراض شاهزاده طلال بن العزیز برادر پادشاه عربستان و ریاست برنامه خلیج فارس در پشتیبانی از نهادهای رشد و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد (اجفند) واقع شد و از قطر خواست در اخراج هزاران قطری که صدها سال در آن منطقه زندگی کرده‌اند، تجدیدنظر کند.

طی توافق‌نامه‌ای که در دوحه میان اکبر الباقری رئیس هیأت مدیره شرکت هواپیمایی قطر و عابدالامری مدیرکل توافق‌های بازرگانی و امور حج شرکت هواپیمایی عربستان سعودی به امضاء رسید، قرار شد از اول فوریه سال ۲۰۰۶ خط هوایی میان دوحه و دمام برقرار شود.

اختلاف میان ریاض و دوحه، از درگیری‌های سرزمینی و ارضی فراتر رفته و وارد عرصه ساختاری شده است؛ به طوری که این دو کشور در بسیاری موارد، در سطح منطقه‌ای و بین المللی مواضعی متضاد اتخاذ می‌کنند. در حالی که عربستان سعودی به ظاهر هیچ‌گونه رابطه سیاسی و اقتصادی با اسرائیل ندارد، قطر روابطی نیمه پنهان و نیمه آشکار با اسرائیل دارد و دارای روابط تجاری با تل‌آویو است.[۲]

در اجلاس شانزدهم سران شورای همکاری، اختلاف عربستان و قطر بر سر انتخاب دبیرکل شورای همکاری شدت گرفت. کشورهای قطر و عربستان دو نفر را داوطلب این سمت کرده بودند که نماینده عربستان (ابراهیم حجیلان) با ۵ رأی موافق در مقابل رأی مخالف (قطر) به عنوان دبیرکل شورا برگزیده شد.

امیر قطر در اعتراض به انتخاب نماینده عربستان به عنوان دبیرکل شورا، اجلاس پایانی را تحریم کرد و اظهار داشت هر اجلاسی که حجیلان دبیرکل سعودی در آن حضور داشته باشد، توسط کشور قطر تحریم خواهد شد که این موضوع را به منزله خروج موقتی قطر از شورای همکاری تلقی کردند.

اگر چه سایر کشورهای عضو شورا اقداماتی را برای تعدیل موضع قطر آغاز کرده‌اند.[۳]

عربستان و امارات متحده عربی

کشور امارات متحده عربی در دسامبر ۱۹۷۱ تأسیس شد و براساس توافق جده که در سال ۱۹۷۴ میان امارات و ریاض به امضاء رسید، منطقه «واحه‌العین» در «البریمی» شامل چندین روستا و شهر العین و صحرای «الظفره»، کاملاً به امیرنشین ابوظبی تعلق گرفت. براساس این توافق، منطقه «خورالعدید» در امتداد خط ساحلی به طول ۲۵ کیلومتر بر سواحل خلیج فارس، در حد فاصل مرزهای خاکی ابوظبی و قطر[۴] به خاک عربستان افزوده شد. منطقه «خورالعدید» که علاوه بر اهمیت جغرافیایی، دارای ۸۰٪ حوزه نفتی «خیزالشیبه» با بیش از ۴ میلیارد بشکه نفت[5] و حدود ۶۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی است، از ویژگی‌های اقتصادی خاصی برخوردار است. اماراتی‌ها معتقدند توافق جده در شرایطی که کشور امارات در حال موجودیت یافتن بود، امضاء شد. همچنین امارات معتقد است عربستان برخی از مناطق «سبخه مطی» را هم تصرف کرده است.

عربستان سعودی از شناسایی امارات متحده عربی تا زمانی که ابوظبی به ادعاهای ارضی‌اش از طریق موافقت‌نامه مرزی منعقد جولای ۱۹۷۴ (جده) ادامه می‌داد، خودداری می‌کرد. نهایتاً تصویب این اسناد راه را برای هماهنگی سیاست‌های مشترک در قبال مسائلی از قبیل نفت و امنیت منطقه‌ای، هموار کرد؛ هر چند که این مسأله هنوز به طور کامل حل نشده است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که امارات متحده عربی، مرزی که مورد قبول هر دو طرف باشد ندارد و امارات متحده همچنان از مرزهای قبل از ۱۹۷۴ خود استفاده می‌کند. امارات متحده نگران آن است که عربستان سعودی مدعی آب‌های سرزمین محدوده ۲۰ مایلی شود که راهرویی بین امارات متحده و

قطر است. تقاضای عربستان سعودی در صورت چنین ادعایی بدین معنا خواهد بود که میدان‌های نفتی امارات متحده عربی در حوزه مناقشه و میدان نفتی زرکوه که امارات و قطر در آن سهیم هستند، به عربستان سعودی تعلق یابد.[۶]

از سوی دیگر امارات و قطر نیز که دارای مرزهای آبی مشترک و فاقد مرز زمینی هستند، طرح احداث پلی ارتباطی را دنبال می‌کنند. کارشناسان اظهار عقیده کرده‌اند که اگر منطقه خورالعدید که اکنون در اختیار عربستان قرار دارد به امیرنشین ابوظبی انتقال یابد، امارات می‌تواند از آن برای برقرار کردن ارتباط مستقیم و عبور دادن پل مورد نظر با قطر بهره‌گیری کند.

احداث پل ارتباطی میان ابوظبی و قطر و نیز پل ارتباطی میان قطر و بحرین امکان می‌دهد تا شهروندان دو کشور بتوانند بدون ورود به مرزهای سعودی به کشورهای هم سفر کنند.

شهروندان قطر و بحرین هم اکنون با عبور از مرزهای سعودی می‌توانند به سفر زمینی بپردازند که این امر مشکلاتی را برای این دو کشور به منظور ارتباط با جهان خارج دربرداشته است.

کارشناسان سیاسی در ابوظبی بر این باورند که مقام‌های سعودی از پیوستن قطر و بحرین به کشورهای همسایه و گشایش جغرافیایی آنها ناخرسندند.[۷]

روزنامه ریاض چاپ عربستان سعودی در ژوئن ۲۰۰۵ از قول وزیر امور خارجه امارات عربی متحده، نوشت: که قرارداد ۱۹۷۴ میان دو کشور غیرقابل اجراست و به بازنگری اساسی نیاز دارد.

در همان روزها امیر نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان پس از یک سفر سه روزه به ابوظبی به خبرنگاران گفت: غیر از پاره‌ای مسائل، چیزی برای بررسی در مورد اختلافات ارضی باقی نمانده است.

بعد از فوت شیخ زاید رئیس پیشین امارات در آبان ماه ۱۳۸۳ فرزند و

جانشین او شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان در جریان نخستین سفر به ریاض در آذر ۸۳ مسأله تجدیدنظر در توافق‌های مرزی قبلی را با مقام‌های عربستان مطرح کرد. ولی مقام‌های عربستان در پاسخ به شیخ خلیفه توافق ۱۹۷۴ جده را مطرح ساختند و موضع اصلاحات مرزی را پایان یافته تلقی کردند.

عراق ـ کویت

اختلاف عراق با کویت اختلافی دیرینه و به قدمت عمر تأسیس و اعلام استقلال کویت است. زیرا گذشته از اختلافات مرزی، اصولاً عراقی‌ها موجودیت کشوری به عنوان کویت را به رسمیت نمی‌شناسند و کویت را منطقه چهارم عراق می‌دانند (۱ـ شمال، کردنشین ۲ـ مرکز، سنی‌نشین ۳ـ جنوب و بصره، شیعه‌نشین ۴ـ کویت) ولی در خلال جنگ عراق با ایران، بغداد در سال ۱۹۸۱ اعلام کرد مرزهای بین عراق و کویت را مطابق موافقت‌نامه ۱۹۳۲ و ۱۹۶۲ به رسمیت می‌شناسد. به شرط آنکه کویت جزایر «وربه» و «بوبیان» را به عراق اجاره دهد تا عراق از این جزایر به عنوان پایگاه برخوردار شود و کویت موافقت کرد زیرا برای کویت قبول موافقت‌نامه‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۶۲ حائز اهمیت فراوان بود. ولی عراق بعد از پایان جنگ با ایران، جزایر «وربه» و «بوبیان» را همچنان در اختیار داشت که مورد اعتراض کویت واقع شد. ولی بهانه عراق برای اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰ این بود که کویت در زمان جنگ عراق با ایران ۷۵ کیلومتر در خاک عراق پیشروی داشته است.

بحرین ـ قطر

دو کشور کوچک و کم جمعیت بحرین و قطر بر سر مسائل مرزی نیز با هم درگیری دارند که گاه دامنه مناقشات اوج می‌گیرد تا جایی که یک بار بحرین تصمیم گرفت به دیوان دادگستری بین‌المللی شکایت کند که با میانجیگری کشورهای عضو شورای همکاری این اقدام متوقف شد. این

درگیری‌ها به دلیل ادعاهایی است که هر کدام ابراز می‌دارند. ازجمله: جزیره «حوار» که در ۲۰ کیلومتری بحرین و ۲ کیلومتری قطر واقع است و دولت بحرین مصمم است حاکمیت خود را بر جزایر «حوار» و «زباره» تثبیت کند و نیروهای نظامی خود را در آنجا مستقر سازد. در مارس ۱۹۸۲ بحرین یک کشتی جدید نیروی دریایی خود را به نام «حوار» نامگذاری کرد و بر حساسیت قطر افزود و دوحه تحرکات منامه را محکوم کرد و موجب برخوردهای نظامی شد و متقابلاً قطر نیز آب‌های سرزمینی خود را به ۴۴ کیلومتر (مشرف بر ۱۰ جزیره کوچک تحت قیمومت بحرین) گسترش داد و بحرین نیز به تصمیمات قطر اعتراض کرد و به این ترتیب، فضایی آکنده از سوءتفاهم پدیدار شد که همچنان ادامه دارد.

عمان ـ امارات متحده عربی

دو کشور عمان و امارات نیز مانند سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از نظر مرزهای سرزمینی اختلاف دارند. عمان خواهان راهی است که آن کشور را به شبه جزیره «مسندام» از طریق «فجیره» و «شارجه» وصل می‌کند و امارات مخالف این درخواست عمان است و این اختلاف، به درگیری مسلحانه در سال ۱۹۷۹ بین دو کشور انجامید؛ به طوری که عمان تا ماه مه ۱۹۹۱ از برقراری روابط کامل دیپلماتیک با امارات خودداری می‌ورزید و همچنین در برخورد مسلحانه‌ای که در نوامبر ۱۹۹۲ بین دو طرف رخ داد، چند نفر از دو کشور کشته شدند.

ایران ـ امارات متحده عربی

در قسمت موضع شورای همکاری در روابط با ایران توضیح داده شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، جلد اول
۲. سایت بازتاب
۳. سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، شورای همکاری خلیج فارس بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، رضا پاکدامن، بهمن ۱۳۷۵، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
۴. تقریباً ابوظبی را از خاک قطر جدا می‌کند
۵. برخی آمارهای غیررسمی بین ۱۵ میلیارد تا ۱۹ میلیارد بشکه نفت را برآورد می‌کنند
۶. الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، ص ۲۸
۷. ظاهراً عربستان به این دلیل که این پل، قطر را از انزوای جغرافیایی خارج می‌کند با آن مخالفت می‌ورزد

منابع و مآخذ

کتاب‌ها

آسایش زارچی، محمدجواد، ثبات در پرتو همکاری‌های منطقه‌ای

ابراهیمی‌فر، طاهره، الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چاپ اول ۱۳۸۱

استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۱

امامی، محمدعلی، عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ۱۳۸۰

امامی، محمدعلی، عوامل تأثیرگذاری خارجی در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چاپ دوم ۱۳۸۳

امان‌زاده، زهرا، علل تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مقطع کارشناسی ارشد پاییز ۱۳۶۹

پاکدامن، رضا، سلسله مقالات خاورمیانه شناسی شورای همکاری خلیج‌فارس، بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۱۳۷۵

جعفری ولدانی، اصغر، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چاپ اول ۱۳۸۱

حافظیان، محمدحسین، روابط ایران با کشورهای عربی خلیج فارس چشم‌انداز آینده

حجار، سامی، چالش‌ها و چشم‌اندازهایِ آمریکا در خلیج‌فارس، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران ۱۳۸۱
خاطرات زبیگنیو برژینسکی (مشاور امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۸۱ـ۱۹۷۷) ترجمه مرضیه سافتیان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ۱۳۷۹
دلاژ، الیویه ـ گریزبک، ژرار، توفان خلیج فارس، ترجمه دکتر اسدالله مبشری و دکتر محسن مویدی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۶
روشندل، جلیل ـ سیف‌زاده، سیدحسین، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج‌فارس، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۱۳۸۲
سلامه، مُعتز، التفاعلات خلیجیه ۲۰۰۲ ـ ۲۰۰۱ فی التقریر الاستراتیجی الخلیجی شارجه، دارخلیج للصحافة و الطباعه الطبعة الاولی بنابر ۲۰۰۲
علی‌عبید، نایف، مجلس التعاون لدول الخلیج... من‌التعاون الی التکامل مرکز دراسات الوحدة العربیه بیروت، فیرابر ۱۹۹۶
فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۸۰، وزارت خارجه
فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۲
قاسمی نراقی، علی‌اصغر، شورای همکاری خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۸
کیسینجر، هنری، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱ ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر تهران
گازیوروسکی، مارک ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا چاپ دوم، ۱۳۷۳
گزیده تحولات جهان، شماره ۱۲، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
گزیده تحولات جهان، شماره ۲۶، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
گزیده تحولات جهان، شماره ۱۳، ویژه حمله آمریکا به عراق، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، سال ۱۳۸۲
مجتهدزاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج‌فارس، ترجمه و تنظیم حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه،

چاپ چهارم ۱۳۸۰
مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، اسفند ۱۳۸۳، جلد اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، اسفند ۱۳۸۳، جلد دوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج‌فارس، آذرماه ۱۳۷۳، مرکز مطالعات خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، خلیج‌فارس و تحولات منطقه‌ای پس از اشغال عراق، بهمن ۱۳۸۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، (خلیج‌فارس، آسیا در پرتو تحولات جدید جهانی)، اسفند ۱۳۸۰، مرکز مطالعات خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، بهمن ۱۳۷۸، مرکز مطالعات خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، خلیج‌فارس، در پرتو دگرگونی‌های جهانی و تحولات منطقه‌ای، اسفند ۱۳۸۱، مرکز مطالعات خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، جایگاه خلیج‌فارس در مناسبات جدید جهانی، دی ۱۳۷۹، مرکز مطالعات خلیج‌فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
محمدالعجمی، ظافر، امن الخلیج... نظورة و اشکالیاته من منظور العلاقات الاقلیمیه و الدولیه، مرکز دراسات الوحدة العربیه بیروت مارس ۲۰۰۶
مقالات ارائه شده به شانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج‌فارس، شهریور ۱۳۸۵
منصوری، جواد، آمریکا و خاورمیانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
نادرپور، بابک، استراتژی شوروی در منطقه خلیج‌فارس، ۸۹ـ ۱۹۷۹ پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مقطع فوق لیسانس ۱۳۷۰
نعیمی ارفع، بهمن، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج‌فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ۱۳۷۰

قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی

بیانیه‌های اجلاس‌های وزرای خارجه کشور عضو شورای همکاری

پایگاه اینترنتی بازتاب

پایگاه اینترنتی مجلس التعاون الخلیجی WWW.gcc. sg.ong

پایگاه اینترنتی B.B.C

پایگاه اینترنتی مرکز الخلیج للابحاث WWW.grc.ae

قطعنامه‌های اجلاس‌های سران شورای همکاری از اجلاس اول تا اجلاس بیست و ششم

نشریات

خبرگزاری ایرنا

خبرگزاری ایسنا

خبرگزاری مهر

روزنامه اسرار

روزنامه اطلاعات

روزنامه اعتماد ملی

روزنامه البیان امارات

روزنامه الثوره یمن

روزنامه الجزیره عربستان سعودی

روزنامه الحیات لندن

روزنامه الشرق قطر

روزنامه المدینه عربستان سعودی

روزنامه ایران

روزنامه ایران نیوز

روزنامه پول

روزنامه تازه‌های اقتصاد

روزنامه خراسان

روزنامه خلیج تایمز امارات

روزنامه دنیای اقتصاد

روزنامه شرق
روزنامه کیهان
روزنامه همشهری
گزارش اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (گروه مطالعات بین‌الملل)
مجله الدعوه عربستان سعودی
نشریه ملت
همشهری دیپلماتیک